

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر

رهنمودنامه‌ای برای دست اندرکاران

تالیف:

پروژه‌ی تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر

پروژه‌ای از:

مرکز قربانیان شکنجه

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر

رهنمودنامه‌ای برای دست اندرکاران



تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر

رهنمودنامه‌ای برای دست اندرکاران

تالیف:

پروژه‌ی تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر

پروژه‌ای از:

مرکز قربانیان شکنجه





پروژه‌ی تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر

پروژه‌ای از مرکز قربانیان شکنجه

717 East River Road
Minneapolis, MN 55455
USA
+16124364800
www.cvt.org
www.newtactics.org

این کتاب توسط «خانه‌ی آزادی» (www.freedomhouse.org) به منظور استفاده در تارنمای گذار، چشم‌اندازی برای حقوق بشر و دموکراسی در ایران از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

نویسندگان و ویراستاران: تریشا کورنل، کیت کلش، نیکول پالاز

طراحی: ماتیو ریزاک، MCAD DesignWorks

طراحی حروف چینی: لوکاتور و برایانت، اریک اولسن، Process Type Foundry

عکس: دیک بانکرافت (عکس صفحات ۲۶ و ۱۵۳ توسط آن بانکرافت)

چاپ: Friesens

سال ۲۰۰۴، حق چاپ برای مرکز قربانیان شکنجه محفوظ است.

تکثیر مجدد این کتاب به منظور فروش دوباره آن اکیدا ممنوع است. با این وجود ما گروه‌های فعال در زمینه‌های مرتبط را تشویق می‌کنیم تا به منظور توزیع رایگان مطالب این کتاب، بخش‌هایی از آن را تکثیر نمایند. این کار به پروژه‌ی تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر و همچنین به مرکز قربانیان شکنجه کمک خواهد نمود.

می‌توانید این کتاب را به صورت رایگان از این نشانی اینترنتی: www.newtactics.org دانلود نمایید. مطالب این سایت پیوسته

به روز می‌شود.

فهرست مطالب

۸	مقدمه نوشته قاضی ریچارد ج. گولد استون
۱۰	قــدردانی و سپاسگزاری
۱۲	نیاز به تاکتیک‌های جدید نوشته دوگلاس آ. جانسون
۲۰	بهره‌گیری از این کتاب به عنوان رهنمودنامه
۲۱	واژه‌های کلیدی
۲۲	درباره طرح تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر

۲۸	تاکتیک‌های پیشگیرانه
۳۰	محافظت جسمانی
۳۴	تبادل اطلاعات اساسی و مهم با دیگران
۴۲	از بین بردن فرصت‌های خشونت و بدرفتاری

۵۰	تاکتیک‌های دخالت‌گرانه
۵۲	تاکتیک‌های مقاومت
۶۲	تاکتیک‌های شلوغ‌کاری
۶۸	تاکتیک‌های باوراندن و مجاب‌سازی
۷۶	تاکتیک‌های انگیزشی

۸۴	تاکتیک‌های بازسازانه
۸۶	یادآوری دوباره تجاوزات
۹۶	تواناسازی افراد و جوامع
۱۰۴	درخواست غرامت

۱۱۶ **پدید آوردن فرهنگ و برپایی نهادهای حقوق بشر**

۱۱۸ پدید آوردن حوزه‌های هواداران و مخاطبان

۱۲۶ همیاری

۱۳۴ ظرفیت‌سازی

۱۴۴ ایجاد آگاهی

۱۵۵ ابزارها و منابع

۱۵۶ توسعه دادن به راهبردها و تاکتیک‌های خلاق

۱۶۱ سازگار کردن تاکتیک‌ها

۱۶۲ در میان گذاشتن تاکتیک خود با دیگران: نمونه‌ای برای ارایه‌ی تاکتیک

۱۶۴ خویشتن‌پایی: مراقبت کردن از ارزشمندترین منبع خود

۱۶۶ منابع بیشتر

۱۷۴ تاکتیک خود را با دیگران در میان بگذارید

مقدمه

در دو دهه گذشته، جهان شاهد شروع دوران تازه‌ای در حقوق بشر بوده است؛ دورانی که طی آن حقوق

بین‌المللی و افکار عمومی جهانی به صورت فزاینده، وزن و سنگینی بیشتری یافته اند. در عرصه ی

حقوق بین‌المللی، ساز و کارهای جدیدی، تلقی ما را از عدالت و شیوه اجرای آن دگرگون کرده است و همزمان تفکر خلاق و روحیه نوجوانانه افراد و سازمان‌ها، نحوه اندیشه ما را در عرصه‌ی امکانات حقوق بشر – و در نتیجه، آن چه را از این رهگذر می‌توان به دست آورد – عوض کرده است.

در سراسر جهان و در تمام سطوح، از روستاهای کوچک گرفته تا قلمروهای ملی و بالاترین سطوح قضایی بین‌المللی، همگان در پی خلق و به کارگیری شیوه‌های ابتکاری و نوآورانه‌ای هستند تا بر اثر بخشی کارشان بیافزایند. «طرح تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر»، شگردهای نوآورانه را گرد می‌آورد و در اختیار دیگر کوشندگان و پیشبرندگان حقوق بشر می‌گذارد. من از شما دعوت می‌کنم در تجلیل و گرامیداشت از این اثر ارزشمند که هم اینک در دست‌تان است با من هم‌آوا شوید و از رهنمودهای آن بهره و استفاده ببرید.

من در حیطه فعالیت کاری خود، فرصت‌ها و موقعیت‌های تازه‌ای را برای دستیابی به عدالت و احقاق حقوق قربانیان وخیم‌ترین تجاوزها به حقوق بشر یافته‌ام. تأسیس و برپایی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا، که نخستین دادگاه‌های جنایات جنگی بودند که با حمایت وسیع و یکپارچه افکار عمومی و جهانی ایجاد شدند، راه‌ها و چشم‌اندازهای تازه‌ای را به روی اجرای عدالت گشودند. تیم‌های بین‌المللی که در این دادگاه‌ها به کار پرداختند، افرادی از ده‌ها کشور مختلف، به اقدامی بی‌سابقه دست زدند که پیش از این هرگز به آزمون در نیامده بود– از جمله وضع قوانین جدید، برقراری اولویت‌های تازه، ارایه کیفر خواست‌هایی که هیچ شباهتی به اعلام جرم‌ها و کیفرخواست‌هایی که تا کنون در کشوری تدوین شده است، نداشت و بی‌مانند بود. روی‌هم‌رفته و بدین شکل، تاکتیک جدیدی خلق گردید، که به نوبه خود، بسیار نیرومندتر و مؤثرتر، راه را بر تاکتیک و شیوه‌های دیگر گشوده و هموار کرده بود: تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی. این دادگاه اکنون می‌تواند، صرف نظر از این که جنایت علیه بشریت در کجا روی داده یا به دست چه کسانی صورت گرفته است، وسیله‌ای باشد در خدمت اجرای عدالت.

ما با برپایی دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، یک تاکتیک نو دیگر به وجود آوردیم و به کار بستیم: ما تجاوز به عنف را در زمره جنایات جنگی قرار دادیم که به خودی خود و به تنهایی می‌تواند به عنوان جنایت جنگی، و نه به عنوان جرمی ثانوی که فقط وابسته و ضمیمه‌ای از جرایم دیگر باشد، موضوع پیگرد و محاکمه قرار گیرد. هنگامی که دادگاه، هشت افسر نظامی بوسنیایی صرب را به اتهام تجاوز نظام‌مند به زنان مسلمان به محاکمه کشید، تغییری گسترده در تلقی جهان از جنایاتی که به مسایل جنسی مربوط

می‌شود و با حقوق بشر ارتباط دارد، به نمایش درآمد. این تاکتیک و شیوه نو، از آن هنگام تا کنون، این امکان را به وجود آورده است که در بسیاری موارد دیگر، عدالت اجرا شود.

ده سال پیش، کارشناسان امر قضا براحتمال به محاکمه کشیدن و درخواست استرداد دیکتاتور قدرتمندی چون آگوستو پینوشه، آشکارا می‌خندیدند. در آن زمان، این تاکتیک به نظر نمی‌رسید انجام یافتنی و دردسترس ما باشد. بزهدارانی در آن سطح، صرف‌نظر از جنایات بربرمنشانه‌ای که مرتکب شده بودند، این سو و آن سوی جهان با مصونیت کامل در گردش و در حرکت بودند. دستگیری پینوشه و استرداد او نحوه تلقی ما را از امکانات اجرای عدالت در سطح جهانی دگرگون کرد. این رویداد به زرادخانه حقوق بشر، تاکتیکی نو افزود؛ تاکتیک و شیوه‌ای که به طور قطع در آینده بارها از نو به کار گرفته خواهد شد.

من کوشش‌های همه مدافعان حقوق بشر را که دادگاه‌های ملی و بین‌المللی و مجامع عمومی دیگر را به کار می‌گیرند، تا با صدای بلند و با شجاعت تمام، نظرها را به جنایت علیه بشریت در سراسر جهان، جلب کنند و اجرای عدالت را خواستار شوند، تحسین و می‌ستایم. ولی این‌ها تنها شمار اندکی از شیوه‌ها و تاکتیک‌های تازه از میان شیوه‌های متعددی هستند که در سراسر جهان از سوی مردم در محیط‌ها و مناطق گوناگون، به گوناگونی تجربه‌های انسانی، به کار گرفته می‌شوند تا کرامت بنیادی انسانی را پاس بدارند و ارتقا بخشند.

من سرافرازم که به طرح شیوه‌های جدید در پاسداری از حقوق بشر می‌پیوندم و این مرجع راهنما را معرفی می‌کنم. این کتاب، با آن که نمی‌تواند مدعی جامعیت تمام باشد، ولی بی‌شک چکیده‌ی غنی و فشرده‌ای است از اندیشه‌های تازه و نوآورانه که امیدوارم آن را ارزشمند بیابید و به کار شما سودمند افتد.

قاضی ریچارد ج. گولد استون

قاضی بازنشسته دادگاه قانون اساسی آفریقای جنوبی

دادستان کل دادگاه کیفری بین‌المللی سازمان ملل متحد برای یوگسلاوی سابق و روندا

رییس گروه مستقل تحقیق و تفحص بین‌المللی در مورد کوزوو

رییس گروه ضربت بین‌المللی در مورد تروریسم که از سوی کانون بین‌المللی وکلا و حقوقدانان تأسیس شده است

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

مقدمه

قاضی ریچارد ج. گولد استون

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

مقدمه

قاضی ریچارد ج. گولد استون

www.newtactics.org

قدردانی و سیاست‌گذاری

فراهم آوردن این کتاب راهنما، بدون همکاری و مشاوره و یاوری های افراد و

سازمان‌های بی‌شمار در سراسر جهان کاری ناممکن بود. ما از همه سازمان‌ها و افرادی که

نام‌شان در این کتاب آمده است، به خاطر ابتکارات‌شان و وقتی که صرف پاسخ‌گویی به پرس‌وجوها و پژوهش ما و اطلاع‌رسانی به ما

کرده‌اند؛ و نیز از چندین مورد کار نگارشی و ویرایش قسمت‌هایی از کتاب، سپاسگزاریم. ما همچنین مایلیم از آنانی که به ما سازمان‌هایی را معرفی و توصیه کردند تا با آن‌ها مصاحبه صورت گیرد و دراین کتاب ملحوظ و منظور گردد، سپاسگزاریم.

کیت کِلش Kate Kelsch مدیر طرح تاکتیک‌ها و شیوه‌های جدید در [دفاع از] حقوق بشر، هماهنگ کننده و نویسنده چاپ های پیشین این کتاب، بر تدوین چاپ حاضر نیز نظارت داشته است و آن را ویرایش کرده و همه ما را با احساس تعهد مشتاقانه اش به کیفیت و دقت در کار تحت تأثیر قرار داده است. تریشیا کورنل Tricia Cornell قسمت‌هایی از متن را نوشته و ویراسته است. نیکُل پالاسز Nicole Palasz تاکتیک‌ها را مورد بررسی قرار داده و خلاصه و چکیده‌های تاکتیکی را نوشته است، و بررسی‌های مربوط به آن را هماهنگ کرده و مسئول گزینش و تنظیم آن‌ها بوده است. نانسی پیرسون Nancy Pearson منابع و مآخذ آموزشی را فراهم آورده است. راشل چیدا Rachel Tschida راهنماها و کارآموزگی‌ها را در اختیار نهاده است. سوزان اِورسون Susan Everson متن را ویرایش کرده است. پِم ارنولد Pam Arnold و گروه طراحان و صفحه‌آرایان کتاب در مدرسه عالی هنر و طراحی مینیاپولیس، ماهرانه و با پشتکار و ذوق و شوق بسیار از متنی خام، کتابی کامل و تمام فراهم آوردند. چارچوب اولیه و ایده نخستین طرح تاکتیک‌های نوین از ذهن دورنگر دوگلاس آ. جانسون Douglas A. Johnson برخاسته بود که بی‌شک بدون او هرگز ممکن نمی‌شد این کتاب به طبع رسد و به عرصه وجود پا گذارد.

برخی از اهداکنندگان سخاوتمندی که از شکل‌گیری ایده و کار تهیه مطالب این کتاب حمایت مالی کرده‌اند عبارتند از: بنیاد جان د. و کاترین ت. مک آرتور، بنیاد خیریه پاول و فیلیس فایرمن Paul & Phyllis Fireman Charitable Foundation. تراست زیگرید راوزینگ Sigrid Rausing Trust که بیشترها به نام تراست روبن و الیزابت راوزینگ (Ruben and Elisabeth Rausing) شناخته می‌شد، مؤسسه صلح ایالات متحده، و اهداکنندگان دیگری که مایلند ناشناخته باقی بمانند. اهداگران دیگری، با حمایت از مشارکت و پرداختن مرکز قربانیان شکنجه به دیگر بخش‌ها و اجزا طرح تاکتیک‌های نوین، مبانی استواری برای این کتاب ایجاد کرده‌اند؛ مرکز بین‌المللی خشونت‌پرهیزی در رفع اختلافات، تراست بشر دوستانه ملی the National Philanthropic Trust، سازمان همکاری و ایمنی در اروپا، بنیاد راکفلر و بنیاد مرکز کنفرانس‌های بلاجیو در ایتالیا the Foundation’s Bellagio Conference Center و وزارت امور خارجه ایالات متحده همچنین مباحران و همکاران مرکز قربانیان شکنجه در این طرح نیز از حمایت‌های مالی تعدادی از سازمان‌ها بهره‌مند بوده‌اند که مشارکت‌شان در طرح را تسهیل و میسر ساخته است.

قدردانی‌مان را به کمیته مشورتی تاکتیک‌های نو و اعضای گروه کاری (فهرست کاملی از اعضای گروه کاری در صفحه ۳۶ آمده است)

و نیز به دیگر حمایت‌گرانی که این کتاب را بازخوانی و درباره آن اظهار نظر کرده‌اند، تقدیم می‌کنیم. تجربه‌های آنان با واقعیت های مبارزه برای پیشبرد حقوق بشر و درک و دریافت آنان از آنچه می‌تواند به راستی یاری‌بخش همکاران و کوشندگان حقوق بشر در سراسر جهان باشد، راهنمای ما در تکمیل و تدوین این کتاب بوده و در آینده نیز همچنان راهنمای طرح تاکتیک‌های نو خواهد بود.

قاضی ریچارد آ. گولد استون، مورال بلژ Moral Belge، مورتن کژ اَروم Morten Kjaerum، سوفیا ماشر Sofia Macher، کایلاش سابتارتی Kailash Satyarthi، همگی مطالبی نوشته و ارایه داده‌اند که به غنای محتوای کتاب افزوده است.

دیگرانی، تخصص و مهارت‌های عالی‌شان را در زمینه‌های ویرایشی و تحلیلی در مرور و بازخوانی فصل‌ها در کار آورده‌اند که از جمله عبارت‌اند از: سوزان آت وود Susan Atwood، تانیا کُرُمی Tanya Cromey فیل دیرینگ Phil Deering، باستیل فرنراندو Bastil Fernando، باربارا فِری Barbara Frey، دینا کالاک هر Deana Gallagher، پاول‌هاویت Paul Haupt، کارین کاتِرا Carine Kaneza، سلما خان Salma Khan، مارک ریتچی Mark Ritchie، لیز سِوچنکو Liz Sevchenko و بروس فان فورهایس Bruce van Voorhis و همکاران وی در کمیسیون آسیایی حقوق بشر. پاول دالتون Paul Dalton، کلارنس دیاس Clarence Dias، لیام ماهونی Liam Mahony، پاول مایلن Paul Milne، سوزان میریک Suanne Miric، بوریس پوستینت سِف Boris Pustintsev، سِر نایگل رودل Sir Nigel Rodley، اِدسون اسپینسر Edson Spencer و راجِش تاندون Rajesh Tandon در تحقق‌پذیری اندیشه‌ای که در ورای قالب کنونی شکل گرفته است، به ما یاری رسانده‌اند.

چاپ کنونی بر پایه‌های استوار دو چاپ پیشین متکی است. از میان ۵۰ تن داوطلبانی که در نوشتن و پژوهش و ویرایش و بازخوانی آن دو مجلد کم‌های شایان کرده‌اند، مایلیم به ویژه از اَرون کرامر Aron Cramer ، بنت فریمن Bennett Freeman، باربارا فِری Barbara Frey، ادوارد‌هالپین Edward Halpin، آیلین کافمن Eileen Kaufman، مورتن کژ اَروم Morten Kjaerum، جان سالتزبرگ John Salzberg، روبرت شُومیک Robert Shoemake، و دیوید وایس برودت David Weissbrodt، فیل دیرینگ Phil Deering که نشر مجلد دوم را ویراسته است و دینا کالاک هر Deanna Gallagher، کِنی ساتو Kenei Sato، کاتریرین وبر Kathryn Weber، و وِندی وبر Wendy Weber، که فصل‌هایی را نوشته‌اند، سپاسگزار ی‌کنیم.

ضمن این که از همه این افراد و بسیار کسان دیگر به خاطر صرف وقت و استعداد و بینش و بزرگواری‌شان سپاسگزاری می‌کنیم، اعلام می‌داریم که هرگونه کم و کاستی و خطایی که در این کتاب راه یافته باشد، از آن خود می‌دانیم. افزون بر این، عقاید، یافته‌ها و نتیجه‌گیری‌ها و پیشنهادها و توصیه‌هایی که در این کتاب آمده است، از آنِ طرح تاکتیک های نوین است و الزاماً نظرات حمایت‌کنندگان مالی و اهداگران را باز نمی‌تاباند.

نیاز به تاکتیک‌های نوین نوشته **دوگلاس آ. جانسون**

در چند دهه گذشته، جنبش مدرن حقوق بشر در راستای پیشبرد آرمان حقوق بشر و حمایت‌های ویژه از حقوق انسانی گام‌های بلندی به جلو برداشته است. این جنبش توافق‌نامه‌ها و پیمان‌های بین‌المللی جدیدی در تقبیح و محکوم کردن شکنجه و حمایت از حقوق زنان و کودکان ایجاد کرده است و اجماعی بین‌المللی، در مورد تعریف فعالیت‌های سیاسی قانونی که سزاوار حمایت و پشتیبانی‌اند را شکل داده است. زندانیان سیاسی اکنون از حمایت‌های بیشتری در برابر آزار و اذیت برخوردارند و بسیاری از ایشان اینک به آزادی دست یافته‌اند و در میان بسیاری از ملت‌ها، نهادهای پیشرفته و کارآمدی ایجاد شده که پایبندی و رعایت معیارهای جهانی حقوق بشر را – چه در سطح داخلی و چه در سطح سیاست خارجی – ترویج می‌کنند. ما هرچه درباره اهمیت این دستاوردها و سختی‌های راه و مشکلات به دست آوردشان بگوییم، سخن کم گفته‌ایم و این مدعایی است که به هیچ روی مبالغه آمیز نیست.

سه تاکتیک، بیشتر از بقیه به حصول این پیشرفت‌ها کمک رسانده: ۱) استقرار هنجارهای بین‌المللی، که مجموعه‌ای از پیمان ها و معاهده نامه‌ها و معیارها را به وجود آورده است، ۲) مراقبت از رعایت این معیارها، و ۳) محکوم کردن و یا شرم آور نمایاندن عملیات تجاوزگرانه و یا بی‌عملی دولت زمانی که این معیارها زیر پا نهاده و شکسته می‌شوند. در طول سال‌ها، زیرساخت‌ها و مهارت‌ها در برخورد با این مطالبات به طور چشم گیری رشد کرده است.

روشن است که این تاکتیک‌ها و به کارگیری‌شان، پیشرفت‌های عظیمی را به بار آورده است و از همین‌رو می‌باید همچنان از آن‌ها پشتیبانی کرد و در پیگیری و استمرارشان کوشا بود. تا همین‌جا روشن است که آنچه ما از این طریق می‌توانیم به دست آوریم با محدودیت‌های اساسی روبه‌رو ست و این رهیافت‌ها به خودی خود برای حل و رفع مسایل آشکارا بغرنج و پیچیده حقوق بشر کافی نیستند.

مسئله شکنجه را در نظر بگیریم. برای مثال، در میان همه موارد تجاوز به حقوق بشر، اکنون موردی به اندازه شکنجه نیست که در پیمان‌نامه‌های و معیارها بین‌المللی و نیز در قانون‌های اساسی و قوانین ملی علیه آن سخن گفته شده باشد. مراقبت و دیده‌بانی در مورد شکنجه، در مقایسه با انواع دیگر تجاوزات، نه تنها به وسیله مواد قانونی موجود در ساختار معاهدات، بلکه از سوی سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و ملی، به مراتب بیشتر اعمال می‌شود.

به این سیاهه، برپایی ۲۵۰ مرکز درمانی برای رسیدگی به حال و روز بازماندگان و جان‌به‌دربردگان از شکنجه در سراسر جهان، که هریک از آن‌ها ضمن کمک‌رسانی پزشکی به هزاران قربانی، موارد شکنجه قربانیان را مستند می‌سازند و بر مدارک و مستندات دادگاهی و پزشکی قانونی مربوط به شکنجه می‌افزایند، را اضافه کنید. بدین ترتیب، شکنجه بیش از سایر موارد تجاوز و بدرفتاری دیگر مستند گردیده و محکوم شده است.

اما هنگامی که سازمان عفو بین‌المللی سومین دور مبارزه خود را در سال ۲۰۰۰ برعلیه شکنجه آغاز می‌کرد، اعلام نمود که گستردگی شکنجه در آن برهه از زمان بسیار وسیع‌تر و بیش‌تر از هنگامی است که سازمان نخستین مبارزه سراسری جهانی‌اش را علیه شکنجه در سال ۱۹۷۴ به راه انداخته بود.

فقط در دهه گذشته، ما شاهد تجاوزهایی به حقوق بشر، با دامنه‌ای تکان دهنده در بوسنی، روندا، سیرالئون و در ۱۵۰ کشور دیگر که هنوز در آن جا مرتکب شکنجه می‌شوند و یا ارتکاب آن را مجاز می‌دانند بوده‌ایم. من باید به یک نکته بدیهی اذعان کنم: ***یک جای‌کار اشکال دارد.***

این کتاب متضمن این نظر است که پیشبرد حقوق بشر نیاز به ایجاد گستره‌ای وسیع‌تر برای آن دارد. گستره‌ای که شامل آدم‌ها و کوشندگان و بخش‌های بیشتری از جامعه گردد، خیلی بیشتر از آنچه هم اکنون دست اندرکار آند. این امر همچنین نیازمند توسعه رهیافت‌های راهبردی است که فقط در صورتی می‌تواند با موفقیت قرین گردد که مجموعه بسیار وسیع‌تری از تاکتیک‌هایی که تاکنون از آن‌ها استفاده به عمل آمده است، به کار گرفته شود.

در سراسر جهان، کوشندگان و دست اندرکاران متعهد حقوق بشر انجام چنین کارهایی را آغاز کرده‌اند: گسترش رهیافت‌های نوآورانه، جلب همکاری‌های استراتژیک پیش بینی نشده و تجربه اندوزی از بخش‌های غیرقابل انتظار اجتماع. هدف طرح تاکتیک‌های نوین در حقوق بشراین است که این مبتکران و نوآوران را گرد هم آورد و با تاکید بر دستاوردهای آنان، به دیگران روحیه و الهام بخشد. این کتاب راهنما بیش از ۷۵ حکایت از نوآوری‌های تاکتیکی را، که از سوی دانشجویان، روستانشینان، کارکنان دولت و دیگران، با بهره‌گیری از فن‌آوری‌های پیشرفته و یا وسایل ساده در دسترس، برای رسیدن به هدف‌هایی آشکارا متفاوت، مانند برگزاری انتخابات منصفانه، آب آشامیدنی سالم و آزادی زندانیان سیاسی، به کار بسته شده است، در بر می‌گیرد. هر یک از این داستان‌ها به نوبه خود،

برانگیزاننده و الهام بخش‌اند که در کنار هم و در این کتاب که در پی خواهد آمد، بینشی دورنگرانه را نمایندگی می‌کنند و نشانگر این است که در عرصه حقوق بشر چه دستاوردهایی را می‌توان هنوز به دست آورد.

محدویت‌های استراتژی کنونی

استمرار و تداوم اعمال شکنجه چالش مهمی را طلب می‌کند که جامعه‌ی جهانی با آن روبروست. با توجه به اینکه سه استراتژی متداول جنبش حقوق بشر قادر نبوده‌اند از میزان شیوع شکنجه به طور مؤثری بکاهند، شاید هنگام آن رسیده باشد که کم و کاستی و محدودیت‌های استراتژی فعلی را مدّ نظر و مورد بازنگری قرار دهیم. برخی وجوه آن محدودیت‌ها از فرآیندی که من بر آن نام «طرح‌ریزی تاکتیکی»^۱ گذاشته‌ام، به دست می‌آید.

یک گروه ده نفره از کارشناسان شکنجه، پس از بررسی رابطه میان شکنجه‌گر و قربانی، نموداری از دیگر روابطی که این ناپهنجاری و انحراف اساسی در آن‌ها ریشه دارد و بروز شکنجه را ممکن می‌سازد، تهیه کردند. برای مثال شکنجه‌گران غالباً عضوی ازیک تیم با سلسله مراتب فرماندهی و رهبری قوی هستند. آنان همچنین ممکن است متعلق به بخش ویژه‌ای از یک واحد نظامی و یا یک پایگاه پلیس باشند. ما این روابط را به صورت عمودی پی گیری کرده‌ایم تا زنجیره فرماندهی‌ی را که اِعمال و کاربست شکنجه را برنامه‌ریزی و سازماندهی و تأمین مالی می‌کند، درک کنیم؛ اما هر سطحی را به صورت افقی نیز مورد توجه قرار داده‌ایم، تا دیگر عوامل مؤثر و روابط محتمل را دریابیم و بفهمیم. مثلاً پایگاه‌های پلیس، برخی افراد غیر نظامی و یا پزشکانی را در خدمت خود دارند که آنان نیز به نوبه خود روابطی با بیرون از فضای کاری‌شان با جهان خارج دارند که تا حدودی می‌تواند بر آن‌ها تأثیر بگذارد و یا آنان را کنترل کند. طرح مقدماتی که فراهم شد و این فرآیند را به کار گرفته بود، ۴۰۰ رابطه را از روابط کاملاً محلی گرفته تا روابط با جامعه‌ی بین‌المللی، در نمودار خود نشان می‌داد.

فرض ما این است که هر رابطه‌ای بر روی نمودار نقطه‌ای است که ممکن است با مداخله کردن در آن جا بتوان رابطه دوجانبه شکنجه‌گر – قربانی را قطع کرد. با کمک این نمودار، ابتدا ما روابطی را که در تاکتیک‌های گوناگون مورد نظر هستند و سپس زنجیره منطقی روابطی را که آن‌ها می‌بایست برآن تأثیر بگذارند تا رابطه دوجانبه شکنجه‌گر – قربانی را متوقف سازند را بازنمایی کرده‌ایم (از همین رو، بر آن نام *طرح‌ریزی تاکتیکی* گذاشته‌ایم). با انجام این کار، ما به چندین نتیجه مهم دست یافتیم:

۱– بیشتر تاکتیک‌هایی در قسمت بالایی نمودار دیده می‌شوند، به کار گرفته شده‌اند. مانند موارد مربوط به سطح بین‌المللی، به این معنی که، تاکتیک‌ها پیش از این که به صورت غیرمستقیم بر روی رابطه دوجانبه شکنجه‌گر– قربانی تأثیر بگذارند، باید راه درازی را از میان سطوح متعدد روابط دیگری پشت سر می‌گذاشت. نظر ما این بوده است که این امر توانایی عمل را هدر داده و تضعیف می‌کند.

۲– نظام‌هایی که از شکنجه استفاده می‌کنند، نه تنها شکننده نیستند و به آسانی دچار اختلال نمی‌شوند، بلکه نظام‌هایی هستند غالباً بسیار پیچیده که به مؤسسات و نهادهای مختلفی که از کاربرد شکنجه سود می‌برند امکان می‌دهند از یکدیگر پشتیبانی کنند. همین که بخشی از نظام مورد حمله قرار گیرد، بخش‌های دیگر آن (مانند تشکیلات پلیس، دادستانی‌ها، بی‌اعتنایی نظام قضایی) به کمک می‌آیند که از بخشی که هدف قرار گرفته حمایت کنند و به آن فرصت پنهان‌کاری و مرمت را بدهند. استنباط ما از معنای این وضع آن است که نظام به تاکتیک‌های منفرد تسلیم نمی‌شود. و لازم است که نظام را همزمان در چند زمینه و از چند سو زیر تأثیر قرار داد تا چنان عدم تعادلی به وجود آید که نتواند به آسانی به مرمت کاری خود دست بزند. این امر نیاز به استفاده از تاکتیک‌های چندگانه‌ای دارد که در پیوند با هم به عنوان بخشی از یک استراتژی جامع و گسترده به کار روند.

۳– بسیاری از سازمان‌ها که در این زمینه فعالیت می‌نمایند، تاکتیک‌های انگشت شماری را در فهرست کاری‌شان در نظر می‌گیرند. سازمان‌ها تمایل‌شان بر این است که مجموعه کوچکی از تاکتیک‌ها را در کانون توجه خود قرار دهند، و به ندرت در مورد آن‌ها تن به مشارکت و همکاری می‌دهند. این امر نه تنها تأثیر را به بخش‌های بسیار کوچک درون یک نظام که متقابلاً اثرگذار و پیچیده هستند محدود می‌سازد، بلکه بدین‌گونه هر سازمانی راهبرد خود را بر مبنای این ظرفیت پراکنده بنا می‌سازد تا آنچه که برای اثرگذاری در مواقع ضروری مورد نیاز است. ما کاری را انجام می‌دهیم که در توان‌مان است، نه آنچه لازم می‌بود به انجام رسانیم. ما به این نتیججه رسیده‌ایم که، ایجاد هماهنگی بیشتر بین تاکتیک‌ها، بر کارآیی آن‌ها می‌افزاید.

۴– ارتباط‌های بسیار زیادی بر روی نمودار هستند که در هیچ یک از اشکال جاری نه دخالت داده شده‌اند و نه تأثیرگذار بوده‌اند. نیرو و سهم و نقش آن‌ها، در عرصه عمل به کار گرفته نشده‌اند. فرض ما براین است که دامنه گسترده‌تری از تاکتیک‌ها مورد نیاز است تا این فعالان بالقوه به کار گرفته شوند.

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

نیاز به تاکتیک‌های نوین

دوگلاس آ. جانسون

www.newtactics.org

۱۲

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

نیاز به تاکتیک‌های نوین

دوگلاس آ. جانسون

www.newtactics

۱۳

^[1] طرح‌ریزی تاکتیکی، با همیاری و پشتیبانی سازمان امنیت و همکاری اروپا و هیئت مشورتی جلوگیری از شکنجه و با کمک‌های غیر نقدی (تأمین وسایل و مایحتاج) صندوق خیریه‌ی برادران راکفلر به وجود آمده است

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

نیاز به تاکتیک‌های نوین

دوگلاس آ. جانسون

www.newtactics.org

۱۴

«معنای سخن و استدلال‌های من این نیست که تفکر تاکتیکی و با آموزش‌های مربوط به آن جانشین تفکر استراتژیک شود، بلکه تأکید بر این است که توسعه‌یابی و گسترش تاکتیکی، فکر راهبردی را غنی‌تر می‌سازد»

من بر این باورم که همین نتیجه‌گیری‌ها در مورد سایر موضوع‌های اجتماعی و حقوق بشر نیز صدق می‌کنند. ما بایستی راه‌های تازه ای برای همکاری– و راه‌های جدیدی برای کارکردن – با یکدیگر پیدا کنیم، تا بتوانیم استراتژی‌های کارآمد تغییر را به وجود آوریم. برخی از استراتژی‌های موجود نیازمند یک چارچوب کلان هستند تا در آن منابع و امکانات محدود تعدادِ کثیری، به صورت مؤثرتری در یک کمپین متحد یک جا جمع شوند. این امر محتاج آن چیزی است که من آن را یک «فراخواننده استراتژیک» می‌نامم، یعنی یک نهاد و یا شخصی با اعتبار والای اخلاقی که بتواند همه را در متن روابط کاری جدیدی گرد هم فرا آورد. اما موارد دیگر، می تواند از طرف سازمان‌هایی به راه افتد که راه‌های جدیدی را می‌آزمایند که بر نظام‌های پیچیده فشار وارد آورند و در شبکه اجتماعی، کنشش گران تازه‌ای را برانگیزانند که دست به عمل زنند. این کتاب بخشی است از یک طرح فراگیر یعنی طرح «تاکتیک‌های جدید در حقوق بشر» است و هدف آن گسترش گفت‌وگویی در میان هواداران حقوق بشر در این خصوص است که چگونه می‌توان برخی از امکانات و وسایلی را که در اختیار ماست به شکل مؤثرتری به کار بست و نشان داد.

شکل گیری یک ایده

مرکز قربانیان شکنجه (CVT) در سال ۱۹۸۵ به عنوان نخستین مرکز جامع درمان و مراقبت از بازماندگان شکنجه در ایالات متحده تأسیس شد. از همان آغاز، گردانندگان این مرکز به کارشان به عنوان شیوه‌ای نوین که در خدمت هواداران مسایل حقوق بشر است می‌نگریستند. وقتی که ما به این آگاهی دست یافتیم که چه تاکتیک‌های گوناگونی می‌تواند از کار ما پدید آید، به تشویق توسعه دیگر طرح‌های درمانی برای بازماندگان شکنجه نیز دست زدیم. این نهادهای جدید، به نوبت خود فرصت‌های استراتژیک تازه‌ای برای جنبش حقوق بشر ایجاد کردند: برای نمونه، تجدید و بازسازی هسته‌های رهبری سرکوب شده، کمک به جماعت‌ها برای این که با میراث ترس و وحشت حاکم کنار بیایند و بر آن غلبه کنند، سازماندهی گروه‌های بهداشت و درمان به عنوان حوزه‌ای جدید برای فعالیت‌های حقوق بشر. ما در جریان کارمان همچنین، جمع‌آوری داستان‌های دیگر گروه‌ها و افرادی که خارج از جریان اصلی و در حاشیه دست به ابتکارها و نوآوری‌هایی می‌زدند را آغاز کردیم.

طرح تاکتیک‌های جدید در ۱۹۵۵ تنظیم گردید. اندکی پس از آن، مرکز قربانیان شکنجه گروه‌های مشورتی را در جلسه ای که در ترکیه برگزار شد گردآورد تا ایده مورد بحث را در سمپوزیومی، که موضوع آن «بهترین شیوه‌های عمل» و ارزیابی تاکتیک‌های مورد استفاده در سراسر جهان بود، با هدف حلِ مشکل – یا مبارزه مؤثرترِ با – تجاوزات فراوان و رایج به حقوق بشر، بکاوند و بررسی کنند. ما می‌خواستیم عمدتاً بر راه‌حل‌ها تمرکز کنیم تا بر مشکلات؛ و با این فکر جلو برویم که دست کم تا حدودی، تجاوزات از این رو ادامه می‌یابند که هم جامعه‌ی مدنی و هم دولت از دسترسی به نمونه‌های مشخصی که بتوانند نشان دهد چه باید کرد، محروم‌اند و از دست زدن به هر اقدامی باز می‌مانند. هرچند، بر این اعتقاد بودیم که آشنایی با مشکلات امر مفیدی است، و از سوی جریان اصلی جنبش نیز، پیش از این مورد توجه قرار داشته است، اما معتقد بودیم که این به تنهایی کافی نبوده و توجهات چنان که می‌بایست بر راه‌حل‌های مؤثر متمرکز نبوده است. آنچه تاکنون مورد توجه قرارگرفته، ماهیت مسئله و نه چگونگی آن بوده است.

این ایده در میان بخش وسیعی از رهبرانی که در ترکیه گرد آمده بودند، بازتابی درخور یافت و مورد توجه و تحسین قرار گرفت. در سال ۱۹۷۷ «مرکز قربانیان شکنجه» با دو سازمان ترک – اجلاس شهروندان در هلسینکی و مرکز حقوق بشر وابسته به مؤسسه‌ی عالی مدیریت عمومی ترکیه و خاورمیانه– همکاری مشترکی را، جهت راه اندازی و توسعه طرح تاکتیک‌های جدید حقوق بشر آغاز کرد. پژوهش نظام‌مند در باب تاکتیک‌های نوآورانه، به طور جدی از سال ۱۹۹۹ با پشتیبانی بنیاد جان د. و کاترین ت. مک آرتور آغاز شد. ما همچنین دست به ایجاد یک کمیته‌ی بین‌المللی مشورتی مرکب از ۹ تن از رهبران جهان زدیم که دید مناسب و حمایت سیاسی در اختیار ما بگذارند، و نیز از یک گروه کاری حقوق بشری مرکب از ۲۱ تن از رهبران حقوق بشر که تقریباً از تمام مناطق جهان بودند دعوت کردیم تا ما را در تشخیص و تعیین تاکتیک‌های نوید بخش یاری دهند و در جهت‌دهی کلی طرح، همکاری کنند.

این گروه کاری در سال ۲۰۰۰ در استانبول با گروه مشورتی ترک دیدار کردند. نخست وزیر پیشین کانادا عالیجناب کیم کمپبل kim Campbell، کمیته مشورتی بین‌المللی را نمایندگی می‌کرد و ریاست جلسات گردهمایی را بر عهده داشت. گروه کاری درباره رهیافت‌های نوآورانه برای پیشبرد حقوق بشر به بحث و مذاکره پرداختند، و شیوه‌های آموزشی متقابل را طراحی کردند و برنامه عملکرد آتی طرح را تدوین نمودند.

در این گردهمایی افرادی که بیشتر عمرشان را در عرصه فعالیت‌ها حقوق بشری سپری کرده‌اند، به اندازه زیادی به آن‌ها در تغییر فکرشان در به کارگیری افراد جدید و رهیافت‌های تازه از منظری نو، کمک کردند. ما نیز همین بینش نخستین را مبنا قرار داده‌ایم و با در اختیار نهادن ابزارهای لازم – از جمله کتاب حاضر و تارنمای www.newtactics.org- و با آموزش دادن به فعالان حقوق بشر از طریق برگزاری یک سلسله کارگاه‌های آموزشی میان منطقه‌ای در زمینه نوآوری‌های تاکتیکی و تفکر استراتژیک به آن ادامه داده‌ایم.

چارچوب فکری ما

بیش از شانزده سال کار در مرکز قربانیان شکنجه به من آموخته است که رسیدگی در پرداختن به کار قربانیان شکنجه پیامد های اجتماعی و سیاسی مهم دارد. این کار، نحوه فکر مرا درباره تفاوت گذاری مفروض، بین پیشگیری از شکنجه و مراقبت و تیمار از قربانیان شکنجه عوض کرده است. کارکنانِ مرکز کشف کرده‌اند که توجه و مراقبت از بازماندگان شکنجه، به معنی بهبود و بازسازی رهبری و یاری بخشیدن به جامعه‌ها به منظورغلبه بر میراث ترس است. ما دریافتیم که استعاره درمان‌گری، به ایجاد فضای امن‌تر سیاسی منجر می‌شود، به گروه‌ها اجازه گردهم‌آیی و کار می‌دهد و ریسک پذیری و خطر کردن می‌آموزاند. مراکز مراقبت و درمان نظیر «مرکز قربانیان شکنجه»، گروه‌های جدیدی مانند آموزشگران، کارشناسان حرفه‌ای بهداشت و درمان و سیاستگذاران را به عرصه کار حقوق بشر وارد می‌کند. و ما از جایگاه یک مرکز درمانی، به منظور پایان دادن به شکنجه و سیاست‌ها و قوانینی که به بهبود زندگی قربانیان شکنجه بیانجامد فعالیت می‌کنیم. هرچند، حداکثر در سال‌های آغازین، ما این امر را در چنین چهارچوبی قرار ندادیم، ولی تعریف‌مان را از کار حقوق بشر وسعت می‌بخشیدیم و تاکتیک‌های نوینی را به کار می‌بستیم.

شرکت من در فعالیت‌های بین‌المللی مرتبط با غذای نوزادان در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ نیز در شکل بخشیدن به افکار من در زمینه تاکتیک‌های جدید مؤثر بود. در سال‌های آخر دهه ۱۹۷۶ من یکی از گروه‌های بومی و مردمی دست‌اندرکار موضوع گرسنگی را سرپرستی می‌کردم؛ بودجه سالانه طرح، ۵۰۰ دلار آمریکایی، به علاوه حقوق دریافتی ناچیز من به اندازه گذران زندگی ام بود. گروه کوچکی از ما با همکاری با یکدیگر کار را در سراسر کشور شروع کردند و سازمانی را به نام «ائتلاف اقدام برای غذای آماده کودکان نوزاد» (INFACT) را بنا نهادند. با آن منابع مختصر ما تحریمی علیه بزرگترین شرکت غذایی جهان یعنی نستله به راه انداختیم تا آن شرکت را به تغییر بازاریابی‌اش برای فراورده‌های جایگزین شیر مادر وادار سازیم. ما سازمان‌ها و نهادهای زیر را شکل دادیم: شبکه‌ای از ۳۰۰ انجمن محلی آمریکایی و ائتلافی از بیش از ۱۲۰ سازمان ثبت شده در کشورهای مختلف با بیش از ۴۰ میلیون نفر عضو که نخستین مبنای تحریم در ابعاد جهانی را شکل بخشید، این ائتلاف در ده کشور عمل می‌کرد و به اولین شبکه‌ای شکل می‌بخشید که موضوع و مسئله‌ای فراملی داشت، IBFAN که در میان ۶۷ ملت جهان فعالیت می‌کرد، یکی از نخستین سازمان‌های غیر دولتی بود که در مقام یک شرکت کننده با حقوق برابر، با ملت‌ها و مؤسسات بزرگ در اجلاس سازمان ملل متحد مشارکت جست و سرانجام درباره اولین و تنها مجموعه ضوابط مربوط به بازاریابی شرکت‌ها که از طرف سازمان ملل به وجود آمده است در مذاکره‌ها شرکت کرد و به توافق رسید و پس از وارد آوردن ضربه‌ای بر درآمدهای شرکت نستله به میزان تقریباً ۵ میلیارد دلار، موافقتنامه‌ای با آن شرکت به امضا رسانید که طی آن، شرکت نستله موافقت کرد در عملیات بازاریابی‌اش در انطباق با ضوابط بین‌المللی تغییرات لازم را بدهد. از این موافقتنامه به عنوان «مهم‌ترین پیروزی در تاریخ جنبش بین‌المللی مصرف کنندگان» یاد و ستایش می‌شود.

من بابت آن مبارزه و کمابیش ده سال کاری که انجام گرفت به خود می‌بالم. اما مانند همه تازه کاران ما چندین اشتباه هم کردیم. من می‌توانم ریشه این اشتباهات را در کم دانشی‌ام از تاکتیک‌ها جست‌وجو کنم. برای نمونه در آغاز کار رهیافت‌ها را از راهبردها فرق نمی‌گذاشتم و درهم‌شان می‌آمیختم. تفکر استراتژیک در واقع مبتنی بر این است که چگونه از آنچه در اختیار داریم بهترین بهره برداری را کنیم و از آنجا که در ذهن من فقط یک تاکتیک وجود داشت، این اشتباه چه بسا اجتناب ناپذیر بود. همانند بسیاری از رهبران که از میان مردم بر می‌خیزند و می‌کوشند کاری نادرست را اصلاح و درست کنند، من نیز در مرحله‌ای از فعالیت، فقط با همان ابزارهای محدودی که در اختیارم بود، به تدریج در اندیشیدن به تاکتیک‌ها به پیشرفت‌هایی نایل شدم و بسیار کوشیدم دریابم چگونه می‌شود به یک استراتژی شکل بخشید. هنگامی که تجربه من در شکل‌دهی به استراتژی یک سازمان بیشتر شد، برایم روشن‌تر شد که هر چه ما بیشتر درباره تاکتیک‌ها بدانیم و بفهمیم، نرمش و انعطاف پذیری بیشتری خواهیم یافت که جهت‌گیری‌های استراتژیک تازه‌ای را معین کنیم. معنای سخن و استدلال‌های من این نیست که تفکر تاکتیکی و با آموزش‌های مربوط به آن جانشین تفکر استراتژیک شود، بلکه تأکید بر این است که توسعه‌یابی و گسترش تاکتیکی، فکر راهبردی را غنی‌تر می‌سازد.

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

نیاز به تاکتیک‌های نوین

دوگلاس آ. جانسون

www.newtactics.org

۱۵

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

نیاز به تاکتیک‌های نوین

دوگلاس آ. جانسون

www.newtactics.org

۱۶

هدف‌ها، راهبرد و تاکتیک‌ها

با این که تمرکز روی تاکتیک‌ها خیلی اهمیت دارد، اما بالاترین اولویت یک سازمان نیست. یک سازمان در وحله اول بایستی هدف‌هایی را در نظر بگیرد که ارزش‌ها و باورهای پایه گذاران، رهبران یا اعضای آن را بازتاب دهد و مأموریت و مقصود نهایی آن را در برگیرد، این اهداف برای آن که بتوان برای آن‌ها برنامه‌ریزی کرد، باید شفاف و روشن باشند. یک سازمان همچنین نیازمند به داشتن هدف های میانه‌ای است که دقیقاً روشن کند که طی زمان به چه دستاوردهایی نایل خواهد شد و دیدی راهبردی از آنچه شدنی و امکان پذیر است در اختیار بگذارد.

درباره استراتژی هیچ چیز اسرارآمیز یا پنهانی در کار نیست، با این همه غالباً تفکر راهبردی کار مشکلی است. استراتژی یک تصمیم‌گیری واحد نیست، بلکه پیوندگاهی است از تصمیم‌ها: گزینش مقاصد کلیدی و هدف‌های مناسب، درک و فهم مخاطبان و منابع مورد نیاز و تصمیم گرفتن درباره تاکتیک‌هایی که بایستی به کار بسته شوند و وقت مناسب به کارگیری‌شان. بیش از دو هزارسال پیش، سون تسو Sun Tzu یاد داده بود که استراتژی از شناخت حریف به دست می‌آید (هدف‌ها، نقاط ضعف و قدرت و استراتژی او)، و از شناخت خود ما (هم پیمانان‌مان، نقاط قوت و محدودیت‌هامان) و شناخت پیرامون (جایی که نبرد در آن روی خواهد داد). تاکتیک‌های حریف، اجزای کلیدی استراتژی وی‌اند و آگاهی بر چنین تاکتیک‌هایی به ما کمک می‌کند تا فن بدل آن‌ها را بزینم. آنچه ما می‌توانیم به دست آوریم، از جمله، چه تاکتیک‌هایی می‌شناسیم و چه تاکتیک‌هایی را قادریم با موفقیت به کار بیندیم، بر روی تکوین و شکل گیری استراتژی ما اثر خواهد گذاشت. از این رو تفکر تاکتیکی، جز مهم و حیاتی تفکر راهبردی است.

یک تاکتیک، عمل مشخصی است که در متن یک استراتژی به آن دست زده می‌شود و راهی است برای سازمان دادن به منابعی که به منظور به وجود آوردن تغییر در جهان در اختیارمان است. در یک وضعیت خاص یک تاکتیک می‌تواند یک فعالیت، یک سیستم یا حتی یک نهاد باشد، و در موقعیت دیگری یک تکنیک. تاکتیک‌ها، بسته به این که اندازه، ظرفیت و منابع یک سازمان چه باشد، صورت های گوناگون به خود خواهند گرفت. تاکتیک‌ها چگونگی دستیابی به تغییرات را نشان می‌دهند، در حالی که یک استراتژی متضمن تصمیماتی است که تاکتیک‌ها برای حصول آن به کار برده می‌شوند، و چه مقاصدی شایسته تمرکزاند و چه منابعی می‌تواند به خدمت گرفته شوند. دانش و آگاهی از تاکتیک‌ها، به راهبردی که ما بر می‌گزینیم شکل می‌بخشد. تفکر تاکتیکی، در تلاش مؤثر برای حقوق بشر، اهمیتی به سزا دارد. بگذارید من استدلال‌آوری‌هایم را در این باره با جزئیات بیشتری شرح و بسط دهم.

۱- چیزی که ما بلد هستیم چگونه آن را انجام دهیم بر چیزی که ما فکر می‌کنیم قابل انجام است تأثیر می گذارد؛ تاکتیک‌ها به تعیین راهبرد کمک می‌کنند.

من در این جا نمی‌خواهم موضعی بیش از اندازه جبرگرایانه بگیرم. نوآوری‌ها در تمام طول تاریخ بشری همیشه در هر کجا که کسی پاسخ تازه‌ای برای مسئله‌ای می‌یابد، روی می‌دهد. با این حال، تاریخ بشری پر از نمونه‌هایی است که همان پاسخ‌ها بارها و بارها از نو بدون هیچ موفقیتی آزموده شده است، یا تاکتیک جدیدی، جایگزین تاکتیکی کهنه شده است. از حوزه نظامیگری می‌توان دو مثال خوب آورد: ۱) ایجاد «فالانژ»های یونانی، که سیستم تازه آن‌ها در جنگ‌ها برتری خود را بر تمرکز سنتی فرماندهان به انبوه پرشمار ولی نامنظم جنگجویان اسب سوار به اثبات رساند، و ۲) گنجاندن کمان‌های بلند در نیروی نظامی انگلیس در عهد هائری پنجم که به غلبه بر شوالیه‌های زرهپوش و سنگین اسلحه انجامید. نوآوری‌های تاکتیکی راه را بر راهبردهای جدید هموار ساخت.

از اینرو هنگامی که فکر ما محدود به این باشد که چه کاری از دست‌مان برمی آید و چه می‌توانیم بکنیم، دید و نظرات ما از آنچه امکان کسب و به دست آوردن آن را داریم محدودتر می‌شود. من بسیاری از توصیه‌های خوبی را که در جریان فعالیت‌های مربوط به غذای نوزادان به من می‌شد نپذیرفتم زیرا نمی‌دانستم فعالیت‌هایی را که پیشنهاد می‌شد چگونه به اجرا درآورم و از عهده پرداخت به آنانی که کارها را انجام داده بودند عاجز بودم.

۲- تاکتیک‌های متفاوت بر هدف‌های متفاوت تأثیر می‌گذارند.

همه‌ی تاکتیک‌ها بر همه‌ی هدف‌ها تأثیر یک سان نمی‌گذارند. مبارزه‌ای که شیوه کار خود را بر اساس نامه نگاری به دولت های دموکراتیک بنا گذاشته، در شرایط مساوی با عکس‌العمل متفاوتی در کشورهای خودرأی و استبدادی روبه رو خواهد شد. یک تحریم اقتصادی نیاز به هدفی دارد که شرایط اقتصادی را در نظر گیرد و آسیب‌پذیری برای شرکت کنندگان، ملموس باشد. ما باید بیاموزیم تاکتیک‌های‌مان را با استراتژی‌مان سازگار کنیم. آن‌هایی را پیدا کنیم که بیشترین تأثیر ممکن را دارا هستند و هنگامی که تاکتیک‌ها در اثرگذاری بر هدف‌ها با شکست مواجه می‌شوند، می‌باید تاکتیک‌هایی ابتکاری و نوین و مؤثرتر بیابیم و به کار بندیم.

۳- تاکتیک‌های متفاوت بر روی اهداف مختلف موثرند.

هرکدام از ما سبک و شیوه آموختن خاص خود را داریم. آموزگاران خوب این را تشخیص می‌دهند و با عوض کردن تاکتیک های آموزشی‌شان، ما را در آموختن یاری می‌دهند. برای این که تعداد هرچه بیشتری از افراد را برای فعالیت‌های حقوق بشری به کار بگیریم، به همین شیوه عمل در مورد تاکتیک‌های تغییر اجتماعی نیاز داریم.

برخی از افراد اعتصاب نشسته در مقابل یک شکنجه‌گاه را تاکتیکی هراس آور می‌دانند، برخی دیگر نامه‌نویسی را بی‌ارتباط به مکانی که در آن جا تغییر مورد نیاز است، کاری بی‌جا می‌دانند. ما می‌توانیم در این باره که حق با چه کسی است به بحث بپردازیم و یا این که بپذیریم که انسان‌ها نسبت به تاکتیک‌ها بر اساس قابلیت تحمل ریسک‌پذیری‌شان و وقتی که در اختیارشان است، یا راه و روش شان برای پردازش اطلاعات، واکنش‌های متفاوتی از خود بروز می‌دهند.

هنگامی که گروه‌های حقوق بشر تنها با یک یا دو تاکتیک برای درگیر کردن مردم، پاسخ ارایه می‌دهند، ما فقط حوزه کوچکی از مخاطبان را مورد خطاب قرار می‌دهیم، که از آن تاکتیک‌ها سر در می‌آورند و برای‌شان معنا دارد. برای مثال، تاکتیک‌های قانونی در میان بخش وسیعی از مردم موردپسند نیستند و به کار بردن‌شان بسیار مشکل است: آن‌ها صرفاً کوشش‌های اختصاصی و درازمدت هستند که جز برای شمار اندکی از گروه‌های تخصصی کاری چندان برای هیچ کس باقی نمی‌گذارند. ما نیازمند آن هستیم که تاکتیک‌های دیگری را به کار بندیم تا شمار بیشتری از مردم فرصت یابند در نقش مشارکت کنندگان، پای در میدان نهند تا صرفاً تماشاگر نباشند.

در فرهنگ‌هایی که تجربه اختناق و سرکوب دارند، مردم آموخته‌اند که از زندگی عمومی خود را کنار بکشند. برای اینکه حوزه‌های این گروه از هواداران را در فعالیت‌های حقوق بشری درگیر کنیم، می‌باید تاکتیک‌هایی را پیش نهمیم که برای مراتب متفاوت ریسک‌پذیری و نظریاتِ متفاوتِ تغییرات مورد نیاز اجتماعی، جذاب و جالب باشند.

۴- انعطاف‌پذیری تاکتیکی، منشا غافلگیری است.

هنگامی که تاکتیک‌های مشابه را تکرار می‌کنیم و همان تاکتیک‌ها را بار دیگر به کار می‌بندیم، حریفان ما می‌آموزند چگونه با آن ها مقابله کنند و اثر آن‌ها مهار کرده و خنثی کنند. هنگامی که تحریم نستله را به راه انداختیم، شرکت نستله عکس‌العملی بیش از حد لزوم از خود نشان داد و اشتباهات بسیاری کرد که به تقویت تحریم انجامید. امّا پس از مدتی که فعالیت‌های ما کاستنی گرفت و خسته‌تر شدیم، نستله مهارت و تخصص‌هایی را به دست آورد و علیه ما به کار گرفت که به ملایم‌تر شدن انتقادات از آن شرکت منجر شد. از همین‌رو ما دائماً تاکتیک‌هامان را چنان تغییر می‌دادیم که تعادل شرکت را برهم زنیم و ضد حمله‌های نستله را بی‌اثر سازیم.

این واقعیت که نقص حقوق بشر هم چنان ادامه دارد، تاکیدی است بر این که سر و کار ما با حریفانی است هوشمند و نیرومند، متکی به امکانات و منابعی عظیم و کلان. برای نمونه می‌توان از قدرت و تأثیر کمپین نامه‌نویسی یاد کرد که از سوی عفو بین‌الملل، برای نخستین بار به اجرا درآمد و به عنوان تاکتیک، به راستی غافلگیر کننده بود. لیکن ما می‌توانیم همچنین به چشم ببینیم، که چگونه پس از گذشت ۳۰ سال، بیشتر حکومت‌ها آموخته‌اند، متقابلاً پاسخی اداری و محکمه‌پسند سر هم بندی کنند و در برابر این تاکتیک به خود مصونیت بخشند.

غافلگیر کردن حریف تعادل او را بر هم می‌زند. این امر می‌تواند وی را به ارتکاب اشتباهاتی وادارد و موقعیت‌اش را تضعیف کند. غافلگیری همچنین می‌تواند به آموختن بهتر «هدفِ تاکتیک» و به دریافت و درک بهتر از ضروری بودن تغییراتِ مثبت، منجر شود. نتیجه انعطاف ناپذیری برای هردو طرف تکرار اندیشه‌های گذشته است. انعطاف پذیری، سطح آموزش هردو طرف را بالاتر می‌برد.

۵- مشارکت‌کنندگان و ناظران از تاکتیک‌ها می‌آموزند که چگونه با جهان پیرامون خود درگیر شوند.

نخستین دور کارزار در چارچوب اقدام برای غذای آماده نوزادان (۱۹۸۵-۱۹۷۵) در نحوه اجرای سیاست‌های سرتاسری جهانی، راه تازه‌ای گشود. کاری بود چالش‌گر، زیرا در هر مرحله مبارزه، اولویت‌های تازه‌ای رخ می‌نمودند و کسی نبود که به ما تعلیم دهد گام بعدی را چگونه برداریم و چه کار کنیم. از آن به بعد، دیگر مبارزات و فعالیت‌های بین‌المللی در همان چارچوب شکل گرفته‌اند و توانسته‌اند خیلی سریع‌تر حرکت کنند. در نظر آورید مبارزه و فعالیت جهانی ممنوع کردن مین‌های زمینی را، که در عرض مدت ۱۸ ماه به اهداف خود دست یافت. در حالی که «اپنفکت» (اقدام برای غذای آماده نوزادان) تقریباً ده سال وقت ما را گرفت. من به این پدیده همانند قطعه جدیدی می‌اندیشم که یک موسیقی‌دان در پی اجرای آن است. هنگامی که تمرین می‌کنیم، عضلات می‌آموزند چه گونه حرکت کنند، و به مغز امکان و فرصت می‌دهند که در راستای پیشرفت و تنوع‌های ظریف‌تر برنامه بریزد. هرچه بیشتر تمرین کنیم، کار آسان‌تر می‌شود.

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

نیاز به تاکتیک‌های نوین

دوگلاس آ. جانسون

www.newtactics.org

۱۷

نمونه دیگر، در اوروگوئه روی داد. از ۷۰ سال پیش به این سو، یکی از اصول پیش بینی شده در قانون اساسی اوروگوئه که اجازه می‌دهد مصوبات پارلمان از طریق همه پرسی ملی ملغی گردد، هیچ‌گاه مورد استفاده قرار نگرفته بود. جمعیت فعالان حقوق بشر اوروگوئه، این اصل فراموش شده را، از نو احیا کردند و طوماری با امضای بیش از ۲۵ درصد از واجدان شرایط رأی دهی، با این هدف که قانون بخشودگی و مصونیت شکنجه‌گران و قاتلان شهروندان را در دوران دیکتاتوری ملغی سازند، فراهم آوردند. اگرچه همه پرسی با تفاوت رأی اندکی به نتیجه مطلوب نرسید، ولی مردم اوروگوئه راه تازه‌ای را برای مشارکت و دخالت در امور سیاسی کشور خود آموختند؛ همه پرسی هشت بار دیگر، طی دوازده سال بعدی در اوروگوئه به کار گرفته شد.

۶– تاکتیک‌ها در حکم نظام‌های کارآموزی برای درگیر کردن شرکت کنندگان در کار سازمان‌ها، و متحدان آن‌ها تلقی می‌شوند.

برخی از تاکتیک‌ها ممکن است کوتاه مدت باشند (مانند راهپیمایی‌ها). برخی درازمدت‌اند (مانند تحریم‌ها). اما به عنوان یک عمل نظام‌مند، همه‌شان به برنامه‌ریزی و هماهنگی و مدیریت و کارگردانی نیاز دارند. تاکتیک‌ها برای شمار فراوانی از شهروندان فرصت های درگیری و مشارکت و آموزش فراهم می‌آورند تا بتوانند پذیرای مسئولیت بیشتر در کار سازمان یا در مبارزه شوند. فعالیت و درگیری در سطح تاکتیکی، موقعیت آموزشی بسیار مناسبی است برای کارکنان جوان و یا تازه کار و داوطلبان.

هنگامی که مرکز قربانیان شکنجه نخستین بار تصویب قانون کمک^۱ به قربانیان شکنجه را به کنگره ایالات متحده پیشنهاد کرد (که یک تاکتیک قانونی به شمار می‌آید)، ما از این فرصت استفاده کردیم و سایر سازمان‌های حقوق بشر و گروه‌های مذهبی و دیگر متحدان بالقوه‌مان را در این کار درگیر کردیم. از طریق درگیر شدن، آن‌ها از طرح‌های درمان و نحوه برخورد با بازماندگان شکنجه و تجربه‌های شکنجه دیدگان، بیشتر آگاهی یافتند و درک ما را از آن به زبان ویژه خودشان برگرداندند و در برنامه کار خود گنجاندند.

نوآوری تاکتیکی برای موفقیت موازین حقوق بشر در سراسر جهان، اهمیت حیاتی دارد. با گسترش اندیشه‌ورزی، از هردو جنبه، چه از نظر تاکتیکی و چه استراتژیک، جامعه دفاع از حقوق بشر فرصت‌ها و امکانات تأثیر گذاری‌اش را، افزون‌تر می‌کند. کوتاه سخن اینکه:

- ناگستردگی و کمی تعداد تاکتیک‌ها، به محدودیت و کوچک‌تر شدن حوزه هواداران می‌انجامد؛ وسعت و شمار بیشتر تاکتیک‌ها حوزه مخاطبان وسیع‌تری را جذب و درگیر می‌کند.
- تکیه بیش از اندازه تنها بر یک تاکتیک، به کاربست آن در شرایط نادرست می‌انجامد و سبب فرصت‌سوزی در گسترش اهداف استراتژیک می‌گردد؛ تفکر انعطاف‌پذیر تاکتیکی، فرصت و امکان هدف گیری دقیق‌تراستراتژیک را فراهم می‌آورد.
- تاکتیک فرسوده به حریف کمک می‌کند واکنشی روش‌مند از خود نشان دهد و کارش را در دفاع از موقعیت خود آسان‌تر سازد؛ انعطاف‌پذیری تاکتیکی امکان غافلگیر کردن را به وجود می‌آورد و آموزنده است.

قصد ما این نیست که این راهنمانامه چیزی همانند یک کتاب آشپزی شود که برای طراحی استراتژی‌ها و یا ترویج مجموعه به خصوصی از تاکتیک‌ها تدوین شده است. گزینش تاکتیک‌ها بایستی مبتنی باشد بر تشخیص ظرفیت‌های یک گروه، میزان تحمل ریسک‌پذیری آن، داشتن تحلیلی درست از حریف و شرایط و موقعیتی که وی در آن قرار دارد و از بافتاری که تاکتیک در آن به اجرا گذاشته می‌شود.

به جای آن کار، ما به امید این که دست اندرکاران حقوق بشر را به تفکر استراتژیکی ترغیب کنیم تا خود بر واژگان تاکتیکی‌شان بیافزایند و به ابداع تاکتیک‌های نو بپردازند، تصویری اجمالی از دامنه کارهای نوآورانه‌ای که در چهارگوشه جهان به انجام رسیده است، به دست می‌دهیم و خود را نیز در برابر این چالش قرار می‌دهیم که در درون دولت‌ها و نهادهای حقوق بشری، به منظور توسعه ابزارهای استراتژیک نوین بیشتر بکوشیم و سرمایه‌گذاری کنیم تا بتوان به صورتی مؤثرتر با همیاری و همراهی دست به عمل زد.

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر:

رهنمودنامه‌ای برای دست اندرکاران

تاکتیک‌ها و اندیشه‌ی تاکتیکی

در بیست و پنج سال گذشته، برنامه‌ریزی راهبردی در سازمان‌های غیردولتی به هنجاری پذیرفته تبدیل گردیده است. اما جالب است بدانیم که، توجه به تاکتیک همپای با توسعه برنامه‌ریزی راهبردی گام برنداشته است و هنوز نزد بسیاری کسان، مفهومی است تحقیرآمیز و آمیخته با پیشداوری. عموماً وقتی گفته می‌شود کسی یا چیزی تاکتیکی است و نه راهبردی، معنایش این است که به مورد و موضوعی محدود و کوتاه مدت، و نه دراز مدت و اساسی، اشاره و اندیشه می‌شود. مراد از «تاکتیک‌ها» به طور ضمنی، ترفندها و شگردهایی است که برای دستیابی به منافع و یا کسب موقعیت‌هایی کوتاه مدت و بسا که با توسل به روش‌هایی غیراخلاقی و ناپسندیده، به کار گرفته می‌شوند و از آن جا که در عرصه مسایل حقوق بشر این واژه کمتر به کار رفته است، عموماً پرسش‌هایی چند را برمی‌انگیزد. «آیا این یک اصطلاح نظامی نیست؟»، «واژه ای گیج کننده است!»، «منظورتان از تاکتیک چیست؟»، «مردم این منطقه این واژه را به کار نمی‌برند». از این رو شما ممکن است این پرسش را مطرح کنید، که ما چرا از واژه «تاکتیک» استفاده می‌کنیم و نه مثلاً از واژه‌های دیگری مانند رویکرد، روش شناسی و یا فن؟

در تاکتیک‌های جدید در حقوق بشر ما از واژه «تاکتیک» به دلیل رابطه لازم درونی و تکمیلی که با مفهوم «استراتژی یا راهبرد» دارد، استفاده می‌کنیم. استراتژی معرف آن چه که باید به انجام رسد می‌باشد. تاکتیک چگونگی انجام دادن آن را بیان می‌کند و نشان می‌دهد. تشخیص رابطه بین «چه» و «چگونه» برای درک و فهم و راززدایی از مفهوم‌های تاکتیک و استراتژی، اهمیتی به سزا دارد. تاکتیک‌ها – که می‌توانند شامل فعالیت‌ها، سیستم‌ها، فنون و یا حتی نهادها و بنیادها باشند– یکی از ساختمایه‌های اصلی استراتژی هستند.

منشا دیگر سردرگمی‌ها این است که راهبرد یک گروه، ممکن است برای گروهی دیگر، در حکم یک تاکتیک باشد. مثلاً ممکن است دولتی استراتژی‌اش این باشد که برای حمایت از حقوق بشر دست به برپایی نهادهای تازه‌ای بزند. یکی از تاکتیک‌ها در این راهبرد می‌تواند، به وجود آوردنِ یک انجمن ملی دفاع از حقوق باشد. اما در مقام یک موجودیت و تأسیس جدید این انجمن می‌باید خود به تعین راهبرد ویژه خودش بپردازد و تاکتیک‌هایی را برگزیند و به کار برد که به تحقق دقیق‌تر آن استراتژی بیانجامد.

فراهم آوردن یک استراتژی موفقیت‌آمیز نیز موکول است به انعطاف‌پذیری تاکتیکی و دسترسی به شمار گسترده‌ای از تاکتیک‌ها. چنان که من پیش از این در بخش«نیاز به تاکتیک‌های جدید» توضیح داده‌ام (ص ۱۲)، گروه‌ها، سازمان‌ها و جنبش‌هایی که خیلی زیاد متکی به یک رشته از تاکتیک‌های محدود هستند، امکان دارد آن‌ها را در شرایطی نامناسب به کار بندند و یا فرصت لازم استفاده از تاکتیک‌های مناسب دیگر را از دست بدهند، آن‌ها احتمالاً اگر که از تاکتیک‌هایی با گوناگونی و تنوع بیشتر استفاده می‌کردند، می‌توانستند شمار بسیار بیشتری از حمایت‌کنندگان را گرد آورند و به خود جذب کنند. به همچنین، استفاده مکرر از تاکتیک های یکسان، به حریفان و سیستم‌هایی که هدف قرار گرفته‌اند، فرصت تطبیق و تغییر می‌دهد و موجب ناکارآمدتر شدن خود آن تاکتیک‌ها می‌گردد.

این کتاب، که باید اذعان داشت به هیچ معنا جامع و کامل نیست، گستره وسیعی از تاکتیک‌هایی را به نمایش می‌گذارد که از سوی جامعه‌ی جهانی حقوق بشر به کار گرفته شده است و گواهی است هم بر خلاقیت و آفرینندگی دست‌اندرکاران و کنش‌گران حقوق بشر – که اغلب زاده نیاز و ضرورت است– و هم شاهدهی است بر قدرتمندی و توانایی تفکر و اندیشه تاکتیکی و راهبردی.

دوگلاس آ. جانسون

مدیر اجرایی مرکز قربانیان شکنجه

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

نیاز به تاکتیک‌های نوین

دوگلاس آ. جانسون

^[1] طرح‌ریزی تاکتیکی، با همیاری و پشتیبانی سازمان امنیت و همکاری اروپا و هیئت مشورتی جلوگیری از شکنجه و با کمک‌های غیر نقدی (تأمین وسایل و مایحتاج) صندوق خیریه‌ی برادران راکفلر به وجود آمده است

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

رهنمودنامه‌ای برای دست اندرکاران

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر: رهنمودنامه‌ای برای دست اندرکاران

بهره‌گیری از این

کتاب به عنوان رهنمودنامه

هرنقشی که در مبارزه برای ارتقا بخشیدن به کرامت بنیادین انسانی بر عهده شما باشد، خواه به عنوان

سازمان‌دهنده گروه، خواه به عنوان یک مقام دولتی و یا سرپرست شرکنی چند ملیتی، ما امیدواریم که این کتاب نحوه فکر شما را در مورد امکاناتی که در این زمینه در حوزه کار و فعالیت‌تان وجود دارد،

تغییر دهد. در داستان‌هایی که در پی خواهد آمد ما می‌خواهیم به شما فرصت‌های تازه، همکاری‌های جدید و رویکردهای نو تاکتیکی را نشان دهیم که می‌تواند در پیشبرد حقوق بشر یاری بخش شما گردد.

ما همچنین می‌خواهیم شما را به چالش بطلبیم، و درخواست کنیم تا در کار خودتان از نظر تاکتیک‌ها و راهبردها، نگاهی دوباره بیافکنید و آن‌ها را از نو بررسی و بازبینی کنید. با چنین حجم عظیمی از کارهای مهم و با منابع و امکاناتی چنین اندک، ممکن است طرح چنین درخواستی، در چشم کنش‌گران و مدافعان حقوق بشر کاری تجملی به نظر آید. اما اگر ما تاکتیکی و راهبردی بیاندیشیم، غالباً می‌توانیم کار بهتر را سریع‌تر به انجام برسانیم. برگه‌های کار در اواخر کتاب (ص ۱۷۴) شاید به شما کمک کند که طرح کلی هدف‌هاتان را معین کنید، از آن میان هدف مشخصی را برگزینید، استراتژی خود را تعیین کنید و تاکتیک‌هایی را که برای متحقق ساختن آن استراتژی لازم است، انتخاب کنید. مقاله‌ی «نیاز به تاکتیک‌های نوین» (ص ۱۲) جایگاه تفکر تاکتیکی را در جنبش حقوق بشر و در کل توضیح می‌دهد.

امیدواریم این برگه‌های کاری و این کتاب در کلیت خود، بتواند فقط آغازی باشد برای اندیشه‌ورزی خود شما، یا برای بحث و گفت‌وگو در سازمان‌تان و یا در درون هر گروهی که در راستای بهبود بخشی و بهتر شدن حقوق بشر تلاش می‌ورزد. به هم بسپیوندید و از داستان‌هایی که در پی خواهند آمد انگیزه و الهام بگیرید و بگذارید ایده‌های نو و بدیع از فکر خود شما بیرون بتراود و به یاری پرسش‌هایی که در سرتاسر کتاب طرح می‌شوند به هریک از تاکتیک‌ها از نزدیک بنگرید و جنبه‌هایی از آن‌ها را، که بسا شما هم بتوانید در کار خودتان از آن استفاده نمایید، در نظر گیرید.

هنگامی که صفحات کتاب را ورق می‌زنید و در آن جست‌وجو می‌کنید، تاکتیک‌هایی که در نخستین نگاه شما را به خود جذب می‌کنند، ممکن است همان‌هایی باشند که در محل زندگی شما و یا در حوزه‌های مشابه فعالیت کاری شما، بیش از این مورد استفاده قرار گرفته باشند؛ و به همین دلیل شاید، ضرورتاً، آن‌ها مفیدترین تاکتیک‌ها برای کار شما نباشند. ما به جای این که این کتاب را براساس مناطق جغرافیایی و یا قلمروهای مختلف حقوق بشر تنظیم کنیم، تاکتیک‌ها را در چهار مقوله دسته بندی کرده‌ایم:

آن‌هایی که هدف‌شان پیشگیری از بدرفتاری و خشونت قریب‌الوقوع است (بخش تاکتیک‌های پیشگیرانه: ص ۶۹–۳۹).

آنهایی که هدف‌شان دخالت کردن در کار و متوقف ساختن بدرفتاری و خشونت جاری است. (بخش تاکتیک‌های دخالت‌گرانه: ص ۱۲۲–۷۳)

آنهایی که پس از پایان‌گیری بدرفتاری و خشونت، به بازسازی افراد و گروه‌های آسیب دیده کمک می‌کنند. (بخش تاکتیک های بازسازانه: ص ۱۲۶).

۴- آنهایی که حقوق بشر را با ایجاد جمعیت‌ها و فرهنگ آن، در جاهایی که آن حقوق درک و رعایت می‌گردد، ترویج می‌دهند. (بخش پدیدآورن فرهنگ و نهادهای حقوق بشر ص ۱۱۶)

ممکن است بخواهید به نخستین چالشی فکر کنید که با آن روبرو هستید (برای نمونه مداخله و یا پیشگیری) و به جستجو آن در بخش‌های مربوطه بپردازید. همزمان، خیلی زود درخواهید یافت که تاکتیک‌ها غالباً می‌توانند برای مقاصد گوناگون به کار گرفته شوند و چه بسا بیش از یکی از این هدف‌ها را مدنظر داشته باشند. هرطوری که با آن برخورد کنید، ما پافشارانه درخواست می‌کنیم که با ذهنی باز آن را مطالعه کنید، و آماده در نظر گرفتن و دقت به آنچه باشید که ممکن است بتوانید از هر تاکتیک بیاموزید و یا اقتباس کنید. برخی از تاکتیک‌هایی که درباره‌شان می‌خوانید در وضعیت شما به آسانی می‌تواند به کار بردنی و سودمند باشد، بقیه به بازکاوی و انطباق و سازگاری بیشتر نیاز دارند. برگه‌های کار در آخر کتاب، شامل فهرستی از پرسش‌هاست که می‌باید به هنگام انطباق و سازگار کردن تاکتیک‌ها در نظر گرفته شوند (ص ۱۶۱). اگر شما مایلید فهرستی مفصل‌تر و پیوسته در حال افزایش را مرور کنید، بنگرید به پایگاه داده‌های قابل جستجو ما در این تارنما: **www.newtactics.org**

نه این کتاب و نه طرح تاکتیک‌های نوین، در پی این نیستند که تاکتیک ویژه‌ای را ترویج و تبلیغ کنند و یا به شما بگویند چه چیز در وضعیت و موقعیتی که شما قرار دارید مناسب‌تر است. این به خود شما بستگی دارد که تاکتیک‌ها را بر اساس بافت کاری خود بر مبنای موضوعات زیر در نظر بگیرید:

- استراتژی کلی

- منابع مالی

- منابع انسانی

- امکانات آغاز کار از نظر سیاسی

- ملاحظات فرهنگی

امیدواریم این کتاب را منبعی ارزشمند بیابید. کتابی که انگیزه می‌بخشد، کارتان را بیازمایید و بسنجید و در آن امکانات جدیدی برای پیشبرد حقوق بشر به نظرتان برسد. با توجه به ماهیت محتوای آن این کتاب کاری است که پیوسته رو به تکامل و گسترش دارد، و هرگز فهرستی جامع و کامل از تاکتیک‌ها نیست. «طرح تاکتیک‌های نوین» به بررسی و پژوهش تاکتیک های نوآورانه ای که در چهارگوشه جهان به کار گرفته می‌شوند ادامه خواهد داد و به‌ترویج آن‌ها – با وسایل و ابزاری که فراهم خواهیم آورد – دست خواهد زد. از جمله به مدد پایگاه داده‌های قابل جستجو آنلاین ما (که به نشانی **www.newtactic.org** دست یافتنی است)، و کارگاه های کارآموزی، دفترچه یاداشت‌های تاکتیکی و دیگر وسایل. نظرات، افزوده‌ها، و پیشنهادهای شما را مغتنم می‌شماریم و از آن‌ها استقبال می‌کنیم. خواهشمندیم از فرم‌هایی که در آخر کتاب آمده استفاده کنید و یا این که با ما به نشانی الکترونیکی: **newtactics@cvt.org** تماس بگیرید.

واژه‌های کلیدی

این‌ها برخی از واژه‌های مهمی هستند که ما در سراسر این کتاب به کار می‌بریم. این واژه‌ها در متن و بافتاری دیگر، برای رساندن معناهای بسیار متفاوتی به کار برده می‌شوند. تعریف ما از آن‌ها و نحوه‌ای که ما آن‌ها را برای بیان مقصودمان به کار می‌بریم، چنین است.

هدف: منظور و مقصودی که در جهت رسیدن به آن کوشش به عمل می‌آید.

استراتژی یا راهبرد: طرح کلی گام‌ها و رویکردهای مهم دست یابی بر هدف.

تاکتیک: عملی مشخص که برای تحقق‌یابی استراتژی/راهبرد انجام می‌پذیرد. تاکتیک‌ها اهرم‌ها یا ساز و کارهایی‌اند که به وسیله آن یک استراتژی تحقق می‌یابد. آن‌ها وسایلی‌اند که از طریق آن‌ها شرایط تغییر پیدا می‌کند، درحالی که راهبرد مشخص می‌کند انجام «چه» کاری از اهمیت برخوردار است. تاکتیک‌ها، در مورد «چگونگی» و راهبردها درباره «چه»ی یک اقدام معین‌اند.

آماج یا مخاطب: شخص، محل یا چیزی که منظور تاکتیک اثر گذاشتن بر آن است.

متحدان فعال: افراد و یا سازمان‌هایی که فعالانه و آشکارا از کار شما پشتیبانی می‌کنند و در آن درگیراند.

متحدان غیرفعال: افراد و یا سازمان‌هایی که از هدف‌های شما حمایت می‌کنند و لیکن هنوز در پیشبردن کار شما درگیر نشده‌اند.

فرآیند پژوهش

تاکتیک‌هایی که در این کتاب کاری، و یا در پایگاه داده‌های تاکتیک‌های نوین در تارنمای: **www.newtactics.org** و نیز در کارگاه‌های آموزشی تاکتیک‌های جدید، گنجانیده شده‌اند از دل کار عظیم و پردامنه و گسترده‌ای، گزیده و بیرون کشیده شده اند. پاره‌ای از آن‌ها از سوی کسانی به کار برده شده است که خودشان و کارشان را به عنوان بخشی از مبارزه برای حقوق بشر می‌شناسند. پاره‌ای دیگر از طرف افرادی به کار گرفته شده که یا اهل کسب و کاراند، یا از کارمندان دولت، مأموران اجرای قانون، هسته های حل

درباره‌ی طرح تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر

با یاری گروه‌های گوناگون بین‌المللی و دست‌اندرکاران مختلف و هماهنگ‌سازی «مرکز قربانیان شکنجه» طرح «تاکتیک‌های نوین در

اختلاف، کوشندگان حفظ محیط زیست، کارگران، فعالان حقوق زنان و دیگر جنبش‌های خواستار عدالت و تغییر اجتماعی‌اند. تمامی این افراد تلاش می‌ورزند، کرامت والا و بنیادی انسانی را، به همان معنایی که در اسناد پایه‌ای حقوق بشر قانوناً تعریف شده است، پاس بدارند و ارتقا بخشند. این اسناد همگی یک جا زیر عنوان بیانیه‌ی بین‌المللی حقوق بشر شناخته می‌شوند: اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، پروتکل پیوست آن و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶). این اسناد با بیش از بیست معاهده و پیمان‌نامه در زمینه حقوق بشر دنبال شدند، که در کشورهایی که متعهد به اجرای گردیدند و به تصویب‌شان رساندند، به صورت قوانین الزام‌آور درآمده‌اند.

ما در این کتاب فقط تاکتیک‌های مسالمت‌جویانه را آورده‌ایم، چون بر این باوریم که این‌گونه تاکتیک‌ها مناسب‌ترین شیوه‌های حمایت و پیشبرد حقوق بشراند. هنگامی که افراد از بی‌عدالتی‌های اجتماعی سرخورده و خشمگین می‌شوند و متوسل به زور و خشونت می‌گردند، غالباً، باعث برانگیختن عکس‌العمل‌های سخت‌گیرانه و سرکوب‌کننده‌ای می‌شوند، که به نوبه خود، به تجاوز به حقوق بشر می‌انجامد. این واقعیت را به رسمیت می‌شناسیم که درخواست و مطالبه حقوق بشر، مستلزم درگیری و مبارزه است. امید این است که با آموختن درباره تاکتیک‌هایی که در سراسر جهان به کار گرفته می‌شوند، افراد شیوه‌هایی را بیابند که در کار مبارزه برای حقوق بشر از کاربست زور و خشونت دوری جویند.

در نوامبر ۱۹۹۹، کارکنان «مرکز قربانیان شکنجه» همراه با شماری از داوطلبان پژوهشی را برای شناسایی تاکتیک‌هایی که برای پیشبرد حقوق بشر به کار برده می‌شود، آغاز کردند. به ویژه ما به جستجوی روش‌های تاکتیکی‌ی برخاستیم که می‌توانست که دیگران را به اندیشیدن خلاق و دست زدن به عمل مؤثر برانگیزاند. ما شبکه‌ای وسیع را برای بررسی کارهایی که از سوی سازمان‌های جامعه‌ی مدنی، مؤسسه‌های بین‌المللی، تشکیلات دولتی، کسب و کارهای خصوصی و دیگر سازمان‌ها انجام گرفته بود، به کار گرفتیم تا دریابیم افراد برای ایجاد حوزه‌های مخاطبان و موکلان چه گونه عمل می‌کنند و برای ایجاد تغییر و ارتقا حقوق بشر چه گونه فشار وارد می‌آورند. داوطلبان که عبارت بودند از دانشجویان، استادان دانشگاه، متخصصان تندرستی و درمان، متخصصان روابط عمومی، مشاوران اقتصادی، روزنامه‌نگاران، کارشناسان رایانه‌ای و غیره، وقت بی‌اندازه و ساعت‌های زیادی را صرف این کار کردند. گروه کاری تاکتیک‌های نوین و کمیته مشورتی نیز کمک‌های ارزشمند ارایه دادند.

پژوهشگران با حمایت کنندگان مالی کارهای حقوق بشر تماس گرفتند، در کنفرانس‌ها شرکت جستند، مواد و نوشته های بسیار و اینترنت را واریسی کردند و مصاحبه‌های بی‌شمار تلفنی و حضوری به عمل آوردند. ما هر کاری را که از دست‌مان برمی آمد برای تماس گرفتن با سازمان‌های درگیر انجام دادیم تا درستی و صحت اطلاعاتی را که به کار گرفته‌ایم، بیازماییم و به اثبات رسانیم. اگر این کار امکان نمی‌یافت، تیم همکاران «تاکتیک‌های نوین» در این برآمد که در باره این که آیا اطلاعات پیشگفته از نظر کاربردی معتبر و یا پیش از این منتشره شده یا نه، اطمینان یابد. اگر سازمانی با درج فشرده‌ای از تاکتیک و یا اطلاعات تماس مربوط به خود، راحت نبود، آن اطلاعات حذف می‌شد.

نخستین طرح مقدماتی تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر در سپتامبر سال ۲۰۰۰ به چاپ رسید، و با چاپ آن در سال ۲۰۰۱ دنبال شد. چاپ و نشر سوم بر پایه کار اساسی که بیش از این و در آن دو نشر قبلی صورت گرفته، استوار است.

همچون همه‌ی اثرهای دیگر، این کتاب نیز بازتاب‌دهنده تمایلات نویسندگان و مؤلفان آن است، و نیز از محل‌هایی که ما در جستجوی ایده‌ها بوده‌ایم و از آنچه چارچوب محدودیت‌های پژوهش و امکانات فنی در اختیار تحمیل کرده، اثر پذیرفته است. در نتیجه محدودیت زمانی، اطلاعات و منابع موجود، بعضی از بخش‌ها و مثال‌ها، کامل‌تر از برخی بخش‌ها و مثال‌های دیگراند. خوانندگان می‌توانند با ارسال اطلاعات، و نشان دادن جهت‌گیری‌هایی که واقعیات را مخدوش می‌کند و نیز پیشنهاد مواد و تاکتیک‌های تازه، برای درج در این کتاب، به ما در بهتر کردن چاپ‌های بعدی آن یاری برسانند. ما از دستیاری و کمک مؤثر شما در این زمینه‌ها و بخش‌های دیگر این کتاب استقبال می‌کنیم.

حقوق بشر»، نوآوری‌های تاکتیکی و تفکر راهبری را در میان جمعیت‌های حقوق بشر تشویق و ترویج می‌کند. وظیفه‌ی آن بهبود بخشی و افزودن بر کارآیی و اثرگذاری سازمان‌ها و دست‌اندرکاران حقوق بشر در سراسر جهان، از طریق ایجاد و توسعه ابزار و شبکه‌های لازم برای تبادل ایده‌های سازنده و رواج دادن ابتکارها و نوآوری‌های تاکتیکی است.

این کتاب کار، یکی از ابزارهایی است که از سوی طرح «تاکتیک‌های نوین» فراهم آمده است، تا دامنه وسیع امکانات تاکتیکی در حقوق بشر را به نمایش گذارد.

تارنمای www.newtactics.org یک پایگاه داده‌های قابل جستجو درباره تاکتیک‌ها و محل تبادل نظر گروهی در مورد آن‌هاست که افراد می‌توانند در آن جا برای خود یک شبکه ارتباطی برپا سازند و به مبادله ایده‌ها و تبادل نظر بپردازند.

دفترچه یادداشت‌های تاکتیکی، حاوی سلسله بررسی‌های موردی دست اول و مستقیم اشخاصی است که با جزییات تفصیلی نشان می‌دهند، یک تاکتیک چه گونه به کار بسته شده و با چالش‌هایی که در جریان کار رخ نموده، چه برخوردی صورت گرفته است.

کارگاه‌های آموزشی منطقه‌ای، که در هر منطقه از جهان، برپا می‌گردد، افرادی را گرد هم می‌آورد که تاکتیک‌های ابتکاری را به کار بسته‌اند و شگردهای کارشان را در این کارگاه‌ها به یکدیگر آموزش می‌دهند. شرکت‌کنندگان در این کارگاه‌ها، خیلی زیاد کار می‌کنند و در پایان و هنگام عزیمت با اعتمادی تازه‌تر و بیشتر به قابلیت‌های تربیتی و آموزشی خود و شبکه جدیدی از همکاران تازه در حوزه‌های گوناگون حقوق بشر، شمار گسترده‌تری از تاکتیک‌ها را آموخته و از آن خود کرده‌اند.

درباره‌ی «مرکز قربانیان

«مرکز قربانیان شکنجه»، به منظور التیام بخشیدن به صدماتی که در اثر شکنجه به افراد، به

اعضای خانواده آنان و جوامعی که این افراد متعلق به آن هستند، وارد می‌آید و نیز تلاش برای متوقف ساختن شکنجه در سرتاسر جهان فعالیت می‌کند.

این مرکز به هنگام تأسیس در سال ۱۹۸۵ نخستین مرکز رسیدگی و درمان عوارض شکنجه در نوع خود در ایالات متحده، و سومین در جهان بود. امروز «مرکز قربانیان شکنجه» به بازماندگان از شکنجه مشورت می‌دهد، از آنان مراقبت پزشکی می‌کند و به آنان در قالب مدلی جامع خدمات اجتماعی ارایه می‌نماید، و همچنین آموزگاران و کادرهای حرفه‌ای پزشکی تربیت می‌کند که در صورت لزوم می‌توانند به بازماندگان از شکنجه و آسیب‌دیدگان جسمی و روحی از جنگ یاری برسانند. این مرکز در زمینه عوارض و آثار شکنجه و نحوه درمان مؤثر آن‌ها تحقیق و پژوهش می‌کند؛ و برای خاتمه دادن به شکنجه و توقف آن، در سطح محلی، ملی و بین‌المللی، تلاش و تبلیغ می‌نماید.

طرح «تاکتیک‌های نوین»، حاصل تجربیات مستقیم «مرکز قربانیان شکنجه» در مقام تدوین‌گر تاکتیک‌های جدید و به عنوان مرکز درمانی است که علاوه بر این کار، حمایت از حقوق بشر را از جایگاهی منحصر به فرد -از جایگاه درمانگری و در عین حال هدایت‌گری مدنی- تبلیغ و ترویج می‌کند.

برای اطلاعات بیشتر، نگاه کنید به تارنمای ما: www.cvt.org

The Center for Victims of Torture

717 East River Road

Minneapolis, MN 55455

612 436 4800

cvt@cvt.org

www.cvt.org

سازمان‌های همکار

- دسترسی به عدالت، نیجریه
- مرکز قربانیان شکنجه، ایالات متحده
- مؤسسه حقوق بشر دانمارک، دانمارک
- اجلاس شهروندان هلسینکی، ترکیه
- بنیاد ICAR رومانی
- هماهنگ سازنده ملی حقوق بشر، پرو
- مؤسسه ترکیه‌ای و خاورمیانه‌ای مدیریت عمومی، ترکیه

کمیته‌ی مشورتی بین‌المللی

- عالیجناب مورتون آبراموویتز Morton I. Abramowitz رییس پیشین مؤسسه‌ی «کارنگی برای صلح جهانی» و سفیر سابق ایالات متحده در ترکیه و تایلند.
- ج. بریان ات وود J. Brian Atwood مدیر سابق مؤسسه‌ی «توسعه‌ی بین‌المللی ایالات متحده» و رییس مؤسسه‌ی «امور عمومی هوبرت همفری» در دانشگاه مینه سوتا
- عالیجناب کیم کمپبل نخست وزیر پیشین کانادا و سرکنسول سابق کانادا در لس آنجلس.
- عالیجناب قاضی ریچارد ج. گلداستون قاضی پیشین دادگاه قانون اساسی آفریقای جنوبی و دادستان سابق دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی و روند.
- ایونا کوچورادی Ioanna Kucuradi رییس کمیته‌ی ملی «شورای عالی هماهنگی حقوق بشر» در ترکیه.
- عالیجناب والتر ف. ماندیل Walter F. Mondale معاون سابق ریاست جمهوری ایالات متحده و سفیر سابق ایالات متحده در ژاپن.
- اورهان پاموک Orhan Pamuk داستان نویس ترک
- عالیجناب میشل روکار رییس «کمیسیون اشتغال و امور اجتماعی پارلمان اروپا» و نخست وزیر سابق فرانسه اِدسون و اسپنسر مدیر اجرایی سابق شرکت‌هایی ول Honeywell Inc و رییس هیئت مدیره بنیاد فورد.
- ماریو وارگاس لوزا، داستان نویس پرویی.
- الی وایزل برنده جایزه صلح نوبل.

گروه کاری حقوق بشر

- مار کلر آکوستا Mariclaire Acosta مکزیکو، معاون وزیر در امور حقوق بشر و دمکراسی، دولت مکزیک
- میگوئل ارسی دو اولیویرا Miguel Darcy de Oliveira، برزیل، مدیر مؤسسه‌ی «اقدام فرهنگی»
- کلارنس دیاس Clarence Dias، ایالات متحده، مدیر مرکز بین‌المللی تکامل قانون، و رییس هیئت مدیره حقوق بشر اینترنت.
- کاملیا دورو Camelia Doru، رومانی، مدیر بنیاد ICAR
- بازیل فرناندو Bazil Fernando، چین، مدیر اجرایی کمیسیون آسیایی حقوق بشر.
- کلورین هائی Claude Haenni، سوییس، پژوهشگر مدعو، دانشگاه بریستول
- بهالدین حسن، مصر، مؤسسه‌ی پژوهشی حقوق بشر قاهره
- سالما خان، بنگلادش، رییس سابق و عضو کنونی کمیته‌ی رفع تبعیض علیه زنان سازمان ملل متحد، عضو هیئت مدیره زنان برای زنان، بنگلادش
- مورتون کژا اِروم Morten Kjaerum، دانمارک، مدیر مؤسسه‌ی حقوق بشر دانمارک
- نورین ماک دونالد Norine MacDonald، کانادا، مدیر اجرایی بنیاد گابریل
- سوفیا ماشر Sofia Macher، پرو، عضو سابق کمیسیون حقیقت یابی و آشتی، مدیر اجرایی سابق هماهنگی ملی حقوق بشر.
- لیما ماهونی Lima Mahony، ایالات متحده، عضو هیئت مدیره «سپاهیان صلح بین‌المللی» و مدرّس حقوق بشر دانشگاه پرینستون.
- پَت نایدو Pat Naidoo، کنیا، مدیر وابسته بنیاد راکفلر، دفتر منطقه‌ای آفریقا
- ژوزف اوتِه Joseph Otteh، نیجریا، مدیر دستیابی به عدالت
- بوریس پوستینتسیف Boris Pustintsev، روسیه، رییس «دیده‌بان شهروندان»
- مارک ریچی Mark Ritchie، ایالات متحده رییس «مؤسسه‌ی کشاورزی و سیاست بازرگانی»
- سِر نیگل رودلی Sir Nigel Rodley، هند، رییس همیاری جنوب آسیا برای مبارزه با بردگی کودکان.
- راجش تاندون، هند، مدیر اجرایی انجمن پژوهش مشارکتی در آسیا
- پاتریسیا وال دز Patricia Valdez، آرژانتین، مدیر اجرایی Memoria Abierta
- گلندا وایلدزشتس Glenda Wildschut، آفریقای جنوبی، عضو پیشین کمیسیون حقیقت یابی و آشتی
- میکایل ویندفور Michael Windfuhr، آلمان، مدیر اجرایی نخست غذا، شبکه بین‌المللی آگاهی و عمل.

تاکتیک‌های پیشگیرانه

اندکی بیشتر از یک دهه پیش، سازمان‌های حقوق بشر کارشان بیشتر بر این متمرکز بود که تجاوزاتی را که به حقوق بشر صورت می‌گرفت، محکوم کنند. اصلی‌ترین ابزار موجود در «جعبه ابزار» حقوق بشر یک چکش بود و بس. نقش آفرینان عمده در فعالیت‌های حقوق بشری تنها به «نام بردن و شرمسار کردن» کشورهای خلافکار و ارایه اسناد بدرفتاری و خشونت‌ورزی آن‌ها اکتفا می‌کردند. درست است که این کار در نفس خود کار ارزشمندی است ولی از آن زمان تاکنون، جعبه ابزار، به طرز چشم‌گیری از طرف بعضی از بازیگران درگیر در مسایل حقوق بشر غنی‌تر شده و به ابزارهای تازه مجهز گردیده است.

ما شاهد تغییری چشمگیر در زیست‌بوم حقوق بشر در دهه گذشته بوده‌ایم. دستور کار کاملاً عوض شده است و از ایجاد یک چارچوب حقوقی بین‌المللی به سمت مباحثه‌های جدی در زمینه عمل و اجرا در میدان واقعی مبارزه، حرکت کرده است. همزمان یک جابجایی نیز، روی داده است؛ تلاش‌ها در سطح بین‌المللی، جای خود را به تلاش و فعالیت در سطح محلی سپرده است، و گروه‌های محلی غالباً هم با هدف مداخله و هم با هدف پیشگیری دست به اقدام می‌زنند. برای نمونه، یک سازمان غیر دولتی محلی، ممکن است برود با پلیس درباره یک مورد معین از اعمال شکنجه تماس بگیرد و با آن‌ها درباره این که چگونه می‌شود از تکرار آن در آینده جلوگیری کرد، گفت‌وگو کند. این گروه‌ها از تاکتیک‌های جدیدی استفاده می‌کنند که پیش از این در اختیار سازمان‌های سنتی حقوق بشر نبودند. آن‌ها فقط ایرادگیری و انتقاد نمی‌کنند: آن‌ها با چنین کاری در راستای شکل دادن به گونه‌ای از مشارکت و همکاری با نهادهای دولتی و کمک به اصلاح قوانین گام بر می‌دارند، آن‌ها به نیروهای انتظامی پیشنهاد تهیه برنامه‌های آموزشی و آموزش‌دهی می‌دهند؛ و به این ترتیب حضور خود را از طریق بسیار جدی به آن‌ها تفهیم می‌کنند.

کار دفاع از حقوق بشر و پیشگیری از بدرفتاری و خشونت هم چنان در حال دگرگونی و گسترش و بهبود داریم است. تاکتیک‌هایی که شما در این بخش خواهید خواند، چه بسا که در جای خود به بهتر ساختن دهه‌ی آینده یاری رساند.

- مورتن کزا اِروم

مدیر مؤسسه‌ی حقوق بشر دانمارک

کپنهاک، دانمارک

برای پیش‌گیری از نقض حقوق بشر، ما می‌باید تشخیص دهیم افراد چه وقت در معرض خطر جسمی قرار دارند؛ چه وقت آزادی حرکت، حق کارکردن و یا حق بهره‌مندی شان از مسکن مناسب، محدود می‌شود و یا حق اظهار رأی و نظر گروه و جمعیتی در جامعه، در خطر از دست رفتن است و یا گروهی را خطر افتادن به ورطه فقر و تنگدستی تهدید می‌کند؛ و یا این که شیوه‌ای از زندگی محلی و بومی در معرض نابودی قرار می‌گیرد.

تاکتیک‌های این فصل هدف‌شان پیش‌گیری از بدرفتاری‌ها و خشونت‌ورزی‌های در راه و قریب‌الوقوع است. بعضی وقت‌ها مؤثرترین راه انجام این کار، بودن در محل رویداد است. حضور فیزیکی دیگران -خواه حضور یک داوطلب از کشوری یا دولتی مقتدر باشد و خواه حضور انبوهی از تماشاگران و کسانی که مایل باشند به عنوان شاهد نقش ایفا کنند- می‌تواند خشونت‌ورزان بالقوه را بترساند.

بعضی اوقات بدرفتاری و خشونت روی می‌دهد، چون مردم اطلاعی را که برای پیشگیری از آن نیازمند آن‌اند، در اختیار ندارند. رساندن اطلاع به دست کسانی که بایسته است -گرفتن اطلاع از آنانی که خود مستقیماً از خشونت و بدرفتاری تأثیر خواهند پذیرفت و یا از دیگریانی که قادر به بسیج سازی علیه آن‌اند- می‌تواند مانع رخداد خشونت و بدرفتاری شود.

بعضی وقت‌ها هم بهترین راه پاسداری از حقوق بشر از بین بردن امکان بروز خشونت‌ورزی و بدرفتاری است. تشخیص و شناخت الگوهای تکرار شونده بدرفتاری و خشونت ورزی این امکان را فراهم می‌سازد که با تغییر دادن وضعیت، احتمال بروز و وقوع خشونت و بدرفتاری کمتر شود.

تاکتیک‌های این قسمت به سه بخش تقسیم شده‌اند :

۱. تاکتیک‌های حفاظت جسمی که مانع آسیب خوردن و صدمه دیدگی از طریق

حضور فیزیکی می‌شوند.

۲. تاکتیک‌هایی که اطلاعات مهم و حساس را به دست کسانی می‌رساند که

قادرند از اعمال بدرفتاری و خشونت ممانعت کنند.

۳. تاکتیک‌هایی که بدرفتاری و خشونت‌ورزی را از قبل به حدس دریافته و با

ایجاد موانعی، جلوی وقوع آن را می‌گیرند.

حقوق بشر	تاکتیک‌های پیشگیرانه
	
محافظة جسمانی	

محافظة جسمانی بالاترین و بیشترین همبستگی با هنموغان و انسان‌های دیگر را آن گاه

می‌توانیم به نمایش بگذاریم که هنگامی که در معرض خطر هستند، ما عملا به دفاع از آن‌ها برخیزیم و

یا در کنارشان باشیم. تاکتیک‌های این بخش، تنها خصلت نمادین ندارند و از آن فراتر می‌روند، و با

حضور جسمانی داوطلبان، از ایمنی دیگران حفاظت و دفاع می‌کنند. این ایده، ایده‌ای به نسبت ساده ولی بسیار قدرتمند است: ایمنی در تعداد بیشتر است. گروه‌ها یا کسانی که قصد آزارسانی و صدمه

زدن به کسی را دارند معمولاً نمی‌خواهند در برابر چشم دیگران دست به چنین کاری بزنند، از حضور

شاهدان می‌هراسند و از بازتاب ناخوشایند خبر در رسانه‌ها و یا پی‌آمدهای آسیب رساندن به کسی که

از پشتیبانی یک گروه یا دولت صاحب نفوذ برخوردار است، می‌ترسند. این ایده به نوبت خود راهبر به

ایده قدرتمند دیگری است: به خشونت‌ورزان نشان بدهید که در میان مقامات بالا دوستانی دارید.

محافظان شخصی حقوق بشر: محافظت و دلگرمی بخشیدن به کنش‌گران حقوق بشر که در خطراند، از طریق حضور داوطلبان بین‌المللی.

سازمان «سپاهیان صلح بین‌المللی» PBI، برای همراهی کردن با کنش‌گران حقوق بشر که از طرف دولت‌ها و سازمان‌های شبه‌نظامی مورد تهدید قرار گرفته‌اند، ناظران بین‌المللی گسیل می‌دارد. آنان اگر شاهد بدرفتاری و خشونتی گردند، به مقامات مسئول آن کشور، به دولت متبوع خود و به فعالان حقوق بشر در سراسر جهان هشدار و خبر می‌دهند. با آگاهی از این که، جامعه جهانی خاموش نخواهد نشست و عکس‌العمل نشان خواهد داد خشونت‌ورزان و خلافکاران از اجرای برنامه تهاجمی خود می‌ترسند و دست برمی دارند. همزمان، فعالانی که همراهی می‌شوند، جرأت و نیرو می‌گیرند که به کار خود در دفاع از حقوق بشر ادامه دهند و به آن گسترش بخشند. «سپاهیان صلح بین‌المللی» از نخستین گروه‌هایی بود که ایده و فکر همراهی را سازمان داد و نهادینه کرد، پی. بی. آی. این کار را در گواتمالا اوایل سال ۱۹۸۰ آغاز کرد. در حال حاضر پی. بی. آی. بیش از ۸۰ داوطلب حاضر در محل، در کلمبیا، اندونزی، مکزیکو و گواتمالا دارد.

به رغم این که خود داوطلبان، نمایان‌ترین وجه این تاکتیک هستند، اما موفقیت‌آمیز بودن آن وابسته به کار و فعالیت دیگران بسیاری، در سرتاسر جهان است. داوطلبان، در صورتی که تهاجم و تهدیدی بروز کند، بایستی قادر به جلب نظر فوری جامعه‌ی بین‌المللی باشند. در این اواخر پی. بی. آی. شبکه‌هایی از فعالان در کشورهای متبوع داوطلبان دارد، و به علاوه، داوطلبان شبکه‌ای از خویشاوندان و دوستان خود را نیز وارد کار کرده‌اند و غالباً از تجربیات دامنه‌دار خود به عنوان کنش‌گر حقوق بشر و روابطشان در گذشته بهره می‌جویند.

همراهی بین‌المللی هم برای کنش‌گران حقوق بشر و هم برای داوطلبان این کار که در زندگی شخصی‌شان با خطر دایم و فشارهای روحی و عصبی و محدودیت روبرو هستند، به راستی توان فرساست؛ پی. بی. آی. جایگاهی بالا و با ارزش برای توانمند ساختن و جرأت بخشی به کنش‌گران حقوق بشر محلی و بومی قایل است، و همراهی بین‌المللی داوطلبانه را فقط در صورتی عرضه می‌کند که درخواست شود و هرگز در امور داخلی آنانی که همراهی می‌شوند دخالت نمی‌نماید و خود را تحمیل نمی‌کند.

برای مطالعه بیشتر در این باره، به دفترچه یادداشت تاکتیکی که در این تارنمای که به نشانی **www.newtactics.org** در دسترس است، زیر عنوان ابزار عمل (Tools for Action)، نگاه کنید. همچنین بنگرید به *محافظان غیرمسلح: همراهی بین‌المللی برای حفاظت از حقوق بشر*، نوشته لیام ماهونی Liam Mahony و لوییس آنریک اِگورن Luis Enrique Eguren. نشر کوماریان 1997.

این تاکتیک بر این واقعیت کلی استوار است که ما همگی از فشارهای سیاسی و اخلاقی تأثیر می‌پذیریم. رهبران ملی خوش ندارند رسانه‌ها درباره‌شان بدگویی کنند و آدم‌کشان سطح پایین نمی‌خواهند کسی شاهد کار کثیف آن‌ها باشد. هرکسی ترجیح می‌دهد در جنایاتی که مرتکب می‌شود ناشناخته بماند و هیچ کس خواستار شاهدانی، ناظر بر بدکاری‌های خود نیست. قرار دادن یک شاهد بین‌المللی، درست رودرروی مرتکبان و همزمان با آن وارد کردن فشار خارجی بر رهبران، حمله‌ها را خنثی می‌کند و متوقف می‌سازد، ضمن اینکه به فعالانی که در معرض خطر هستند، نشان می‌دهد که همبستگی بین‌المللی تا بدان جاست که به خاطر حفاظت از آنان، هر خطری را پذیرا می‌گردد و به هنگام در کنارشان است. و این به نوبه خود به آن‌ها در پیشبرد در کار شجاعانه‌شان، دل و جرأت و نیروی بیشتر می‌بخشد.

همراهی از آن وقت تا به حال به عنوان تاکتیک، در دیگر موقعیت‌ها که افراد در معرض خطرات جانی قرار دارند و احتمال تأثیر پذیری مرتکبان خشونت از افکار بین‌المللی وجود دارد، به کار گرفته شده است. گروه‌های دیگری که این تاکتیک را به کار می‌برند از جمله عبارتند از: «نیرو صلح خشونت‌پرهیز» در سریلانکا، گروه‌های مصالحه‌جوی مسیحی در کرانه باختری «سازمان ملی همبستگی با مردم گواتمالا»، برنامه‌ی «همراهی همگرایی دینی در فلسطین و اسراییل»، «جمعیت وفاق و آشتی» در کلمبیا، «سنسترو فری بارتلوم دولاس گاساس» (the Centro Fray Bartolome de Las Casas) در مکزیکو، و دیگران.

این ساز و کارها به ترتیب دیگری نیز می‌تواند به کار گرفته شود. برای نمونه، قدرت نمادین کارکنان کلیسا و یا روزنامه‌نگاران غالباً در موقعیت‌های پر تنش و خشونت‌آمیز، اثری آرامش‌بخش و حمایت‌گرایانه دارد، زیرا مرتکبان خشونت مایل نیستند در حضور چنین کسانی به خشونت و بدرفتاری دست بزنند و به این چشم به آنان نگاه شود. درهائیتی، «یاوران تندرستی» (Parthners in Health)، بهیاراتی را به خدمت می‌گیرند که همراهی کنندگان نامیده می‌شوند که کارشان در واقع این است که روزانه به بیماران گرفتار به ایدز و مسلولین سر بزنند و علاوه بر دارورسانی به آن‌ها از جنبه‌های عاطفی و احساسی نیز روحیه آنان را تقویت کنند و به اعضای گروه نشان دهند که از تماس سطحی با چنین بیمارانی نمی‌بایستی به هراسند. در این جا نیز نماد و حضور فیزیکی شخص و طرف سومی چندان وزن و سنگینی اخلاقی و اجتماعی دارد که قادر است رفتارها را تغییر دهد.

تاکتیک‌های نوین در	تاکتیک‌های پیشگیرانه
	
حقوق بشر	محافظة جسمانی

حقوق بشر	تاکتیک‌های پیشگیرانه
تبادل اطلاعات اساسی و مهم با دیگران	

تبادل اطلاعات اساسی و مهم با دیگران

اطلاعات درست در دستان افراد درخور می‌توان راهی دور و دراز به سوی پیشگیری از

خشونت و پیشبرد حقوق بشر را بپیماید؛ هرچند، حتی در جامعه‌ی اشباع شده از

تکنولوژی و جهانی شده امروزین این امر به نوبه خود می‌تواند همچنان یک چالشی واقعی باشد. تاکتیک‌هایی

که در این بخش آمده است، راه‌های ابتکاری تبادل اطلاعات اساسی و مهم را به کسانی که می‌توانند به

پیشگیری از خشونت و بدرفتاری کمک برسانند، و با آنانی که ممکن است خود در معرض خطر آزار و خشونت

قرار داشته باشند و نیز با گروه‌های وسیعی از مردم که می‌توانند برای پیشگیری از آن خشونت‌ها لب به سخن

بگشایند نشان می‌دهد. برخی از این تاکتیک‌ها از پیشرفته‌ترین ابزارهای تکنولوژیک بهره می‌جویند، در حالی که

برخی دیگر به تماس‌های فردی و روابط مستقیم شخصی متکی هستند، ولی همه آن‌ها نمایشگر این اصل

بنیادین قدیم‌اند: دانایی، سرچشمه توانایی است.

شبکه تلفنی ضد خشونت: استفاده از تلفن‌های همراه برای ایجاد شبکه‌ای ارتباطی که بتواند پیش از آن که خشونت شدت بگیرد، آن را متوقف سازد.

در درگیری‌های آشکارا متقابل و دوسویه ایرلند شمالی، ناممکن بودن یافتنِ زمینه‌ای مشترک بین کاتولیک‌های اهل سیاست و دار و دسته‌های پروتستان، امری است که کراراً به اثبات رسیده است. با این حال در هردو سو، کسانی وجود دارند که خواستار پیشگیری از بروز خشونت‌اند. این تاکتیک مبتنی بر این است که رهبران هر جماعتی که می‌خواهند جلوی خشونت را بگیرند، شناسایی شوند، و به اطلاعاتی که برای انجام این کار لازم است، مجهز شوند.

سازمان «واکنش متقابلِ بلفاست» (Interaction Belfast که قبلاً به نام طرح توسعه میان–گروهی اسپرینگ فیلد خوانده می‌شد) شبکه‌ای از تلفن‌های همراه، برای جلوگیری از بروز خشونت و درگیری میان محله‌های بی‌ثبات بلفاست، ایجاد کرد. به داوطلبان هردو جماعت کاتولیک و پرtestان تلفن‌های همراه داده می‌شد تا با طرف مقابل‌شان در سرتاسر نواحی مرزی محلات، وقتی که توده های بالقوه خشونت‌طلب گرد می‌آمدند و یا شایعه شروع خشونت‌ها پراکنده می‌شد، ارتباط برقرار سازند.

ناحیه مرزی بینابینی جایی است که در آن کاتولیک‌های (ملی‌گرا/ جمهوری خواه) و پرtestان‌های (اتحاد طلب/ وفادار به دولت بریتانیا) ساکن محلات همجوار به درگیری و مقابله با یکدیگر می‌پردازند. محله‌های واقع در طول نواحی مرزی، که گویی با دیواری واقعی از یکدیگر جدا شده‌اند، اغلب‌شان از نظر اقتصادی در زمره محروم‌ترین و فقیرترین جماعت‌های ایرلند شمالی‌اند. بدگمانی و سو ظن نسبت به این که در آن سوی دیوار چه اتفاقی دارد می‌افتد، می‌تواند سبب بروز و یا بالا گرفتن درگیری‌ها شود.

داوطلبان هردو سو هر هفته با یکدیگر دیدار می‌کنند و تلفن‌هاشان همیشه روشن و آماده به کار است. در طول جریاناتی که ممکن است به خشونت بیانجامد، مثل یک رویدار ورزشی یا رژه پرtestان‌ها از میان محله‌های کاتولیک‌نشین، شبکه‌ی پیشگفته با برنامه‌ریزی، همه جاهای حساس را زیر نظر می‌گیرد. داوطلبان به خوبی آگاه‌اند که قادرند به صورت مؤثر فقط در مواردی دست به دخالت و اقدام بزنند، که موضوع بر سر «خشونت خلق‌الساعه‌ی تفننی» باشد –جوانانی که در پی کارهای هیجان‌انگیز هستند و یا به شایعه ها عکس‌العمل نشان می‌دهند- و الاّ در موارد خشونت از پیش سازمان یافته و خشونت گروه‌های شبه نظامی، کار چندانی از دست‌شان برنمی‌آید.

هنگامی که داوطلبان تجمع جمعیتی را در نواحی مرزی مشاهده می‌کنند و یا خبر آن را می‌شنوند و یا از شایعه‌ای مبنی بر احتمال بروز خشونتی در آن طرف آگاه می‌شوند، همکار خود را در آن سوی ناحیه مرزی با خبر می‌سازند و داوطلبان آن سو، می‌کوشند پیش از آن که رویدادی ساده به یک امر خشونت‌آمیز بدل شود، توده جمعیت را آرام سازند.

از وقتی که این برنامه شروع شده، شبکه ارتباط تلفنی هم از بروز خشونت جلوگیری کرده است و هم اخبار و اطلاعات درست‌تری را به هنگام وقوع خشونت‌ها در اختیار گروه‌های دوسوی نواحی مرزی نهاده است. دیدارهای هفتگی داوطلبان نیز به ایجاد هسته‌های مردمی انجامیده که به طور مرتب به گفت‌وگوی بین دو گروه می‌پردازند. پس از این که این دست از روابط انسجام یافت و به خوبی جا افتاد، شبکه همچنین به رسیدگی به سایر مشکلات مشترکی که هردو گروه با آن رودررو بودند، از جمله بازسازی و نوسازی دراز مدت آن منطقه نیز، دست یازید.

استفاده گسترده از تکنولوژی تلفن‌های همراه، پاسخ‌گویی و عکس‌العمل به هنگام نسبت به خشونت و بدرفتاری در جریان و یا قریب‌الوقوع را بیش از هر زمان دیگری ممکن ساخته است. در ایرلند شمالی، تلفن‌ها، برقراری ارتباط را ممکن ساختند، حتی وقتی که در وحله نخست دو طرف هنوز یکدیگر را به خوبی نمی‌شناختند و تنها چیزی که ارتباط بین‌شان را برقرار می‌کرد، تعهدشان به پایان بخشیدن به خشونت‌ها بود.

وقتی بچه‌ها در محلات مرزی جمع می‌شوند، غالباً شایعه‌ی این که طرف مقابل چه کار می‌کنند پخش می‌شود، و این به نوبه خود باعث جمع شدن بچه‌های محله‌ی آن سوی دیگر ناحیه مرزی می‌گردد… اما وقتی می‌شود به طرف مقابل در آن سو زنگ زد و پرسید واقعاً چه اتفاقی دارد می‌افتد و آیا موضوع حقیقت دارد و یا نادرست است، معنی‌اش این است که می‌شود برگشت و نزد جمعیت خودی و آن شایعه‌ها را فرو نشانند. پیش از آنکه این شبکه ارتباطی را راه بیاندازیم، در طرف خودمان بچه‌هایی داشتیم که می‌آمدند و مدعی می‌شدند «آن‌ها دارند آن طرف چنین و چنان می‌کنند» و

حقوق بشر	تاکتیک‌های پیشگیرانه
تبادل اطلاعات اساسی و مهم با دیگران	

تاکتیک

تلفن‌های همراه به برگزار کردن درست انتخابات کمک می‌کنند: انتقال اخبار شمارش درست رأی‌ها، جلوی دست کاری ها را می‌گیرد.

شبکه‌ی تلفن‌های همراه در مواقع دیگر نیز، هر جا که وقت و زمان از اهمیت بالایی برخوردار باشد، می‌تواند مفید افتد. برای نمونه، در طول و یا بلافاصله پس از خاتمه‌ی انتخابات، کنترل صندوق‌های رأی و شمارش آرا کار حساس و مهمی است. در کنیا شبکه ی تلفن‌های همراه به کار گرفته شد تا انتخابات منصفانه و به درستی برگزار شود، و از این رهگذر، با خبررسانی درباره تعداد آرا، بیش از آن که بتوان دست کاری‌شان کرد، حقوق مردم برای مشارکت در شکل دادن به دولت کشورشان حفظ شود.

در طول انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۲ در کنیا، گروه‌های بی‌طرف نظارت، با استفاده از تلفن‌های همراه، با گزارش مرتب و فوری تعداد آرا شمرده شده در هر حوزه رأی گیری به برگزاری درست جریان انتخابات، یاری رساندند.

در انتخابات‌های پیشین، پیش از آن که نتایج را بتوان اعلام کرد، آرا می‌بایستی کلاً به مراکز اصلی شمارش آرا انتقال می‌یافتند. با این‌که این جریان از سوی ناظران زیر نظر بود، نفس تأخیر، جا برای تقلب احتمالی و یا دست کم گمان به تقلب را باز می‌گذاشت. ارتباط آنی که با تلفن‌های همراه برقرار شدنی بود (در بسیاری از حوزه‌های انتخاباتی کنیا از تلفن‌های زمینی و معمولی خبری نیست) کار تقلب و عوض کردن نتایج را مشکل می‌کرد.

از سوی کمیسیون انتخابات به دو گروه مجوز حضور بر سر صندوق‌ها و نظارت بر شمارش آرا انتخابات داده شد: «مؤسسه ی آموزش دموکراسی» یا «آی. آی. دی.» و برنامه‌ی ناظران داخلی کنیا K-DOP. داوطلبان «آی. آی. دی.» در ۱۷۸ حوزه از مجموع ۲۱۰ حوزه انتخاباتی مستقر گردیده بودند؛ داوطلبان از تلفن‌های همراه متعلق به خودشان استفاده می‌کردند و به هریک از آنان مبلغ ۲۰۰۰ شلینگ کنیایی پول پرداخت شده بود (حدود ۲۶ دلار امریکایی). آن‌ها به محض اینکه آرا شمرده می‌شد به یکی از ادارات مرکزی «آی. آی. دی.» تلفن می‌زدند و تعداد آرا فوراً و بدون فاصله روی اینترنت اعلام می‌شد. داوطلبان همچنین بروز خشونت و تخلف را نیز تلفنی گزارش می‌کردند. نتایج «آی. آی. دی.» حتی پیش از اعلام نتایج رسمی کمیسیون انتخابات کنیا، آماده و در دسترس بود؛ بیشتر به این خاطر که کمیسیون مجبور بود برای اعلام نتایج رأی گیری، تشریفات پیچیده‌تری را مراعات کند.

برنامه‌ی ناظران داخلی کنیا نیز از شبکه‌ای از داوطلبان استفاده می‌کرد، اما برای پرداخت پول به آنان ملاک‌های یکسان نداشت. مأموران کمیسیون انتخابات کنیا نیز نتایج را از طریق تلفن گزارش می‌کردند و در جاهایی که تلفن‌های زمینی معمولی وجود نداشت از تلفن‌های ماهواره‌ای که دولت تهیه دیده بود و یا از تلفن‌های همراه شخصی خودشان استفاده می‌کردند.

شفافیت و روشنی که از طریق گزارش‌های سریع و بی‌طرفانه این چند شبکه ایجاد شد، به پیشگیری از خشونت احتمالی، درصورتی که مردم شک می‌کردند در کار انتخابات تقلبی صورت گرفته است، کمک کرد. گزارش‌دهی و خبررسانی سریع، نامزدهای اصلی و هواداران آنان را وادار می‌کرد که مشروعیت نتایج به دست آمده را بپذیرند.

تلفن‌های همراه، برای حصول اطمینان از برگزاری منصفانه انتخابات و حفظ حقوق بنیادی بشر در بیان اراده و خواست فرد طی انتخاباتی آزاد و واقعی، به صورتی فزاینده مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این همه، برقراری ارتباط سریع نیز نمی‌تواند همیشه از پس کندکاری ی دستگاه اداری برآید و به کار آن سرعت ببخشد. چنانکه یکی از ناظران در کنیا خاطر نشان می‌کند، در همان هنگام که متصدیان برای گزارش برخی از مشکلات، مانند نبودن نام کسی در صورت اسامی رأی دهندگان، از تلفن همراه استفاده می‌کردند، برخی دیگر از رأی دهندگان به سبب تشریفات پیچیده حل و فصل یک مسئله از رأی دادن باز می‌ماندند.

از تلفن‌های همراه در بسیاری از انتخابات‌ها که به تازگی در سراسر جهان برگزار شده، استفاده شده است. در جریان انتخابات سال ۲۰۰۰ در پرو، ناظران بی‌طرف سازمان پرویی ترانسپارانسیا (Transparencia) شمار شرکت‌کنندگان در انتخابات، ارزیابی از کیفیت رأی دادن‌ها، و جریان شمارش آرا و نتیجه انتخابات حوزه‌ها را، براساس نمونه‌های گزیده شده تصادفی از میان شعب رأی گیری سراسر کشور، تلفنی به مرکز اصلی تحلیل داده‌ها گزارش می‌کردند. بعضی از گزارش‌ها از مناطق دورافتاده‌اند و آمازون می رسیدند. تحلیل‌ل داده های «ترانسپارانسیا» چنان فشارهای ملی و بین‌المللی بر آلبرتو فوجی موری (Alberto Fujimori) وارد آورد که به پذیرش شرکت در انتخاباتی رقابتی و حذفی وادار شد.

بازماندگان می‌دانند چه پرسش‌هایی بکنند: درگیر کردن بازماندگان از خشونت و تجاوز به حقوق بشر در شناخت و نجات قربانیان بالقوه.

بازماندگان از خشونت، آگاهی منحصر به فردی از آشکالی که تجاوز و خشونت به حقوق بشر می‌تواند به خود گیرد دارند. این گونه اطلاعات برای جلوگیری از رنج و عذاب کسانی که سرنوشتی همانند دارند، می‌تواند به کار آید. سازمان ماییتی (Maiti) نپال برای نجات زنان و دختران دیگر، سیاهه‌ای از زنانی که قاچاقی از مرز عبور کرده‌اند فراهم آورده است.

ماییتی نپال (MAITI Nepal) برای متوقف ساختن قاچاق زنان و دختران در طول مرزهای نپال و هند فعالیت می‌کند و این کار را از طریق مصاحبه با افرادی انجام می‌دهد که آسیب‌پذیر و ضعیف به نظر می‌رسند. مصاحبه‌گران ماییتی کسانی را که در وضعیتی آسیب‌پذیر و خطرناک قرار دارند، راحت تشخیص می‌دهند، زیرا بسیاری از مصاحبه‌گران خود از زنانی‌اند که بازمانده‌های گذر قاچاقی از مرزاند.

تقاضای فزاینده برای کارگران جنسی (sex worker) در مرزهای هند و در سایر بازارها، بر شدت یافتن این نوع قاچاق در نپال می‌افزاید. یکی از راه‌های مبارزه با این مشکل جلوگیری از عبور قاچاقی از مرز است؛ ولی پلیس مرزی اغلب از شناخت و تشخیص قربانیان بالقوه ناتوان است و یا به سادگی از آن چشم می‌پوشد.

ماییتی نپال با نگهبانان مرزی در ۱۱ نقطه عبور همکاری نزدیک دارد و با مسافران مظنون رو در رو می‌شود. آن‌ها همه خودرو ها و مسافربرهای دست کش دوچرخ (rickshaw) را متوقف می‌سازند. اگر زنان یا دخترانی را ببینند که همسفر مردان‌اند، نگهبانان مرزی از مردان، و کارکنان ماییتی نپال، از زنان به پرس و جو می‌پردازند. از آنان پرسش‌هایی می‌کنند مثل: «چرا دارید به هند می‌روید؟» و «چه مدتی است این مرد را می‌شناسید؟» و در همین حال به مجموع رفتار و عکس‌العمل‌های وی و به نوع لباسی که پوشیده و آرایشی که کرده است، می‌نگرند. در طول جریان مصاحبه، آنان درباره تجارت جنسی در هند نیز با این زنان سخن می‌گویند.

اگر داستان‌های مسافران متناقض و ناهماهنگ باشد، عابران مشکوک از طرف پلیس بازداشت می‌شوند و زنان و دختران به خانه‌هایی انتقال می‌یابند که ماییتی نپال به این منظور در نزدیکی مرز ساخته است، در این جا به آن‌ها غذا و پوشاک داده می‌شود و اگر مایل باشند آزمایشات پزشکی ازشان به عمل می‌آید و وسیله انتقال و بازگشت به روستاهایشان در اختیارشان گذاشته می‌شود. در مواردی که بستگان کسی نخواهند وی را پس بگیرند و یا این که تشخیص داده شود که خود آنان در کار قاچاق قربانی دست داشته‌اند، ماییتی نپال به وی مشاوره و آموزش‌های شغلی می‌دهد.

صدها نفر از قربانیان بالقوه به این‌ترتیب و با این تاکتیک تا کنون نجات یافته‌اند و علیه کسانی که گفته می‌شود دست‌اندرکار قاچاق زنان و دختران بوده‌اند شکایت شده است و دستگاه‌های اداری محلی زیر فشار گذاشته شده‌اند که علیه بزهکاران دست به اقدام زنند.

در موقعیت‌هایی که موضوع بر سر قاچاق جنسی، خشونت خانگی، کودک آزاری و یا روسپیگری اجباری است، کسانی که بیگانه با ماجرا هستند، چه بسا که به آسانی بازماندگان از بدرفتاری‌ها نتوانند از عهده تشخیص خشونت و بدرفتاری برآیند. قربانیان بالقوه نیز احتمالاً به کسی که، از آن چه بر آن‌ها می‌گذرد اطلاع و تجربه شخصی دارد، بهتر جواب می‌دهند، تا به کسی که ندارد. به کارگیری بازماندگان خشونت، در اجرای این تاکتیک نقش اساسی و محوری دارد. هنگامی که قربانیان قصد می‌کنند از خشونت و بدرفتاری‌های آتی جلوگیری کنند، اطلاعات منحصر به فرد آنان، در این باره که تجاوزات به حقوق بشر به چه نحو صورت می‌پذیرد، برای آنانی که مصمم به پیشگیری از این گونه تجاوزات‌اند، ارزش بسیار دارد. همچنین، آنچه در این تاکتیک حایز اهمیت است، همکاری موفقیت‌آمیز ماییتی نپال با نگهبانان مرزی است و توجهی که به بازنگرداندن دختران به میان خانواده و بستگانی که خود در جرم قاچاق مشارکت داشته‌اند می‌کند.

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

تاکتیک‌های پیشگیرانه

تبادل اطلاعات اساسی و مهم با دیگران

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

تاکتیک‌های پیشگیرانه

تبادل اطلاعات اساسی و مهم با دیگران

حفاظت از حقوق در زمانی محدود: آگاه کردن قربانیان بالقوه از حقوق‌شان، هنگامی که محدودیتی زمانی برای حفظ آن حقوق در کار باشد.

گاهی اوقات در خود قوانین فرصت‌هایی کوتاه و راه‌هایی در اختیار گذاشته شده که افراد می‌توانند برای دفاع از حقوق خود دست به کارهایی بزنند. «مرکز برابری حق سکونت» سیرا (CERA) در اونتاریو، کانادا، با اجاره‌نشین‌هایی که حکم تخلیه برای شان صادر شده، تماس می‌گیرد و آن‌ها را به اطلاعاتی که برای جلوگیری از تخلیه سکونتگاه‌شان نیاز دارند، مجهز می‌کند.

قوانین کانادا فرصتی را که مستأجران برای اعتراض به حکم تخلیه دارند به پنج روز محدود کرده است، و بسیاری از مردم، از این موضوع بی‌اطلاع هستند و یا این که منابع کافی برای نشان دادن عکس‌العمل به هنگام و پیش‌گیری از اجرای حکم تخلیه در اختیارشان نیست.

در ۱۹۹۸ در اونتاریو قانون جدیدی از تصویب گذشت که به صاحبخانه‌ها اجازه می‌داد که در صورتی که آن ملک خالی باشد، میزان اجاره‌بها را به قیمت روز بازار افزایش دهند. این مصوبه قانونی به مالکان انگیزه می‌داد که مستأجران را، به‌ویژه در محلاتی که میزان اجاره‌ها پایین بود، بیرون کنند. هر ساله، تقریباً ۶۰۰۰۰ نفر در اونتاریو با مشکل حکم تخلیه مسکن مواجه‌اند.

«سیرا» عرض‌حالی به دادگاه مالک و مستأجر فرستاد و درخواست کرد فهرست اجاره‌نشینانی که با مشکل تخلیه روبرو هستند، در اختیارشان گذاشته شود. و فهرست را با این شرط دریافت کرد که حق زندگی خصوصی اجاره‌نشینان را نقض نکرده و محفوظ بدارد. «سیرا» برای هریک از مستأجرانی که صاحبخانه‌های‌شان تقاضای حکم تخلیه کرده بودند، مجموعه اطلاعاتی پست کرد. سپس داوطلبان کار را با یک تماس تلفنی و مطلع کردن مستأجران از حقوق‌شان بیش از انقضای دوره پنج روزه، پی گرفتند. در طی این گفت‌وشنودها داوطلبان مستأجران را از این که صاحبخانه‌شان درخواست بیرون کردن آن‌ها را کرده است، مطلع می‌ساختند، و درباره راه‌های ممکنی که می‌توانستند برگزینند، بحث می‌کردند و آنان را به مؤسسات مربوطه، ارجاع می‌دادند. آن‌ها همچنین درباره وضعیت و شرایطی که کار را به تخلیه کشانده است از مستأجران پرسش می‌کردند، که اطلاعات مهمی را درباره علل و ریشه‌های نایمنی سکونت تأمین می‌کرد که «سیرا» و دیگر سازمان‌ها می‌توانستند با استفاده از آن جلوی بروز مشکل را هم از ابتدا بگیرند.

«سیرا» هرسال به کار نزدیک به ۲۵۰۰۰ نفر می‌رسد. پس از آغاز این برنامه، نرخ تخلیه در مورد کسانی که با آن‌ها تلفنی تماس گرفته شده بود به میزان بیش از بیست درصد کاهش یافت. با اینهمه از مارس ۲۰۰۳ به این سو، «سیرا» نتوانسته است به طرح پیشگیری از تخلیه ادامه دهد، به سبب حکم صادره از سوی کمیسیون امور شخصی و خصوصی که انتشار داده‌های مربوط به موارد تخلیه را ممنوع ساخته است. «سیرا» به تازگی درخواست استیفاف و تجدید نظر در این حکم را به جریان انداخته است.

ضمن اینکه قوانین سکونت اونتاریو به مردم حق اعتراض به تخلیه و بیرون راندن از محل سکونت‌شان را می‌دهد، همه اجاره‌نشین‌ها، اطلاعاتی را که برای دفاع از حقوق خود، در مهلت کوتاه مجاز به آن نیاز دارند، دراختیار ندارند. تاکتیک «سیرا» به آنان کمک می‌کند این اطلاعات را به موقع دریافت کنند و به کار بندند. «سیرا» به فهرستی کامل از کسانی احتیاج داشت که در معرض دریافت حکم تخلیه بودند و در مواردی دیگر، بسا که با چالش کمبود چنین اطلاعاتی مواجه بود. به علاوه، تمام مستأجران از طریق تلفن دست یافتنی نبودند و نیز همه کس نمی‌خواهد و یا نمی‌تواند زحمت درگیری احقاق حقا‌اش را برخود هموار کند.

آموزش مهارت‌های شغلی به جمعیت‌هایی که به خطر افتاده‌اند: بکارگیری فنون غیررسمی آموزشی برای یاد دادن مهارت های لازم به جمعیت‌هایی که در خطر هستند، تا در اقتصادی در حال تغییر موفق باشند.

آموزش زنان

در مغولستان در دهه ۱۹۹۰، مانند بسیاری دیگر از جوامع در حال گذار، انتقال از اقتصاد متمرکز دولتی به اقتصاد بازار آزاد موجب این تهدید شد که زنان (و در نتیجه کودکان) در این جابجایی از بقیه عقب بمانند و در معرض خطر فقر، گرسنگی و خشونت و بدرفتاری قرار گیرند. «طرح زنان گبی» (Gobi Women’s Project) در صدد برآمد به زنان مناطق دورافتاده روستایی مغولستان، اطلاعاتی را منتقل کند که برای موفقیت در نظام اقتصادی جدیدی که در حال پدید آمدن بود، به آن نیاز داشتند.

دولت مغولستان، از وسایل غیر رسمی آموزشی، مانند رادیو، مطبوعات و آموزگاران سیّار بهره می‌جست تا به زنان آسیب پذیر و حاشیه‌ای گبی دسترسی یابد و مهارت‌های جدیدی به آن‌ها بیاموزاند که برای بقای در اقتصاد بازار، به آن محتاج بودند.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، اقتصاد متمرکز دولتی مغولستان نیز به پایان خود رسید. مردمانی که همه زندگی‌شان را در مزارع اشتراکی سپری کرده بودند اینک می‌بایستی خود مسئولیت بر عهده می‌گرفتند و رمه‌های خود را حفظ و نگهداری می‌کردند و برای کالاهای تولیدی و خدمات‌شان بازار می‌یافتند. خیلی‌ها، چنین مهارت‌هایی را و یا منابع لازم را برای انجام این کار نداشتند. زنان چادرنشین صحرای گبی، منطقه‌ای با آب و هوای بی‌اندازه سخت و طاقت شکن و امکانات ناچیز ارتباطی و سیستم ترابری ناکافی، به نحو ویژه‌ای آسیب پذیر بودند. بدون هیچ مهارتی در کسب و کار و در داد و ستد، زنان و کودکان‌شان را خطر فقر، بدی تغذیه و به طور بالقوه خشونت و بدرفتاری تهدید می‌کرد.

دولت پروژه‌ی زنان گبی را راه اندازی کرد و از همه زنان ساکن صحرای گبی دعوت به عمل آورد در یک مجلس گفت‌وگوی جمعی برای برنامه‌ریزی و جستجوی راه‌هایی برای رفع این مشکل شرکت جویند. گروه چنین تشخیص داد که مادران تنها، که دست کم سرپرستی بیش از سه کودک را بر عهده دارند، گروه حایز اولویت‌اند و برنامه‌های رادیویی در پیوند با سایر فنون غیررسمی آموزشی، کارآمدترین وسیله برقرار کردن ارتباط با ایشان است. (مقصود از آموزش‌های غیررسمی، آن گونه برنامه‌های آموزشی است که اجباری نیستند و خارج از یک مدرسه به اجرا در می‌آیند.)

برنامه‌های رادیویی، اطلاعاتی را درباره مهارت‌های کسب و کار (مثل تولید پشم، کُرک شتر، بافتن نمد، خورجین و تولید لباس های سنتی)، مهارت‌های داد وستد (مثل چانه زنی و مذاکره بر سر قیمت‌ها و برنامه‌ریزی) و مسایل بهداشت و تندرستی (مثل برنامه های کنترل خانواده، نظافت وبهداشت، تغذیه و کمک‌های اولیه) تدارک می‌دید و در اختیار می‌گذاشت.

برنامه‌های رادیویی دوبار در هفته و معمولاً در اوایل شب درست در وقتی که احتمال گوش دادن به آن از طرف زنان بیشتر بود، پخش می‌شد. نوار این برنامه‌ها در مراکز آموزشی برای کسانی که نتوانسته بودند برنامه‌ی رادیویی را بشنوند مهیا بود و می‌توانستند نوار آن را گوش کنند. مواد کمک آموزشی نیز تولید شده بود که همراه با برنامه‌های رادیویی، مورد استفاده قرار گیرد، و آموزگاران سیّار، پیشرفت زنان را بازبینی و امتحان می‌کردند و مواد آموزشی کمکی و تکمیلی در اختیارشان می‌گذاشتند.

شیوه‌ی آموزشی غیررسمی موفق شد، زنان را در راستای تنظیم آینده‌ی اقتصادی‌شان بسج کند تا خود مهار سرنوشت آینده‌شان را به دست گیرند. آن‌ها به ایجاد و سازمان‌دهی بازارهای محلی دست زدند، برنامه‌های همکاری بین گروهی به راه انداختند و شوهران و کودکان‌شان را نیز ترغیب کردند در طرح شرکت جویند و به آن گسترش بخشیدند.

در این مورد تاکتیکِ ایجاد–مهارت، برای تضمین حقوق اقتصادی به کار بسته شد، ولی طرح‌های آموزشی غیررسمی در زمینه موضوعات مشابه دیگر نیز می‌تواند برای دسترسی یافتن به گروه‌های دورافتاده، به کار گرفته شود. نکته‌ای که از اهمیت اساسی برخوردار است این است که، کارکنان «پروژه‌ی زنان گبی» در استفاده از برنامه‌های غیر رسمی آموزشی، چه گونه می‌تواند به طراحی این برنامه، به شیوه زندگی و فرهنگ زنانی که می‌خواستند به آن‌ها دسترسی یابند و کمک کنند و نیز به گزینش رسانه های ارتباطی‌شان، توجه داشتند.

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

تاکتیک‌های نوین در

تاکتیک‌های پیشگیرانه

تبادل اطلاعات اساسی و مهم با دیگران

www.newtactics.org

اطلاع‌رسانی و یاد دادن مهارت‌های لازم برای مطالبه حقوق: تواناسازی مردم برای به کارگیری نظام قانونی به منظور دستیابی به حقوق‌شان.

پطرزبورگ

ضمانت‌های قانون اساسی در مورد برخی از حقوق، غالباً در قوانین عادی پشتوانه‌ای را که باید، ندارند و آن گونه که واقعاً می‌بایست به اجرا در نمی‌آیند. سازمان «مادران سربازان سنت پترزبورگ»، به مردم آگاهی و مهارت‌هایی را یاد می‌دهند که برای مطالبه ی حق مندرج در قانون اساسی، مبنی بر این که سربازان حق خودداری از خدمت در ارتش و بازنرفتن به واحدهایی را که در آن جا با ایشان با خشونت رفتار شده و صدمه خورده‌اند، دارند.

«مادران سربازان سنت پترزبورگ»، به مشمولان خدمت نظام، به سربازان جدید ارتش و اعضای خانواده سربازان روسی، درباره ی حقوق قانونی آن‌ها آموزش می‌دهند. به نحوی که بتوانند به صورت مؤثری آن حقوق را اعمال کنند.

در روسیه همه‌ی مردان جوان اجباراً باید به خدمت نظام بروند. در حالی که یک مصوبه قانونی در ۱۹۹۳ بعضی را به دلایلی همچون ضعف مزاج و بیماری و یا مشکلات جدی دیگر (برای مثال پیری و بازنشستگی والدین و یا بیماری آنان، و یا به دلیل این که هنوز در مدرسه ادامه تحصیل می‌دهند) از خدمت معاف می‌کند، کمیسیون نام‌نویسی، مرتباً این قانون را زیر پا می گذارد. مادران سربازان، مواردی را مستند کرده‌اند، که مردان جوانی که از مشکلات جسمی و یا روانی رنج می‌برده‌اند که می‌بایستی به سبب آن از خدمت نظام معاف شوند، به زور مجبور شده‌اند به خدمت اعزام شوند. کمیسیون‌ها، چنان که همه از آن مطلع‌اند با همکاری مستقیم پلیس، حتی به سربازگیری جمعی در خیابان‌ها، مدارس، و خوابگاه‌ها دست زده‌اند و حتی از جستجوهای خانه به خانه نیز روی گردان نبوده اند. این مردان جوان همین که وارد ارتش می‌شوند، در معرض شرایط هولناکی قرار می‌گیرند. از جمله شرایط زیستی بد و بی‌قاعده و تحقیرآمیز و کتک‌های شبانه و شکنجه.

در آموزشگاه حقوق بشر که به دست مادران سربازان اداره می‌شود و به نام «بیاپید از پسران‌مان حفاظت کنیم» معروف است، شاگردان این آموزشگاه می‌آموزند از قوانینی که از حقوق آنان حمایت می‌کند چه گونه استفاده بکنند. آن‌ها به همچنین اعتماد به این را که قانون قادر است از آن‌ها حمایت کند، تقویت و تشویق می‌کنند و از یکدیگر حمایت به عمل می‌آورند و برای مقابله و غلبه بر ترس و وحشت‌شان متقابلاً به هم یاری می‌رسانند.

جلسات تعلیم و تمرین، هفته‌ای یک بار برگزار می‌شود و سه ساعت به طول می‌انجامد. از جمله به آن‌ها دستورالعمل‌های ویژه ای یاد داده می‌شود که به مقامات مسئول چه گونه اظهاریه بنویسند، و نیز ایفای نقش و مباحثه در باب قانون و حقوق بشر را به ایشان می‌آموزانند. یک کتاب راهنما نیز سالی یکبار به چاپ می‌رسد.

بیشتر مردم می‌توانند از پزشکان خصوصی، گواهی پزشکی و مستنداتی بگیرند که به پزشکان نظامی ارایه کنند. مادران سربازان، با یک گروه کاری ده نفره ولی با تعداد زیادی داوطلبان روسی و بین‌المللی، کار مشارکت جویان را با استفاده از پرسشنامه، و تشکیل و نگهداری پرونده‌هایی برای هر فرد و هر محله پی گیری می‌کنند. از مشارکت‌جویانی که تقاضای معافیت از خدمت‌شان با موفقیت همراه بوده، درخواست می‌شود که با گروه‌های بعدی به صحبت بنشینند. نزدیک به ۱۲۰۰۰۰ نفر طی مدت ۱۲ سال در جلسات تعلیم و تمرین شرکت جسته‌اند و ۹۰۰۰۰ نفر توانسته‌اند از حق خود مبنی بر نرفتن به خدمت نظام با موفقیت دفاع کنند. به تقریب ۵۰۰۰ نفر که در ارتش شکنجه شده بودند، توفیق یافتند که از بازگشت به واحدهای خود، سرباز بزنند و به آن واحد برنگردند.

پطرزبورگ

به رغم این که به صورت تئوریک در قانون اساسی روسیه، حمایت از مردان جوانی که از خشونت و بد رفتاری می‌هراسند و یا آن را به تن آزموده‌اند، پیش بینی شده است، ولیکن کمبود اطلاع و ترس از توسل به نظام قانونی (سیستمی که به طور معمول ازطرف افراد مورد استفاده قرار نمی‌گیرد) مانع می‌شود که از این امتیاز و حقوق مترتب بر آن استفاده کنند. مادران سربازان، اطلاعات مربوط به این گونه حقوق و کاردانی‌های لازم، مانند نوشتن درخواست نامه، و راهنمایی در مراحل مختلف پی گیری حقوقی در سیستم قانونی را تدارک می‌بینند و در اختیار درخواست‌کنندگان قرار می‌دهند.

مبارزه با فساد و رشوه خواری از راه شفافیت: **ردگیری کار مأموران دولت روی اینترنت**، برای مبارزه با فساد و رشوه خواری.
تاکتیک

در کره جنوبی، دولت سئول مأموران خود را تشویق می‌کند که وظایف‌شان را با درستی و صداقت بیشتری انجام دهند، از جمله از این راه که اطلاعات حساس و مهم را با هرکسی که به اینترنت متصل است تبادل کنند و آن‌ها را نیز در جریان پیشرفت کار بگذارند.

دولت در سئول پایتخت کره جنوبی، پایگاه داده‌هایی را روی اینترنت به وجود آورده تا بر شفافیت کار دولت بیافزاید. فرآیند بهکرد کار رسیدگی به تقاضانامه‌های خدمات شهری، که به اختصار به نام «اُپِن» (OPEN) معروف است، به ساکنان شهر امکان می‌دهد تا بر جزئیات کار تقاضانامه‌های مرتبط با ۷۰ وظیفه‌ی دولت در زمینه خدمات شهری، که مشخصا بیش از سایر کارها مستعد و در مظان سوءاستفاده و فساد قرار دارند، نظیر پروژه‌های مسکن و ساختمان سازی، ضوابط زیست محیطی و برنامه‌ریزی شهری، نظارت کنند.

پیش از راه اندازی «اُپِن»، متقاضیان کسب مجوز از دولت قادر نبودند، از چگونگی سیر جریان رسیدگی به درخواست‌هاشان اطلاع پیدا کنند. این فرآیند پیشتر ناروشن و غامض بود تا شفاف و آشکار و به کارکنان فاسد و رشوه خوار اجازه می‌داد، که برای پیششبرد کار درخواست‌نامه‌ها از متقاضیان درخواست رشوه کنند.

اکنون، وقتی که کارمندانی تقاضانامه‌ای را به‌روز و یا دریافت می‌کنند، فرم‌های استانداردی حاوی داده‌ها و اطلاعات مربوط به وارد کردن تقاضانامه را پر می‌کنند. فرم‌ها، توسط هر قسمت اداری برای به هنگام کردن پایگاه داده‌ها بر روی اینترنت مورد استفاده قرار می‌گیرد. از طریق پایگاه داده‌ها، متقاضیان قادرند بفهمند تقاضانامه‌شان نزد کیست، چه موقعی انتظار می‌رود فرآیند رسیدگی به تقاضانامه‌شان تکمیل شود، دلایل تأخیر کار چیست و یا اگر تقاضانامه‌ای رد شده است، دلایل عدم پذیرش آن کدام‌اند.

بنیاد نهادن «اُپِن» همراه بوده است با اقدامات دیگری در راستای مبارزه با فساد و رشوه خواری؛ از جمله: در نظر گرفتن تنبیهات و جریمه‌های سخت برای کارکنانی که درخواست رشوه کرده‌اند و یا رشوه‌ای را قبول کرده‌اند، تهیه یک برگه‌ی مخصوص گزارش دهی فساد و رشوه‌خواری به شهردار، برقراری یک خط تلفنی که شهروندان بتوانند از طریق آن دفاتر شهردار را از موارد فساد و رشوه‌گیری مطلع گردانند، نوبتی کار کردن مأموران و فرستادن آنان به تناوب به قسمت‌های مختلف اداری برای پیشگیری از رفیق بازی و قوم و خویش بازی.

تارنمای «اُپِن» روزانه در حدود ۲۵۰۰ بازدید کننده دارد. یک پژوهش اینترنتی که به وسیله‌ی دولت در شهر سئول صورت گرفته حاکی از این است که ۷۸/۷ درصد از شهروندانی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند، باور دارند که برنامه‌ی «اُپِن» به طرز مؤثری فساد و رشوه‌خواری دولتی را کاهش داده است. به تازگی، دولت همچنین آغاز به ارایه اطلاعات علنی و باز درباره‌ی ۳۵ کمیته‌ی دولتی شهری کرده است. این بدان معناست که شهروندان اینک می‌توانند بر کار مدیریت کمیته‌ها نیز از طریق سیستم «اُپِن» نظارت داشته باشند.

«اُپِن» علاوه بر این که در خدمت پیشگیری از فساد و رشوه خواری در مورد تقاضانامه‌های فردی برای خدمات دولتی است، از جنبه‌ای دیگر مداخله‌ای است در سطح وسیع‌تر، و می‌کوشد به سو رفتار و تجاوزی که در جریان است خاتمه دهد. یکی از عوامل دخیل در موفقیت این سیستم، مشارکت فعال و حمایت پیوسته‌ی دفتر شهردار از آن بوده است. بدون چنین حمایتی از سوی افرادی در مقامات بالا، که از مشروعیت عمومی بهره‌مند باشند، سیستمی همانند «اُپِن» را مشکل بتوان به اجرا گذاشت. موفقیت این تاکتیک ضد فساد و رشوه‌خواری همچنین با استفاده وسیع از اینترنت در کشور تسهیل گردیده و نیروی بیشتری یافته است.

از بین بردن فرصت های نقض حقوق بشر، غالباً از الگوهایی تکراری تبعیت می‌کنند و در مکان‌هایی قابل پیش‌بینی و **خشونت و بدرفتاری** در اوضاع و احوالی پیش‌بینی‌پذیر رخ می‌دهند. تشخیص و شناخت این الگوها و برهم زدن و

مختل کردن آن‌ها برای پاسداری و حمایت از حقوق بشر، اهمیت کلیدی دارد. اگر شکنجه مسئله‌ای است که در

زندان‌ها روی می‌دهد، چه بسا جلوگیری از زندانی شدن آدم‌ها، از وقوع شکنجه پیشگیری کند. اگر دولتی قادر

به تعرض و از بین بردن آزادی فکری است و به چنین کاری از راه ضبط و مصادره اطلاعات و اسناد شخصی دست می‌یازد، در مرحله نخست حصول اطمینان از این که چنین اسناد و اطلاعاتی هرچه کمتر ثبت و نگهداری

بشود، چه بسا که مانع از دست رفتن این آزادی بگردد. تاکتیک‌هایی که در این بخش ذکر می‌شوند، از طریق از

میان برداشتن فرصت بروز خشونت و بدرفتاری، همگی برای پیشگیری از تجاوز به حقوق بشر و ناممکن ساختن

احتمال وقوع تجاوز، بارها مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

کارگران، از کارخانه‌ها و شغل‌های خود حفاظت می‌کنند: بکارگیری قانون سلب مالکیت، برای تضمین حفظ حقوق اقتصادی.

تاکتیک

آنگاه که بنگاه‌های کسب و کار و مشاغل از بین می‌روند، افراد و خانواده‌ها و جماعت‌ها در خطر فروافتادن به فقر و تنگدستی قرار می‌گیرند. در سقوط و رکود اقتصادی اخیر در آرژانتین، بسیاری از بنگاه‌های تولیدی و کسب و کار یا تعطیل و یا ورشکسته شدند.

کارگران در آرژانتین برای جلوگیری از دست دادن شغل‌هاشان از متوقف ساختن کار، در مؤسساتی که در استخدام آن بودند و ورشکسته شده بودند، سرباز زدند و به کار کردن ادامه دادند. مشاغل نزدیک به ۲۰۰ کارخانه ی باز پس گرفته (fabricas recuperadas) به دست کارگرانی حفظ گردید که از قانون کمتر شناخته‌شده سلب مالکیت استفاده کردند و به این‌ترتیب از پیاده کردن و انتقال تجهیزات کارخانه‌ها از سوی اعتباردهندگان پیش‌گیری کردند و خواستار بازپس‌گیری کارخانه ها شدند. بنگاه‌های کسب و کار یاد شده، از کارخانه‌های کوچک بستنی‌سازی، تا کارخانه‌های فلزسازی و هتل های چهارستاره و کشتی‌سازی بزرگ را در بر می‌گرفتند.

آرژانتین که روزگاری به عنوان «معجزه اقتصادی» ستوده می‌شد، در سالهای پایانی ۱۹۹۰ دچار یک رکود اقتصادی گسترده شد که آرژانتینی‌ها را به فقر و تنگدستی انداخت. جنبش اشغال کارخانه‌ها به طور خودجوش در پاسخ به سقوط وضع اقتصادی شکل گرفت. این رویکرد، از الگوهایی عمومی‌تر و تکراری تبعیت می‌کرد.

نخست، بنگاه به ورشکستگی دچار می‌شد یا به حال خود رها می‌گردید. کارگران بنگاه را در اختیار می‌گرفتند و آن را اداره می‌کردند و از این امر که اعتباردهندگان، ماشین‌آلات کارخانه را بیرون ببرند جلوگیری کرده و از دادگاه درخواست صدور حکمی می‌کردند که به خاطر جبران خسارت دستمزدهای پرداخت نشده‌شان، حق ادامه‌ی کار بنگاه، به آن‌ها واگذار شود. این حکم دادگاه با استناد به قانونی داده می‌شود که در اصل به دولت‌های محلی اجازه می‌داد به منظور اجرای پروژه‌های عمومی به تصرف املاک دست بزنند. کارگران می‌بایستی می‌پذیرفتند ارزش منصفانه دارایی‌ها را در یک دوره‌ی زمانی معین به مالکان پرداخت کنند و مجاز بودند تنها وقتی به خودشان پولی بپردازند که به مرحله سوددهی برسند.

در نتیجه‌ی کاربرد این تاکتیک، بیش از ۱۰۰۰۰ شغل حفظ شد و کارگران چندین کارخانه باز پس‌گرفته شده در شُرف مالکیت دارایی کسب و کارهایی هستند که اشغال کرده بودند.

به کارگیری قانون سلب مالکیت برای توجیه این اشغال‌ها از روی استیصال و ناچاری پدید آمد، با وجود این، این ظرفیت بالقوه را نیز دارد که به آن از حفظ ساده باز نگه داشتن کسب و کارها فراتر نگریده شود. این کار گامی بود در جهت پیشگیری از فقر که می‌توانست در بین جماعات آسیب‌پذیر گسترش یابد و نیز گامی بود در راستای بالاتر بردن سطح زندگی کارگران. این کار به نوعی تأکیدی است بر حق کار کردن و حمایت از گذران معیشت فرد، بدان‌سان که در «اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر» آمده است.

میانجی‌گری جماعت: ایجاد ساز و کارهایِ جایگزینِ حل و فصل اختلافات به منظور پیشگیری از دخالت پلیس بالقوه بدرفتار و خشونت‌گر.

این تاکتیک حاصل این فکر است که می‌توان با حل و فصل کردن اختلافات، از راه کدخدامنشی و میانجیگری خارج از نظام دادگاهی، مردم را بیرون از پایگاه‌های پلیس و بدین‌ترتیب بدور از خطر شکنجه شدن–نگه داشت.

به عنوان گزینه‌ای دیگر، در کنار نظام قضایی جزایی، «مرکز قربانیان شکنجه در نپال» CVICT به راه‌اندازی یک جریان میانجی‌گری دست زده است. این جریان از دستگیری‌های غیر لازم بعضی از افراد جلوگیری می‌کند که در غیر آن صورت به پایگاه‌هایی پلیس جلب می‌شدند و به عنوان زندانی در ۶۰ درصد از موارد برای گرفتن اعتراف شکنجه می‌شدند.

CVICT پژوهشی به انجام رساند که انواع اختلافاتی را که ممکن است به وجود آید بررسی و مشخص می‌کرد، سپس بر اساس شیوه حل و رفع کدخدامنشانه اختلافات مبتنی بر حقوق طرفین دعوا، یک دوره آموزشی برای رهبران و سرکردگان جماعات، از جمله برای زنان و «دالیت»ها (Dalits -از کاست نجس‌ها) تدارک دید. میانجیگری جماعت، در مواردی به جز موارد جنایی حاد امکانی است که، صرف نظر از سن، جنسیست، طبقه یا کاست اجتماعی افراد، در اختیار همه گذاشته می‌شود. برای‌تریبت مربیان، CVICT جلسات توده‌ای وسیع میان هر جماعتی برگزار می‌کند و تقاضا می‌کند کسانی را انتخاب و منصوب کنند. سپس به این مربیان در زمینه‌هایی مثل حقوق بشر، قوانین محلی و شیوه‌های حل و فصل اختلافات، آموزش داده می‌شود. بسیاری از اینان که پیش از این در کار حل و فصل اختلافات شرکت داشته‌اند، می‌توانند تجربه‌های گذشته خود در این زمینه را به کار بندند. این مربیان سپس به تربیت و آموزش دیگران در سطح محلی می‌پردازند.

اینان کمیته‌ای را تشکیل می‌دهند که در کار حل و رفع اختلافات محلی میانجیگری می‌کند. هر کمیته‌ای دست کم ۳۰ درصد از زنان و حداقل یک نماینده از اقلیت‌های قومی جماعت را در بر می‌گیرد. مراحل و مقررات فرآیند میانجیگری بسیار روشن است، کار با طرح درخواست میانجیگری آغاز می‌شود و طرفین اختلافات، خود باید به عنوان نماینده در طول جریان حضور داشته باشند.

در طی جلسه میانجیگری، پنج تا نه نفر از میانجیگران آموزش دیده بین دو طرف دعوا قرار می‌گیرند که هر کدام شان همچنین می‌توانند دیگری را برای پشتیبانی از خود به همراه آورند. کمیته‌ی میانجیگری، ساختار فرآیند میانجیگری را توضیح می‌دهد و طرفین دعوا و طرفداران‌شان هر یک وضع و مدعاشان را بیان می‌کنند. سپس میانجی‌گران طرفین را در بحث و گفت‌وگوی در باب راه های احتمالی رسیدن به توافق درگیر می‌سازند. عموماً، چاره کار از طریق گفت‌وگوی طرفین اختلاف و جماعت حاضر به دست می‌آید. با این حال میانجی‌گران از این قدرت بهره‌مندند که درباره لزوم انجام تحقیقات بیشتر و یا ضرورت اقدام قانونی نیز تصمیم بگیرند. میانجی‌گر می‌تواند در تشکیل پرونده و به ثبت رساندن موضوعی از سوی یکی از طرفین نیز حکم صادر کند که به نوبه خود منجر شده است به این که ثروتمندان نیز بخواهند در این فرایند شرکت جویند.

نظام کدخدا منشی و میانجیگری که تا کنون در سه ناحیه به اجرا گذاشته شده است دسترسی به عدالت و پویندگی قدرت را ترقی بخشیده، و همچنین موجب شده است شمار دستگیری‌ها به صورت چشم‌گیری کاهش یابد در سال نخست دو سوم اختلافات از طریق میانجی‌گری حل و فصل شده و تنها یک سوم آن‌ها به پلیس و دادگاه‌ها ارجاع گردیده است. پروژه میانجیگری جماعت CVICT توانسته است، تعداد زیادی از اختلافات محلی را حل و فصل کند، آگاهی نسبت به حقوق بشر را افزایش دهد و از اختلافات خانوادگی و بین همسایگان بکاهد. CVICT دست در کار گسترش این پروژه در دوازده ناحیه است که به این‌ترتیب یک سوم از جمعیت کشور به آن دسترسی پیدا خواهند کرد.

از آن جا که در نپال به کارگیری شکنجه یکی از ابزارهای رایج بازجویی در پایگاه‌های پلیس است، میانجی‌گری یکی از راه‌های مؤثر پیشگیری از شکنجه، از طریق بیرون نگه داشتن مردم از پایگاه‌ه‌است. این تاکتیک سودمندی‌های چشم‌گیر دیگری نیز دارد: به گسترش دسترسی به عدالت، برای مردمی که در غیر این صورت راه دیگری برای حل اختلافات‌شان ندارند و یا از عهده طرح دعواشان علی‌به ثروتمندان بر نمی‌آیند، یاری می‌رساند و مردم محلی را در به عهده گرفتن و یا توسعه نقش رهبری کننده آنان در بین جماعت خود آموزش می‌دهد.

من از یک روستا می‌آیم. بسیاری از همکاران من در سطح روستا کار می‌کنند. مردم همیشه از این شکوه می‌کنند که حل و فصل اختلافات خیلی وقت‌گیر است. اگر مردم بتوانند اختلافات‌شان را از این راه حل و رفع کنند، هم از این راه جلوی شکنجه را می‌گیرند و هم برای پرداختن به کارهای توسعه وقت بیشتری به دست می‌آورند.

– **بهوجندرا شارما، مرکز قربانیان شکنجه نپال**

از بین بردن مدارک و اسناد: پاسداشت و حمایت از آزادی اندیشه و حق به زندگی خصوصی با منهدم کردن اسناد و مدارکی که دولت در پی آنهاست.

در ایالات متحده، یک سازمان ملی تخصصی، با تاکید بر اینکه تا جایی که ممکن است اسناد و مدارک کمتری نگهداری شود، بر تلاش‌های خود افزوده است تا جلوی تجاوز به حق زندگی خصوصی و آزادی اندیشه گرفته شود.

کتابداران در سراسر ایالات متحده، طبق سنت جلوی محدودیت‌های آزادی فکر را با از بین بردن هر چه زودتر اسناد و مدارک غیر ضروری کتابخانه‌ها گرفته‌اند. «انجمن کتابخانه‌های آمریکا» یا ای. ال. ای. (ALA) –بزرگترین انجمن کتابخانه‌های جهان، با بیش از ۱۰۰۰۰ عضو– نفوذ خود و اعضایش را برای مخالفت با تغییرات قانون فدرال که از محافظت اسناد و مدارک کتابخانه‌ها می‌کاهد، به کار گرفته است.

چهل و هشت ایالت قوانینی در مورد کتاب‌ها دارند که اسناد مربوط به مشتریان همیشگی کتابخانه‌ها را محرمانه تلقی می‌کند. ضوابط اخلاقی ای. ال. ای. و سیاست محرمانه نگهداشتن اطلاعات آن نیز حامی خصوص بودن اطلاعات مربوط به مشتریان است. اما قانون «پاتریوت اکت» سال ۲۰۰۱ ایالات متحده آمریکا مشخصاً به مأموران انتظامی فدرال اجازه می‌دهد که به عنوان راهی برای مبارزه با تروریسم به بازرسی اسناد و مدارک کتابخانه‌ها و پایانه‌های کامپیوتری عمومی بپردازند تا ببینند مشتریان بیشتر چه نوع کتاب‌هایی می‌خوانند و به چه تارنماهایی بیشتر سر می‌زنند.

به عنوان پاسخ اصلی در برابر قانون پیشگفته، کتابخانه‌ها دست به بازنگری در سیاست‌های حفاظت از اسناد خود زده‌اند، تا اطمینان حاصل کنند که اسناد و مدارک غیر ضروری هر چه سریع‌تر پاکسازی شده و دور انداخته شود. ای. ال. ای. دستورالعمل‌هایی فراهم آورده است که حاوی توصیه‌هایی است برای کاستن از اسناد و مدارک غیرلازم مربوط به مشتریان و استفاده کنندگان و از بین بردن همه اسناد و مدارکی که دیگر مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. کتابداران سراسر کشور هنگامی که بخواهند اسناد و مدارک مشتریان و استفاده کنندگان را از بین ببرند، از حمایت و پشتیبانی یک سازمان ملی قدرتمند بهره‌مند هستند و این کار کاملاً در محدوده موازین و ضوابط قانونی صورت می‌پذیرد.

ای. ال. ای.، سازمان ملی قدرتمندی است که از یک شیوه ساده منصفانه مقاومت استفاده می‌کند و هنگامی که در سراسر کشور به کار گرفته می‌شود و انجام می‌پذیرد، برای یکایک کتابدارانی که به این کار دست می‌زنند کار نسبتاً بی‌خطر و امنی است. [اما] در شرایطی که خطر اختناق و سرکوب [در جامعه‌ای] بیشتر است چنین مقاومت‌هایی، به رغم این که قانونی‌اند، ممکن است به عکس‌العمل های تلافی جویانه منجر شود.

من از یک روستا می‌آیم. بسیاری از همکاران من در سطح روستا کار می‌کنند. مردم همیشه از این شکوه می‌کنند که حل و فصل اختلافات خیلی وقت‌گیر است. اگر مردم بتوانند اختلافات‌شان را از این راه حل و رفع کنند، هم از این راه جلوی شکنجه را می‌گیرند و هم برای پرداختن به کارهای توسعه وقت بیشتری به دست می‌آورند.

– **بهوجندرا شارما، مرکز قربانیان شکنجه نپال**

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر	تاکتیک‌های پیشگیرانه	تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر
از بین بردن فرصت‌های خشونت و بدرقتاری		

انتشار دانش و آگاهی‌های بومی بر روی اینترنت: حفاظت از فرهنگ و حقوق اقتصادی مردم بومی از طریق ضبط دانش زیست

محیطی آنان.

گروه کثیری از مردمان بومی

راه و رسوم زندگی گروه کثیری از مردمان بومی، زمانی که شرکت‌های بزرگ خصوصی دانش و آگاهی‌های سنتی آنان را به صورت رسمی و انحصاری به ثبت می‌رسانند، به گونه‌ای جدی صدمه می‌بیند. یکی از سازمان‌های علمی ملی می‌کوشد که جلوی این کار را بگیرد.

«برنامه‌ی دانش و حقوق بشر» «انجمن آمریکایی گسترش علوم» (AAAS) بر روی اینترنت پایگاه داده‌هایی را در زمینه دانش زیست محیطی سنتی راه اندازی کرده است که جلوی به ثبت رساندن انحصاری این قبیل آگاهی‌های بومی را از سوی شرکت‌های خصوصی می‌گیرد. «پایگاه داده‌های مهارت های قدیم و دانش سنتی زیست بومی» (T.E.K. *P.A.D.) در این تارنما: ip.aaas.org/tektopad در دسترس است.

مردمان بومی سراسر جهان، گیاهان و رستنی‌هایی را پرورش داده و روش‌هایی برای استفاده جوامع‌شان از آن ها ابداع کرده اند. شرکت‌هایی از کشورهای پیشرفته‌تر جهان، در مواردی، بدون کسب مجوز از این جوامع بومی، این گونه دانسته‌ها و روش‌ها را، به نام خود به صورت انحصاری به ثبت رسانده‌اند. امتیاز ثبت، به صاحب امتیاز اجازه می‌دهد، بهره‌برداری و فروش مورد به ثبت رسیده را برای مدت زمان معینی خود به دست گیرد، بدون آن که مجبور باشد سود حاصله از کار را با آن جوامع تقسیم کنند. در بعضی موارد دارنده‌ی امتیاز ثبت، ممکن است بتواند آن جوامع را از به کار بستن و یا فایده‌ای که از آگاهی و دانش خود می‌برده‌اند نیز محروم نماید.

پایگاه داده‌ها، کمک می‌کند که بر این کار نقطه پایان گذاشته شود، به این صورت که این دانش بومی را در اختیار همگان می‌نهد، و از این طریق آن را در زمره مهارت‌های قدیم (Prior Art) منظور می‌نماید. یک اختراع تنها وقتی می‌تواند به ثبت رسانده شود که چیزی باشند نو و سودمند و نه چیزی آشکار و قدیم. اگر اختراع و یا دانشی در جایی نشر همگانی نیابد –شکلی از آنچه که مهارت‌های قدیم خوانده می‌شود– به وضوح و آشکارا دیگر نو و بدیع نیست. دانش و آگاهی سنتی، از نظر به ثبت رساندن‌اش از سوی شرکت‌های خارجی آسیب پذیر بوده است. زیرا به ندرت در جایی انتشار پیدا کرده است و اگر هم منتشر شده باشد، غالباً نادیده گرفته شده.

همین که این اطلاع به پایگاه داده‌ها افزوده می‌شود، موقع جستجوی مهارت‌های قدیم خیلی آسان‌تر در معرض دید و دسترس اداره ثبت اختراعات و علایم تجاری ایالات متحده (USPTO) و سایر مقامات مسئول ثبت‌رسانی، قرار می‌گیرد. «انجمن آمریکایی گسترش علوم» (AAAS)، فعالانه آن گونه دانش و آگاهی سنتی را که حفاظت‌نشده و در عرصه عمومی است، می‌جوید و سپس آن را به برای حفاظت و حمایت آتی به پایگاه داده‌ها می‌افزاید.

«پایگاه داده‌های مهارت‌های قدیم و دانش زیست محیطی» همچنین، به مردم این امکان را می‌دهد که مدخل‌های جدیدی به پایگاه داده‌ها عرضه کنند. افرادی که این مدخل‌ها را ارایه می‌دهند می‌بایست به اثبات برسانند که قبلاً موافقت جوامع‌شان را با این عمل به دست آورده‌اند. «انجمن آمریکایی گسترش علوم» جوامع را ترغیب می‌کند که پیرامون نتایج مرتبط با گزینه‌های گوناگون نیز دست به بررسی و تحقیق بزنند، از جمله در مورد درخواست تقاضای ثبت به نام خودشان، پیش از آن که دانش و آگاهی‌شان را بر روی پایگاه داده‌ها بیافزایند. کتاب راهنما نیز برای کمک به این جوامع فراهم شده است که ایشان را به ارزیابی گزینه‌های گوناگون مرتبط با موضوع قادر می‌سازد و به نشانی: shr.aaas.org/tek/ روی اینترنت در دسترس است.

«پایگاه داده‌های مهارت‌های قدیم و دانش سنتی زیست محیطی» در حال حاضر از ۳۰۰۰۰ گیاه و رستنی، که جماعت های بومی کاشته و پرورده‌اند حمایت می‌کند و مانع به ثبت رساندن انحصاری آن‌ها شده است.

اگر به شرکت‌های خصوصی اجازه‌ی ثبت انحصاری دانش‌های بومی داده شود که احتمالاً اساس زندگی و معاش جماعت‌های بومی را تشکیل می‌دهند، می‌تواند به از دست رفتن حقوق فرهنگی و اقتصادی آن جماعت‌ها بیانجامد. زیرا در آن صورت آنان دیگر حق استفاده از آن دانش و آگاهی را ندارند و یا ملزم به پرداخت حق الامتیاز برای بهره‌برداری از آن می‌گردند. زندگی و معاش و سنن ایشان به صورتی ترمیم ناپذیر در معرض نابودی قرار می‌گیرد. استفاده از یک تاکتیک ضبط و انتشار به پیشگیری از این رویداد کمک می‌رساند.

جالب است وقتی می‌بینیم تکنولوژی پیشرفته‌ی امروزی برای حمایت از حقوق مردم بومی در بهره‌مندی از دانشی که در برخی موارد صدها و بسا که هزاران سال قدمت دارد، به کار گرفته می‌شود. از پایگاه داده‌های آنلاین همچنین برای آگاهی رسانی در زمینه‌هایی همچون بالا بودن سطح آلودگی در مناطق فقیر نشین و یا آگاهی از فساد گسترده و یا اعمال فشار برای تغییر سیاست ها استفاده می‌شود.

گروه کثیری از مردمان بومی

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

تاکتیک‌های پیشگیرانه

از بین بردن فرصت‌های خشونت و بدرقتاری

تاکتیک‌های پیشگیرانه

حقوق بشر

از بین بردن فرصت‌های خشونت و بدرقتاری

تاکتیک‌های دخالت‌گراانه

این خوشبختی نصیب من شده است که چندین بار به نمایندگی از طرف قربانیان نقض حقوق بشر در مبارزات علیه خشونت و بدرفتاری شرکت داشته باشم.

من ناظر مبارزات موفقیت‌آمیز دیگری نیز در سرتاسر جهان بوده‌ام. در سالهای پایانی دهه ۱۹۸۰ من در به راه انداختن طرح نشانه‌گذاری فرش‌ها، از طریق برچسب زدن داوطلبانه روی این گونه فرش‌ها، که نخستین تلاش‌ها برای ممانعت از بهره‌وری از کار اطفال در کارگاه‌های قالبیافی بشمار می‌آمد، یاری رساندم. سازمان من (BBA) Bachpan Bachao Andolan یا ائتلاف آسیای جنوبی برای جلوگیری از کار اطفال (South Asian Coalition on Child Servitude) به اختصار SACCS، بیش از ۶۵۰۰۰ تن از کودکان را از قید و بند نجات داد و به توان‌بخشی دوباره آن‌ها دست زد و طی راهپیمایی سراسری ۱۹۹۸ در سرتا سر جهان مسئله کار اطفال را به مسئله‌ای مورد توجه جهانیان تبدیل کرد.

در سراسر جهان، سایر کارزارهای برای مصرف‌کننده، مانند مصرف‌کنندگان فرش، لباس‌های تمییز و توپ خطا Foul Ball، هر یک به جای خود از توانایی مصرف‌کنندگان در جهت کمک به جلوگیری و پایان بخشیدن به خشونت و بدرفتاری بهره‌جسته‌اند. همزمان مبارزات بسیج‌توده‌ای –مثلاً برای حقوق کار و محیط زیست پاک در آمریکای لاتین، و برای حقوق زنان در آفریقا– مخالفت خود را با خشونت و بدرفتاری‌های در جریان، به نمایش گذاشته و توانایی و امکان ادامه‌ی کار خلاقکاران را مختل کرده است.

وجه مشترک همه این مبارزات در این است که در سطح مردمی و عمومی آغاز شده و به راه افتاده است. به رغم این که شمار و دامنه‌ی قوانین و مقررات رو به افزایش است، مردم از نظر حقوق بشر همچنان در شرایطی زندگی می‌کنند که اگر بدتر از گذشته نباشد، چندان فرقی هم با گذشته نکرده است. حقیقت این است که ما فقط با گذراندن و تصویب قوانین نمی‌توانیم حقوق بشر را تحقق بخشیم. این خود مردم‌اند که می‌بایست هنگامی که به این حقوق تعرض می‌شود و یا کسانی مرتکب خشونت و بدرفتاری می‌شوند، پا به میدان عمل بگذارند و به دخالت و اعتراض برخیزند.

در این فصل شما درباره کسان و سازمان‌هایی خواهید خواند که کوشیده‌اند تجاوزات جاری علیه حقوق بشر را با مبارزاتی مشابه و یا از طریق تاکتیک‌های نوآورانه دیگر متوقف سازند. آرزوی من این است که شما نیز، همچون من، از کار اینان الهام‌گیرید و در برابر خشونت‌ها و بدرفتاری‌های ناقض حقوق بشر بپاخیزید.

– کایلاش ساتیار تهی

مدیر

راهپیمایی جهانی علیه کار اطفال

ائتلاف آسیای جنوبی برای جلوگیری از کار اطفال (SACCS)

مبارزه جهانی برای آموزش (GCE)

دهلی نو هند

تاکتیک‌های این قسمت برای دخالت کردن در موقعیت‌هایی به کار برده شده‌اند که خشونت و بدرفتاری در جریان بوده و حقوق بشر کلاً انکار می‌شده است. به این دلیل این تاکتیک‌ها از چالش برانگیزترین – و در عین حال الهام بخش‌ترین – تاکتیک‌ها هستند. مردم در این گونه موارد در شرایط بحرانی دست به عمل می‌زنند. با قدرتی تثبیت شده به مبارزه برمی‌خیزند و می‌کوشند وضع موجود را تغییر دهند. آن‌ها باورها و اعتقادات کهن را به چالش می‌طلبند و سنت‌های محلی را به پرسش می‌گیرند و در برابر فساد و بدکاری و خشونت‌هایی که به عنوان هنجارهای فرهنگی غالب پذیرفته شده است قد علم می‌کنند.

اغلب اوقات آن‌ها از پایین‌ترین لایه‌های ساختار قدرت دست به عمل می‌زنند و از منابع شگفت‌انگیزی برای این کار نیرو می‌گیرند. کارگران جنسی یا همدیگر متحد شدند تا به نجات دختران جوانی برخیزند که مجبور شده بودند به همان حرفه آنان روی آورند. کودکان کارگر، اتحادیه‌هایی برپا ساختند تا به محافظت از حقوق خود برآیند. روستاییان بی زمین آغاز به کشت و کار روی زمین‌هایی کردند که متروکه و بلااستفاده بود. دولت‌های محلی علیه قوانین و سیاست‌های مصوب حکومت مرکزی، صدای اعتراض بلند کردند.

همچنین در این جا چند نمونه‌ی درخور تحسین و ذکرکردنی از بنگاه‌های کسب و کاری که – در مراتب بالای ساختار قدرت جای دارند – خواهید یافت و از نفوذ و توانمندی‌های خود برای دخالت در موقعیت‌هایی که خشونت و بدرفتاری جریان داشته است استفاده کرده‌اند.

در بسیاری از این تاکتیک‌ها مردم از ابزاری استفاده کرده‌اند که اهل قدرت خود به کار می‌گیرند. با این تفاوت که مردم به صورت معکوس از آن ابزار استفاده کرده و آن‌ها را در جهت مبارزه با خشونت و بدرفتاری و سوءاستفاده از قدرت به کار بسته‌اند. آنان بودجه‌ها و قوانین را مطالعه و بررسی می‌کنند و مسئولیت دولت‌ها را در انجام وعده‌هاشان، به صورت علنی پی می‌گیرند و یادآور می‌شوند. آنان به نیروی فرهنگ‌های سنتی و قدرت رهبران مورد احترام مردم روی می‌آورند تا در جوامع‌شان حقوق بشر با معیارهای بالاتر و بهتری رعایت و حفظ شود.

تاکتیک‌ها در این فصل به چهار گروه تقسیم شده‌اند :

۱. تاکتیک‌های مقاومت نشانگر مخالفت با خشونت و بدرفتاری هستند.

۲.تاکتیک‌های شلوغ‌کاری، عمل و اقدام مستقیم را به کار می‌گیرند تا مرتکبان را به پایان دادن به خشونت و بدرفتاری وادار کنند.

۳. تاکتیک‌های باوراندن و مجاب‌سازی از وجود رهبران مورد احترام عموم و یا از نهادهای غیردرگیر و ساز و کارهای آن‌ها، در جهت مذاکره برای پایان بخشیدن به تجاوزها استفاده می‌برند.

۴. تاکتیک‌های انگیزشی و تشویقی گزیننه‌های دیگری را به جای تجاوز به حقوق بشر پیش می‌نهند.

حقوق بشر	تاکتیک‌های دخالت‌گرانه
	تاکتیک‌های مقاومت

تاکتیک‌های مقاومت، مخالفت با خشونت و بدرفتاری در جریان و یا نفی و انکار حقوق را به

تاکتیک‌های مقاومت

نمایش می‌گذارند. این تاکتیک‌ها در خدمت دو کارکرد اساسی و مهم‌اند: آن‌ها خشونت و

بدرفتاری را— خواه محلی و یا ملی و بین‌المللی — در برابر دید کسانی که یا از این خشونت‌ها صدمه می‌بینند، یا

کسانی که امکان تغییر دادن آن را دارند و یا حتی مرتکبان آن‌ها در معرض دید قرار می‌دهند. این تاکتیک ها همچنین می‌توانند زمینه ساز تاکتیک‌های بعدی بشوند که در ایجاد تغییرات تأثیر گذارند.

این تاکتیک‌ها به طرزی باور نکردنی می‌توانند ساده باشند. یکی از این تاکتیک‌ها در ترکیه صرفا عبارت بود از خاموش و روشن کردن یک کلید برق — و خب در نهایت، ملیون‌ها کلید برق روشن و خاموش می شد! — در حالی که استونی تاکتیک دیگری، با آوازخوانی گروه کوچکی از همسرایان آغاز شد. این تاکتیک‌ها همچنین می‌توانند از پیشرفته‌ترین ساز و کارها، مانند مکانیسم‌های پیچیده بودجه و قوانین استفاده کنند، ساز و کارهایی

که در گذشته به تمامی مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است.

خاموش کردن کلید برق: ایجاد زبان مشترک جمعی برای ابراز مخالفت، بر اساس فعالیتی ساده، که شهروندان می‌توانند با ایمنی کامل در خانه‌های خود به آن دست بزنند.

تاکتیک

در ترکیه مشارکت شمار وسیعی از مردم در یک مبارزه، نه تنها ایمنی مردم را تأمین می‌کرد، بلکه آنان را به پیوستن بیشتر و بیشتر — در نهایت، ملیون‌ها نفر — به مبارزه ترغیب نمود.

«کارزار برای تاریکی برای روشنایی» بیش از ۳۰ میلیون از مردم ترکیه را بسیج کرد که با خاموش کردن برق خانه‌های خود، اعتراض و مخالفت‌شان را با فساد و رشوه‌خواری دولت به صورت عمومی به نمایش بگذارند. فساد و رشوه‌خواری، از اسراری بود که همه مردم از آن اطلاع داشتند ولی عموماً از مقابله و پایان بخشیدن به آن ناتوان و مأیوس بودند. با ترسی که میان بسیاری از شهروندان از مشارکت در فعالیت‌های سیاسی حاکم بود، سازمان‌ها به تاکتیکی محتاج بودند که ریسک و خطر شخصی آن چندان پایین و ناچیز باشد که به از میان برداشتن احساس انزوا که همراه و همزاد وحشت و ترس است یاری برساند. این شیوه مبارزه، فعالیتی را به مردم شناساند که متضمن هیچ خطری برای آنان نبود و هر کسی می‌توانست به آن دست بزند — خیلی ساده برق خانه‌ها را در ساعت معینی از شب خاموش کنند — و به این‌ترتیب ناخشنودی‌شان را از فقدان اقدامات هماهنگ ضد فساد نشان دهند.

فکر این کارزار به عنوان پاسخی، در پی این رسوایی شکل گرفت که رابطه‌ی گسترده‌ی مقامات دولتی با جنایتکاران سازمان‌یافته برملا شد. یک ماه زودتر از شروع کار، سازمان‌دهندگان به یک مبارزه تبلیغاتی وسیع دست زدند. آنان با اتحادیه‌ها و سازمان های مردمی ارتباط برقرار کردند و قرار همکاری گذاشتند، و از آن‌ها درخواست کردند، تا تقاضاها و اطلاعات مربوط به این مبارزه اعتراضی را برای اعضای‌شان فاکس کنند، و بخواهند که آنان نیز به نوبه‌ی خود آن را برای دوستان و آشنایان‌شان ارسال کنند. آنان همچنین، فهرستی از نام شخصیت‌ها و گویندگان رادیویی و تلویزیونی فراهم کردند تا یادآوری‌های همگانی را به موقع اعلام نمایند.

سازمان‌دهندگان این کارزار در ابتدا پیشنهاد کردند که شهروندان چراغ‌های‌شان را هر شب به مدت یک دقیقه خاموش کنند. بعداً مردم خودشان به کلید زدن و روشن و خاموش کردن چراغ‌ها پرداختند. در هفته دوم، گروه‌ها نوعی ابتکار را آغاز کردند؛ به این معنی که دست به عملیات خیابانی گوناگونی از جمله، به هم کوبیدن پر سرو صدای ظروفی مثل ماهی‌تابه‌ها و قابلمه‌ها زدند. هنگامی که سازمان‌دهندگان پایان عملیات را اعلام کردند، مبارزه بیش از یک ماه دیگر نیز ادامه یافت.

به رغم باقی ماندن برخی از مقاماتی که در این رسوایی پای‌شان در میان بود در پارلمان، از شروع مبارزه تاکنون تغییرات قانونی و سیاسی در خور توجهی روی داده است، از جمله به محاکمه کشیدن تعدادی از بازرگانان، اعضای پلیس، نظامیان و رهبران مافیاء، مبارزه با فساد در داخل پارلمان و جایگزین کردن شمار زیادی از سیاست‌مدارانی که در کار مبارزه با فساد قصور ورزیده بودند.

برای آگاهی بیشتر در این باره، کتابچه‌ی تاکتییکی را در بخش ابزار عمل (Tools for Action) که در تارنمای **www.newtactics.org** در دسترس است، بخوانید.

کاری که از مردم خواسته می‌شد انجام دهند، خیلی ساده بود. به تدارک‌بینی زیاد نیاز نداشت و تعهد چندانی نمی‌طلبید و از این رو میل به مشارکت را وسیعاً بر می‌انگیخت. این تاکتیک از نظر فکری آن قدرساده و آسان است که در بسیاری از وضعیت‌های دیگر نیز می‌توان آن را به کار گرفت. در واقع، تاکتیک‌های مشابه در موقعیت‌های متعددی، در سرتاسر جهان مورد استفاده قرار گرفته است. در زامبیا مردم، روزهای جمعه سر یک ساعت معین، بوق اتومبیل‌های‌شان را به صدا در می‌آوردند و از این طریق به تصمیم رییس جمهور مبنی بر تغییر قانون اساسی که به ماندن او در قدرت می‌انجامید، اعتراض می‌کردند. مردم شیلی، با به صدا درآوردن بوق خودروهای‌شان، به هم کوبیدن قابلمه‌ها و ماهی‌تابه‌ها در پنجره آپارتمان‌های‌شان و راهپیمایی در خیابان‌ها به رژیم پینوشه اعتراض می‌کردند. وجه مشترک در همه این مبارزات، کوششی است که صورت می‌گیرد تا نارضایتی گسترده عمومی را در معرض دید جمعیتی قرار دهد که زیر حاکمیت وحشت و ترس به سر می‌برند و احساس انزوا و تنهایی و شکست بر آن‌ها غلبه کرده است.

تاکتیک‌هایی از این دست این حسن را دارند که آنچه را به چشم نمی‌خورد علنی و آشکار می‌کنند. میزان اثرگذاری آن‌ها می‌بایستی براساس توان‌شان در برانگیختن احساس همبستگی در بین جمعیت و کمک به باز تعریف فضایی جدید از نظر سیاسی، سنجیده شود که در آن شمار بیشتری از شهروندان خواهان اقدام مشترک و همکاری با یکدیگر می‌شوند.

اثاً، با این که این تاکتیک‌ها از نظر ذهنی خیلی ساده‌اند، تکرار موفقیت‌آمیز آن‌ها به سادگی میسر نمی‌شود. سازمان‌دهندگان، درست چند ماه بعد، با این که بسیاری از موضوعات و ساز و کارهای پیشین همچنان بر جا بود و با گذشته فرق چندانی نکرده بود، نتوانستند این تاکتیک را از نو در همان سطح و وسعت قبلی به کار بندند. همین که این تاکتیک به موفقیت دست یافت می‌بایست قدرت حاصله از آن در راستای پیشبرد جنبش مهار و به کار گرفته شود.

تاکتیک‌های نوین در	تاکتیک‌های دخالت‌گرانه
	حقوق بشر
	تاکتیک‌های مقاومت

تاکتیک

انقلابِ آواز‌خوانی: پاسداری جمعی از هویت فرهنگی برای ابراز مخالفت با رژیمِ سرکوبگر.

در استونی در دهه ۱۹۸۰ مخالفان با رژیم شوروی از مردم دعوت کردند که به خیابان بیابند و آوازهایی را بخوانند که در خانه‌هاشان و با دوستان‌شان در طول زندگی خود می‌خوانده‌اند.

در ژوئن ۱۹۸۸ صدها هزار نفر از استونیایی‌ها (بنا بر برخی تخمین‌ها، بیش از ۳۰۰۰۰۰ نفر، یعنی معادل یک سوم از جمعیت استونی) پنج شب پی در پی در تالین پایتخت استونی گرد آمدند که آوازهای ممنوعه و یا مردمی و از نظر سیاسی خطرناک را دسته جمعی بخوانند. جشنواره‌های مشابهی همان تابستان در لاتویا و لیتوانی برگزار گردید. این «انقلاب آوازخوانی» -چنانکه اندکی پس از آن، این نام را گرفت- گامی مهم و اساسی در جهت استقلال این سه کشور بالتیک و رهایی‌شان از زیر سلطه اتحاد شوروی در اگوست ۱۹۹۱ بود.

نظام شوروی فعالانه سعی به از بین بردن ارتباط فرهنگی مردم با هویت ملی‌شان داشت. برخی از عناصر چنین هویتی، به صورت آشکار حفظ شده بودند، از این راه که رژیم آن‌ها را بی‌ضرر تشخیص داده بود (مثل بعضی از آوازهای مردمی)؛ برخی دیگر نهانی محفوظ مانده بودند (مانند به کار بردن و ارجاع دادن به «استونی» و نه «جمهوری شوروی سوسیالیستی استونی») و نگهداشت تعطیلات ملی پیش از استیلای شوروی) که بعضی‌ها هنوز آن‌ها را به خاطر داشتند. آن گروه از کسانی که این سنن را حفظ کرده بودند، آن‌ها را به کار گرفتند تا هویت هموطنان استونیایی‌شان را بار دیگر خاطر نشان آنان سازند. به نگهداری آن برانگیزانند، و در بافتار و چارچوب گلاسنوست (فضای باز) از راهی امن آن را بر زبان آورند.

جشنواره‌های آواز، جنبش مقاومتی را که در حال پدید آمدن بود، با بهره گیری از نمادهای نیرومند فرهنگی مردم بیشتر برانگیخت و میان توده مردم گسترش داد. بسیاری از شرکت‌کنندگان با پوشیدن لباس‌های سنتی‌شان به استادیوم می‌آمدند و آوازا و ترانه‌هایی را می‌خواندند که بر هویت استونیایی‌شان تأکید می‌ورزید. در زیر سلطه رژیمی که از همسان‌سازی فرهنگی به عنوان وسیله سرکوب بهره می‌جست، این جشنواره‌ها به استونیایی‌ها فرصت می‌داد که نه به عنوان شهروندان شوروی بلکه آشکارا در مقام استونیایی قد برافرازند. حضور ۳۰۰۰۰۰ تن هم‌میهن در کنار هم تا حدودی از ریسک و خطر اتخاذ چنین موضعی می‌کاست.

جشنواره‌ها از سوی «انجمن میراث استونیایی» (Eesti Muinsuskaitse Selts) سازمان داده می‌شد، تشکیلاتی غیررسمی که از فضای نسبتاً بازی که در دوره‌ی «فضای باز» معروف به گلاسنوست به وجود آمده بود استفاده می‌کرد تا برای برگزاری جشن های سالگرد مراسم ملی مهم، فشار وارد آورد و نمادهای کلیدی پیش از استیلای حکومت شوروی را دوباره زنده کند، نمادهایی از قبیل پرچم آبی، سیاه و سفید و سرود ملی استونی. در نبرد تقریباً بدون خونریزی استقلال، در کشورهای بالتیک، این نمادها از جمله جنگ افزارهای بسیار قدرتمند بودند.

انقلاب آوازخوانی از سنت‌های فرهنگی بهره می‌جست که در کشورهای بالتیک ریشه‌های ژرف دارند. از جمله، جشنواره‌های عمومی آوازخوانی که تاریخچه رسمی آن‌ها به بیش‌تر از ۱۰۰ سال و به صورت غیررسمی به بیش از قرن‌ها باز می‌گردد. فرهنگ‌های دیگر نیز چه بسا از چنین سنت‌های ژرف و نیرومند در عرصه‌هایی همچون ترانه و آواز، رقص تئاتر و یا شکل‌های دیگر هنری یا بیان های نمادین دیگر برخوردار باشند. برای نمونه خویشاوندان سر به نیست شدگان در شیلی از یک رقص سنتی مردمی که همه شیلیایی‌ها آن را بلداند بهره‌برداری کردند و در پاریس به اجرای آن پرداختند. وقتی که همسر یکی از ربوده‌شدگان با زوج گم شده خود این رقص دو نفره سنتی را می‌رقصید، دیگران می‌توانستند خود وی و جای خالی او را در میان فامیل و اجتماع در خیال مجسم کنند.

هنگامی که قصد بسیج تعداد زیادی از مردم است، چالشی که در برابر دیده می‌شود غالباً این است که آن‌ها اطمینان قلب بیابند که برای ابراز نظرات‌شان از ایمنی کافی برخوردارند و تنها نخواهند بود. سازمان‌دهندگان جشنواره‌های آوازخوانی بر روی ایمنی ناشی از زیادی تعداد شرکت‌کنندگان حساب می‌کردند: حضور صدها هزار نفر از همسرایان، تا اندازه‌ای به حاضران قوت قلب و احساس ایمنی می‌بخشید. با این که این ایمنی به هیچ روی تضمین شده نبود.

مقایسه ارقام روی کاغذ با واقعیت: ایجاد دادرسی‌های مردمی در جایی که شهروندان می‌توانند علنا مسئولان را در باب تفاوت بین وعده‌های ایشان و واقعیت‌ها به چالش بطلبند.

گروهی در هندوستان، باترتیب دادن امکان گفت‌وگوی عمومی در مورد هزینه‌های دولتی از دولت حساب پس می‌کشد. سازمان‌دهندگان با این کار، نشان می‌دهند که حتی در مورد تخصیص منابع مالی، که معمولاً موضوعی پیچیده و فنی است، می‌شود جمعیت انبوهی را گرد هم آورد.

مازدور کیسان شاکتی سانگاتان –Mazdoor Kisan Shakti Sagathan (ام.ک.اِس.اِس. – MKSS) در هند تریبون های عمومی ترتیب می‌دهد و اعمال فساد آمیز را، از قبیل اختلاس در منابع مالی که قرار بوده است در پروژه‌های عمرانی به مصرف برسد برملا می‌سازد. به این نحو که اسناد هزینه و گزارش‌های رسمی مسئولان دولتی را با واقعیت‌های موجود، آنچنان که اهالی روستاهای حاضر در بین جمعیت گزارش می‌کنند، با هم مقایسه می‌کند.

در هند، همچنان که در بسیاری کشورهای دیگر، مأموران فاسد و روستاییان متمکن قادراند در طرح‌های عمرانی به سود خود دست کاری‌هایی بکنند. این کار مانع می‌شود که پروژه‌ها به نفع تنگدستان به اجرا درآید و در نتیجه، به فقر و نابرابری اجتماعی تداوم می‌بخشد.

فعالان ام.ک.اِس.اِس. و ساکنان منطقه اغلب به درخواست ساکنان محلی که گمان می‌برند از آن‌ها سو استفاده شده و یا کلاه سرشان رفته دست به بررسی اتهامات فساد در روستاها و نواحی می‌زنند. از شورای روستا و یا از مقامات بالاتر دولتی درخواست می‌کنند که رونوشتی از اسناد رسمی مربوطه را در اختیارشان بگذارند. هرچند که چنین درخواستی حق قانونی آنهاست، اما فرآیند دریافت اطلاعات، به کوشش بسیاری نیاز دارد و با انواع مشکلات روبرو می‌شود. هنگامی که اطلاعات دریافت می‌گردد، حساب‌ها، با نتایج دیدار از محل و گفت‌وگوی با اهالی روستا مقایسه و بررسی می‌شود.

ام.ک.اِس.اِس. سپس به برپایی تریبون‌های مردمی می‌پردازند که صدها نفر از اهالی روستا در آن شرکت می‌کنند. سازمان‌دهندگان از روزنامه‌ها، مسئولان دولتی و کسانی که در مظان فساد و رشوه خواری قرار دارند، دعوت به حضور می‌نمایند. فعالان ام.ک.اِس.اِس. که بیشترشان از اهالی منطقه‌اند، اسناد و مدارک رسمی را برای جماعت می‌خوانند و ادعاهای دولت را توضیح می‌دهند. برای مثال این که، ممکن است بنا بر اسناد یک کلینیک درمانی در روستایی ساخته شده باشد و یا این که به کارگران یک پروژه ساختمانی فلان مقدار پول پرداخت شده است. این اسناد سپس با آنچه واقعاً روی داده است مقایسه و بررسی می‌گردد. فعالان نتایج بررسی‌های خود را ارایه می‌دهند و روستاییان حاضر به نوبه خود، شهادت می‌دهند. تریبون‌های مردمی چند ساعت به طول می‌انجامد و سازمان دهندگان در این مدت پروژه‌ای عمرانی و یا یکی از موارد فساد را یکی پس از دیگری بررسی می‌نمایند. به تازگی، این تریبون‌های مردمی همچنین در مورد فعالیت‌های یک بیمارستان محلی و سیستم بهداشتی و درمان عمومی و نیز پیرامون نحوه کارکرد طرح‌های ایمنی خوراکی‌ها و نظام توزیع عمومی برگزار شده است.

با این که اثر موارد شفاف‌سازی و پس کشیدن حساب از مسئولان به طرز چشمگیری نتیجه بخش بوده، اما در سطح پی‌گیری، اقدامات مسئولان جور واجور بوده است –چند تایی از مأموران دولتی دستگیر شده‌اند و نیز بازرسی‌های دولت رو به پیشرفت بوده است. در بعضی از روستاها مأموران فاسد محلی که در تریبون‌های مردمی شرکت داشته‌اند، پس از ملاحظه شواهد جرم، داوطلبانه موافقت کرده‌اند با بازرسی‌ها و تحقیقات در جریان همکاری کنند و حتی پول‌ها را بازپس دهند. با این حال، برای تضمین اقدام رسمی مقامات، معمولاً فعالان ام.ک.اِس.اِس. می‌بایستی با نگرانی مدام و تحمل فشار، تریبون‌های مردمی را پی بگیرند.

برای کار ام.ک.اِس.اِس. مهم‌ترین مسئله دسترسی یافتن به اسناد و مدارک دولتی است، از جمله اسناد مربوط به هزینه‌های دولتی. ام.ک.اِس.اِس. از یک سری تاکتیک‌هایی استفاده کرده است تا مقامات ایالت راجستان را متقاعد سازد که قانونی را دال بر حق اطلاع از تصویب بگذارانند. این سازمان، روستاییان مناطق مختلف را بسیج کرد و اعتصاب‌های نشسته‌ای به راه انداخت و دور و بر این ماجرا تبلیغات وسیعی صورت داد. در نتیجه قانونی از تصویب گذشت که مقامات را موظف می‌کند بر اساس تقاضا و به بهایی اندک، رونوشت‌هایی از مدارک دولتی در هر زمینه‌ای که در حوزه فعالیت‌های دولت قرار می‌گیرد، تهیه و در اختیار متقاضیان بگذارند؛ از جمله مدارک مربوط به برنامه‌های توسعه، منابع درآمد و هزینه های

عمومی. این مطلب موجب برانگیختن درخواست‌های مشابهی در سطح عمومی شد و جنبش ملی حق اطلاع آزاد را به وجود آورد، که به نوبت خود به تصویب قوانین مشابهی در چندین ایالت دیگر انجامید و سر آخر به تصویب قانون آزادی اطلاعات در پارلمان ملی منجر گردید.

ما درخواست کسب اطلاعات را به عنوان ابزاری برای تأکید بر حق دموکراتیک مردم به پرسیدن و دریافت جواب به پرسش‌های‌شان به کار بستیم. درخواست اطلاعات مشخص از سوی مردم در نقاط مختلف هند از راه‌های مختلفی صورت

می‌گیرد. با این هدف که فساد کنترل شود و جلوی کاربرد خودسرانه قدرت گرفته شود. سرانجام تقاضا و درخواست فقط بر سر دریافت اطلاعات نیست بلکه بر سر سهمی است که مردم در حکومت دارند.

- یکی از فعالان ام.ک.اِس.اِس. در هندوستان

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر	تاکتیک‌های دخالت‌گرانه حقوق بشر
	
تاکتیک‌های مقاومت	

www.newtactics.org

همه‌ی سیاست‌ها محلی هستند: تشویق دولت‌های محلی، سازمان‌ها و افراد، به مخالفت با قوانین حکومت مرکزی که حقوق بشر را به خطر می‌افکند از طریق استفاده از آموزش و منابع.

چنان که در این جا نشان داده شده است، سازمان‌های محلی و دولت‌های ایالتی می‌توانند برای مقابله با قوانینی که در سطح حکومت مرکزی به تصویب رسیده، با یکدیگر همکاری کنند.

در ایالات متحده، کمیته‌ی دفاع از منشور حقوق (BORDC) Bill of Rights Defense Comitee (BORDC) ابزار و منابعی فراهم آورده است تا به حامیان و مدافعان محلی منشور حقوق کمک شود تا به اعضای حکومت‌های ایالتی و جماعات محلی آموزش دهند که چگونه با تصویب قانون ضدتروریسم و سیاست‌ها به حقوق آنان تجاوز شده است. بسیاری از گروه‌های محلی با مقامات دولتی منطقه، شهر و ایالت خود همکاری می‌کنند تا فهرستی رسمی در مخالفت با تجاوز به آزادی‌های مدنی به ثبت برسانند، با گذراندن قطعنامه ها و یا احکامی از منشور حقوق حمایت کنند. این احکام به مأموران محلی اجرای قانون و (پلیس و…) و دیگر مستخدمان دولت دستور می‌دهد که با درخواست‌هایی که حقوق مندرج در قانون اساسی ساکنان را زیر پی می‌گذارد و به آن تجاوز می‌کند همکاری نکنند.

قانون «پاتریوت اکت» در ایالات متحده آمریکا در اواخر سال ۲۰۰۱ به امضا رسید و رسمیت اجرایی یافت. این قانون، جرمی تازه با عنوان «تروریسم داخلی» به وجود آورده بود، و به دولت فدرال حقوق بیشتری در زمینه شنودهای تلفنی، ردیابی نامه‌های الکترونیکی، بررسی سوابق پزشکی، مالی، کتابخانه‌ای و دانشجویی افراد، و نیز حق ورود سرزده مأموران و تجسس خانه‌ها و دفاتر کار را بدون اطلاع قبلی می‌داد. طبق این قانون و برخی مقرارت دیگر اشخاصی را که شهروند آمریکا نیستند می‌توان بدون مراحل قانونی دادرسی و فرجام‌خواهی دستگیر و یا اخراج کرد. BORDC بر این اعتقاد است که شروط پیش‌گفته، ناقض شرایط پیش‌بینی شده در قانون اساسی ایالات متحده در مورد حقوق سیاسی و مدنی شهروندان آمریکایی است.

به درستی تشخیص می‌توان داد که بسیاری از این اقدامات که این قانون و یا سایر سیاست‌ها و مقررات مبارزه با تروریسم مجاز شمرده است، در نهایت می‌باید به دست مأموران محلی اجرای قانون، به اجرا گذاشته شود، گروهی از مدافعان (که بعدها BORDC را پایه گذاری کردند) در نورث همپتون ایالت ماساچوست اقدام به برگزاری یک مجلس گفت وگوی بسیار گسترده نمودند. آنان دادخواستنامه‌ای را بخش و پراکندند که هدف آن کسب حمایت از قطعنامه‌ای توسط شورای شهر بود که با برخی از مواد و بخش های آن قانون مخالفت می‌ورزید و از مأموران محلی مجری قانون طلب می‌کرد که از اجرای هرگونه دستوری که آزادی‌های مدنی اعضای جامعه را نقض کند، خودداری ورزند. آن‌ها با دعوت از بنگاه‌های کسب و کار خصوصی، سازمان‌ها و افراد برای شرکت در این مجلس وسیع گفت‌وشنود، حمایت‌ها و کمک‌های بیشتری دریافت کردند.

بسیاری اشخاص به فعالان پیوستند و آنان را از نظر مالی کمک کردند و به توزیع هرچه گسترده‌تر تقاضانامه یاری رساندند. در جلسات شورای شهر به حمایت از قطعنامه دست زدند و با نمایاندن پشتیبانی وسیع و با مراجعات و تقاضای مکررشان بر اعتبار و قابلیت پذیرش آن افزودند.

این ائتلاف، رییس شورای شهر را مجاب کرد که از صدور قطعنامه حمایت کند. BORDC سپس اقداماتی را آغاز کرد تا در شهرهای همجوار و در سراسر کشور چنین کوشش‌هایی را ترغیب و تشویق کند. تارنمای آنان برای کوشش‌های سازمان‌بخش آنان نقش محوری ایفا کرد. این تارنما جزئیات گام‌هایی را که برای آموزش شهروندان برداشته شده توضیح می‌دهد و حمایت عمومی را برای گذراندن قطعنامه‌های شهرداری، به دست آورد. این تارنما، نمونه‌های ساده‌ای از قطعنامه‌ها، دادخواستنامه‌ها، اطلاعیه‌های مطبوعاتی، مقالات خبری، نامه‌های سرگشاده و پرسش‌هایی را که به کرات پرسیده می‌شود، در بر می‌گیرد. علاوه بر این‌ها، توضیح می‌دهد که جلسات گفت‌وگوهای عمومی آنان چگونه سازماندهی می‌شود و راه‌های دیگر مبارزه را نیز بیان می‌کند و در اختیار می‌نهد.

قطعنامه‌ها (تا هنگام چاپ این کتاب) در ۲۶۷ شهر و ناحیه و در سه ایالت نیز از تصویب گذشته است. امری که نشانگر تحرک فزاینده‌ای است در لغو مقررات و قوانینی که به نوعی نقض حقوق بشر می‌توانند تلقی شوند. مجموع جمعیت این «مناطق ایمن از نظر آزادی‌های مدنی» اکنون به ۴۷ میلیون نفر رسیده است. تارنمای BORDC با در اختیار گذاشتن اطلاعات لازم، هم‌چنین به سازمان‌دهی، گروه‌های صنفی و اتحادیه‌ها، گروه‌های مذهبی، استادان دانشگاه و دانشجویان، یاری می‌رساند.

اعضای BORDC ابتدا برای ایجاد دگرگونی در میان جامعه‌ی خود بسیج شدند و سپس تصمیم گرفتند کوشش‌های‌شان را در سطح ملی تعمیم دهند و تجربه‌شان را با دیگر جماعات در میان گذارند. آنان به شهرها و جماعت‌های دیگر کمک کردند تا دریابند، که مردم قادرند در برابر پسرقت حقوق بشر، به مقابله برخیزند و به دولت مرکزی به صورت جدی اخطار دهند و هشدار بفرستند. هرچند، دست زدن به چنین شکل ویژه و مؤثری از مقاومت در یک نظام سیاسی کاملاً تعریف شده با مراکز اقتدار جدا از هم عملی گردیده است، چه بسا بتوان آن را در نظام‌هایی با ساختار سیاسی عمودی و سلسله مراتبی منطبق ساخت و به کار بست، در چنین حالتی، ریسک و خطری که مقامات محلی را تهدید می‌کند، احتمالاً خیلی بیشتر خواهد بود.

این وظیفه شهرداری‌هاست که به ساکنان‌شان در مقابل رفتارهای نادرست، شکستن بی‌دلیل حریم خصوصی و دستگیری در خفا بی‌هیچ اتهامی احساس ایمنی و حمایت عادلانه قانونی ببخشند. هنگامی که بیشتر مقامات منتخب

» «

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر	
تاکتیک‌های مقاومت	

www.newtactics.org

قدرت دادخواهی: سازمان دادن یک دادخواهی در مقیاس گسترده، برای فشار بر دولت به منظور ایجاد دگرگونی

گروهی در آرژانتین، یکی از اصول قانون اساسی را که کمتر شناخته و به‌کارگرفته شده را مورد استفاده قرار می‌دهد تا به مردم آموزش

دهد و آنان را برای ایجاد تغییر بسیج کند؛ در حالی که همزمان به مجاب کردن پارلمان می‌پردازد تا قوانین لازم برای تغییر را از تصویب بگذرانند.

در سال ۲۰۰۲ سازمانی به نام «قدرت شهروند» (Poder Ciudadano) امضاهایی را در پای یک دادخواستی جمع آوری کرد که بنا بر یکی از اصول قانون اساسی، کنگره آرژانتین مکلف بود آن را در نظر بگیرد. این اصل قانون اساسی مقرر می‌دارد که کنگره باید هر قانونی را که از طرف اهالی و یا سازمان‌ها برای بحث به آن پیشنهاد می‌گردد، در صورتی که امضای ۱/۵ درصد از شهروندان آرژانتینی را دستکم در شش ناحیه از ۲۴ ناحیه کشور درپای خود داشته باشد، به تبادل نظر و مذاکره بگذارد.

سازمان «قدرت شهروند» در ۱۹۹۸ به وسیله گروهی از شهروندان پایه گذاری شد که برای دفاع از حقوق مدنی در آرژانتین فعالیت می‌کردند. در دادخواستنامه‌های آنان که آغاز آن به سال‌های فروپاشی اقتصادی کشور بر می‌گردد، مسایل کلیدی پرداخت حقوق های کلان‌بازنشستگی به مقامات دولتی و گرسنگی را هدف گرفته بود. دادخواستنامه‌ی مربوط به گرسنگی، پیشنهاد می‌کرد که به همه زنان بارداری که به تنگدستی افتاده بودند و به تمام کودکان آرژانتینی زیر پنج سال غذا داده شود. از فروپاشی اقتصادی به این سو بیش از نیمی از جمعیت آرژانتین زیر خط فقر زندگی می‌کردند. کودکان بیشترین شمار جمعیت تنگدستان را در بر می‌گیرند و تعداد طرح‌های اجتماعی که برای مقابله با گرسنگی کودکان پیش بینی شده، انگشت شمار است. هدف دادخواستنامه فقط این نبود که کنگره را به بررسی مسئله وادار کند، بلکه این نیز بود که راه‌حل‌هایی برای برطرف شدن مشکل نشان داده شود.

سازمان «قدرت شهروند»، دادخواستنامه را تدوین کرد. ۲۵۰ داوطلب را در اطراف کشور استخدام کرد و آنان را به وسیله دستورالعمل‌هایی که روشن می‌کرد چه کسانی واجد شرایط امضا کردن هستند و درخواستنامه‌های تکمیل شده به کجا باید ارسال شوند و چه اطلاعاتی در مورد امضا کنندگان مورد نیاز است، آموزش داد. بیشتر داوطلبان از طریق تارنمای اینترنتی سازمان و هماهنگ کننده این پروژه آموزش‌های مورد نظر را فراگرفتند. داوطلبان برای گردآوری امضا در مناطق خود به محل‌های عمومی مراجعه می‌کردند، به فروشگاه‌ها، به کتاب‌فروشی‌ها، داروخانه‌ها، روزنامه فروشی‌ها و اتاقک‌های تلفن. سازمان «قدرت شهروند»، در این مورد با چند سازمان و رسانه‌ی دیگر به همکاری پرداخت، از جمله با یکی از شخصیت‌های پرآوازه رادیویی که محل فهرست های گردآوردن امضا را در برنامه خود اعلام می‌کرد؛ و روزنامه‌های بزرگ، خوانندگان‌شان را روز به روز از شمار امضا های گردآوری شده مطلع می‌ساختند.

این اقدام از سوی شهروندان آرژانتینی به خوبی مورد استقبال قرار گرفت و سازمان «قدرت شهروند» نتیجه آن را به کنگره آرژانتین عرضه کرد که به نوبت خود، در اواخر سال ۲۰۰۲ این طرح پیشنهادی را با جرح و تعدیل‌هایی از تصویب گذراند. ابتکارِ حق تغذیه نزدیک به یک میلیون امضا گرد آورد و از سوی کنگره به عنوان یک تکلیف و وظیفه حکومتی مورد پذیرش قرار گرفت. برنامه مبارزه با گرسنگی، هم اینک مراحل ابتدایی اجرای خود را می‌گذراند و نخستین مراکز تغذیه به تازگی به راه افتاده و آغاز به کار کرده‌اند.

سازمان «قدرت شهروند»، بی‌اعتنایی فراگیری را که وجود داشت، به تغییری واقعی مبدل کرد. مردمانی که هیچ اعتقادی به حکومت و یا تفاهم و پاسخگویی آن در برابر شهروندان نداشتند، به چشم خود می‌دیدند که صدای‌شان شنیده می‌شود و به طور مستقیم بر جریان قانون گذاری اثر می‌گذارد. سازمان «قدرت شهروند» شبکه‌ای بسیار نیرومند از داوطلبان، سازمان‌های همگام و رسانه‌ها ایجاد کرد که به پراکندن پیام دادخواستنامه و گردآوری شمار هنگفتی از امضاهای مورد نیاز توفیق یافت.

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر

تاکتیک‌های مقاومت

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر

تاکتیک‌های مقاومت

تاکتیک‌های دخالت‌گرانه

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر

تاکتیک

بریگادهای سطل: گردآوری داده‌های کیفیت هوا به طور مستقل در سطح محلی با هدف اعمال فشار برای تغییر.

جماعت‌های محلی می‌توانند مخالفت‌شان با بدرفتاری را – در این مورد، تجاوز به محیط زیست را – از این طریق نشان دهند که خود رأساً به گردآوری اطلاعات بپردازند.

بسیاری از جماعت‌های محلی در سراسر ایالات متحده، شروع کرده‌اند به پیوستن به برنامه‌های سازمان «بریگاد های سطل» این برنامه‌ها، به مردمانی که در نزدیکی‌های مراکز آلاینده صنعتی زندگی می‌کنند، می‌آموزانند چگونه وسایل ساده کنترل و مراقبت از هوا را بسازند و به کار بندند. این ابزارها که سطل خوانده می‌شوند از طرف آژانس حفاظت محیط زیست ایالات متحده مورد تأیید قرار گرفته است. در غیبت قوانین زیست محیطی قدرتمند و استانداردها یا تشکیلات اجرایی کارآمد، سطل‌ها وسیله‌ای هستند در خدمت جماعت‌های محلی که بتوانند، مستقلاً کیفیت هوای محل زندگی خود را کنترل کنند و شواهدی به دست آورند که با تکیه بر آن برای ایجاد تغییر بر مقامات مسئول فشار وارد آورند.

خود سطل وسیله نسبتاً ساده و ارزان قیمتی است برای نمونه‌گیری از هوا که از یک کیسه نمونه گیری در داخل یک سطل پلاستیکی پنج گالونی و یک تلمبه لاستیکی و یا خلأیی که برای مکیدن هوا به داخل کیسه به کار می‌رود تشکیل می‌شود.
بریگاد سطل از سه داوطلب با سه مسئولیت کاری متفاوت تشکیل می‌شود؛ جستجوگران، نمونه‌برداران و مسئولان هماهنگی بریگاد در محل. جستجوگران مسئول آگاهیدن و هشدار به نمونه‌گیران در مورد رویداد آلودگی هستند. نمونه‌گیران دستگاه نمونه‌گیری را در خانه‌هاشان نگهداری می‌کنند و هر وقت که پیشامدی آلوده کننده روی دهد؛ دست به نمونه‌گیری می‌زنند. آن‌ها این اطلاعات را که نمونه‌گیری در کجا و در چه هنگامی و چرا انجام گرفته است ثبت و ضبط می‌کنند و مسئول هماهنگی بریگاد در محل را فرا می‌خوانند تا کیسه نمونه‌گیری را بازپس بگیرد و ترتیب ارسال آن را به آزمایشگاه‌های تحلیلی بدهد. نتایج در یک پایگاه داده‌ها به ثبت می‌رسد و از طریق رسانه های محلی جلسات جمعی و دیگر شیوه‌ها در اختیار جمعیت محل گذاشته می‌شود. اهالی محل از این داده‌ها به تشخیص و صوابدید خود در جهت درخواست رسیدگی به آلودگی از سوی دیگر گروه‌های محلی یا دوایر دولتی و یا مقامات بهداشتی استفاده می‌کنسند.
بریگاد همچنین برگه‌هایی حاوی اطلاعاتی در مورد آثاری که سطوح مختلف آلودگی بر سلامت افراد می‌گذارد، در اختیار ساکنان محل می‌گذارد.

کم درآمد‌ها و گروه‌های اقلیت در ایالات متحده از ایده بریگادهای سطل، استقبالی ویژه به عمل آورده‌اند و این تاکتیک در سراسر کشور در حال مقبولیت یافتن است. ناحیه کنتراکوستا، کالیفرنیا یک «سیاست عادلانه زیست محیطی» را اتخاذ کرد که به تشدید مقررات علیه آلاینده‌های صنعتی و نیز توسعه تأسیسات حرفه‌ای دارویی انجامید و ساکنان محل را در تصمیم‌گیری نسبت به صنایع نزدیک به محل سکونت آنان سهیم نمود. در لوئیزیانا نمونه‌گیری‌های هوا به اثبات رساند که ناحیه دایاموند، که به آهستگی از سوی یک کارخانه شیمیایی متعلق به شرکت شل در حال فرو رفتن و تخریب بود، دیگر ایمنی لازم را ندارد و سرانجام شرکت موافقت نمود که ناحیه را کلاً به جای دیگری منتقل کند.

این رویکرد هنگامی مفید است که دولت‌ها یا شرکت‌ها اطلاعات مربوط به آلودگی را در اختیار نگذارند و یا وقتی که جماعت محل نگران این باشند که اطلاعات رسمی از صحت کافی برخوردار نیست و نادرست است. برپا سازی یک بریگاد سطل، بیان عمومی و مقتدرانه این واقعیت است که کارخانجات شیمیایی و ادارات دولتی حق کنترل و پنهان کردن داده‌های مربوط به آلودگی را ندارند و جماعت‌های محلی ذیحق‌اند و می‌توانند خود به گردآوری چنین داده‌هایی دست بزنند، آن‌ها را منتشر سازند و بر روی کارخانه فشار وارد آورند تا پاسخگو شود. این شیوه آن قدر ساده بود که به‌سرعت از ناحیه‌ای به ناحیه دیگر سرایت کرد و حتی از ایالات متحده نیز فراتر رفت و چیزی را ممکن ساخت که نامعمول به نظر می‌رسد؛ قربانیان تجاوز (و نه کسانی که بیرون از آن قرار دارند) در حین وقوع آن، تجاوز را مستند می‌سازند. این تاکتیک در آفریقای جنوبی، هند و فیلیپین نیز به کار گرفته شده است.

آموزش قربانیان به عنوان ناظران حقوق بشر: آموزش دادن به قربانیان تجاوز به حقوق بشر برای نظارت و دفاع از حقوق‌شان.

گروهی در مکزیک جماعت‌های بومی را به منظور نظارت بر تجاوزات به حقوق بشر آموزش می‌دهد. اعضای این گروه‌ها که مسلح به مهارت‌های تازه مستندسازی و دفاع حقوقی هستند، این توان را پیدا کرده‌اند که شکایات‌شان را تا بالاترین سطوح طرح و پی گیری کنند.

شبکه‌ی مدافعان اهالی ناحیه چیپاس که Red de Defensores Comunitarios por los Derechos Humanos یا مختصراً RED نامیده می‌شود، به اعضای جوان بومی خود آموزش می‌دهد که بر حقوق بشری خود نظارت و از آن دفاع کنند.

حضور بیش از اندازه نظامیان در چیپاس و نیز ماهیت شبه‌نظامی رو به افزایش، درگیری بین زاپاتیست‌ها و دولت مکزیک، به تجاوزات گسترده به حقوق بشر منجر شده است: همچون بازداشت‌های غیرقانونی، آزار و اذیت غیرنظامیان از طرف ارتشی ها (به ویژه در پست‌های ایست – بازرسی)، قتل‌های غیرقانونی و بازداشت و تجاوز جنسی به زنان از سوی نظامیان و گروه‌های شبه نظامی.

در ۱۹۹۹ «رد» دست به آموزش ۱۴ نفر زد که هفت منطقه و ناحیه چیپاس را نمایندگی می‌کردند. در ۲۰۰۱ دومین دسته آموزشی مدافعان آغاز به کار کردند. مدافعان از طرف اهالی ناحیه خود منصوب می‌شدند و مردم محل را فعالانه در کارهای خود درگیر می‌نمودند.

مدافعان طی سمینارهای ماهانه، آموزش‌هایی می‌بینند که مشتمل است بر نظریه‌ها و مفاهیم کار حقوق بشر و همچنین مهارت های عملی مورد نیازی که تضمین می‌کند تجاوزات به حقوق بشر مستند و گزارش شوند و جلوی تجاوزات گرفته شود. از طریق این فرآیند آنان می‌آموزند که چه چیزی تجاوز به حقوق تلقی می‌شود و چگونه آن را از طریق استفاده از ویدیو، عکسبرداری و کامپیوترها مستند سازند. آنان همچنین راه‌های مختلفی را فرا می‌گیرند که چگونه واکنش نشان دهند.

مدافعان، شکایات را به دولت منعکس می‌سازند، به روزنامه‌ها و گروه‌های ناظر حقوق بشر اطلاع و خبر می‌رسانند و آزادی و دفاع از کسانی را که غیر عادلانه بازداشت شده‌اند پی‌گیری می‌کنند. آنان از این توان بهره‌منداند که محل نگهداری بازداشت‌شدگان را شناسایی کنند و تقاضای رعایت این حق بازداشت‌شدگان را بنمایند که در حضور یک قاضی به کارشان رسیدگی شود و مشخص گردد آیا فرد بر طبق موازین قانونی بازداشت شده است یا نه، تا حقوق بازداشت شده در مخاطره نیافتد. آنان می‌دانند که چگونه تقاضایی را مبنی بر دست زدن به اقدامات احتیاطی در صورت قریبالوقوع بودن تجاوز به حقوق بشر به ثبت برسانند و در صورت وقوع برای اعتراض به چه کسی مراجعه کنند. در مواردی که موضوع به دادگاه احاله می‌گردد و یا نیازمند استراژی‌های دراز مدت حقوقی است، وکلای مشاور مشترکاً با مدافعان کار می‌کنند.

در خانه، مدافعان با طیف گسترده‌ای از کارها با توجه به نیازهای اهالی محل خود سر و کار دارند. آنان به گردآوری شهادت قربانیان و یا شاهدان تجاوز به حقوق بشر می‌پردازند، ویدیوها و یا عکس‌های گرفته شده از خشونت و بدرفتاری را جمع می‌کنند و راه‌های مناسب دخالت را هنگامی که تجاوزی رخ می‌دهد مشخص می‌نمایند. آنان همچنین سایر اعضای محله‌ی خود را در این کار آموزش می‌دهند.

این رویکرد منجر به موفقیت‌های متعددی شده است و همچنین به افزایش خودگردانی جماعت‌های بومی، از طریق حذف اتکای آنان به کنش‌گران خارجی، مانند سازمان‌های غیر دولتی منجر شده است.

مدل و نمونه‌ی رد جماعت‌ها و رهبران محلی را در مرکز مبارزه برای حقوق بشر جای می‌دهد، و افراد خارج در آن فقط نقش مشورت‌دهی ایفا می‌کنند. آموزش دادن به شبکه‌ای از افراد برای دفاع از حقوق بشر در ناحیه خود، می‌تواند به دست سازمان‌هایی صورت پذیرد که در هر منطقه‌ای در دفاع و طرفداری از حقوق بشر تلاش می‌ورزند. تاکتیک آموزش دادن به قربانیان تجاوز به حقوق بشر برای نظارت و دفاع از این حقوق، از دو جهت می‌تواند سودمند باشد. هم از نظر کمک به بالاتر بردن آگاهی از حقوق بشر و دفاع از جماعت‌های بومی و هم از نظر بالابردن ظرفیت کارکرد مستقلانه آن جماعت‌ها.

مدافعان «کمک‌های اولیه» قانونی می‌رسانند. این، یعنی این که آن‌ها می‌آموزند که در خط مقدم جبهه دفاع از جماعت‌ها قرار گیرند. آن‌ها می‌دانند که تجاوز به یک حق چیست، مستند کردن آن به چه نیاز دارد و راهکار انجام آن کدام است.

در نتیجه این تاکتیک یک گروه ثابت از نمایندگان بومی ناحیه، آمادگی یافته‌اند دفاع قانونی از جماعت ناحیه‌شان را بر عهده بگیرند و به انجام رسانند و به نوبه خود دیگران را آموزش دهند.

– میگویل آنکل دولس سانتوس،

عضو شبکه‌ی مدافعان اهالی ناحیه چیپاس – مکزیک

تاکتیک

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

تاکتیک‌های دخالت‌گرانه

تاکتیک‌های مقاومت

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

تاکتیک‌های دخالت‌گرانه

تاکتیک‌های مقاومت

جستن و به چنگ آوردن

عملیات «سالامی» (SAIAMI) از تاکتیکی استفاده نمود که به نام «عملیات شهروندی جست‌وجو و به چنگ آوردن» خوانده شده است و منظور از آن فشار وارد آوردن بر دولت کانادا بود برای انتشار رونوشت معاهده‌ای که گمان برده می‌شد حقوق بشر را تضعیف می‌کند. اعضای گروه موفق شدند افکار عمومی را در محکوم ساختن این پنهانکاری که به منظور حفظ مصالح دولت و جلوگیری از بررسی معاهده از سوی مردم صورت می‌گرفت، بسیج نمایند. **فلیپ دوهامل** یکی از سازمان دهندگان و مربیان، این عملیات را شرح می‌دهد:

ماه‌ها، دولت مصرانه از انتشار اوراق پیش نویس طرح موافقتنامه تجارت آزاد منطقه آمریکا (FTAA) سر‌باز می زد، موافقتنامه‌ای که داد و ستد بین ۳۴ کشور قاره آمریکا را که در این مذاکرات شرکت کرده بودند، آزاد می‌ساخت. ما قصدمان را مبنی بر به‌دست آوردن متن نهایی و تجلید شده موافقتنامه به بخش امور خارجه و تجارت بین‌المللی در ۱ آوریل ۲۰۰۱ اعلام نمودیم. نخستین کار ما این می‌بود که تظاهراتی قانونی در اتاوا برگزار کنیم، که احتمال داشت دو چیز در آن جا اتفاق افتد: یا ما در نهایت شادمانی بسته‌های حاوی اسناد را که به ما تحویل می‌دادند به دست می‌آوردیم، یا این که پنهانکاری ناخوشایند حاکم براین فرآیند به اطلاع عموم می‌رسید. اگر متن‌ها عرضه و پخش نمی‌شد، ما با برپایی یک راه‌بندان مسالمت جویانه ساختمان را می‌بستیم و به تعطیل می‌کشاندیم و سپس دست به یک عمل «جست‌وجو و به چنگ آوردن» می‌زدیم؛ یورشی شهروندی برای دست یافتن بر اسناد از طریق یک دخالت کاملاً مسالمت آمیز.

هنگامی که دولت، درخواست ما را نپذیرفت، گروهی از شهروندان به پلیس اعلام کردند «ما از شما مأموران پلیس درخواست می‌کنیم به وظیفه خودتان عمل کنید و به ما کمک نمایید اسنادی را بیابیم که نسبت به آن‌ها صاحب حق ایم. شریک جرم و همدست پنهانکاری‌ها و تحریکات این دولت نشوید. اگر شما از جست‌وجو و یافتن این اسناد به نمایندگی از طرف ما سر باز بزنید، ما چاره دیگری نداریم جز این که خود به یافتن آن‌ها اقدام کنیم.» سپس آنان یک به یک اسم خود را می‌دادند و می‌گفتند «من برای اعمال حق خود به عنوان شهروند در این جا حاضر شده‌ام، لطفاً بگذارید عبور کنیم». سپس گروه‌های دو نفره مبادرت به گذشتن از «راه‌بند» کردند. نزدیک به ۱۰۰ نفر بازداشت شدند و شب را در بازداشت گذراندند. برای‌شان هیچ پرونده اتهامی تشکیل نشد. در سراسر کشور مردم می‌پرسیدند «چرا دولت از دادن این اسناد سر‌باز می‌زند و به جای آن به توقیف شهروندان خود می‌پردازد؟»

این عملیات و مبارزه وسیعی که در اطراف آن صورت گرفت، تقریباً از سوی همه رسانه‌ها در کشور پوشش داده شد. دولت مجبور شد دست به عمل زند. یک هفته پس از «عملیات شهروندی جست‌وجو و به چنگ آوردن» دولت کانادا، پس از مشاوره با دیگر شریکان مذاکرات، سرانجام موافقت نمود تا اسناد را برای اطلاع عموم منتشر سازد.

برای آگاهی بیشتر در این باره، کتابچه‌ی تاکتیکی را که در تارنمای www.newtactics.org در بخش ابزار عمل (Tools for Action) در دسترس است، بخوانید.

حقوق بشر	تاکتیک‌های دخالت‌گرانه
تاکتیک‌های شلوغ‌کاری	

تاکتیک‌های شلوغ‌کاری

برخی از گونه‌های نقض و تجاوز به حقوق بشر مستلزم این است که مدافعان حقوق بشر خود شخصا پا به

میدان بگذارند تا جلوی تجاوز گرفته شود و از این رهگذر خیلی راحت امکان ادامه تجاوز ناممکن شود. شما می‌تواند اعمال نفوذ کنید،

تبلیغ و مبارزه کنید، دست به اعتراض بزنید ولیکن بعضی اوقات نیاز به این است که خود شخصاً وضعیت را تغییر دهید: زمینی را که

مردم برای گذران زندگی به آن نیاز دارند به آن‌ها بدهید، دارویی را که برای نجات از مرگ به آن محتاج‌اند به آن‌ها برسانید، دختران

جوان را از روسپی خانه‌ها بیرون بیاورید، و کودکانی را که به بیگاری گماشته شده‌اند از کارخانجات و کارگاه‌ها نجات بخشید. مردمان

دلیری که این گونه تاکتیک‌ها را به کار می‌بندند در حقیقت همگی جسم و جان خود را به خطر می‌افکنند. برخی همچون کارگران

جنسی که در بنگلادش متشکل شده‌اند، ممکن است در نظر اول برای مشارکت در چنین کاری نامناسب به نظر برسند، ولی عملاً ثابت

شده است که آنها در این گونه تلاش‌ها می‌توانند نقش حیاتی ایفا کنند.

ایستادگی در برابر قوانین ناعادلانه مالکیت: اسکان دادن مردم بی‌زمین، بر روی زمین‌هایی که کشت و زرع نمی‌شوند، در جهت اعمال فشار بر دولت برای انجام اصلاحات ارضی.

جنبش کارگران بی‌زمین برزیل، دولت را برای انجام اصلاحات زیر فشار می‌گذارد، و همزمان با اشغال مسالمت‌آمیز زمین‌های زراعی از قربانیان تجاوز حمایت می‌کند.

« جنبش کارگران [کشاورز] بی‌زمین برزیل»، (Movimento Dos Trabalhadores Rurais Sem Terra) یا ام. اس. تی. از سال ۱۹۸۴ تاکنون مسئله اصلاحات ارضی را در دستور کار خود قرار داده و دست به سازماندهی گروه‌های بزرگی از دهقانان بی‌زمین و اسکان آن‌ها در زمین‌های کشت نشده متعلق به زمینداران ثروتمند، زده است. ام. اس. تی. پس از اشغال یک منطقه سعی می‌کند، زمین را از طریق قانونی و با گردآوری امضا و ارایه درخواستنامه به مقامات مسئول، با استناد به یکی از اصول قانون اساسی برزیل که می‌گوید، زمین‌های غیر مؤلد مشمول اصلاحات ارضی‌اند، به دست آورد.

به رغم این که دولت برزیل از ۲۰ سال پیش وعده‌ی اصلاحات ارضی داده است در عمل، زمین‌های کمی از طریق برنامه‌های دولتی بین کشاورزان تقسیم و توزیع شده است.
نیمی از زمین‌های برزیل، هم اکنون در مالکیت یک درصد از جمعیت است، در حالی که نزدیک به پنج میلیون کلرگر کشاورز بی‌زمین‌اند.

ام. اس. تی.، سازمان دهندگان را به ناحیه‌ای جدید اعزام می‌کند تا با خانوارهای بی‌زمین تماس برقرار کنند و آن‌ها را برای اشغال زمین‌ها مهیا سازند. سازمان دهندگان با اهالی محل برای انتخاب زمینی که کشت و زرع نمی‌شود ولی مستعد بهره برداری است و مالکیت قانونی آن مورد اختلاف است به مشورت می‌پردازند. معمولاً سازمان‌دهندگان برای مدتی بیش از شش ماه در ناحیه باقی می‌مانند تا اهالی محل را برای اقدام به اشغال مهیا سازند. اهالی ناحیه کار مهیا سازی را تقسیم می‌کنند، به طوری که امکان می‌یابند، هدایت این فرآیند را خود به دست گیرند. در روز اقدام به اشغال، خانوارهای بی‌زمین، سر زمین می‌روند، به طور مسالمت آمیز از حصاربندی‌های زمین عبور می‌کنند و آنجا را به اشغال در می‌آورند. اگر آنان را به زور بیرون برانند، با کمال آرامش زمین را ترک می‌کنند، اما پس از این که موعد حکم تخلیه به سر رسید، دوباره به همان جا باز می‌گردند و کار را از نو تکرار می‌کنند.

اشغال زمین‌ها، به اطلاع سازمان ملی مسئول اصلاحات رسانده می‌شود: جایی که فعالان غالباً از راه سلب حق مالکیت بر زمین سعی می‌کنند به اشغال جنبه قانونی بدهند. ام. اس. تی. به عنوان بخشی از این فشارها، به سازماندهی راه‌پیمایی‌ها و اشغال ساختمان های دولتی و محکوم کردن دولت به تخطی از قانون اساسی می‌پردازد. فرآیند قانونمند ساختن اشغال می‌تواند تا پنج سال به درازا بکشد. وقتی که سکونتگاه جدید خانوارها شکل گرفت، درمانگاه‌ها و مدارس ساخته می‌شود و زمین‌ها زیر کشت دایم می روند و استقرار یافتگان به حق تغذیه خود دست می‌یابند. این تاکتیک به طرز چشمگیری موفقیت آمیز بوده است، با این که در مواردی نیز با خشونت همراه بوده است. ام. اس. تی. برای تقریباً ۲۵۰ هزار خانوار زمین فراهم آورده است که در نزدیک به یک هزار و ۶۰۰ شهرک مسکونی جای گرفته‌اند.

داستان ام. اس. تی. حکایت جالبی است: اشغال مسالمت‌آمیز زمین به تغییر واقعی زندگی هزاران نفر مردمی می‌انجامد که اینک قادرند زندگی‌شان را با کشت و کار تأمین کنند. با این که اشغال، فی‌الفسه و به تنهایی می‌تواند تفرقه برانگیز و خطرناک باشد، ولی وقتی که با فشار بر دولت ترکیب می‌شود تا به اصلاحات ارضی موعود دست بزند، تبدیل به مبارزه‌ای موفقیت‌آمیز می شود. ام. اس. تی در صورتی که از مشارکت شمار زیاد و حمایت کافی مردم برخوردار باشد، می‌تواند با ایمنی و اطمینان خاطر این تاکتیک را به کار بندد. اگر صاحبان املاک و یا مقامات مسئول محلی علیه اشغالگران مسالمت‌جو دست به خشونت بزنند، فعالان ام. اس. تی. به ایجاد فشار از طریق جلب توجه رسانه‌ها می‌پردازند.

نمونه‌های پرشمار دیگری از اشغال زمین در دیگر نقاط جهان هست که به طریق مسالمت‌جویانه صورت نپذیرفته و یا به برخوردهای بسیار خشونت‌آمیز انجامیده است. استفاده از این رویکرد در برخی موارد متضمن خطرات بزرگی است و بایستی با دقت بسیار برنامه‌ریزی و به اجرا گذاشته شود تا از مسالمت‌آمیز بودن و خشونت پرهیزی آن اطمینان حاصل **بشر و وارد آوردن فشار زیاد بر دولت برای ایجاد تغییر استفاده می‌کنید؟**

<div><div> </div></div>	قانون اصلاحات ارضی می‌گوید که تمام املاک می‌بایستی یا کارکردی اجتماعی داشته باشند، یا این که می‌باید به صورتی زاینده ایجادگر مشاغل و مولد غذا باشند. مبارزه ما، در راستای قانون است و با پشتیبانی قانون صورت می‌گیرد،	<div><div> </div></div>
« »	ولی اگر ما دولت را به خود وابگذاریم که اصلاحات ارضی را انجام دهد، هیچ کاری انجام نخواهد داد، زیرا زمینداران و مالکان بزرگ درکنگره ملی و مجلس سنا از قدرت بسیار زیاد بهره‌منداند.	

- وانوسا سانتوز،

جنبش کارگران کشاورز بی‌زمین، برزیل

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر	تاکتیک‌های دخالت‌گرانه
تاکتیک‌های شلوغ‌کاری	

تاکتیک

سرپیچی از قانون بین‌المللی ثبت انحصاری اختراعات و اکتشافات: سرپیچی از قوانین به منظور فشار آوردن برای تغییر آن‌ها.

در آفریقای جنوبی، «عملیات اقدام برای درمان» (Treatment Action Campaign) با نادیده گرفتن قوانین ملی به نافرمانی مدنی دست زد و بر دولت فشار آورد تا این قوانین را تغییر دهد و امکان درمان بیماران مبتلا به اچ آی وی/ ایدز را فراهم آورد.

در ژوئن ۲۰۰۰، «عملیات اقدام برای درمان» با تی. ای. سی. با سرپیچی از قوانین ثبت انحصاری اکتشافات آغاز به وارد کردن داروهای ژنریک معالج اچ آی وی/ ایدز کرد، با این هدف که شرکت‌های دارویی را به پایین آوردن قیمت این داروها و دولت آفریقای جنوبی را به صدور مجوز برای واردات داروهای نوع ژنریک که حق کشف‌شان قبلاً به ثبت رسانده شده بود، وادار کند. هدف از این تاکتیک این بود که دسترسی ارزان به داروهای معالج ایدز را برای همه اهالی آفریقای جنوبی ممکن سازد. بیش از چهار میلیون نفر از مردم آفریقای جنوبی مبتلا به ایدز هستند و قیمت بالای داروهای به ثبت رسیده، دسترسی به دارو و درمان مبتلایان را برای بیشتر مردم نامیسر ساخته بود.

فلوکونازول (Fluconazole) برای درمان بسیاری از بیماری‌های مرتبط با ایدز دارویی اساسی است. مانند بسیاری از دیگر داروهای اچ آی وی/ ایدز، فلوکونازول نیز به وسیله‌ی شرکت‌های چند ملیتی تولید می‌شود و تحت قوانین ثبت انحصاری اکتشافات، با بهایی بسیار گران به آفریقای جنوبی وارد می‌گردد. قیمت انواع ژنریک این دارو، به نحو چشمگیری ارزان‌تر است. اما حق ثبت انحصاری شرکت فایزر (Pfizer) از این دارو، دست و پای دولت آفریقای جنوبی را برای وارد کردن انواع ژنریک آن می‌بست و مانع این کار بود. با این که قانون ثبت اختراعات و اکتشافات آفریقای جنوبی به دولت این قدرت را بخشیده است که به وارد کردن و یا تولید نمونه‌های ارزان قیمت داروهای به ثبت رسده دست بزند، دولت سعی به استفاده کردن از این قدرت قانونی نمی‌کرد.

پیش از وارد نمودن داروها، تی. ای. سی. با سازمان بهداشت جهانی و پزشکان بدون مرز دست به همکاری زد و پس از حصول اطمینان از این که داروها بی‌خطر و اثر بخش‌اند به برقراری سیستمی برای خرید و وارد کردن آن‌ها پرداخت. برای مثال، تی. ای. سی. سفری را به تایلند ترتیب داد که در آن جا یکی از انواع ژنریک فلوکونازول به نام بیوزول (Biozole) به بهای بسیار اندک کمتر از ۲۸ سنت برای هر قرص در اختیار عموم قرار می‌گرفت.

هنگامی که قرص‌های بیوزول به مرز رسید شورای نظارت پزشکی آفریقای جنوبی دست به ضبط آن‌ها زد، و در همان حال اعضای شورا موضوع اعطای معافیت به آن‌ها را مورد بحث قرار دادند. در نوامبر ۲۰۰۰، در زیر فشار تی. ای. سی. و حامیان محلی و بین‌المللی آن شورا اجازه توزیع داروی ژنریک بین بیماران را به یکی از شریکان تی. ای. سی. داد. شرکت دارویی فایزر قول داد که داروی ساخت خود را در مارس ۲۰۰۰ در اختیار بیماران بگذارد، به این ترتیب موضوع اعطای معافیت – حق اعمال قدرت دولت و اختیارات حکومتی – در صورتی که تحویل دارو انجام گیرد و عملی گردد، مورد تجدید نظر قرار خواهد گرفت.

با جلب توجه عمومی به گزینه‌های ارزان قیمت‌تر، این عملیات نافرمانی مدنی، نیاز مبرم و فوری دسترسی به داروهای اچ آی وی/ ایدز را به نمایش گذاشت. کوشندگان در این راه آمادگی داشتند که برای حفظ و نجات جان دیگران، عوارض مرتبت به تخطی از قوانین را تحمل کنند، و از همین رو هرگونه فشاری را که برای تغییر سیاست‌های ملی لازم بود، وارد آورند.

تی. ای. سی.، حتی در همان حال که با وارد کردن داروهای ژنریک، از قانون آفریقای جنوبی و موافقتنامه‌های بین‌المللی در مورد ثبت انحصاری اکتشافات سرپیچی می‌کرد، از دولت آفریقای جنوبی در یک دعوای حقوقی که از سوی گروهی متشکل از ۳۹ شرکت دارویی، با نام انجمن تولیدکنندگان دارویی پی. ام. آی، علیه دولت اقامه شده بود، به حمایت از دولت برخاست. پی. ام. آی. مدعی بود و دولت را متهم می‌کرد به این که قانون دارو که از جمله به دولت اجازه می‌داد اگر داروی به ثبت رسیده‌ای در کشور دیگری ارزان‌تر به دست آید، آن را وارد نماید، ناقض قوانین بین‌المللی ثبت انحصاری اختراعات و اکتشافات است. پی. ام. آی. سرانجام دعوی خود را پس گرفت.

آفریقای جنوبی همچنان در زیر سایه سیاه یک بحران عمیق حقوق بشر به سر می‌برد: میلیون‌ها نفر مبتلا به اچ آی وی/ ایدز و از دسترسی به داروی مؤثر محروم‌اند. به هرحال در اوت ۲۰۰۳، زیر فشار تی. ای. سی، دولت آفریقای جنوبی موافقت کرد داروهای آنتی رتروویرال (anti-retroviral) را به صورت رایگان در اختیار همه اهالی آفریقای جنوبی بگذارد و این تعهد را در برنامه جدیدی که در نوامبر همان سال اعلام نمود، مورد تأیید قرار داد.

خارج کردن زنان جوان از روسپی‌خانه‌ها: بهره‌گیری از کسانی که آگاهی و تجربه‌ی دست اول دارند، برای نجات قربانیان خشونت و بدرفتاری.

در بنگلادش، یک انجمن محلی، در فعالیت‌های بخش خصوصی که اقداماتش تجاوز به حقوق بشر به شمار می‌آید، مداخله می‌کند.

کارگران جنسی انجمن اِکوتا (Ekota) در بنگلادش برای نجات دخترانی که برخلاف میل‌شان در روسپی‌خانه‌ها نگه داشته شده‌اند، از گروه‌های مراقبتی استفاده می‌کند که از روسپیان پیر کهنه‌کار تشکیل می‌شود.

کارگران جنسی سالمند، در عرصه تجارت سکس نقش مهمی ایفا می‌کنند. بیشترشان «مامان»ها و یا خانه‌دار روسپییانی اند که در روسپی‌خانه‌ها به سر می‌برند. آنان از کارگران جوان‌تر وقت و فراغت بیشتری دارند و همچنین، از چند و چون کارآگاه‌تراند و این صنعت را از تازه‌واردان در این کار بهتر می‌شناسند. موفقیت اقتصادی قدرتمندتر آنان در روسپی‌خانه‌ها، به این کارگران جنسی سالمند و کارآزموده، این امکان را می‌بخشد که تعیین کنند چه کسی می‌تواند در روسپی‌خانه بماند و وقتی جایی را به روسپی‌های جوان‌تر کرایه می‌دهند، روشن سازند که دختران زیر سن قانونی مجاز به این کار نیستند.

به رغم این سیاست، با این حال برخی از روسپیان جوان، دختران کم سن و سال را وارد فاحشه‌خانه می‌کنند. هنگامی که چنین اتفاقی می‌افتد، کارگران جنسی سالمند ردیابی می‌کنند، تا ببینند این دختر جوان در کجا نگه‌داری می‌شود و با استفاده از راه‌های محدودی سعی می‌کنند با وی ارتباط برقرار کنند. آنان می‌کوشند بفهمند، آیا وی با میل خود به آن جا رفته است، اهل کدام روستاست، چند سال دارد و خویشان او کیستند. سپس آنان، انجمن کارگران جنسی را از این موضوع مطلع می‌سازند، که به نوبه خود فرد مورد اعتمادی را به خانه‌ی آن دختر می‌فرستد تا والدین و خویشاوندان او را از محل اقامت او مطلع گردانند. در بسیاری از موارد اهل فامیل قادرند به روسپی‌خانه مراجعه کنند و دختر را نجات بخشند. مواردی هم بوده است که خود خانواده، دختر را برای فاحشگی فروخته و نمی‌خواهند و یا نمی‌توانند او را کمک کنند.

انجمن کارگران جنسی زمانی که کار خود را برای نجات کارگران جنسی از روسپی‌خانه‌ها آغاز کرد، با سازمان‌های غیر دولتی بسیاری تماس گرفت که از آن‌ها کمک بگیرد و به نجات دختران یاری برسانند. سازمان‌های غیردولتی در توان‌بخشی به دخترانی که قادر به بازگشت به خانواده‌هاشان نیستند نقش مهمی بازی می‌کنند.

به رغم تلاش فراوان برای جابجا کردن دختران کم سن و سال از روسپی خانه‌ها، کارگران جنسی از اهالی محل کمک ناچیزی دریافت می‌کردند، زیرا روسپیگری از نگاه آنان نوعی خطر اجتماعی به شمار می‌آمد. افزون بر این، نجات خردسالان به وسیله کارگران جنسی، منافع کسانی را که در تجارت جنسی ذینفع بودند به مخاطره می‌انداخت. این امر کارگران جنسی سالمند و انجمن را به خطر می‌افکند. زنان، متکی به پشتیبانی سازمان‌های غیردولتی محلی بودند تا در روند نفوذ بر مقامات محلی دولت به منظور افزایش مراقبت و حفاظت از کارگران جنسی و بیرون آوردن روسپیان خردسال از روسپی‌خانه‌ها حمایت‌شان کنند.

سودمندی و اثربخشی این تاکتیک بیشتر از آن روست که کارگران جنسی که در این کار شرکت دارند، چه از جهت نظارتی و چه از نظر شناخت‌شان از مسئله، موقعیتی منحصر به فرد دارند. آنان همچنین از طریق انجمن‌شان شبکه‌ای کارآمد برپاساخته‌اند که قادر است با ایمنی کامل به گردآوری اطلاعات و انتقال آن دست بزند. این تاکتیک، درست در آخرین مرحله بدرفتاری و تجاوز وارد عمل می‌شود، یعنی وقتی که دختران، دیگر، در داخل فاحشه‌خانه هستند و تغییر وضع و جا به جا کردن‌شان جسماً و عملاً چندان دشوار نیست. بعضی دیگر از گروه‌هایی که مورد بهره‌کشی و سوء رفتار قرار دارند – مثلاً بازماندگان خشونت‌های خانگی، کارگران اجباری و یا مهاجران اجباری– نیز در موقعیتی قرار دارند که چه بسا بتوانند تجربه‌های‌شان را برای پیشگیری از تکرار همان سرنوشت دردناک برای دیگران، به کار بندند. ولی توجه به این نکته اهمیت دارد، که آنان نیز همچون این زنان بنگلادشی، با دست زدن به این کار خودشان را از نظر جسمی به خطر می‌افکنند.

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

تاکتیک‌های دخالت‌گرانه

تاکتیک‌های شلوغ‌کاری

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

تاکتیک‌های شلوغ‌کاری

گشودن در کارخانه‌ها: نجات بخشیدن کارگران خردسال با یورش به کارخانه‌ها.

در هند، «ائتلاف جنوب آسیا برای مبارزه با بردگی کودکان» برای آزاد سازی کارگران خردسال عملیات یورش و نجات ترتیب می‌دهد.

«ائتلاف جنوب آسیا برای مبارزه با بردگی کودکان» (South Asian Coalition on Child Servitude) یا «ساکس» (SACCS) برای آزاد سازی کارگران خردسال عملیات نجات سازمان می‌دهد. مجموعه‌ای مرکب از بیش از ۴۰۰ گروه حقوق بشر، در سراسر جنوب آسیا ریشه‌کنی بیگاری کشیدن از کودکان را هدف خود قرار داده‌اند.

سازمان بین‌المللی کار می‌گوید، هم اکنون در هند بیش از ۶۰ میلیون کارگر خردسال در اسارت وجود دارند. حقوق بنیادین این کودکان مانند حق آموزش، دستمزد کافی و حق آن‌ها برای دسترسی به بهداشت و درمان و شرایط زیستی مناسب زیر پا گذاشته می‌شود، زیرا آن‌ها را مجبور می‌سازند روزانه بیش از ۱۲ ساعت کار کنند. بیشترین‌شان در کارخانه‌ها به صورت برده نگه داشته می‌شوند و در معرض ضرب و شتم و بیماری‌های گوناگون‌اند.

«ساکس» از آغاز کار خود در ۱۹۸۹، به این مسئله پرداخته است و استراتژی «دو سویه» را در این زمینه برگزیده است که هم عمل مستقیم و هم عمل نامستقیم را در بر می‌گیرد. عملیات مستقیم نجات «ساکس» یورش برنامه‌ریزی شده به کارخانه‌هایی را شامل می‌شود که به استفاده از کار اطفال شهره هستند. به دنبال به دست آوردن قرائین و شواهدی که نشان می‌دهد یک صنعت، کارگران خردسال را به کار وا داشته و یا با کسب اطلاع از طریق والدین کودکانی که فرزندان‌شان به اسارت گرفته شده‌اند، «ساکس» تیم های خود را، مرکب از خانواده‌های کودکان ربوده شده، حامیان محلی و چند پلیس که فقط مجهز به باتوم‌اند، سازمان می دهد و با زور کودکان را آزاد می‌کند. آنان درب‌های کارخانه را که شب‌ها به روی بچه‌های داخل آن قفل است، می‌گشایند و پیش از آن که صاحب کارخانه خبردار شود، کودکان را جابجا می‌کنند. برای حصول اطمینان از حمایت پلیس، مقامات مسئول محلی از یورشی که در راه است قبلاً مطلع می‌گردند، اما جزییات دقیق آن هرگز افشا نمی‌شود تا از برخورد بین تشکیلات اداری و صنایع احتراز شود.

پس از آن که کودکان آزاد شدند گواهینامه آزادی آنان می‌باید از طرف مقامات محلی صادر شود. به خاطر این که مقامات محلی نسبت به صنایع حسن نیت فراوان دارند، این امر می‌تواند مدت‌ها به درازا بکشد. در این فاصله کودکان به برنامه‌های توان‌بخشی «ساکس» معرفی و سپرده می‌شوند و پیش از بازگرداندن‌شان به خانواده در وقت مقتضی، آنان را به رایگان آموزش می‌دهند. در دو دهه گذشته، «ساکس» از طریق عملیات مستقیم یورشی خود موفق به آزادسازی بیش از ۶۵۰۰۰ کودک کارگر از اسارت و بردگی شده است.

«ساکس»، درست به طور مستقیم در محلی که بدرفتاری و خشونت جریان دارد، دست به دخالت می‌زند: در کارخانه‌هایی که کودکان به صورت برده نگه داشته می‌شوند. عملیات آن‌ها نه فقط به نجات هزاران کودک می‌انجامد، بلکه بر آگاهی جماعت، پیرامون این مسئله می‌افزاید: به خصوص هنگامی که جهان از سرگذشت کودکان آزاد شده و وضعیتی که مبتلای به آن بوده‌اند خبردار می‌شود.

عملیات آنان، همچنین ادامه کار را برای دولت، به عنوان شریک جرم بیگاری اطفال ناممکن می‌سازد. وقتی دولت از مسئله و قصد «ساکس» به انجام عملیات با خبر می‌شود، دیگر نمی‌تواند به حمایت از کارخانه، بدون این که عوارض عمومی آن را تحمل کند، ادامه دهد.

این تاکتیک ضمناً خطرانی نیز در بر دارد، که می‌تواند برای کودکان و آن ناحیه عواقب ناخوشایندی داشته باشد. مانند این که کارخانه‌ها به سوی پنهانکاری بیشتر در مورد این مسئله رانده شوند و یا این که به منطقه‌ی دیگری نقل مکان کنند.

اعضای تیم «ساکس»، ممکن است خود در معرض خطرات جسمی قرار گیرند و باید برخی اقدامات احتیاطی را از پیش برنامه‌ریزی کنند. اما آن گاه که مسئله‌ای به این اندازه حاد مطرح است سخواه بردگی کودکان باشد، خواه قاچاق انسان و یا بازداشت‌های غیرقانونی – گاه مردمانی چنان شجاع‌دل پیدا می‌شوند که پا پیش می‌گذارند و چنین خطراتی را به جان می‌خرند.

تغییر دادن تاکتیک‌ها

تانکهای نیروی دریایی آمریکا در یک عملیات در جنوب شرقی دریای مدیترانه، در جریان عملیات صلح‌آمیز در لبنان، ۱۹۸۲.

دانستن این که چه موقعی وقت عوض کردن تاکتیک‌هاست همان قدر مهم است که بدانیم چه تاکتیکی را باید نخست به کار بندیم. «ائتلاف برمه‌ی آزاد» (The Free Burma Coalition) به‌تازگی تصمیم گرفت به مبارزه‌ی دهساله خود برای تحریم شرکت پیسی پایان بخشد. آپل کامپیوتر، هینکن، تکراکو و دیگر شرکت‌ها در برمه به کار داد و ستد مشغول‌اند. علت پایان تحریم نه این بود که مبارزه دیگر اثر نداشت و نه آن که ائتلاف دیگر به همه هدف‌های خود دست یافته بود، بلکه علت اصلی این بود که هنگام تغییر تاکتیک‌ها فرا رسیده بود. زار نی (**ZARNI**) یکی از پایه گذاران ائتلاف در این باره چنین توضیح می‌دهد.

تانکهای نیروی دریایی آمریکا در یک عملیات در جنوب شرقی دریای مدیترانه، در جریان عملیات صلح‌آمیز در لبنان، ۱۹۸۲.

تحریم‌ها ظرفیت خیلی بالایی دارند که می‌توانند به نتایج خوب بیانجامند. کار آن‌ها شبیه به کار توپخانه‌ی سنگین در نبردهای نظامی است: آن‌ها دشمن را می‌فرسایند، اما سرانجام کار نهایی و واقعی را خود مردم حاضر در صحنه و پیاده نظام روی زمین باید به ثمر برسانند و هنگامی که دشمن تان را فلج کردید، باید آمادگی داشته باشید که ضربه‌ی بعدی را وارد آورید.

تحریم‌ها سطح آگاهی از وضعیت را در برمه بالا برد و چندین شرکت بین‌المللی را مجاب کرد که از کشور خارج شوند. اما این به تنهای کافی نبود.

در سال ۲۰۰۳ رسماً به تحریم پایان دادیم، زیرا به این نتیجه رسیدیم که به مجموعه‌ای تازه از تاکتیک‌ها، برای تدوین و تنظیم دوباره این امر و آوردن مبارزه‌مان به سطحی دیگر نیاز داریم. ما تشخیص دادیم دستکم اگر نحوه‌ای را که مردم ماجرای برمه را تعریف می‌کنند تغییر ندهیم، نخواهیم توانست مبارزه را ببریم. و تا وقتی که تحریم بخش مرکزی مبارزه است، کانون توجه پیوسته رژیم خواهد بود و نه مردم برمه. ما نیاز داریم که توجه را بر مردم و بر راه خودمان به سوی آینده متمرکز کنیم.

اکنون ما در جستجوی تشریک مساعی استراتژیک با دیگرانی هستیم که در مبارزات بین‌المللی حقوق بشر در گیراند. تنظیم و تدوین دوباره موضوع و گنجائیدن تاکتیک‌های جدید در مبارزه‌مان، راه‌های استراتژیک تازه و امکانات نوینی برای ما باز خواهد کرد.

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر	تاکتیک‌های دخالت‌گرانه
	تاکتیک‌های شلوغ‌کاری

حقوق بشر	تاکتیک‌های دخالت‌گرانه
تاکتیک‌های باوراندن و مجاب‌سازی	

تاکتیک‌های باوراندن و مجاب‌سازی

تاکتیک‌های مجاب‌سازی، تاکتیک‌هایی هستند که برای پایان دادن به بدرفتاری و خشونت،

بدون برخورد و درگیری و شیطان‌صفت جلوه دادن تجاوزگران و مباشران تجاوز، به کار بسته می‌شوند. غالباً تجاوزگران برای پایان دادن

به نقض حقوق بشر فقط به کمی حمایت و تشویق نیاز دارند.

درحالی که تاکتیک‌های دخالت‌گرانه غالباً با اعتراض و مقاومت همراه‌اند، برخی از موفقیت‌های رسمی چشمگیر خاتمه بخشیدن به نقض

حقوق بشر از راه مذاکره و مجاب‌سازی به دست می‌آید. از طریق فشاری که گاه نهفته است و گاه علنی، مدافعان موفق می شوند در

جهت بهبود بخشیدن اساسی به حقوق بشر گام‌های مؤثر و غالباً آرام و بی‌سر و صدایی بردارند. این تاکتیک ها از روش های غیرمخالفت‌آمیز با دولت‌ها و شرکت‌ها سود می‌جویند. و حتی در مواردی به آن‌ها پیشنهاد کمک و مساعدت می‌دهند تا به خشونت و

تجاوز پایان داده شود. آن‌ها رهبران مورد احترام جماعت را در صف مقدم مذاکرات و اقدامات آموزشی قرار می‌دهند و در فضایی از

همکاری و معاضدت دست به عمل می‌زنند.

مردم و رابطه‌ها را باید به عنوان منابع پر اهمیت در هنگام ارزیابی از وسعت و دامنه‌ی تاکتیک‌هایی که در اختیار دارید در نظر گرفت.

چه کسی به هدف شما نزدیک است؟ چه کسی از احترام آن‌ها برخوردار است؟ چه کسی می‌تواند بر هدف شما اثر بگذارد؟

قدرت امواج هوایی: بهره‌گیری از قدرت رسانه‌ها برای رساندن پیام‌های هدفمند به کسانی که در مقام و موقعیت پایان بخشیدن به خشونت و بدرفتاری قرار دارند.

روزنامه‌نگاران قادراند از موقعیت اجتماعی خود برای بالا بردن سطح آگاهی نسبت به تجاوزات به حقوق بشر استفاده کنند و بر روی کسانی که در قدرت هستند در جهت ایجاد تغییر اثر بگذارند. با استفاده از رادیو، در بوروندی، روزنامه‌نگاران توانستند رهبران عمده را به خاتمه دادن به موارد نقض حقوق بشر که در بیمارستان‌ها روی می داد مجاب سازند.

رادیو همگانی آفریقا یا ای. پی. آر. از قدرت خود به عنوان یک رسانه گروهی سود جست تا بر افراد و گروه‌هایی تأثیر بگذارد که می‌توانستند به بهبود وضعیت در بیمارستان‌های بوروندی یاری برسانند. در این بیمارستان‌ها کسانی را که نتوانسته بودند صورت حساب‌شان را بپردازند برخلاف میل خودشان به زور نگه می‌داشتند و به آن‌ها اجازه خروج نمی‌دادند. عاقبت با همکاری سازمان های غیردولتی محلی ای. پی. آر. موفق شد دولت را مجبور سازد تا دستور دهد این افراد را مرخص کنند.

در بوروندی جنگزده، خیلی‌ها از عهده‌ی تهیه خدمات درمانی مورد نیازشان بر نمی‌آیند. فروپاشی کلی نظام که ظرفیت حکومت برای حمایت از سیستم درمانی را کاهش داده بود، نیز بر مشکل می‌افزود. بیمارستان‌ها که با بحران کمبود شدید بودجه و بالا رفتن بدهکاری‌هاشان مواجه بودند، دست به بازداشت کسانی می‌زدند که از پرداخت هزینه‌های‌شان عاجز بودند. چون بیمارستان‌ها احساس می‌کردند که از طرف این افراد سرشان کلاه گذاشته می‌شود و اصلا به این کار به چشم یک بدرفتاری ناقض حقوق بشر نگاه نمی‌کردند.

ای. پی. آر. پس از برقراری تماس با بازداشت شدگان و کسب اعتماد آنان، مخفیانه با ایشان مصاحبه‌هایی انجام داد و به پخش شهادت‌های آنان دست زد. برنامه‌هایی که پخش می‌شد حاوی پیام‌هایی هدفمند بود به گروه‌ها و افرادی خاص که توانایی اصلاح کردن وضعیت را داشتند. پس از پخش نخستین برنامه، ای. پی. آر. نیروی خود را با سازمان‌های ملی و بین‌المللی پیوند زد و برنامه‌ای با عنوان *café presse* (که نوعی نشست و گفت‌وگوی مفصل مطبوعاتی بود) راه‌اندازی کرد که در آن مقامات دولتی و افراد متنفذ نیز شرکت داشتند و پیرامون مسایل بهداشت و درمان گفت‌وگو می‌کردند. مباحثه‌ی نهایی به موضوع بازداشت بیماران می‌پرداخت و بر دولت فشار وارد می‌کرد که به پاسخگویی بپردازد.

در آوریل ۲۰۰۰، هیئت وزیران، بازداشت‌های بیمارستانی را ممنوع اعلام کرد و به بیمارستان‌ها دستور داد که همه بازداشت شدگان را آزاد کنند. دولت همچنین به ایجاد کمیسیونی دست زد که موضوعات مهم‌تری از قبیل دسترسی به خدمات درمانی و اصلاح سیاست‌های درمانی ملی را مورد بررسی قرار دهد.

مهم‌ترین عنصر این تاکتیک، شناسایی مخاطب پخش این برنامه‌ها بود: چه گروه یا چه گروه‌هایی قدرت این را خواهند داشت که در بیمارستان‌ها وضع را دگرگون سازند و همزمان، پذیرای پیام نیز باشند؟ در این مورد، مقامات مسئول دولتی بودند که از این توانایی بهره‌مند و اخلاقاً ملزم بودند پس از علنی شدن این ماجراها، کاری بکنند و دست به اقدامی بزنند. این تاکتیک همچنین نیروی فی‌الفسه این گونه ماجراها را به نمایش می‌گذارد. سرگذشت قربانیان، همین که به دست کسانی بیافتد که دسترسی به یک تریبون دارند، سیاست‌های ملی را دستخوش دگرگونی می‌سازد.

این تاکتیک می‌توانست عواقب ناخوشایندی نیز به دنبال بیاورد، برخی نگران این بودند که بیمارستان‌ها در آینده از رسیدگی به کار درمان بیمارانی که در برنامه‌ی رادیویی شرکت بسته بودند، خودداری ورزند.

ضمناً می‌توانست به خجالت‌زدگی بیمارانی بیانجامد که حول و حوش بیماری‌شان احتمالاً هاله‌ای از بدنامی در اذهان وجود داشت. شرط موفقیت این تاکتیک این است که روزنامه‌نگاران در آن شرکت بجویند و بخواهند که در جهت پیشبرد مسایل حقوق بشر کاری بکنند.

حقوق بشر	تاکتیک‌های دخالت‌گرانه
تاکتیک‌های باوراندن و مجاب‌سازی	

به خدمت گرفتن رهبران محلی در جهت پایان دادن به رسم‌ها و عادات زیان‌بخش: به کارگیری رهبران محلی و استفاده از نفوذ آنان برای پایان تجاوز.

هنگامی که در مبارزه برای پایان بخشیدن به خشونت و بدرفتاری به دنبال متحدانی می‌گردیم، بهترین و طبیعی‌ترین کسان رهبران جماعت محل‌اند. اینان ممکن است رهبران قبیله‌ای، ریش‌سفیدان، رهبران مذهبی، سیاستمدان محلی و یا صرفا افرادی پرجاذبه و متنفذ باشند.

کمیسئون حقوق بشر و عدالت اداری درغنا برای حل مسئله‌ی تروکوزی (*trokosi*) در پی کسب حمایت رهبران مورد احترام محلی چون رؤسا و خاتون‌های قبیله است. تروکوزی، رسمی است قدیمی که طی آن زنان و دختران جوان برخلاف میل خودشان در زیارتکده‌ها نگاهداری می‌شوند. خانواده‌ها، دختران‌شان را به عنوان کفاره گناهانی که اعضای خانواده مرتکب شده‌اند به زیارتکده ها می‌بخشند تا بدبختی را از خود بگردانند و یا به آن پایان دهند.

کمیسئون این قدرت را دارد که علیه تروکوزی قانونا وارد عمل شود، اما به جای آن از همین رویکرد تاکتیکی [تماس با رهبران محلی] استفاده می‌کند، زیرا متوجه این نکته است که این سنت چنان ریشه‌های عمیقی در اعتقادات مردم دارد که اگر خود خواسته و داوطلبانه تغییر نکند، ممکن است به آسانی زیرزمینی شود. برای تدارک مبارزه، کمیسئون به پژوهش در باب اعتقاداتی پرداخت که تروکوزی متکی به آن‌هاست و با یک سازمان غیردولتی به نام «نیازهای بین‌المللی غنا» (International Needs Ghana) که در کار مشورت‌دهی و توان‌بخشی به قربانیان پیشین تروکوزی است، قرار همکاری گذاشت و با هم به تشکیل جلساتی پرداختند که با حضور قربانیان و روحانیان بت‌واره‌پرست زیارتکده برگزار می‌شد و هر کس تشویق می‌شد به بیان نظریات‌اش بپردازد و دیگران را از آن مطلع گرداند.

رهبران محلی سپس به کمیسئون کمک می‌کردند تا حرف‌های‌شان و تأکید بر ضرورت ترک چنین عملی را مطرح کنند و از موقعیت خود در بین جماعت بهره می‌جستند، تا روحانیان بت‌واره‌پرست را به آزاد کردن زنان و دختران جوان مجاب سازند. مراسم آزادسازی، جماعت ناحیه را گرد هم می‌آورد تا به طور رسمی و عمومی به تصمیم روحانی صحه گذارد و نیازهای معنوی جماعت را برآورده کند. این مراسم از طرف رسانه‌ها پوشش داده می‌شود، و به جمعیت وسیع‌تری نشان می‌دهد که رهبران محلی از پایان دادن به این عمل پشتیبانی می‌کنند. این تاکتیک تاکنون موجب آزادی نزدیک به ۳۰۰۰ تن از زنان و دختران شده است.

برای مطالعه بیشتر در این باره، به دفترچه‌ی یادداشت تاکتیکی که در تارنمای www.newtactics.org، زیر عنوان ابزار عمل (Tools for Action)، در دسترس است نگاه کنید.

درخواست پایان بخشیدن به یک عمل و رسم سستی، بدون پرداختن به ریشه‌های بنیادی اعتقادی و ساختارهایی که آن را حفظ می‌کنند، یا بدون ارائه گزینه‌ای که موجب تغییر آن اعتقادات و ساختارها شود، می‌تواند به جای پایان دادن به آن عمل، به زیرزمینی شدن و پنهان کردن آن از طرف جماعت بیانجامد. اتکای این تاکتیک بر احترامی است که اهل یک ناحیه برای رهبران خود قایل‌اند و میل و رغبت آن رهبران برای به دست دادن الگو و سرمشقی که اهالی از آن پیروی کنند. برای خاتمه دادن به عمل تروکوزی، اساسی‌ترین کار این است که اهالی ناحیه مجاب شوند که نیازی نیست اعضای خانواده خود را برای بخشوده شدن گناهان‌شان به عنوان کفاره به روحانی زیارتکده واگذار کنند. مراسم و تشریفات آزاد سازی و اطمینان بخشی‌های رهبران جماعت، در از میان بردن ترس از تلافی‌جویی خدایان و ایجاد اعتماد در درون جماعت نقشی اساسی دارد.

این تاکتیک در کمک به تغییر و یا از بین بردن سایر رفتارهای سستی و رسومات تثبیت شده اجتماعی که ناقض حقوق بشراند نیز می‌تواند سودمند باشد، مانند ختنه آلت تناسلی زنان و یا خشونت‌های خانگی.

پول‌ها را پی‌گیری کنید: بررسی بودجه برای پرده برداشتن از بی‌عدالتی‌های اقتصادی و اجتماعی و فشار بر دولت برای اصلاح آن‌ها.

برخی اوقات رهبران در مقام فرد بر دولت‌ها تأثیر و نفوذ سیاسی و اخلاقی دارند و بعضی اوقات ارقام و داده‌ها خود گویا و اثر گذار هستند. تجزیه و تحلیل‌های بودجه‌ای قادر است از بی‌عدالتی‌ها پرده بردارد و به تحقق حقوق اقتصادی و اجتماعی یاری برساند، و نیز قادر است وسیله‌ای باشد برای متقاعد ساختن دولت به تصحیح این گونه بی‌عدالتی‌ها و قادر است دولت‌ها را به پاسخگویی و حساب پس دادن به مردم محل وادار کند.

«واحد بودجه‌ی کودکان» (Children’s Budget Unit) یا «سی. بی. یو.» یکی از واحدهای «مؤسسه دمکراسی در آفریقای جنوبی» یا «آی. دی. ای. اس. ای» با استفاده از بودجه‌های ملی و استانی نشان می‌دهد که آیا دولت به تعهدات خود در باب حمایت از حقوق کودکان عمل کرده است یا نه. و اگر نکرده باشد شواهد و توصیه‌های لازم برای تصحیح اشتباهات را ارایه می‌کند. قانون اساسی آفریقای جنوبی اعلام می‌کند که هر کودکی حق دارد از تغذیه کافی، سرپناه و خدمات درمانی و اجتماعی برخوردار باشد. با این همه میلیون‌ها نفر از کودکان در گرسنگی به سر می‌برند و از داشتن وسایل مدرسه رفتن محروم‌اند و نیز دسترسی به خدمات درمانی ندارند و قادر به داشتن یک زندگی سالم و ایمن نیستند.

«سی. بی. یو.» نخست وظایف دولت را بر اساس قانون اساسی و تعهدات بین‌المللی‌اش معین، و سپس میزان فقر کودکان را اندازه‌گیری و تعیین می‌کند. در پی آن یک بررسی جامع تخصیص منابع و هزینه‌های بودجه و ارایه خدمات اصلی به کودکان انجام می‌شود، که نشانگر اولویت‌های مالی دولت است. این تجربه و تحلیل‌ها و مجموعه داده‌ها و واقعیات بودجه‌ای به «سی. بی. یو.» امکان می‌دهد به روشنی نشان دهد که دولت مرکزی، ایالتی و یا دولت‌های محلی کجا به وظایف و تکالیف‌شان عمل نکرده‌اند. «سی. بی. یو.»، همچنین ارقام و داده‌های محکمی را در اختیار می‌نهد که براساس آن‌ها توصیه‌های اصلاحی خود را عرضه می‌کند و فشار نیرومندی وارد می‌آورد که تغییر صورت پذیرد. در برخی موارد، حتی دولت‌های محلی این ارقام را گردآوری نمی‌کنند و از اطلاعاتی که «مؤسسه دمکراسی در آفریقای جنوبی» در اختیار می‌گذارد استقبال و برای ارتقا سطح کار خودشان از آن سود می‌جویند.

این تاکتیک منجر به تصویب قوانین تازه‌ای شده و به بهبود روابط با مؤسسات دولتی انجامیده است، به حدی که بعضی‌شان اکنون از «سی. بی. یو.» درخواست اطلاعات می‌کنند. این تاکتیک، با واحدهای نظارتی مشابه‌ای که در برخی نقاط آسیا، آفریقای جنوبی و سراسر قاره آفریقا راه اندازی شده است، در سطح جهان گسترش یافته است.

برای مطالعه بیشتر در این باره، به دفترچه‌ی یادداشت تاکتیکی که در تارنمای www.newtactics.org، زیر عنوان ابزار عمل (Tools for Action)، در دسترس است نگاه کنید.

بر اساس نظارت بر برنامه‌های دولت، «سی. بی. یو.» اطلاعاتی را گردآوری می‌کند که خود دولت یا نمی‌تواند و یا نمی‌خواهد که به دست آورد. این تاکتیک دو گفتمان از نظر تاریخی جدا را – یعنی تجزیه و تحلیل بودجه‌ای و گفتمان حقوق بشر را – به هم پیوند می‌زند تا شفافیت بودجه بندی را افزایش بخشد، حسابرسی‌ها بهتر صورت گیرد و کارهای دولت بهتر انجام شود. به جای مخالف‌خوانی، «سی. بی. یو.» دولت را مجاب می‌کند که ارقام و داده‌ها را بپذیرد و از آن‌ها نه تنها استفاده کند بلکه آن ها را درخواست نیز بنماید تا در جهت بالا بردن کیفیت زندگی کودکان مورد استفاده قرار دهد. «سی. بی. یو.» نقش نظارتی‌اش را در جهت احراز اطمینان از صحت و اعتبار اطلاعات گردآوری شده حفظ می‌کند، تا گروه‌های مدافع حقوق بشر بتوانند با اطمینان خاطر آن‌ها را به کار بندند. «سی. بی. یو.» برای انجام دادن کار خود به دسترسی به بودجه‌ها نیاز دارد، که ممکن است در برخی جوامع کمتر باز [از نظر سیاسی] در دسترس عموم نباشد. نخستین گام برای کاربرد چنین تاکتیکی حصول اطمینان از اینست که آیا قوانین محلی دسترسی عمومی به ارقام و اطلاعات بودجه را مجاز می‌شمرد که در غیر این صورت ضرورت دارد برای دستیابی به آنها، اعمال فشار کرد.

این تاکتیک در مواردی نظیر نظارت بر تعهدات دولت‌های ملی و محلی، تعهدات مالی اهداگران، کمک‌های خارجی، و سیاست های استراتژیک فقرزدایی، و به همچنین نظارت بر شرایطی که دولت‌ها، برای دریافت انواع ویژه کمک‌های بلاعوض بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول ملزم به رعایت آن هستند، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. رویکرد بودجه‌بندی همچنین قادر است میزان پیشرفت‌هایی را نشان دهد که در امور مرتبط با حقوق بشر نظیر، حقوق معلولیت، حق دسترسی به آموزش، حق مسکن و درمان صورت گرفته است.

بودجه، برنامه‌ی عملیاتی دولت برای تحقق یک زندگی بهتر برای مردم ماست. بودجه معلوم می‌کند که شما چه مقدار مالیات باید بدهید و ما آن را چگونه هزینه می‌کنیم و در ازای آن چه چیزی در اختیار شما می‌گذاریم. بودجه تصویر تمام‌نمای همه سیاست‌های دولت است. بودجه قرارداد بین ما و ملت است.

– *تروور مانوال*، وزیر دارایی، آفریقای جنوبی

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر	تاکتیک‌های دخالت‌گرانه	تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر
		
تاکتیک‌های باوراندن و مجاب‌سازی		

تربیت کردن و آموزش به بوروکرات‌ها: ایجاد روابط مبتنی بر همکاری با کارکنان دولت به منظور دستیابی به تغییر از درون سیستم.

تاکتیک

یک سازمان روسی نشان داد که تاکتیک‌های مجاب سازی می‌تواند به تغییرات از درون سرعت بخشد. به سخن دیگر، با شیرین زبانی می‌شود پرونده‌های بیشتری را به دست آورد تا با ترش زبانی.

«دیده‌بان شهروندان» (Citizen Watch)
مأموران دمکرات‌منش روسیه را که حمایت‌گران حقوق بشر و اصلاحات‌اند، تعیین می‌کند و

امکاناتی در اختیارشان می‌نهد که فرآیندهای دموکراتیک را در روسیه نیرومندتر سازند. میراث حکومت شوراه‌ا و تمامت‌خواهی، شرایط

به شدت چالش برانگیزی در مقابل گسترش دموکراسی در روسیه برجا گذاشته است. مأموران دولت تجربه‌ی پاسخگویی و احساس

مسئولیت در برابر مردم که در هر نظام مردمسالاری از اساسی‌ترین امور است، ندارند.

«دیده‌بان شهروندان» با دقت تمام کارهای مأموران عالی‌رتبه دولتی را از جمله افراد شاغل در وزارت کشور، پلیس و دادگستری را زیر نظر می‌گیرد. آن‌ها سپس هویت مأمورانی را که از خود تمایل بیشتری به یک دولت دموکراتیک و رعایت حقوق بشر نشان می‌دهند، تعیین می‌کنند- افرادی که به گمان آن‌ها آمادگی بیشتری هم برای تغییر دارند- کسانی که رفتارشان با افراد، متناسب با شخصیت انسانی ارباب رجوع است و همیشه با احترام و حمایت‌گرایانه برخورد می‌کنند. در بعضی موارد، این کار در برگیرنده‌ی ترجمه اسناد و مدارک بین‌المللی در حمایت از دموکراسی و رعایت حقوق بشر است و یا اینکه به نوع دیگری، به درد امور اداری می‌خورند. از دیگر کارهایی که دیده‌بان شهروندان می‌کند، دعوت از کارکنان سایر نقاط دنیا برای برگزاری سمینارهاست، و یا نیز حمایت از سفر مأموران دولتی روسیه برای دیدار با همکاران‌شان در کشورهای دیگر. در دوره‌ی حکومت شوراه‌ا، تعداد کمی از مأموران امکان سفر به خارج و آموختن نحوه دموکراتیک کار همکاران‌شان در خارجه را می‌یافتند. از این رو دیده‌بان شهروندان از سفر به خارج و امکانات مبادله سود می‌جوید که از طرفی هم به تربیت و آموزش مأموران دست یابد و هم از سوی دیگر آنان را عملاً به ایجاد تغییر تشویق کند.

امید گروه این است که دسترسی به اسناد و مدارک بین‌المللی و دیدار با همکاران خارجی امکانات تازه‌ای را فراهم آورد و حتی از نظر اعتبار و پرستیژ به همکاری بین دولت و شهروندان در دفاع از حقوق بشر یاری رساند. این امر همچنین اطلاعات دقیقی، در اختیار مأموران دولت می‌نهد و نمونه‌هایی به دست می‌دهد که از چه راه‌هایی می‌توانند به بهتر کردن کار دولت و ارتقا حقوق بشر در کشور خودشان اقدام کنند.

در نتیجه این تلاش‌ها، دیده‌بان شهروندان، روابط مبتنی بر همکاری پرشماری با مأموران دولت و مؤسسات گوناگون برقرار ساخته است. دیده‌بان شهروندان در قلمروهای گوناگونی به مأموران دولت نزدیک شده است و از آنان در کوشش‌هایی که در راستای تغیییر در ادارات‌شان می‌کنند حمایت به عمل می‌آورد، به تقویت جامعه مدنی یاری می‌رساند و در وجود آوردن رابطه‌ای هر چه دموکراتیک‌تر بین کارگزاران دولتی و مردم تلاش می‌ورزد.

برای مطالعه بیشتر در این باره، به دفترچه‌ی یادداشت تاکتیکی که در تارنمای www.newtactics.org، زیر عنوان ابزار عمل (Tools for Action)، در دسترس است نگاه کنید.

دیده‌بان شهروندان سعی می‌ورزد به یاد مأموران دولت بیاورد که آنان نخست، یک شهروند هستند با حقوقی که در قانون اساسی برای‌شان در نظر گرفته شده و باید مورد احترام قرار گیرد و رعایت شود، و در مرحله بعد است که در مقام کارمند و خدمتگزار دولت قرار می‌گیرند. آنچه می‌توانیم از دیده‌بان شهروندان بیاموزیم، اینست که حتی در نظام‌های بسته‌ی دولتی، بی‌هیچ سابقه‌ای در سر و کار داشتن با مردم و یا کار دموکراتیک، همیشه روزنه‌ی امیدی برای تغییر وجود دارد. سایر سازمان‌هایی که بخواهند در کشورهای خودشان از چنین روزنه‌هایی سود بجویند بایستی در نظر داشته باشند که چنین رویکردی به سطح بالایی از توانایی‌های دیپلماتیک فردی، به همراه منابع زیاد متعددی نیاز دارد. این گونه مهارت‌های دیپلماتیک و منابع در مورد وجه دیگری از این تاکتیک نیز کمال اهمیت را دارد: در اختیار نهادن حمایت‌های دایمی به کسانی که به راستی دستیاری فرد را برای پیشبرد حقوق بشر طلب می‌کنند.

سنت‌های سنگین استبدادی جان سخت‌اند و به آسانی از میان نمی‌روند، بعضی اوقات برای مدتی دست بالا پیدا می‌کنند و ما را چند گامی به عقب پرتاب می‌کنند و چند پله پایین می‌کشند. برای نمونه در مارس ۲۰۰۴ دیده بانی شهروندان، با همراهی سازمان «عدالت برای صلح» که از چند منطقه روسیه بودند، یک کنفرانس دو روزه بر پا کرد تا درباره مشکلات گسترش دادگاه‌ها در شمال غرب و دیگر مناطق روسیه به بحث و تبادل نظر بپردازد. ما از چند تن از قضات دیوان عالی کشور، که تا آن جا که ما می‌دانستیم در این جریان بسیار فعال بودند و همچنین از چند تن از مدیران ارشد سنت پترزبورگ و دیگر مراکز جمعیتی منطقه دعوت کردیم.

— بوریس پوتینتسلف، دیده‌بان شهروندان، روسیه

قدرت سهامداران: تقدیم قطعنامه‌های سهامداران برای وادار کردن شرکت‌ها به در پیش گرفتن روش‌های مسئولانه‌تر اجتماعی در کار معاملات‌شان، و اتخاذ سیاست‌های جامع و عملکردهای متناسب با حقوق بشر.

سهامداران و سرمایه‌گذاران به عنوان کنش‌گران بالقوه‌ای که می‌توانند به ارتقای حقوق بشر و حمایت از آن در کسب و کارها یاری برسانند، اغلب نادیده گرفته می‌شوند.

«مرکز بین‌الادیان برای مسئولیت شرکت‌های بزرگ» (The Interfaith Center on Corporate Responsibility)
یا «آی. سی. سی. آر.» ائتلافی اعتقادی – مذهبی است که از ۲۷۵ مؤسسه‌ی سرمایه‌گذاری در آمریکای شمالی تشکیل شده است و سهامداران‌اش را ترغیب می‌کند، برای تغییر عملیات و سیاست‌های غیرعادلانه و مضرّ، قطعنامه صادر کنند. مجموع ارزش یک روز موجودی اوراق بهادار اعضای سازمان‌های عضو «آی. سی. سی. آر.» در سال ۲۰۰۳ نزدیک به ۱۱۰ میلیارد دلار تخمین زده شده است.

اعضای «آی. سی. سی. آر.» عملکرد اجتماعی و زیست‌محیطی شرکت‌هایی را که در آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند بررسی می‌کنند. به جای فروش سهام شرکت‌هایی که دست به کارهای مضرّ می‌زنند، «آی. سی. سی. آر.» از دارایی‌های مالی خود به عنوان ابزار فشار در جهت تغییر نحوه‌ی عمل شرکت‌ها استفاده می‌کند.

اعضای «آی. سی. سی. آر.» به عنوان صاحبان سهام، در رأی گیری‌هایی که در گردهمایی‌های سالانه برگزار می‌شود قطعنامه‌هایی را در زمینه مسایل اجتماعی به رأی می‌گذارند. در یک مورد ۹ مؤسسه‌ی وابسته به «آی. سی. سی. آر.»، به عنوان سهامدار مشترک و همراه با چند بانک مختلط و چند مؤسسه و نهاد دیگر قطعنامه‌ای را ارایه نمودند، که از «یونوکال» (Unocal) مصرانه می‌خواست سیاست‌های جامعی در شرکت اتخاذ کند که با اصول و حقوق بنیادین در بیانیه‌ی سازمان جهانی کار (ILO) منطبق و سازگار باشد. این قطعنامه در سال ۲۰۰۲ به سهامداران «یونوکال» عرضه گردید. سهامداران «یونوکال» استدلال می‌کردند که چهره‌ی «یونوکال» در افکار عمومی خدشه‌دار شده و به خاطر اعمال پرسش‌برانگیز و نادرستی که در پروژه‌ی خط لوله‌ی برمه روی داده، رغبت و میل به سرمایه‌گذاری در «یونوکال» کاهش پیدا کرده است. قطعنامه پیشنهادی، بالاترین تعداد رأیی را که تاکنون در حمایت از حق کار و حقوق بشر به ثبت رسیده، به دست آورد و نظر هیئت مدیره و مدیران سطح بالا را جلب کرد. در ۲۰۰۳، «یونوکال» سیاست های منطبق با بیانیه‌ی سازمان جهانی کار را به اجرا گذاشت. در ۲۰۰۴، در پی این که اعضای «آی. سی. سی. آر.» قطعنامه‌ای را به ثبت رساندند، «اکسیدنتال پترولیوم» موافقت نمود که سیاست جامعی در مورد حقوق بشر اتخاذ کند. «آی. سی. سی. آر.»، هر ساله یک کتاب قطعنامه‌های وکالتی منتشر می‌سازد، حاوی قطعنامه‌های سهامدارانی، که طی آن سال به ثبت رسیده تا مدیران بتوانند، درباره رأی دهی از سوی موکلان‌شان آگاهانه‌تر تصمیم بگیرند و سرمایه‌گذاران بتوانند روندهای مسئولیت‌شناسی شرکت‌ها را ملاحظه نمایند.

هر ساله مؤسسات عضو «آی. سی. سی. آر.»، بیش از ۱۰۰ قطعنامه مربوط به سهامداران را در زمینه‌های اجتماعی و زیست محیطی ارایه می‌کنند. در بسیاری موارد، این قطعنامه‌ها راهگشای بحث و تبادل نظر بین سرمایه‌گذاران مذهبی و مدیران اجرایی شرکت ها می‌گردند.

با این که قطعنامه‌های سهامداران، برای شرکت‌ها ایجاد تکلیف نمی‌کنند، ولی هنگامی که از حمایت تعداد زیادی از سهامداران برخوردار باشند، در برانگیختن شرکت‌ها به اقدام و عمل بسیار مؤثراند. «آی. سی. سی. آر.» از سال ۱۹۷۱ توفیق این را داشته است که صدای‌اش را در زمینه‌ی مسایل و موضوعات مهم به گوش‌ها برساند. و به همین اندازه مهم، تاکتیکی که به کار می‌بندد، به مردمان بیشتری امکان می‌بخشد در پیشبرد حقوق بشر، از طریق تغییر نحوه‌ی سرمایه گذاری‌هاشان مشارکت جویند.

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر	تاکتیک‌های دخالت‌گرانه
	حقوق بشر
	تاکتیک‌های باوراندن و مجاب‌سازی

www.newtactics.org

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

تاکتیک‌های باوراندن و مجاب‌سازی

www.newtactics.org

« »

محاکمات ساختگی: برپا کردن محاکمات ساختگی با هدف افزایش آگاهی نسبت به تجاوزات و نقض حقوق بشر و تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی.

ما مجبور نیستیم که صبر کنیم تا یکی از انواع ویژه تجاوز به حقوق بشر خاتمه پذیرد تا دست به کار التیام بخشیدن و آشتی دادن و تجهیز افکار عمومی شویم. گروهی در نیجریه جلسه‌ی محاکمه‌ای ساختگی به راه انداختند که بر حقوق زنان تأکید می‌کرد.

«باووباب» (BAOBAB) یا «سازمانی برای حقوق بشر زنان»، همراه با «مرکز اسناد و توسعه‌ی منابع مدنی» اولین محاکمه ملی در مورد خشونت علیه زنان را ترتیب داد. این محاکمه که جنبه‌ی رسمی نداشت در مارس ۲۰۰۲ در ابوجا پایتخت نیجریه برگزار شد و از نظر قانونی الزام‌آور نبود، ولی شاهدانی که در دادگاه حضور یافتند و شهادت دادند شاهدان واقعی بودند. سی و سه زن شهادت دادند، و تجربه‌های‌شان را در اختیار دیگران گذاشتند تا همگان از خشونت‌هایی که زنان در خانه‌هاشان و در اجتماع و به دست دولت متحمل می‌شوند آگاهی یابند، از آن جمله، از آزار و اذیت‌های جنسی، خشونت خانگی، تجاوز به عنف و قطع اندام تناسلی زنان.

قاضیان دادگاه، همه نیجریایی، براساس تعلق خاطرشان به حقوق زنان و شهرت و موقعیت اجتماعی‌شان برگزیده شده بودند. و عبارت بودند از دو قاضی که یکی از آنها قاضی دیوان عالی عدالت، سفیر سابق، و عضو کمیسیون ملی حقوق بشر و آن دیگری، یکی از دادستان‌های عمومی سابق بود. دادگاه به روی همگان باز بود و سازمان‌دهندگان نهایت سعی را کرده بودند از روزنامه نگاران، افراد پلیس، مأموران عالی‌رتبه دولت، وکلای مجلس و ناظران بین‌المللی دعوت به عمل آورند. انواع مختلف تجاوزات به حقوق بشر گروه‌بندی شده بودند و در جلسات جداگانه مورد رسیدگی قرار می‌گرفتند. هیئت قضات شهادت‌ها را می‌شنیدند و پرسش‌هایی را مطرح می‌کردند و سپس جلسه‌ای خصوصی بین خودشان برگزار می‌کردند. پس از آن به جای این که حکمی صادر کنند، قضات به ارایه توصیه‌هایی درباره سیاست‌های دولتی دست می‌زدند و اعلام می‌کردند.

جریان محاکمه و پوشش رسانه‌ها درباره آن موجب آگاهی بیشتر عمومی می‌شد که خشونت و بدرفتاری علیه زنان به راستی وجود دارد و بسیار نیز شدید و جدی است. این جریان تصویب قوانین حکومتی در زمینه‌های مختلفی را که مربوط به زنان می‌شد بسیار تسهیل کرد و یک قانون ملی در باب خشونت علیه زنان را به پیش برد و از تصویب گذراند.

برای مطالعه بیشتر در این باره، به دفترچه‌ی یادداشت تاکتیکی که در تارنمای **www.newtactics.org**، زیر عنوان ابزار عمل (Tools for Action)، در دسترس است نگاه کنید.

از آن جا که برگزاری محاکمات تنها هنگامی می‌تواند بر آگاهی عمومی چیزی بیافزاید، که خیر آن به صورت گسترده پخش شود، موفقیت «باووباب» داشتن یک استراتژی خوب رسانه‌ای، و نیز بهره‌مندی از یک رهبر قدرتمند و همچنین ارزیابی هوشمندانه ای از نیازهای سیاسی آن‌ها را ضروری می‌ساخت. برای مثال «باووباب» کسی را از میان متخصصان خارجی برای شرکت درهیئت قضات انتخاب نکرد، تا دولت نیجریه نتواند بر یافته‌های دادگاه، انگ دخالت خارجی بزند. دیگرانی که قصد استفاده از این تاکتیک را دارند، نیز به رعایت چنین ملاحظاتی نیاز دارند و می‌باید برای تأثیر گذاری هرچه بیشتر بر مخاطبان مورد نظرشان، ترکیب و دامنه محاکماتی را که بر پا می‌سازند بادقت مورد سنجش قرار دهند. محاکماتی از این دست در نواحی زیادی از جهان برای رسیدن به هدف های متعددی برپا شده است، مانند شناساندن و مشخص کردن تجاوزات و افزایش آگاهی عمومی نسبت به آن‌ها.

بزرگ‌ترین ترس مشترکشان از این بود که جامعه و جماعت‌شان درباره آن‌ها پس از دادن شهادت چه فکر می‌کند. ما برای حل این مسئله، در طول مدت شهادت‌دهی قیافه و لباس آنان را تغییر می‌دادیم.

— موفولیبات فیجایی، «باووباب»، نیجریه

یک زن در نیجریه در جریان محاکمه‌ای ساختگی

پیدا کردن آدم‌هایی که بیایند شهادت بدهند چالش بزرگی بود ـ چه از نظر جست‌وجو و چه در جریان مشورت‌دهی و ترغیب شاهدان. بعضی‌ها اعتقادات مذهبی و یا فرهنگی داشتند که آنان را از بیان سرگذشت‌شان باز می‌داشت. بعضی‌ها ترس خود را از این که هویت‌شان شناخته شود بیان می‌داشتند.

بزرگ‌ترین ترس مشترکشان از این بود که جامعه و جماعت‌شان درباره آن‌ها پس از دادن شهادت چه فکر می‌کند. ما برای حل این مسئله، در طول مدت شهادت‌دهی قیافه و لباس آنان را تغییر می‌دادیم.

— موفولیبات فیجایی، «باووباب»، نیجریه

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر	تاکتیک‌های دخالت‌گرانه
	
تاکتیک‌های باوراندن و مجاب‌سازی	

www.newtactics.org **۷۳**

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

تاکتیک‌های باوراندن و مجاب‌سازی

www.newtactics.org **۷۲**

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر	تاکتیک‌های دخالت‌گرانه
تاکتیک‌های انگیزشی	

تاکتیک‌های انگیزشی

تاکتیک‌های این بخش برای مردم – مانند پدر مادرها، شرکت‌های کسب و کار و مصرف‌کنندگان –

گزینش درست را با بخشیدن انگیزه و مشوقی به آن‌ها آسان‌تر می‌کند.

اگر پدران و مادران احساس کنند که برای ادامه‌ی زندگی مجبورند کودکان‌شان را به کار بگمارند، کمک مالی به آنها، می‌تواند به ایشان

انگیزه بدهد که به جای آن کودکان‌شان را به مدرسه بفرستند. هنگامی که استخدام کودکان با هزینه‌های پایین‌دستمزد، شرکت‌ها را

وسوسه می‌کند، ممکن است بتوان در شرایطی که وام‌های این شرکت‌ها در گرو قوانین کار است، یا زمانی که بازارهای سودآور دیگری

برای فرآورده‌های تولیدی با شیوه‌هایی انسانی‌تر گسترش می‌یابد و گشوده می‌شود، آن‌ها را متقاعد ساخت که به این اقدام دست نزنند.

و یا هنگامی که شرکت‌ها در پی آنند که مارک تازه‌ای را به بازار عرضه کند، چه بسا برای حمایت از حقوق بشر انگیزه‌ای نیرومند در

میان نسلی از مصرف‌کنندگان بیابد که ارزش‌های خود را به صراحت بر زبان می‌آورند.

تاکتیک‌هایی که ما در این جا آورده‌ایم، همه شامل انگیزه‌های مالی‌اند، ولی چیزهای انگیزاننده قدرتمندتری نیز وجود دارند مثل

شهرت، احترام و موقعیت در جامعه‌ی بین‌المللی که هم برای مردم و هم برای دولت‌ها می‌تواند برانگیزاننده باشد.

از خیابان به مدرسه: تأمین پدران و مادران با کمک‌های مالی بلاعوض، تا بتوانند بچه‌های‌شان را روانه مدرسه کنند و نه به سر کار.

تاکتیک

فقر یکی از دلایل ریشه‌ای است که سبب کار کودکان می‌شود. بسیاری از خانواده‌ها مایل‌اند فرزندان‌شان را به مدرسه بفرستند ولی نمی‌توانند این کار را بکنند زیرا به درآمدی نیاز دارند که کار کودکان برای‌شان ایجاد می‌کند. در برزیل طرحی به راه انداخته شده است که کمک‌های اقتصادی در اختیار خانواده‌ها می‌گذارد و به این‌ترتیب به کودکان آن‌ها فرصت می‌دهد به مدرسه بروند و آموزش ببینند.

طرح «بولسا اسکولا» (Bolsa Escola) در برزیل با تأمین کمک هزینه‌ی ماهانه‌ای برای خانواده‌ها این امکان را فراهم می‌آورد که کودکان به جای این که در خیابان‌ها در پی کار کردن باشند به مدرسه بروند. این طرح که در شهر برازیلیا آغاز شد، با این اعتقاد و تشخیص به راه افتاد که کودکان کارگر امروز، مردان بالغ فقیر فردا هستند. «بولسا اسکولا» در سال ۲۰۰۱، به یک طرح ملی سراسری گسترش پیدا کرد. طرح «بولسا اسکولا» با مدیریت بخش آموزش به اجرا گذاشته می‌شود. خانواده‌هایی که مشمول این طرح شناخته می‌شوند، مبلغی ماهانه دریافت می‌کنند و چک کارت‌های بانکی در اختیارشان قرار می‌گیرد که به آن‌ها اجازه می‌دهد به این کمک ماهانه، مستقیماً دسترسی پیدا کنند. خانواده‌ها بایستی معیارهای زیر را دارا باشند: سن کودکان باید بین شش تا پانزده سال باشد و حق ندارند بیش از دو روز در ماه از مدرسه غیبت کنند؛ هر فرد شاغلی از اعضای خانواده، باید در «سیستم اشتغال ملی» (SINE) ثبت نام کرده باشد و یا پی‌گیرانه در پی یافتن شغلی باشد و نیز خانواده می‌بایستی دست کم پنج سال در کشور برزیل زندگی کرده باشد. خانواده این کمک هزینه را برای حداقل دوسال و حداکثر هشت سال دریافت خواهد نمود. اگر کودکی میزان حضور واجب ماهانه در مدرسه را رعایت نکند، کمک هزینه‌ی تحصیلی آن ماه پرداخت نمی‌شود.

علاوه بر مبارزه با فقر و تشویق کودکان به تمام کردن برنامه‌ی آموزشی‌شان، این تاکتیک به طرز مؤثری از شمار کارگران کم سن‌وسال و نیز از تعداد ترک تحصیلی‌ها کاسته است. تا به امروز، بولسا اسکولا، به ۸٬۲۸۹٬۹۳۰ خانواده بچه‌دار کمک رسانده است. وقتی که طرح دولت مرکزی به راه افتاد، «سیستم اشتغال ملی» مقام گسترده‌ترین طرح اجتماعی جهان را به دست آورد.

گاهی خانواده‌ها – بیشتر به خاطر احتیاج و نه به دلیل انتخاب – شریک جرم بهره‌کشی از کار کودکان هستند و این تاکتیک گزینه دیگری را به آن‌ها عرضه می‌کند. دادن چک کارت‌های بانکی نیز که درست شبیه به بقیه کارت‌های اعتباری بانکی هستند و همان‌طور نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند، به دریافت کنندگان کمک می‌کند که از خجالت‌زدگی که غالباً همراه با احساس فقر و قبول مساعدت‌های عمومی است، اجتناب شود. این رویکرد به روشنی به منابع مالی عظیمی نیاز دارد و به علاوه محتاج مدیریتی مبسوط و پیچیده، و هماهنگی دقیق بین مؤسسات و تشکیلات مختلف است.

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر	تاکتیک‌های دخالت‌گرانه
تاکتیک‌های انگیزشی	

مرتبط کردن وام‌دهی به حقوق بشر: دادن وام با شرایط مساعد به صاحبان کسب و کارهای کوچک، به این شرط که از نیروی کار کودکان استفاده نکنند.

یک گروه در بنگلادش گزینه دیگری را در برابر استفاده از کار کودکان ارایه می‌کند، با شرایط مساعد به کسب و کارهایی که موافقت کنند کودکان را استخدام نکنند، وام اعطا می‌کند.

یک گروه در بنگلادش گزینه دیگری را در برابر استفاده از کار کودکان ارایه می‌کند، با شرایط مساعد به کسب و کارهایی که موافقت کنند کودکان را استخدام نکنند، وام اعطا می‌کند.

«کمیته‌ی توسعه‌ی روستایی بنگلادش» (BRAC / بی. آر. ای. سی.) برنامه‌ی «پرداخت وام و کمک به بنگاه‌های کوچک» (MELA / ام. ای. ال. ای.) را اداره می‌کند و وام‌هایی با شرایط مناسب به کسب و کارهای کوچک می‌پردازد که غالباً نمی‌توانند منابع مالی خود را تأمین کنند، و وام با این شرط اعطا می‌شود که موافقت کنند از نیروی کار اطفال استفاده نکنند.

برنامه‌ی پرداخت وام به بنگاه‌های کوچک موجود و یا تازه تاسیسی اعتبار می‌دهد که قابلیت‌های کارآفرینانه‌شان را نشان داده باشند، مانند بنگاه‌های تولید کننده منسوجات صنایع غذایی و بخش‌های دیگری چون خدمات و حمل و نقل. وام گیرندگان غالباً مشتاق دریافت این وام‌ها هستند که میزان آن بین ۳۰۰ تا ۳۵۰۰ دلار آمریکاست که البته از آن ۱۵ درصد هزینه خدمات دریافت می شود. میانگین مقدار وام تقریباً ۱۰۰۰ دلار است. وام‌گیرندگان با شرایطشان موافقت می‌کنند چون بانک‌های معمولی حاضر به پرداخت وام به روستائینشان نیستند و بازپرداخت آن را یکجا طلب می‌کنند و نه به صورت اقساط برابر ماهانه. وام‌گیرندگان، وام دریافتی شان را در طول مدت یک تا دوسال بازپرداخت می‌کنند.

«بی. آر. ای. سی.» همچنین مراقب فعالیت‌های وام گیرندگان خود هستند تا اطمینان حاصل نمایند که آنان مطابق شرایط مورد توافق رفتار می‌کنند و کارمندان حاضر در محل آماده‌اند در صورت دیدن هرگونه تجاوزی به حقوق بشر، صرف نظر از این که وام‌گیرندگان «بی. آر. ای. سی.» پای‌شان در میان باشد، فوراً دست به عمل و اقدام بزنند.

این برنامه از آغاز کار خود در ۱۹۹۶ تا کنون به بیش از ۴۵ هزار متقاضی وام در بنگاه‌های کسب و کاری که در بنگلادش از کار کودکان استفاده نمی‌کنند وام اعطا کرده است. این برنامه همزمان با تزریق سرمایه‌ی جدید به بنگاه‌های کسب و کار محلی تولید اشتغال می‌کند، نسبت به مسئله و مشکل کار کودکان آگاهی ایجاد می‌نماید و استفاده از این کار را کم‌تر می‌سازد.

انگیزه در این جا روشن است: «بی. آر. ای. سی.» نیازی را تشخیص داده و به آن پاسخ می‌گوید، درحالی که شرایط خود برای رعایت حقوق بشر را مورد تأکید قرار می‌دهد. این تاکتیک همچنین می‌تواند در موارد دیگری مانند مبارزه برای رفع تبعیض، تضمین دستمزدهای منصفانه و یا فراهم آوردن شرایط ایمن کار و یا هرکجا که میان فعالیت‌های مالی و حقوق بشر ارتباطی وجود داشته باشد مورد استفاده قرار گیرد. وام‌ها البته خودشان باید به اندازه کافی جذاب باشند؛ برای مثال، با ارایه‌ی نرخ بهره کم‌تر و یا شرایط بازپرداخت مناسب‌تر از وام‌های بانک‌های معمولی تا بتواند در وام‌گیرندگان انگیزه ایجاد کنند.

برچسب زدن به منظور پایان بخشیدن به کار کودکان: ایجاد بازاری برای حمایت از فرآورده‌های تولیدی پاک.

برچسب

پاره‌ای اوقات مصرف‌کنندگان، وام‌دهندگان، سهامداران و دیگرانی که خود از نقض حقوق بشر، از بهره‌کشی از کودکان، از رفتار نامنصفانه با نیروی کار، از تخریب محیط زیست در کشوری دیگر، دور و بی‌خبراند، از این انگیزه برخوردارند که رفتارهای شان را تغییر دهند. آن‌ها ممکن است همچنین احساس کنند گزینه دیگری در اختیار ندارند و یا از اطلاعات مورد نیازشان برای دست زدن به یک انتخاب انسانی و عادلانه محروم‌اند. بنیاد و نهادی وجود دارد که به خریدارانی که بسیار دور از مراکز تولید اجناس خریداری شده خود هستند، اطلاعات و گزینه‌هایی را معرفی می‌کند که برای انتخاب‌شان و حمایت از حقوق بشر به آن نیاز دارند.

برچسب «نشان فرش» (Rugmark) بر روی قالی‌های دستباف، که صورت خندانی است روی حاشیه‌ی قالی، به علامت تجارتی نوید بخشی برای تشخیص و گسترش بازار قالی‌هایی تبدیل شده و نشان می‌دهد که در بافت آن‌ها از کار اطفال استفاده نشده است. «بنیاد نشان فرش» (The Rugmark Fundation)، اجازه صدور قالی را به صادر کنندگانی اعطا می‌کند که تعهد کنند از کار کودکان استفاده نکنند و داوطلبانه به یک نظام نظارتی تن بدهند که از جمله شامل بازدیدهای غیر منتظره و بازبینی اسناد صادراتی و دستگاه‌ها و دارهای قالیبافی است. اگر طی بازبینی‌ها کودکانی پیدا شوند که غیرقانونی به کار گماشته شده باشند، به وسیله‌ی «بنیاد نشان فرش» بازآموزی می‌شوند و یک برنامه‌ی توان بخشی در موردشان به اجرا گذاشته می‌شود.

«بنیاد نشان فرش» یک فرایند سه مرحله‌ای بازرسی را به کار می‌بندد:

۱– تأیید مجوز کار در پی بازرسی‌های مکرر. بازرسان از طرف «بنیاد نشان فرش» استخدام می‌شوند و آموزش می‌بینند و معیارهایی در نظر گرفته می‌شود که اطمینان حاصل شود بازرسی‌ها به درستی انجام می‌گیرند. بازرسان، یا تولید کنندگان را مورد تأیید قرار می‌دهند و یا براساس شواهد به دست آمده مبتنی بر به کارگیری اطفال، مهلت کوتاهی به آن‌ها می‌دهند که به این کار خاتمه دهند.

۲ – انجام بازرسی‌های غیرمنتظره‌ی ادواری که فقط پس از آن بازرسی‌ها، قالی‌هایی که در آن مدت زمانی تولید شده، تأیید و گواهی می‌شوند.

۳– ردگیری کردن قالی، که طی آن هر قالی «نشان فرش»‌دار را می‌توان، چه از طریق سازنده‌اش یا محل ساخت و صادر کننده آن ردیابی کرد.

«بنیاد نشان فرش» ضمن تلاش‌های خود با چالش‌هایی نیز روبه‌رو شده است. به دلیل پراکندگی و گستردگی دارهای قالی در سرتاسر هند، بازرسی‌های منظم کار مشکلی است. ساخت و سازمان صنعت یکدست نیست. در حالی که بسیاری از صادرکنندگان به محل دارها خیلی نزدیک‌اند، خیلی‌ها نیز برای کار خود واسطه‌هایی، استخدام می‌کنند که در نتیجه به اجرا گذاشتن بخش گواهی و تأیید فرآیند را با مشکل روبه‌رو می‌کند. با این همه بیش از ۴۰۰۰ کودک در هند، پاکستان و نیال از طریق برنامه‌های توان بخشی راگ مارک بازآموزی شده‌اند و از راه تبلیغاتی که راگ مارک انجام داده یکجا از کار هزاران کودک دیگر، در پشت دارهای قالی جلوگیری شده است.

مهم‌ترین نکته در مورد موفقیت «بنیاد نشان فرش»، درک این مطلب است که امروزه تقاضای روزافزونی در بازار برای کالاهایی وجود دارد که به دست کودکان تولید نمی‌شوند. از آن جا که «بنیاد نشان فرش» نه مستقیماً با مصرف‌کنندگان، بلکه با واردکنندگان قالی سر و کار دارد، می‌بایستی واردکنندگان را متقاعد سازد که برای چنین قالی‌هایی بازار خوبی وجود دارد. واردکنندگان قالی‌های «بنیاد نشان فرش» علاوه بر بهای قالی، حق‌الامتیازی معادل ۱/۷۵ درصد کل هزینه‌های وارداتی سالانه نیز پرداخت می‌کنند که بخشی از آن صرف برنامه‌های توان بخشی و آموزشی برای کودکان می‌گردد. در عوض «بنیاد نشان فرش» برای خرده‌فروشانی که قالی‌های شان را برای فروش عرضه می‌کنند، دست به تبلیغ می‌زند. نام این خرده‌فروشان در اطلاعاتی که «بنیاد نشان فرش» به بسیاری جاها ارسال می‌کند، و در رویدادهایی که «بنیاد نشان فرش» در آن‌ها نقشی ایفا می‌کند، مانند روز جهانی مبارزه با کار کودکان برده می شود. خرده‌فروشان نیز با اطلاعات تبلیغی و تشویقی که در اختیارشان گذاشته می‌شود و در آن اهمیت خرید قالی‌های «بنیاد نشان فرش» را توضیح می‌دهد مجهز می‌گردند. «بنیاد نشان فرش» به واردکنندگان و خرده‌فروشان می‌گوید به فروش گذاشتن قالی‌هایی که گواهینامه دارند، نه تنها به ایشان کمک می‌کند به مصرف‌کنندگانی دسترسی پیدا کنند که فقط تمایل به خرید قالی‌هایی دارند که در آن‌ها از کار کودکان استفاده نشده، بلکه اعتبار و وجهه عمومی مغازه‌های آنان را نیز بالاتر می‌برد.

علامت تجارتی «بنیاد نشان فرش»، مانند بسیاری از دیگر سیستم‌های علامت‌گذاری که حول و حوش دهه گذشته ایجاد شده اند اطلاعاتی را به مصرف‌کنندگان می‌دهد که برای اجتناب از همدستی با تجاوزاتی که به حقوق بشر صورت می‌گیرد به آن‌ها نیاز دارند. همزمان، بر آگاهی از مسایلی می‌افزاید که با یک کالای تولیدی مرتبط است و برای کالاهایی که با رعایت موازین انسانی تولید و به بازار عرضه شده‌اند ایجاد تقاضا می‌کند. از آن جا که تولیدکنندگان خواستار دسترسی به چنین بازاری هستند، بنابر این انگیزه‌ای برای شرکت در آن دارند.

چنین برنامه‌هایی اگر با یک فرایند نظارتی متناسب و شدید – که به نوبه خود می‌تواند بسیار پیچیده باشد و منابع بسیار بطلبد– همراه نباشد، این خطر را دارد که موجب بی‌اهمیتی معنای علامت تجارتی بشود. آن برنامه‌ها چه بسا محتاج به این باشند که همراه با دیگر تاکتیک‌های آگاهی‌بخش به کار بسته شوند، تا به مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان اطلاعات لازم رسانده شود و آنان را مجاب سازد که آن‌ها دلیل موجهی برای توجه کردن به تغییرات در فرآیند تولید دارند.

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر	تاکتیک‌های دخالت‌گرانه	تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر
		
تاکتیک‌های انگیزشی		

زمانی که کسب و کارها خود راهگشا می‌شوند:
تمرکز کردن به همه‌ی فرآیند تولید در واحدهای تولیدی تا کار نظارت آسان تر گردد و استفاده از کار کودکان از برداشته شود.

«ریبوک» (Reebok) یکی از شناخته‌ترین علایم تجارتي در عالم تجارت است که تا حدودی از طریق تلاش‌های خود کمپانی برای دفاع از حقوق بشر، مورد حمایت قرار می‌گرفته است.

«ریبوک» (Reebok) یکی از شناخته‌ترین علایم تجارتي در عالم تجارت است که تا حدودی از طریق تلاش‌های خود کمپانی برای دفاع از حقوق بشر، مورد حمایت قرار می‌گرفته است.

«ریبوک بین‌المللی» در سال ۱۹۹۶، کار نظارت بر کارخانه، علامت‌گذاری محصولات و اجرای برنامه‌های آموزشی برای پیش‌گیری از استفاده از کار کودکان در کارگاه تولیدی خود را در پاکستان که توپ فوتبال تولید می‌کرد، آغاز کرد.

تقریباً حدود بیست درصد از کارگران دست اندرکار تولید توپ‌های فوتبال در تأسیسات واقع در ایالت سیالکوت (Sialkot) پاکستان کودکان بودند. معیارهای حقوق بشری «ریبوک» مقرر داشته که کارگران شاغل در کارخانه‌های «ریبوک» می‌بایستی حداقل ۱۵ سال، و یا بسته به مقررات محلی، بیشتر از آن داشته باشند.

هنگاهی که «ریبوک» وارد بازار توپ فوتبال شد، برای جلوگیری از کار کودکان تمام تأسیسات تولیدی‌اش از جمله کار دوخت و دوز را در یک ایالت واحد یعنی سیالکوت متمرکز ساخت. همه‌ی فعالیت‌ها در یک محل و بدون استفاده از کار کودکان صورت می‌گیرد. ناظران، تأسیسات تولیدی را به تناوب بازرسی می‌کنند، با کارگران مصاحبه می‌کنند و بر کار بازرسانی که بسته‌ی محموله‌های خروجی و ورودی به کارخانه‌ها را به خوبی واریسی نمی‌کنند، نظارت می‌نمایند. آن‌ها همچنین پیوندشان را با جوامع محلی حفظ می‌کنند و از دهکده‌های اطراف بازدید می‌کنند تا اطمینان حاصل کنند، که هیچ توپ فوتبالی بیرون از کارخانه دوخت‌ودوز نمی‌شود. توپ های فوتبالی که به این‌ترتیب تولید می‌شوند با این علامت مشخص می‌گردند که روی‌شان برچسب خورده «ضمانت شده: این محصول بدون استفاده از کار کودکان تولید گردیده» این امر به مصرف کنندگان امکان این انتخاب را می‌بخشد که بدانند توپ فوتبال‌شان چگونه تولید شده و در صنعت فوتبال در مورد کار کودکان آگاهی بیشتری ایجاد می‌کند.

در نتیجه‌ی تمرکز در کار تولید در کارگاه‌های تولیدی بدون استفاده از کار کودکان، «ریبوک» توفیق یافته است که ده‌ها هزار توپ فوتبال بدون استفاده از کار کودکان تولید نماید.

در سال ۱۹۹۷، «ریبوک» دست به ایجاد «برنامه‌ی کمکِ آموزشی ریبوک به پاکستان» یا آر. ای. پی. (R.E.A.P) زد و مبلغ یک میلیون دلار از محل فروش این توپ‌ها برای حمایت از آموزش محلی در منطقه‌ای که این توپ‌ها تولید می‌شوند، تخصیص داد. در سال ۱۹۹۷، «ریبوک» به «انجمن توسعه‌ی آموزش سیالکوت» پیوست که به طور مشترک «موسسه‌ی چانان / Chanaan» را تأسیس کنند. این موسسه با خانواده‌های محلی همکاری می‌کند که کودکان را به مدرسه بگذارند و آنان را از خیل کارگران ذخیره بیرون بکشند.

«ریبوک» بازاری را برای فراورده‌هایی که از کار کودکان در آن استفاده نشده، تشخیص داد و مصمم گردید آن را به دست گیرد. سال‌ها بود که آگاهی عمومی پیرامون این موضوع داشت شکل و شدت می‌گرفت. در مقام یک شرکت چند ملیتی با سهمی بالا از بازار، «ریبوک» در موقعیت یگانه‌ای قرار داشت که بر تمامی زنجیره‌ی تولید و توزیع تولیدات خود اثر بگذارد. این یکی از جنبه‌های مهم این تاکتیک است: افزایش روز افزون مراحل مختلف بین مواد خام و مصرف‌کنندگان کالاها در اقتصاد جهانی، نظارت بر تجاوزات به حقوق بشر را دشوار می‌کند. «ریبوک» پی برد که نیاز دارد همه آن مراحل را درهم ادغام کند تا اطمینان حاصل شود کالاها بدون استفاده از کار کودکان ساخته شده است.

تاکتیک علامتگذاری می‌تواند برای ارضای تقاضای بازار در مورد سایر کالاهایی که با «کار پاک» تولید می‌شوند نیز مورد استفاده قرار گیرد: فراورده‌های کشاورزی که به پرورش دهندگان‌شان دستمزدی منصفانه پرداخت می‌شود، کالاهایی که ساخت‌شان در کارخانه‌هایی صورت می‌گیرد که به کارگران شان دستمزدی عادلانه می‌پردازند و فرآورده‌هایی که پرورش و یا تولیدشان با رعایت موازین زیست محیطی صورت می‌پذیرد.

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

تاکتیک‌های دخالت‌گرانه

تاکتیک‌های انگیزشی

www.newtactics.org

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

تاکتیک‌های دخالت‌گرانه

تاکتیک‌های انگیزشی

www.newtactics.org

تاکتیک‌های بازسازانه

از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ بیش از ۷۰ هزار نفر در پرو مفقودالاث‌ر شدند و یا به قتل رسیدند. بیش‌ترین

قربانیان از خانواده‌های فقیر روستایی بودند که از چرخه زندگی اقتصادی و سیاسی خارج بودند. جمعیت حقوق بشر پرو نظر رسانه‌ها را به این موضوع جلب کرد و در مرکز توجه افکار عمومی و سازمان‌های بین‌المللی قرار داد. این امر سبب شد که «کمیسیون حقیقت و آشتی» برپا گردد که من نیز به خود می‌بالم که فرصت خدمتگزاری در آن را یافته‌ام.

کمیسیون، که گزارش نهایی خود را در اگوست سال ۲۰۰۳ منتشر کرد، برای حکومت این امر را که گوش خود را بر فریاد دادخواهی خانواده‌های قربانیان ببندد ناممکن ساخت. کار کمیسیون گرچه دست‌آوردی برای حقوق بشر بود، اما در نوع خود فقط نخستین گامی از یک روند بلندمدت اعاده‌ی حقوق و عدالت برای تمامی مردمان پرو به شمار می‌آمد.

در این بخش، شما درباره‌ی مردمان دیگری و سازمان‌های دیگری خواهید خواند، که مانند «کمیسیون حقیقت و آشتی»، هریک در کار اعاده‌ی عدالت و بازسازی جوامعی سهیم بوده‌اند که تجاوزات هولناک به حقوق بشر را از سرگذرانده‌اند. برخی از آن‌ها، خشونت و تجاوز و بدرفتاری را ثبت کرده و برای حکومت و یا جامعه انکار و نادیده گرفتن آن را امکان‌ناپذیر ساخته‌اند. برخی دیگر به التیام‌بخشی جوامع و صدمه‌دیدگان از تجاوز یاری داده‌اند. و بعضی نیز به دنبال اجرای عدالت، هم برای قربانیان و هم برای مرتکبان این تجاوزات بوده‌اند.

در گزارش کمیسیون، عدالت به معنای تنبیه مرتکبان تجاوز، جبران خسارت‌های وارده – هم از نظر فردی و هم جمعی و گروهی – به قربانیان و حصول اطمینان از اینست که جنایات صورت گرفته، بار دیگر تکرار نخواهند شد. جبران خسارات، قسمت مهمی از این مجموعه در پرو است. هم به این سبب که دولت پرو به قربانیانی که از عهده حفاظت و حمایت از آنان برنیامده است مدیون است و هم به این دلیل که جبران خسارات وارده به بازسازی و تثبیت حقوق تمامی اعضای جامعه‌ی پرو کمک خواهد رساند.

گروه‌های دیگر، برای بهره‌مند ساختن جوامع خود از عدالت، از تاکتیک‌های دیگری استفاده کرده‌اند. امید من آن است که بسیاری از آن‌ها را در کار خود سودمند خواهید یافت.

— سوفیا میچپر

عضو سابق کمیسیون حقیقت و آشتی

مدیر اجرایی پیشین، هماهنگ کننده ملی حقوق بشر. پرو

حتی هنگامی که تجاوزات به حقوق بشر خاتمه می‌گیرد، مانند زمانی که جنگ خاتمه می‌یابد و یا رژیم قبلی سرنگون می‌شود و قربانیان آزاد می‌شوند یا می‌گریزند و یا صرفاً به دلیل گذشت زمان، نیاز به کار خلاقانه در عرصه‌ی دفاع از حقوق بشر پایان نمی‌پذیرد. آثار تجاوز و نقض حقوق بشر از مصایب و رنج‌های آنی آن بسی فراتر می‌رود: این امر می‌تواند به انهدام رهبری در جامعه‌ای، رکود اقتصادی و نیز نابودی جامعه مدنی بیانجامد.

سکوت در این گونه موارد می‌تواند به این امر منجر شود که قربانیان و خانواده‌ها و جوامع را، از بازسازی رهبری و زیرساخت‌های اجتماعی‌شان باز بدارد و مانع اجرای عدالت در مورد گناه‌کاران و جنایت‌کاران شود؛ و راه آشتی و حرکت به پیش را به روی جوامع ببندد. تاکتیک‌هایی که در این بخش شرح داده می‌شوند، همه به منظور التیام بخشیدن و اجرای عدالت و آشتی‌جویی بین افراد و جماعت‌ها به کار بسته شده‌اند تا بتوانند به احیای دوباره رهبری و به پیشبرد بینشی یاری برسانند که جامعه‌ای منصفانه و آزاد را به ارمغان آورد.

بنا بر عادت، همیشه بین عدالت بازسازانه وعدالت کیفردهنده تفاوت گذاشته شده است. درحالی که عدالت بازسازانه بیشتر بر التیام بخشیدن به صدمات وارده بر قربانیان، و خلافاًکاران و جامعه تأکید می‌ورزد، عدالت کیفردهنده تأکیدش بر تنبیه خلاف‌کار و جبران خسارت وارده بر قربانی است. هر دو رویکرد مفید هستند و برای کار بازسازی و درمان یک جماعت لطمه دیده بسیار اساسی‌اند، و هر دو در این جا آورده شده است.

این تاکتیک‌ها همچنین، به رغم این که غالباً برگزشته متمرکزاند، ولی برای جلوگیری از تجاوزات آینده نقشی مهم ایفا می‌کنند. این تاکتیک‌ها برای تواناسازی جوامع آسیب دیده، شکستن حصارهای مصونیت متجاوزان، و تنبیه آنان و نشان دادن این که تجاوز به حقوق بشر در آینده تحمل نخواهد شد، و ثبت موارد تجاوز و اقرار به درد و رنجی که قربانیان و خانواده‌های آنان کشیده‌اند و نشان دادن نمونه و الگوهای تکراری خشونت و تجاوز، به کار گرفته شده‌اند، و اگر ما به اندازه کافی هشیار باشیم آن‌ها می‌توانند ما را در شناسایی و متوقف ساختن تجاوزات در آینده یاری برسانند.

تاکتیک‌های این فصل به سه قسمت تقسیم شده‌اند :

۱- یادآوری دوباره‌ی تجاوزات،- تاکتیک‌هایی که طبیعت و شدت تجاوزات، یا هویت مرتکبان یا قربانیان را روشن می‌سازند.

۲- نیرومندسازی افراد و جوامع- تاکتیک‌هایی که سلامت روحی و روانی و توان‌بخشی به آسیب دیدگان و تکنیک‌های دیگری را که التیام‌بخش افراد و جوامع‌اند، مدّ نظر دارند.

۳- درخواست غرامت،- تاکتیک‌هایی که از طریق دادخواهی، تحریم، و جبران خسارات یا وسایل دیگر در پی اجرای عدالت‌اند.

یادآوری دوباره تجاوزات آسان‌ترین کار فراموش کردن خشونت‌ها و بدرفتاری‌هایی ست که درباره‌ی آن‌ها می‌شنویم و یا شاهد آن

هستیم و تجربه‌شان می‌کنیم. اما در چنین صورتی، زخم‌ها را بی‌مداوا و بی‌مراقبت از آن‌ها به حال خود رها می‌کنیم و راه را بر روی

تجاوزات آینده می‌گشاییم. تاکتیک‌های این فصل پرونده‌ای مستند و دایمی و علنی از تجاوزات و الگوهای تکرار شونده‌ی آن گردآوری

می‌کنند. بدون چنین پرونده‌های عمومی و آشکاری، حافظه‌ی عمومی آن‌ها را به فراموشی می‌سپارد زیرا امکان این هست که اسناد و

مدارک موجود بسیار پخش و پراکنده باشند و یا زیر لایه‌های ژرف کاغذ بازی‌های اداری مدفون شده باشند. پرونده‌های مربوط به نقض

و تجاوز به حقوق بشر نیز، اگر که از آن‌ها به خوبی محافظت نشود، گرایشی به «ناپدید» شدن دارند! هرجا که مدارکی وجود داشته

باشد بایستی سعی ویژه‌ای مبذول شود که این مدارک و اسناد از زیر خاک بیرون کشیده شوند، خوب از آن‌ها محافظت شود و در سطح

عمومی منتشر گردند. در شرایطی که بهترین و یا تنها سند موجود، اجساد مدفون در گورهای بی‌نام و نشان و یا گورهای دست‌جمعی

است، تاکتیک‌های دیگر، مهارت و تخصص‌های پزشکی قانونی و کالبدشکافی را به کار می‌گیرند. در موارد دیگر واقعیات تجاوز و نقض

حقوق بشر، پیش از این بر همگان روشن بوده است، ولی این خطر همیشه هست که مردم مسایلی را که روی داده، فراموش کنند. این

ساز و کار نه تنها حافظه را تازه نگه می‌دارد، بلکه ارتباط با موضوع را نیز حفظ می‌کند. و در چند مورد زیر، که تجاوز و خشونت

گسترده و فراگیر بوده است هیئت‌های عمومی و دادگاه‌ها به قربانیان و خانواده‌های آنان و در مواردی به مرتکبان جنایات این فرصت را

می‌دهند که داستان‌های‌شان را باز گو کنند.

گشودن و علنی کردن پرونده‌هایی که در برگیرنده اطلاعات مربوط به نقض و تجاوز به حقوق بشر است، به خصوص مرگ‌ها، شکنجه و

مفقودالاثر شدن‌ها، و مطلع ساختن عموم از آن‌ها می‌تواند به چند هدف خدمت کند. می‌تواند به خانواده قربانیان نوعی احساس «ختم

ماجرا» ببخشد که با کمک آن بتوانند گذشته را پشت سر بگذارند و به جلو بروند یا به برگزاری مراسم سنتی موجود در فرهنگ

خودشان بپردازند. همچنین به این که خانواده‌ها اطلاعاتی را گردآوری کنند که برای اقامه‌ی دعوای مستدل و دادخواهی از متجاوزان به

کار بیاید، کمک می‌کند. همچنین، ثبت عمومی سوابق، می‌تواند جنبه‌ی دادخواستی ملموس و عیان پیدا کند، که نقطه ی مرکزی

مهمی برای بحث و گفت‌وگوی عمومی در اختیار می‌گذارد و از جهاتی نیز به صدای بی‌صدایان و خاموشان مبدل می‌شود.

پاسخ‌هایی برای خانواده قربانیان: مستندسازی و گردآوری مدارک تجاوز، به منظور التیام بخشی و اجرای عدالت.

گروهی در کامبوج

گروهی در کامبوج، نسل‌کشی و تجاوزات خمرهای سرخ را مستند ساختند و مدارک تجاوز را در دسترس عموم گذاشتند. به این منظور که خاطره‌ی قربانیان و آسیب دیدگان از تجاوز و نیز خاطره‌ی کسانی را که که مرتکب آن جنایات شده بودند، زنده نگه دارند.

«مرکز اسناد کامبوج» (DC.Cam / دی. سی. کم) اسناد مربوط به قربانیان و مرتکبان نسل‌کشی کامبوج را به نحوی گردآوری و نگهداری می‌کند که خانواده‌ها و دوستان مفقودشدگان، می‌توانند از آنچه دقیقاً برایشان گذشته آگاهی یابند. همزمان، «دی. سی. کم» اسناد و مدارکی را که ممکن است بتواند علیه رهبران سابق خمرهای سرخ در محاکمات قانونی مورد استفاده قرار گیرد، جمع آوری می‌کند.

«سیستم ترسیمی پرونده‌های فامیلی دی. سی. کم» به خانواده‌های قربانیان و مرتکبان هردو، کمک می‌کند که از طریق جستجوی تفصیلی اسنادی که رژیم خمرهای سرخ نگهداری می‌کردند (۱۹۷۹-۱۹۷۵) به آنچه بر سر عزیزان‌شان رفته است پی ببرند. «دی. سی. کم» چهار پایگاه داده‌های اطلاعاتی دارد که صدها هزار برگه از اسناد و مدارک مرتبط با موضوع و عکس‌ها و مصاحبه‌ها را فهرست کرده است. پروژه‌ی بازنمایی آن برای شناخت ۱۹۴۶۶ گور دسته‌جمعی، ۱۹۶ زندان و ۷۷ بنای یادبود در ۱۷۰ ناحیه کامبوج و در نزدیک به تمامی استان‌های کشور، از تکنولوژی ردیابی جی. پی. اس. استفاده می‌کند.

به رغم آگاهی از این که منسوبان و خویشاوندان به دست خمرهای سرخ اعدام شده‌اند باز هم خانواده می‌توانند احساس «ختم ماجرا» و آرامش خاطر بکنند از این که بالاخره دقیقاً می‌دانند چه اتفاقی افتاده است، و مردم محل شروع می‌کنند به التیام بخشیدن به صدمات روحی سنگینی که به سبب نسل‌کشی بر آن‌ها وارد آمده است. اسناد و مدارک ثبت شده، گاهی، محل دفن اجساد مفقودشدگان را فاش می‌سازد و اجازه می‌دهد که خانواده به برگزاری مناسک و آیین‌های مذهبی متناسب برای شادی روح قربانی بپردازد. بنا بر برآوردهایی، ۸۰ درصد خانواده‌هایی که برای کسب اطلاع درباره عزیزان‌شان به مرکز مراجعه می‌کنند، دست خالی باز نمی‌گردند و پاسخ این را که چه اتفاقی روی داده به دست می‌آورند.

هدف نهایی «دی. سی. کم»، زنده نگهداشتن خاطره‌ی تلخ نسل‌کشی و کمک به مردم کامبوج برای دادخواهی و اجرای عدالت، ساختن آینده‌ای مطمئن، پیش‌گیری از این گونه فجایع است تا درنده‌خویی‌هایی از این دست در آینده هیچ گاه امکان تکرار نیابند.

تاکتیک «دی. سی. کم» در کامبوج بسیار مؤثر بوده است. مردم کامبوج مدت‌های دراز از خشونت و بدرفتاری به سختی رنج کشیده‌اند. کشورهای دیگری، که دوره‌های دراز مدت خشونت و بدرفتاری را پشت سرگذاشته‌اند، می‌توانند از تجربیات این گروه سود ببرند. برای ایجاد یک خزانه‌ی مرکزی اطلاعات و اسناد، یک گروه می‌بایستی پی ببرد که مرتکبان جنایات کجا و چگونه از خود

شواهد و مدارکی بر جا نهاده‌اند و چه بسا نیازمند باشند تا اقدام به

نش قبر کنند و از خدمات پزشکی قانونی بهره بجویند (نگاه کنید

به ص۱۳۷). در کامبوج، نسل‌کشی طبقه‌ی تحصیل کرده را هدف

گرفته بود و نظام دادگستری را ویران کرد که معنای آن این است که

از این اطلاعات تنها هنگامی می‌توان استفاده کرد که این نظام بار

دیگر بازسازی شود.

تاکتیک	گشودن آرشيوهای ترور: اجرای دقیق عدالت با اعمال فشار در جهت دسترسی یافتن به پرونده‌های قربانیان به عنوان حقوق قانونی.
---------------	---

در پاراگوتئه «مرکز اسناد و آرشیوها» (سی. دی. وای. ای. / CDyA)، برای ایجاد یک «آرشیو ترور» نهایت استفاده را از قانونی می‌برد که به زندانیان سابق حق بازبینی مدارکی را که به پرونده قضایی آن‌ها مربوط می‌شود می‌دهد.

«مرکز اسناد و آرشیوها» پرونده‌های پلیس را پس از ۳۵ سال دیکتاتوری نظامی‌ها به روی مردم گشود.

قانون اساسی پاراگوئه همانند قانون اساسی پنج کشور دیگر آمریکای لاتین حاوی «حق بازبینی پرونده‌ی قضایی «است: حق زندانیان سابق به بازبینی و کنترل داده‌ها و اطلاعاتی که درباره آن‌ها و کار و تجربه‌هاشان جمع آوری شده است. پس از به ثبت رساندن درخواستنامه‌ای مبنی بر دریافت پرونده خود، مارتین آلمادا، یکی از زندانیان سیاسی سابق که از سوی یک قاضی محلی همراهی می‌شد، در سال ۱۹۹۲ به یکی از پایگاه‌های پلیس در لامبار مراجعه کرد و متوجه شد که هزاران پرونده بازداشت و دستگیری در آن جا نگهداری می‌شود.

این پرونده‌ها، که تجربه‌های بازداشت زندانیان را – از جمله شکنجه و دیگر تجاوزات به حقوق بشر را – با تفصیل مستند می‌سازد، در جهت تأیید ماجراهای مربوط به بازداشت افراد در کشورهای مختلف آمریکای لاتین در دوران حکومت‌های استبدادی و مفقودالاثر شدن شهروندان و همچنین برای پیگرد مأموران سابق پلیس و نظامیان دست اندرکار آن به عنوان شواهد جرم علیه آنان مورد استفاده قرار گرفته است.

دادگاه‌های پاراگوئه، از جمله دیوان عالی کشور سرانجام حکم دادند که این پرونده‌ها در دسترس عموم گذاشته شود. آرشیو، که اینک زیر کنترل «مرکز اسناد و آرشیوها» قرار دارد، به روی پژوهشگران، بازرسان و فعالان حقوق بشر و عموم مردم باز است. «مرکز اسناد و آرشیوها» از این پرونده‌ها به عنوان مبنایی برای موارد قانونی، برپایی دادگاه‌ها و پیگرد مرتکبان اصلی شکنجه‌ی مورد حمایت دولت، و بازداشت‌های غیرقانونی و اطلاع‌رسانی به کمیسیون حقیقت‌یابی پاراگوئه استفاده می‌کند. بیست مأمور دولتی با موفقیت محاکمه و محکوم شده‌اند. از این آرشیو همچنین برای گردآوردن اسناد و مدارک لازم جهت استرداد ژنرال آگوستو پینوشه از بریتانیای کبیر به اسپانیا در ۱۹۹۸ استفاده شد.

«مرکز اسناد و آرشیوها» نود درصد از مواد موجود در آرشیوها را تبدیل به میکروفیلم و پرونده‌های رایانه‌ای کرده است. این گروه در پی آن است که آرشیوها جزو فهرست میراث جهانی یونسکو منظور شوند.

دسترسی به اطلاعات تفصیلی درباره تجاوزات به حقوق بشر، می‌تواند هم بر کسانی که از این تجاوزات آسیب دیده‌اند تأثیرات مهمی بگذارد و هم در راستای اجرای عدالت پس از پایان گرفتن تجاوز بسیار تأثیرگذار باشد. کوشش‌های آلمادا در پاراگوئه تجربیات شمار فراوانی از قربانیان را تأیید کرد و توسل قانونی را در زمره یکی از گزینه‌ها قرار داد.

اگر چه پرونده‌ها در پاراگوئه برحسب اتفاق کشف شدند، تاکتیک گشودن و آشکارسازی عمدی پرونده‌های نقض حقوق بشر، به وسیله بعضی از دولت‌ها به کار گرفته شده است. در آلمان و چند کشور اروپای شرقی، برای نمونه دولت‌ها پرونده قربانیان پلیس مخفی را آشکار و علنی ساختند. در آلمان این پرونده‌ها به وسیله یک سازمان مستقل، به نام «Gauck Authority» نگهداری می‌شود و فقط به روی قربانیان گشوده است و نه عموم مردم. در چکسلواکی و دیگر کشورها پرونده‌ها به صورت گزینشی آشکار و گشوده شدند و در اختیار قربانیان نهاده شدند و برخی از پرونده‌ها در خدمت سوء استفاده‌های سیاسی به کار گرفته شد و به بیرون درز کرد.

از این رویکردهای تاکتیکی هم درس‌هایی آموخته شده است و هم انتقاداتی بر آن‌ها وارد آمده است. برای مثال، تینا روزنبرگ از برنامه‌ی «حقوق بشر مدرسه‌ی حقوق هاروارد»، می‌گوید که «این که پرونده‌های آلمانی گشوده شدند، به حل مشکل غیر قابل‌اعتماد بودن پرونده‌ها کمک کرد. قربانیان می‌توانستند تأیید کنند که آیا کسی که متهم به خبرچینی درباره آن‌هاست عملاً در موقعیتی بوده است که دست به این عمل بزند یا نه. این یک جور ساز و کاری است که خودش را کنترل می‌کند، که در نوع چکسلواکی آن وجود ندارد. در آلمان، قربانی می‌تواند دست به این چه قوانینی در کشور شما وجود دارد که ممکن است برای دستیابی بر مدارک و انتخاب بزند که آیا می‌خواهد اطلاعات مربوط به اسنادی که خشونت و تجاوز را به اثبات می‌رسانند و هویت مرتکبان آن‌ها را روشن کسی را که درباره او خبرچینی کرده است منتشر می‌سازند، سودمند واقع شوند؟

حفظ خاطره‌ها: هماهنگ‌سازی کوشش‌های حفظ اطلاعات آرشویی میان چندین سازمان و ایجاد ساختاری برای دسترسی به آن.	تاکتیک
---	---------------

«هرگز!»، قولی است که هربار پس از آشکار شدن تجاوزی تازه به حقوق بشر شنیده می‌شود، امّا به این قول نمی‌توان وفا کرد مگر این که خاطره تجاوز، خاطره قربانیان و آنانی که در مبارزه علیه تجاوز سهیم بوده‌اند، زنده باقی بماند. بدبختانه، اطلاعات مستندی که در پرونده‌های شمار زیادی از سازمان‌های حقوق بشر نگهداری می‌شود، در دنیای خارج ناشناخته است و در دسترس کسانی قرار ندارد که احتمال می‌رود بتوانند بعداً آن اطلاعات را مورد بهره‌برداری قرار دهند تا چنین ماجرابی دوباره روی ندهد. «مموریا آبیرتا» (Memoria abierta) اتحادیه‌ای است مرکب از هشت سازمان حقوق بشر در آرژانتین که نیروی خود را روی هم گذاشته اند تا دست به ایجاد یک پایگاه اطلاعاتی و داده‌ها بزنند که عموم مردم به آن دسترسی داشته باشند، پایگاهی که آنان امید می‌برند به زنده نگاه داشتن خاطره‌ای پایدار و جمعی یاری برساند.

«مموریا آبیرتا» ساختاری را به وجود آورده است که تمام آرشیوهای عمومی اسناد، عکس‌ها و مصاحبه‌هایی را که گواه بر وجود تروریسم هولناک دولتی در آرژانتین، قربانیان آن و کسانی است که به مقابله با آن برخاستند، در دسترس عموم قرار می‌دهد. گرچه هرکس که به اینترنت دسترسی دارد می‌تواند فهرست پرونده‌هایی را که آنلاین وجود دارد را جست‌وجو کند. ولی اطلاعات واقعی در دفاتر هر یک از سازمان‌های عضو و یا در دفتر «مموریا آبیرتا» باقی می‌ماند. پایگاه داده‌ها یک فهرست راهنمای ساده را از همه مواد و اطلاعات موجود در اختیار می‌گذارد که از سوی هر کاربری به آسانی قابل جست‌وجو است. پایگاه علاوه براین، به جای مدارک اصلی، عکس‌ها و ویدیوها را نشان می‌دهد به نحوی که پژوهشگران علاقمند می‌توانند با سازمان مربوطه در مورد آن‌ها تماس حاصل کنند. این طرح، نرم‌افزار ویژه‌ای در فورمت open-source نیز ساخته است تا به سایر سازمان‌ها کمک کند پایگاه داده‌های مشابهی ایجاد کنند.

«پاتریمونیو دکومتال» یا «برنامه‌ی مستندسازی میراث» از پنج بخش تشکیل می‌شود: ۱– خود برنامه‌ی مستندسازی میراث «دی.اچ. پی.» که نزدیک به ۲۲هزار مدرک درباره‌ی تروریسم دولتی را شامل می‌شود؛ ۲– «برنامه‌ی ثبت دقیق خاطره‌ها «با نقشه‌ها، مدارک و شهادت‌های شفاهی درباره اماکن تاریخی که با تروریسم دولتی مرتبط هستند – یعنی با بیش از ۳۴۰ مرکز شکنجه که در محل های معمولی در سراسر کشور مخفیانه فعال بودند؛ ۳– برنامه‌ی آرشیو مصور، که در برگیرنده تصاویر دیجیتال سازمان‌های حقوق بشر و مجموعه‌های شخصی و رسانه‌هاست؛ ۴– برنامه‌ی آرشیو شفاهی با خلاصه‌ای از بیش از ۳۲۰ مصاحبه با مردمی که زندگی‌شان به نحوی از تجربه‌ی تروریسم دولتی متأثر شده است و ۵– مدارک خود «مموریا آبیرتا».

«مموریا آبیرتا» تشکیل شده است از:

Abuelas de Plaza de Mayo , Asamblea Permanente por los Derechos Humanos, Asociacion Buena Memoria , Centro de Estudios Legales y Sociales , Familiares de Desaparecidos y Detenidos por Razones Politicas , Fundacion Memoria Historica y Social Argentina , Madres de Plaza de Mayo – Linea Fundadora , and Servicio Paz y Justicia.

اتحادیه برای حمایت و گسترش از پروژه‌هایی شکل گرفت که افراد و جوامع را به بازاندیشی رویدادهایی ترغیب می‌کند که در دوره ی دیکتاتوری نظامیان رخ داده بود. «مموریا آبیرتا» همچنین از ابتکارانی که گفت‌وگوی پیرامون برپایی اماکن یاد بود و فضاهایی که مردم را به بازاندیشی وا می‌دارد، حمایت می‌کند. آرشیوها، روزی در آینده بخشی از مجموعه‌ی اصلی موزه‌ی خاطرات را تشکیل خواهند داد.

تاکتیک هماهنگ‌سازی آرشیو سازمان‌های گوناگون، می‌تواند در کشورهایی که بیش از یک سازمان به کار گردآوری داده‌های مربوط به حقوق بشر می‌پردازند، مورد استفاده قرار گیرد. هماهنگ‌سازی می‌تواند بخشی از یک پروژه‌ی «خاطرات» باشد، اما همچنین می‌تواند در کشورهایی مورد استفاده قرار گیرد که چندین سازمان حقوق بشر پیگیر کار تجاوزات در حال انجام هستند و به دست یابی به بیشترین اطلاعات ممکن نیاز دارند.

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر	تاکتیک‌های بازسازانه حقوق بشر
یادآوری دوباره تجاوزات	یادآوری دوباره تجاوزات

تاکتیک

مردم‌شناسی پزشکی قانونی: به کار گرفتن آزمایشگاه‌های پزشکی قانونی به منظور تشخیص علت مرگ و تشخیص هویت قربانی از روی بقایای جسد.

یک پزشک قانونی در حال معاینهٔ جسد یک مرد جوان که درگذشته است.

در مواردی که اسناد و مدارک کتبی یا کافی نیستند و یا اینکه اصلا وجود ندارند، کارهای پزشکی قانونی می‌توانند مدرکی را برای به جریان انداختن قانونی پرونده بوجود آورند و اطلاعاتی در اختیار خانواده‌های قربانیان بگذارند که برای «پایان ماجرا» نیازمند آن هستند. کارهای پزشکی قانونی یکی از راه‌های واقعی ثبت و ضبط تجاوزات به شمار می‌آیند. زیرا آن‌ها شواهد و مدارک علمی هستند و حتی از شهادت شفاهی و مستند سازی‌های نوشتاری در اثبات تجاوزات به حقوق بشر نیرومندتراند. افزون بر این، نبش قبر اجساد به خانواده‌ها فرصت برگزاری مناسک مذهبی و سوگواری می‌دهد و با همه دردناکی‌اش اجازه می‌بخشد آن‌ها زندگی‌شان را ادامه دهند.

در طی دو دهه‌ی گذشته «گروه مردم‌شناسی پزشکی قانونی آرژانتین» یا ای. ای. اف. EAAF/ بقایای اجساد قربانیان قتل های دولتی را شناسایی کرده است. در طول دوره استبداد نظامیان در آرژانتین (۱۹۸۳–۱۹۷۶) بین ۱۰ تا ۳۰ هزار نفر از مردم به دست حکومت کشته و یا ناپدید شدند. این گروه سه هدف را مورد نظر قرار دارد، بازگردانیدن بقایای اجساد قربانیان به خانواده هاشان با هدف کمک به فرآیند التیام بخشی آن‌ها؛ در موارد قانونی، ارایه شواهدی علیه مرتکبان خشونت‌های تجاوزات دولت؛ آموزش و حمایت از برپایی گروه‌های دیگر پزشکی قانونی در کشورهایی که از خشونت و تجاوز آسیب دیده‌اند و به بررسی و پژوهش گذشته‌ها احتیاج دارند.

«گروه مردم‌شناسی پزشکی قانونی آرژانتین»، دارای یک گروه ثابت بازرسی است که به بررسی اطلاعاتی که درباره ناپدیدشدگان به دست می‌آورد، می‌پردازد. گروه معمولاً هر مورد را با یک بررسی مقدماتی آغاز می‌کند تا مشخص کند فرد مفقودالائز در کجا ممکن است به خاک سپرده شده باشد، و برای این کار با منسوبان و خویشاوندان و دوستان وی و با زندانیان سابق و هم بندهای او و فعالان سیاسی سابق درباره مشخصه‌های جسمی قربانی و زمان و مکان احتمالی مرگ وی مصاحبه به عمل می‌آورد. گروه‌های پزشکی قانونی همچنین پرونده‌های پلیس و پرونده‌های اداری را که حاوی مشخصه‌های جسمی فرد، مانند اثر انگشت و نتایج کالبدشکافی اوست مطالعه می‌کند. گروه برای دسترسی به آرشيوهای پلیس، غالباً باید به دادگاه مراجعه کند و از دادگاه حکم بگیرد. این جریان در صورتی که گروه به ده سند مکتوب و یا شفاهی در مورد پرونده‌ی مورد نظر دست یابد، پی‌گیری خواهد شد.

وقتی که محل احتمالی دفن جسد مشخص شد، گروه به خانواده قربانی مراجعه می‌کند؛ البته گروه پزشکی قانونی بدون موافقت آنان به بازرسی‌های‌اش ادامه نخواهد داد. هنگامی که خانواده اعلام موافقت کرد و به گروه از طرف دادستان و یا مقامات قانونی اختیار و اجازه داده شد، گروه نبش قبر را آغاز می‌کند. از مشارکت خانواده‌ها در برخی از مراحل کار استقبال می‌شود. گروه برای پیدا کردن بقایای جسد از معیارهای فنی باستان‌شناسانه استفاده می‌کند و سپس ادامه‌ی کار به آزمایشگاه واگذار می‌گردد، که در آن جا متخصصان گروه پزشکی قانونی سعی می‌کنند بقایای جسد را با اطلاعاتی که گردآوری شده است مطابقت و چگونگی و علت مرگ را تعیین نمایند.

از طریق این فرآیند، این گروه تاکنون اجساد صدها نفر از قربانیان را شناسایی کرده است و احساس «پایان ماجرا» را برای خانواده ها میسر کرده و شواهد پرارزشی را به دادگاه‌های ملی و بین‌المللی، کمیسیون‌های حقیقت‌یاب و دادگاه‌های محلی، ارایه نموده و در اختیارشان نهاده است. گروه همچنین روش‌ها و شگردها خود به گروه‌های بسیار دیگری در سراسر جهان آموزش داده است. اعضای گروه می‌گویند که این کار فرآیند مهمی برای بالابردن سطح همکاری میان کشورهای جنوب جهان بوده است.

یک پزشک قانونی در حال معاینهٔ جسد یک مرد جوان که درگذشته است.

« »

واقعا لحظه سختی است وقتی که ما به خانواده‌ها برای کسب اطلاع از این که عزیزان‌شان کجا ممکن است باشند، مراجعه می‌کنیم. احتمال دارد این کار به پایان گرفتن جستجوهای ما بیانجامد زیرا خیلی از خانواده‌ها همیشه آمادگی آن را ندارند. ما با خانواده‌ها رابطه‌مان را برقرار نگه می داریم تا زمانی که آمادگی آن را پیدا کنند. برای آن‌ها توضیح می‌دهیم چه چیزی را خواهند دید و چه انتظاری می‌توانند داشته باشند و ترغیب‌شان می‌کنیم، هرسوالی را که مایل‌اند بپرسند و از آن ها می‌خواهیم در جریان کار شرکت جویند.

هنگامی که گروه مردم‌شناسی پزشکی قانونی قتل‌ها را بررسی می‌کند، کنترل جریان را به دست خانواده‌ها و جماعت محل می‌سپارد. این امر در بین اهالی محل از این نظر حایز اهمیت است که این گروه‌های غالباً نه تنها در زیر فشار دولت‌های تجاوزگر به حاشیه رانده شده‌اند، بلکه از فرآیند آشتی‌جویی نیز کنار گذاشته شده‌اند. رویکرد گروه به سطح معینی از بازبودن فضا و آزادی سیاسی نیاز دارد، اما تجربه‌ی گروه در انتقال این تاکتیک به بیش از ۳۰ کشور دیگر نمایشگر این است که به حمایت کامل دولت نیازی نیست.

گروه دیگری در گواتمالا، نیز با اهالی محل به هنگام نبش قبرها همکاری می‌کند، ولی تمرکزش بیشتر بر خدمات روان‌درمانی است. گروه «اقدام خدمات روان‌درمانی و پژوهش گروه‌ها» یا «کاپ/ECAP»، با «بنیاد مردم‌شناسی پزشکی قانونی گواتمالا»، برای مساعدت به خانواده‌ها و گروه‌های محلی، چه پیش و چه در هنگام و چه پس از نبش قبر، همکاری می‌کند.
اِکاپ گروه های یاری رساننده‌ای را سازمان می‌دهد که در آن خانواده‌ها می‌توانند در نهایت ایمنی احساسات‌شان را در ارتباط با فقدان و از دست رفتن عزیزان‌شان بر زبان آورند، به آن فکر کنند، بی‌هیچ واهمه‌ای داستان‌های خود را تعریف کنند، رویارویی با پی‌آمدهای تجاوز را بیاموزند و وضعیت کنونی را دریابند و امکان یابند تا برای آینده خود برنامه‌ریزی کنند. خانواده‌ها همچنین کمک‌هایی دریافت می‌کنند تا خویشاوندان‌شان به صورت قانونی و مطابق با سنت‌های خودشان به خاک سپرده شوند و پیوند بین زندگان و درگذشتگان محفوظ باقی بماند.

پس از دادن مشورت‌های لازم که پیش از یک نبش قبر لازم است، مشاوران خانواده‌ها را به محل نبش قبر همراهی می‌کنند تا به اعضای خانواده هنگامی که با واقعیت مرگ خویشاوندان خود روبه‌رو می‌شوند تسلی دهند و به کار خود ادامه می‌دهند تا به خانواده‌ها برای پذیرش این واقعیت کمک کنند. بین جوامعی که تحت تأثیر خشونت گسترده‌ی سیاسی بوده‌اند که نمونه‌ی آن در بسیاری نواحی روستایی گواتمالا فراوان است، مشاوران، اثرات تجاوز و خشونت را بررسی و تعیین می‌کنند و دست به ایجاد گروه‌هایی می‌زنند که گفت و شنود درباره‌ی این موضوع را تشویق کنند که اهالی محل همگی، چگونه می‌تواند به التیام و بهبود خود بپردازد. برای یاری رساندن به کار بهبود و التیام بخشی، اِکاپ همچنین به گروه‌ها در کار برپایی مراسم یادبود و سایر شیوه‌های تشخیص و بازشناسی آسیب‌های عاطفی و روحی گذشته کمک می‌کند. این برنامه‌ها آگاهی بسیار مهم جوامع از تاریخ امروز و فردای مشترک شان را به همراه هیجانات و چالش‌هایی که مستلزم درخواست و مطالبه حقوق‌شان است، ارتقا می‌بخشد.

یک پزشک قانونی در حال معاینهٔ جسد یک مرد جوان که درگذشته است.

چگونه می‌توانید فنون پزشکی قانونی یا دیگر تخصص‌های فنی را برای مستندسازی تجاوزات به حقوق بشر به کار بندید؟

مطالبه حقوق‌شان است، ارتقا می‌بخشد.

یک پزشک قانونی در حال معاینهٔ جسد یک مرد جوان که درگذشته است.

یک پزشک قانونی در حال معاینهٔ جسد یک مرد جوان که درگذشته است.

یک پزشک قانونی در حال معاینهٔ جسد یک مرد جوان که درگذشته است.

یک پزشک قانونی در حال معاینهٔ جسد یک مرد جوان که درگذشته است.

یک پزشک قانونی در حال معاینهٔ جسد یک مرد جوان که درگذشته است.

یک پزشک قانونی در حال معاینهٔ جسد یک مرد جوان که درگذشته است.

یک پزشک قانونی در حال معاینهٔ جسد یک مرد جوان که درگذشته است.

یک پزشک قانونی در حال معاینهٔ جسد یک مرد جوان که درگذشته است.

یک پزشک قانونی در حال معاینهٔ جسد یک مرد جوان که درگذشته است.

یک پزشک قانونی در حال معاینهٔ جسد یک مرد جوان که درگذشته است.

تاکتیک‌های نوین در

تاکتیک‌های بازسازانه حقوق بشر یادآوری دوباره تجاوزات

www.newtactics.org

تاکتیک‌های بازسازانه

یادآوری دوباره تجاوزات

www.newtactics.org

حقیقت‌گویی: **تشکیل یک هیئت رسمی حقیقت‌یاب به منظور بازرسی و بازشناسی تجاوزات فاحش به حقوق بشر**.

در دوهه گذشته، چندین کشور که تجربه‌های طولانی تجاوز و خشونت را پشت سر نهاده‌اند برای قربانیان و گهگاه نیز برای مرتکبان تجاوزات، جلسات گفت و شنود و تبادل نظر برپا کرده‌اند تا داستان‌های خودشان را تعریف کنند. فرآیند حقیقت‌گویی می‌تواند قربانیان را از انزوا بیرون بکشد؛ رژیم‌های متجاوز غالباً سطوحی از پنهانکاری را حفظ می‌کنند که قربانیان در نیابند که همسایگان ایشان نیز در رنج و عذابند. در بهترین حالت، تاکتیک حقیقت‌گویی، تمامی جمعیت، یا دست‌کم بخش عظیمی از آن را درگیر می‌کند و هدف آن بیشتر ترغیب به التیام بخشی است تا تفرقه‌انگیزی.

هیئت‌های حقیقت‌یاب یکی از انواع تاکتیک‌های حقیقت‌گویی است که دولت‌ها برای شروع آشتی آن را به خدمت می‌گیرند. وظایف و اختیارات آنان، که خطوط اصلی هدف و اقتدارشان را معین می‌سازد، نوعاً به وسیله قوه‌ی مقننه و یا قوه‌ی مجریه کشور تعیین می‌گردد. در آفریقای جنوبی، با پایان گرفتن تبعیض نژادی، تصمیمی استراتژیک مبنی بر به راه انداختن یک کمیسیون حقیقت یابی به جای برگزاری ساده محاکمات مقصران و مرتکبان تجاوزات فاحش به حقوق بشر و مجازات آنان، اتخاذ شد. کمیسیون حقیقت‌یاب و آشتی ملی به وسیله پارلمان ایجاد گردید. با این وظیفه و اختیار که تصویری در حد ممکن کامل از طبیعت، علل و دامنه تجاوزات فاحش به حقوق بشر را که از سوی همه طرف‌های درگیر در اختلاف در فاصله زمانی یکم مارس ۱۹۶۰ تا ۱۰ مه ۱۹۹۴ صورت گرفته است تعیین نماید.

«کمیسیون حقیقت‌یاب و آشتی آفریقای جنوبی» یا «تی. آر. سی.» (TRC) در سال ۱۹۹۵ پس از یک دوره بحث و گفت و‌گوی عمومی از طرف مجلس ملی قانونگذاری تاسیس شد. وظیفه آن این بود که اطلاعات مربوط به نقض فاحش حقوق بشر را که از طرف تشکیلات مختلف دولتی و یا به دست مخالفان مسلح در دوره‌ی آپارتاید صورت گرفته بود، گردآورد؛ با این هدف که این امر یگانگی و آشتی ملی را تقویت کند و ارتقا بخشد. از کمیسیون انتظار می‌رفت، پیشنهادهایی نیز برای اصلاحات سیاسی به منظور پیشگیری از تجاوزات آتی عرضه نماید. افزون بر نشست‌های مربوط به بخشودگی و حقوق بشر، نشست‌های ویژه‌ای نیز به رنج‌ها و مصایب زنان و کودکان در اثر تجاوزات اختصاص یافت. نشست‌هایی نیز به بررسی مسایل دیگری مانند نقش گروه‌های مذهبی، نهادهای پزشکی، بخش قضایی، گروه‌های کسب و کار و سایر سازمان‌هایی که با عمل و یا با بی‌عملی‌شان در تجاوز به حقوق مشارکت کرده بودند، پرداختند. نشست‌های دادرسی و گفت‌وگوها در سرتاسر کشور صورت می‌گرفت و رسانه‌ها بریده‌هایی از آن‌ها را نشان می‌دادند و یا به صورت زنده آن‌ها را پخش می‌کردند. همه رسانه‌ها در طول مدت کار کمیسیون به طور گسترده‌ای اخبار مربوط به تی. آر. سی. را منتشر می‌ساختند.

بیست و سه هزار قربانی شهادت دادند. به منظورآسان‌تر کردن هرچه بیشتر این روند برای قربانیان، تی. آر. سی. دست به استفاده از خدمات شاهدان و صاحبان اطلاعات زد (که در نوع خود تاکتیکی در خور توجه است!) که از میان حرفه‌های مراقبت‌گرایانه –مانند کشیشان، مددکاران اجتماعی، پرستاران و نظایر آن – برگزیده می‌شدند. و نیز قبل، در طول و پس از جریان، به قربانیان پیشنهاد کمک و حمایت می‌داد. مطلعان درباره فرآیند و ساختار کمیسیون، آموزش عمیق و کامل می‌دیدند.

یکی از جنبه‌های منحصر به فرد اختیارات کمیسیون عفو مشروط مرتکبان تجاوز به حقوق بشر بود که اگر داوطلبانه می‌آمدند و به تفصیل به اعمالی که کرده بودند اعتراف می‌کردند مشمول عفو قرار می‌گرفتند. ملاک عفو علاوه بر افشای جنایات، پذیرش این امر نیز بشمار می‌آمد که انجام این اعمال با انگیزه‌ی سیاسی بوده است. این عفو مشروط سیاستی بود که پیش از این در کمیسیون‌های حقیقت‌یاب با چنین اهمیتی زیادی سابقه نداشت و نتیجه‌ای که به بار آورد این بود که اعترافات عمومی مفصلی صورت گرفت که از بسیاری جنایات بدآوازه دوره‌ی آپارتاید پرده برداشت، از جمله قتل استیون بیکو(Steven Biko) فعال سیاسی. عفو برای کسانی که می‌آمدند و شهادت می‌دادند تضمین شده نبود، با اینهمه مراحل پیگرد و تعقیب کیفری کسانی که مشمول عفو قرار نگرفته بودند و یا برای شهادت دادن حاضر نشده بودند، به مرحله اجرا گذاشته نشد.

گزارش کمیسیون حقیقت‌یاب و آشتی بین سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۲ در هفت جلد منتشر شد. با وجود این که هنوز برای دیدن اثر درازمدت این تلاش‌ها زمان باقی است، برخی از دستاوردهای بی‌واسطه و فوری گزارش که شامل توصیه‌هایی در مورد چگونگی پیشگیری از وقوع تجاوزات آتی است، بر دولت جدید تأثیر نهاده است، و مجموعه‌ای از اسناد و مدارک مسلم تجاوز به حقوق بشر را در دوره‌ی آپارتاید گرد آورده است. مهم است که در نظر داشته باشیم «تی. آر. سی.» به همه‌ی آنچه انتظار می‌داشت دست نیافته است. به‌رغم این که فرآیند کار این اجازه را می‌دهد و کشور به مبارزه در زمینه‌ی جبران خسارت‌ها ادامه می‌دهد؛ هیچ یک از تجاوزگرانی که از شهادت دادن سرباز زدند، تا کنون تحت پیگرد قرار نگرفته‌اند.

در مورد استفاده از شاهدان و مطلعان در داخل کمیسیون، به بخش ابزارهای عملی(Tools for Action) این تارنما: www.newtactics.org مراجعه و در باره‌ی آن بیشتر بخوانید.

کمیسیون‌های حقیقت‌یاب در چندین کشور و در وضعیت‌های گوناگون، با وظایف و اختیارات و نتایجی متنوع تشکیل شده است. به برخی قدرت حضور و شهادت در دادگاه بخشیده شده است، در حالی که بسیاری دیگر هیچگونه ابزار مهم قضایی در اختیار ندارند. بعضی‌شان گفت‌وگوهای باز و حتی تلویزیونی برگزار می‌کنند و بعضی دیگر تقریباً به طور کامل پشت درهای بسته به کار می پردازند. برخی از کمیسیون‌ها برای قربانیان نجات یافته، کمک‌های مالی و یا انواع دیگر جبران خسارات پیشنهاد می‌کنند و در تلاش برای جلوگیری از تجاوزات آتی به حقوق بشر، از بسیاری‌شان تقاضا شده است تا توصیه‌هایی اساسی را به منظور ایجاد تغییر در ساختارهای سیاسی، نظامی و پلیس یا نظام قضایی و یا در قلمروهای اجتماعی و آموزشی مطرح سازند.

گلندا ویلدزشتوت، یکی از اعضای سابق کمیسیون حقیقت‌یاب و آشتی آفریقای جنوبی، می‌نویسد که کمیسیون تحت برخی از محدودیت‌ها عمل می‌کرده است. از آن میان می توان به این موارد اشاره کرد:

«تی. آر. سی.» فقط به تجاوزات فاحش و آشکار به حقوق بشر رسیدگی می‌کرده است. قربانیان کوچ‌های اجباری، مصادره زمین، قانون ازدواج‌های مختلط و تعداد زیادی از قوانین دیگر نمی‌توانستند از «تی. آر. سی.» تقاضای توجه و رسیدگی داشته باشند.

وظیفه‌ی کمیته‌ی جبران خسارات «تی. آر. سی.»، فقط این بود که به پارلمان توصیه‌هایی در زمینه سیاست‌ها بدهد، در حالی که کمیته‌ی عفو این قدرت را دارا بود که بی‌واسطه و فوری اعطای بخشودگی و عفو بنماید.

«تی. آر. سی.» مجبور بود یک دوره ۳۴ ساله را – از ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۴ – فقط در ظرف مدت سه سال کار پوشش بدهد.

«تی. آر. سی.»، منابع بسیار کمی در اختیار داشت تا بتواند از نظر عاطفی و احساسی و حمایت‌های روانی به قربانیان کمک برساند.

این تاکتیک همچنان و هنوز بحث‌انگیز و مورد اختلاف است. بعضی بر این باورند که کمیسیون‌های حقیقت‌یاب بر درد و رنج مردم و احساس ناتوانی‌شان می‌افزایند؛ زیرا جنایات افشا و روشن می‌شوند بدون این که مرتکبان آن به مجاوزات برسند، و یا این که کمیسیون‌ها می‌توانند به عنوان جایگزینی برای اقدامات قانونی مورد سوء استفاده قرار گیرند. دیگران استدلال می‌کنند که جوامعی که عمیقاً دوپاره شده و شکاف برداشته‌اند، قادر نیستند در جهت پیگرد قانونی تجاوزگران، بدون از هم پاشیدن قدرت مرتکبان جنایات که در برابر تغییرات لازم دموکراتیک مقاومت می‌کنند، دست به اقدام زنند. اما کمیسیون‌های حقیقت‌یاب می‌توانند به عنوان بخشی از یک استراتژی بزرگ‌تر به کار گرفته شوند که هم در برگیرنده حقیقت‌گویی و کیفر دادن به متجاوزان باشد، و هم، چنان که در مورد آرژانتین تجربه شد، به ایجاد فضای سیاسی مورد نیازی کمک کند که در آن پیگردها آغاز گردند.

تاکتیک‌های نوین در

	تاکتیک‌های بازسازانه حقوق بشر
	یادآوری دوباره تجاوزات

تاکتیک‌های نوین در

	تاکتیک‌های بازسازانه حقوق بشر
	یادآوری دوباره تجاوزات

دادخواهی بین‌المللی جنایات جنگی: **برگزاری دادگاه‌های بین‌المللی به منظور بالا بردن آگاهی نسبت به جنایات جنسی در جنگ و طلب غرامت برای آن‌ها.**

شبکه‌ای در آسیا دادگاهی بین‌المللی ترتیب داده است تا خاطره تجاوزاتی را که ده‌ها سال پیش روی داده حفظ و طلب غرامت کند.

«شبکه خشونت علیه زنان در جنگ» (شبکه‌ی «واو»/VAWW-NET)، در ژاپن دادگاهی ایجاد کرده است که دادخواهی و اجرای عدالت را برای قربانیان جنایات در جنگ پی بگیرد و آن را رسماً به تأیید برساند. در نیمه‌ی نخست قرن بیستم، دولت ژاپن دست به ایجاد نوعی سیستم بردگی جنسی از طریق شبکه‌ای از روسپی‌خانه‌ها با عنوان «ایستگاه‌های آسایش‌بخش» زد که زیر نظر ارتش و نظامیان اداره و کنترل می‌شد. تخمین زده می‌شود که نزدیک به ۴۰۰ هزار تن از زنان و دختران وادار به ورود به این سیستم شده اند. نزدیک به ۵۰ سال است که این عمل وحشیانه و پلید زیر پرده‌ای از سکوت پنهان مانده است.

در سال ۱۹۹۸ شبکه‌ی «واو» پیشنهاد تأسیس دادگاه بین‌المللی رسیدگی به جنایات جنگی علیه زنان را مطرح کرد. یک کمیته ی سازماندهی بین‌المللی (آی. او. سی.)، مرکب از نمایندگان سازمان‌های غیر دولتی در کشورهای موطن قربانیان، ژاپن و جامعه‌ی بین‌المللی تشکیل شد. «آی. او. سی.»، اساسنامه‌ای فراهم آورد که نحوه‌ی کار و مقررات دادگاه را تعیین می‌کرد و آنچه را برای دعوی حقوقی و دادخواهی لازم بود تدارک دید و کار را در دسامبر سال ۲۰۰۰ در توکیو آغاز کرد. در این دادگاه، تیم‌های دادستانی از ده کشور، کیفر خواست‌هایی را از جمله اعلام جرم و نیز کیفرخواست مشترکی را از سوی کره شمالی و جنوبی تسلیم کرده بودند. یک هیئت چهار نفره‌ی داوری (مرکب از چهار قاضی) که از نظر حقوقی و جغرافیایی طیفی متعادل را تشکیل می‌دادند، دادرسی‌ها را اداره می‌کردند. دادگاه هم به شهادت‌های حضوری و ضبط شده بر روی ویدیوی بازماندگان، که به زبانی مودبانه‌تر «زنان آسایش بخش» خوانده می‌شدند، و هم نیز به شهادت‌های دو تن از سربازان سابق گوش سپرد. متخصصان نیز درباره‌ی ساختار نظامی ژاپن شهادت دادند. قاضیان مدارک رسمی، خاطرات، یادداشت‌های روزانه و نامه‌های حقوقی را باز نگریستند. سالن دادگاه در طول مدت دادرسی پر از تقریباً هزار تماشاچی و اعضای رسانه‌های بین‌المللی بود. دادگاه پس از سه روز یافته‌های اولیه‌اش در مورد واقعیات و نتایج قانونی را اعلام نمود و توصیه کرد خسارات جبران گردد.

دادگاه پرونده‌ای تاریخی را گشود و تثبیت کرد و نیز آگاهی جامعه‌ی بین‌المللی را نسبت به جنایات جنسی جنگی بسیار بالا برد. دولت ژاپن و شهروندان ژاپنی با همکاری هم، صندوق زنان آسیایی (ای. دبلیو. اف./AWF) را در سال ۱۹۹۵ پایه‌گذاری کردند، تا پوزش و ندامت‌شان را از آن چه گذشته است بیان کنند و به قربانیان غرامت بپردازند. با این که صندوق ۴۸۳ میلیون ین (در حدود ۴ میلیون دلار) برای قربانیان جمع‌آوری کرد، بسیاری از بازماندگان و حمایت‌کنندگان، «ای. دبلیو. اف.» را همچون ابزاری می‌نگرند که دولت ژاپن به وسیله آن می‌خواهد از پرداخت مستقیم غرامت سرباز بزند. برخی از قربانیان از پذیرش غرامت از سوی این صندوق خصوصی خودداری ورزیده‌اند.

این دادگاه سکوتی را شکست که ده‌ها سال بر این موضوع ممنوع در ژاپن سایه افکنده بود و خود این موضوع و چگونگی رویارویی با آن برای جامعه‌ی بین‌المللی مسئله‌ای بسیار دشوار بود. این امر توجه گسترده‌ی جهانی را به مصایب و رنج‌های «زنان آسایش‌بخش» جلب کرد و حتی موجب برانگیختن موج اهدای کمک‌های مالی خصوصی به قربانیان گردید. اما به هر روی، توفیق نیافت دولت ژاپن را به رعایت مسئولیت خود برای پرداخت مستقیم غرامت به قربانیان وادار کند.

دادگاهی از این نوع ممکن است خود صرفاً برای شکستن سکوت در زمینه سایر موضوعات، چه در ابعادی چنین بزرگ یا موضوعاتی در مقیاسی بسیار کوچک‌تر، به کار گرفته شود و یا تحرکی در جهت تلاش‌های بین‌المللی دیگری، همچون ایجاد یک صندوق حمایت مالی از قربانیان و یا به راه انداختن یک جنبش نیرومند بین‌المللی ایجاد کند.

جریان محاکمات نمایشی دیگری همانند این، همچنین می‌تواند بیرون از کشوری به کار گرفته شود که خشونت و بدرفتاری در آن جا روی می‌دهد. در ایالات متحده، مدافعان حقوق بشر در ایالت مینه سوتا یک محاکمه‌ی نمایشی را در مورد خمرهای سرخ ترتیب دادند که طی آن اعضای کامبوجیایی مقیم محل، درباره نسل‌کشی در کامبوج شهادت می‌دادند. این امر به کامبوجیایی‌ها فرصت می داد که داستان‌های خودشان را بازگو کنند و ساکنان محلی در ایالت مینه سوتا فرصت می‌یافتند. درباره مردمان جدیدی که به جمع آنان می‌پیوستند بیشتر بدانند و این که این تازه‌واردان چه تجربه های هولناکی را پشت سر نهاده‌اند. این دادگاه به عنوان بخشی از یک پروژه‌ی مربوط به یک برنامه ی تاریخ شفاهی ویدیویی به اجرا گذاشته شد که اکنون بخشی ثابت و دایمی از مجموعه ی مرکز تاریخی مینه سوتا به شمار می‌آید.

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر	تاکتیک‌های بازسازانه	تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر
یادآوری دوباره تجاوزات	یادآوری دوباره تجاوزات	

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر	
تواناسازی افراد و جوامع	تاکتیک‌های بازسازانه

تواناسازی افراد و جوامع

دور خشونت و تجاوز را با روش‌های سنتی حقوق بشری می‌توان شکست، اما نخست باید این را مد نظر

داشت که بدون توجه به آسیب‌های ناشی از سرکوب افراد و جامعه‌ی گسترده‌تری که آماج آن سرکوب‌ها قرار گرفته، محیط و فضایی

مسالمت‌آمیز هرگز احیا نخواهد شد. هدف تاکتیک‌های این بخش اینست که به افراد و جوامع صدمه دیده التیام بخشند و همچنین آغاز

انجام وظایف کاری بغرنجی به منظور تدارک یک رشته برنامه‌های مثبت است که راه پیشرفت آینده را هموار می‌سازند.

تجاوزی که به فرد آسیب جدی می‌رساند، خویشاوندان و جوامع را نیز جریحه‌دار می‌کند. تجاوز و خشونت حس اعتماد و ایمنی را نابود

می‌سازد و می‌تواند به وجهی نهادها و روابطی که به ما رخصت اتکا می‌دهند و نیز از به امر پشتیبانی از یکدیگر آسیب برساند. تجاوز

طولانی مدت و شکل‌هایِ گسترده آن – چه زیر نظام‌های جابرانه، چه در ادوار کشمکش‌های داخلی– می‌تواند به کوچ و آوارگی و

پناهجویی گروه‌های زیادی بیانجامد و حتی در جوامعی که از نظر فیزیکی صدمه ناخورده باقی می‌مانند، به نابودی روحی و روانی آنان

منجر شود.

تاکتیک‌هایی که در پی خواهند آمد، راه‌ها و رویه‌های نوآورانه بازسازی گروه‌ها و توان بخشی به افرادی را در بر می‌گیرد که زندگی‌شان

از تجاوز آسیب دیده است. این تاکتیک‌ها شامل مداخله‌های کاملاً مدرن روان‌درمانی و فنون جدید احیای سلامت روانی است (هرچند

که شرح تفصیلی درمان‌های روان‌شناسانه خارج از حیطه اصلی این کتاب راهنماست) و غالباً با عناصری از راه و رسم های درمانی

فرهنگ‌های سنتی درهم آمیخته می‌شود. بسیار مهم است بدانیم که غالبِ این تاکتیک‌ها، اگر نه همه‌ی آن‌ها، متکی به حمایت‌هایی

است که از درون خود جوامع دریافت می‌کنند. گروهی و یا جامعه‌ای که در اثر نبرد و کشمکش یا نظامی جبار متلاشی شده، ممکن

است چنین بنماید که منابع و امکانات زیادی که بتواند بر آن تکیه کند در اختیار نداشته باشد. اما در کار بازسازی جوامع، شناختن و

توسل به منابع موجود داخلی، چه سنت‌های فرهنگی باشد چه مردمان کاردان و ظرفیت‌هایی که این جوامع آمادگی به کار گرفتن آن‌ها

را دارند، واجد اهمیتی اساسی است.

سه تاکتیک بعدی متمرکز بر جماعت‌هایی‌ست که به دلیل جنگ و کشمکش‌های داخلی، شکنجه و یا کوچ‌اجباری متلاشی شده اند.

گاهی، به‌ویژه در پی دوره‌های جنگ داخلی و زد و خوردهای قبیله‌ای، قربانیان و مرتکبان تجاوز مجبور بوده‌اند تا در همان جوامع و در

کنارهم به بازسازی زندگی خویش بپردازند. با این‌که ممکن است طبیعی به نظر رسد که نیازمندی‌های قربانیان در مرکز توجه قرار

بگیرد و به مرتکبان تجاوزات به چشم شیطان صفتان نگریسته شود، اما کار با تجاوزگران می‌تواند به برآوردن نیازهای این جوامع یاری

بسیار برساند.

از پناهندگی تا کار کمک روان‌درمانی: آموزش فشرده به منظور ایجاد توانایی‌های محلی برای ارایه خدمات روان‌درمانی در زمینه ی

ضربه و آسیب روحی

دکتر کیم

«مرکز قربانیان شکنجه» یا «سی. وی. تی./ CVT» که هماهنگی پروژه تاکتیک‌های نوین حقوق بشر و انتشار این کتاب را به‌عهده دارد، کمک می‌کند تا جوامعی که بخش‌های مهمی از جمعیت آن از شکنجه یا از ضربات جنگ صدمه دیده‌اند و مجبور به ترک خانه و موطن خود شده‌اند، بازسازی شوند.

«مرکز قربانیان شکنجه» پناهندگان را در گینه و سیرالئون به عنوان هم‌رتبه‌ی مشاوران، آموزش می‌دهد. پناهندگان خود به تأمین خدمات روان‌درمانی برای سایر کسانی می‌پردازند که از شکنجه و ضربات روحی ناشی از جنگ، آسیب دیده‌اند. با افزایش شمار این افراد، «مرکز قربانیان شکنجه» می‌تواند کادر صلاحیت‌داری با کمک کارشناسان شبه حرفه‌ای در امر خدمات روان‌درمانی در اجتماعاتی فراهم آورد که پیش از این فاقد چنین نهادهایی بوده‌اند. این کمک روان‌درمان‌ها، بسیاری از کارهای متخصصان را در چهارچوب یک نظام سرپرستی و نظارتی انجام می‌دهند.

جنگ‌ها و کارزارهای داخلی در آفریقای غربی چنان حجم عظیمی از جمعیت را گرفتار کرده و آن‌چنان جمعیتی را به اردوگاه های پناهندگی رانده است که برای یک سازمان بین‌المللی مثل «مرکز قربانیان شکنجه» میسر نبود به میزان نیاز در امر خدمات روان‌درمانی نیروی کار فراهم آورد. درعرض، «مرکز قربانیان شکنجه» بر آن شد تا به نیروی انسانی داخل اردوگاه‌ها اتکا کند و سرانجام ۱۲۰ پناهنده را به عنوان هم‌رتبه‌ی مشاوران یا ماموران خدمات روان‌اجتماعی در اردوگاه‌های گینه و سیرالئون انتخاب کرد و به استخدام درآورد.

اردوگاه‌های پناهندگی، به کار تعداد کثیری از بازماندگان نیازمند رسیدگی و کمک می‌کنند و نیز محل مناسبی برای نظارت از نزدیک و دادن آموزش‌هایی که برای کمک به بازماندگان شکنجه ضرورت دارد هستند. بسیاری این ماموران خدمات روان‌اجتماعی چهار سال پیوسته و تحت نظارت روزانه، آموزش می‌بینند پیش از آنکه این برنامه به محل وقوع آن فجایع انتقال یابد و به‌کار افتد.

کارآموزی فشرده با الگوی ماموران خدمات روان‌اجتماعی، روان‌درمانی غربی را با دانش و استنباط محلی از چگونگی درمان ضربات و ضایعات روحی به‌هم می‌آمیزد. برنامه با یک دوره‌ی دو هفته‌ای کارآموزی شروع شده و با دوره‌های آموزشی یک روز کامل در هر ماه و هفت روز در هر چهار ماه دنبال می‌شود. این دوره‌های آموزشی بر نظریه‌ی ضربات عاطفی و روحی، روانشناسی عمومی، مشاوره، و مهارت‌های ارتباطی تأکید دارد. روانشناسان «مرکز قربانیان شکنجه» و مددکاران اجتماعی که هر روز در اردوگاه‌ها کار می‌کنند، نمونه‌های رفتاری را به آن‌ها آموزش می‌دهند و به ماموران خدمات روان‌اجتماعی کمک می‌کنند تا مهارت‌های خود را به‌کار ببرند. در طی کار، ماموران خدمات روان‌اجتماعی، ده هفته شیوه‌ی عمل و کمک متخصصان روان‌درمانی به گروه‌های روان‌درمان گر را نظاره می‌کنند، ده هفته مشترکاً با آن‌ها همکاری کرده و ده هفته نیز اداره‌ی کارها را با نظارت‌های گه‌گاهی مستقلاً به خود آن ها واگذار می‌کنند. ماموران خدمات روان‌اجتماعی با پایان گرفتن دوره‌ی کارآموزی‌شان در تشخیص آسیب‌های روانی و تسهیل کار بهبود ضایعات عاطفی و روحی و ارزیابی طرح‌ها، کارآموده می‌شوند. آن‌ها هم‌چنین در تسهیل کارهای گروه و ایفای نقش ارتباطی موثر در فعالیت‌های آن کسب مهارت می‌نمایند.

در این باره، به بخش ابرازهای عملی(Tools for Action) این تارنما: www.newtactics.org مراجعه و در باره‌ی آن بیشتر آنالین بخوانید.

«مرکز قربانیان شکنجه» اساساً از این تاکتیک برای کمک به جوامع به منظور کمک به مداوای خود استفاده می‌کند. پناهندگانی که به عنوان «ماموران خدمات روان‌اجتماعی» آموزش داده می‌شوند، با آموختن مهارت‌های تازه به توانایی‌های جدیدی دست می‌یابند و قادر به انجام خدمات موثرتری به گروه و جامعه‌ی خود می‌شوند. مردمی که این کارگزاران به آنان خدمت می‌کنند، می‌بینند کسی که به آنان خدمت می‌کند، بیگانه نیست، بلکه از خود آن‌ها است و در مقام و موضعی‌است که می‌تواند به آن‌ها کمک کند. و در همان حال،

مردمی که در اردوگاه‌ها هستند از خدمات

روان‌درمانی مورد نیازشان برخوردار می‌شوند.

با اینکه این تاکتیک در مورد کمک به قربانیان شکنجه و آسیب دیدگان روحی و عاطفی از جنگ به‌کار رفته است، چه بسا بتواند در کمک به دیگر جمعیت‌هایی که شمار بسیاری از مردم قربانی خشونت و تجاوز بوده‌اند، مورد استفاده قرار گیرد.

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر	
تواناسازی افراد و جوامع	تاکتیک‌های بازسازانه

تاکتیک

خوشامدگویی به سربازان خردسال در بازگشت به خانه: تلفیق شگردهای درمان سنتی و غربی برای بازگنجاندن سربازان خردسال در جوامع پیشین آنان.

سربازان خردسال خود از قربانیان‌اند، ولی غالباً جزو متجاوزان نیز هستند. شماری از آنان را به دست یازیدن به جنایت‌های فجیعی علیه مردم خود و خویشاوندان‌شان واداشته‌اند. این وضع نه تنها ضایعات روانی دهشتناکی را بر خود آنان وارد می‌کند، بلکه برای خانواده و جماعتی نیز که به آن تعلق دارند بسیار مشکل است که دوباره آن‌ها را بپذیرند و به خود راه دهند. در موزامبیک، یک گروه تاکتیکی راهی به کار بسته است که به همکاری و اعتماد بسیار بین سربازان خردسال، اهالی منطقه و رهبران سنتی و درمانگران بومی نیازمند است؛ و با حمایت از پیوستن دوباره کودکان به جامعه‌ی که به آن تعلق داشته‌اند، به فرآیند اعتماد بخشی عمومی کمک می‌کند.

«رِکُوسترواینْد اَ اسپِرِاسا / Reconstruindo a Espernça » یا گروه «بازسازی امید»، در موزامبیک، برای بازپذیری و ادغام دوباره سربازان سابق خردسال، شفابخشی سنتی و روانشناسی غربی را تلفیق کرد. در جنگ ویرانگر داخلی موزامبیک، در هر دو سو، هزاران کودک سرباز به‌کار گرفته شده بودند. روانشناسی به نام لوکرسیا وامبا (Lucrecia Wamba)، از همین گروه «بازسازی امید» می‌گوید: «سربازان خردسال در وحشت تصورناپذیری به سر می‌بردند و به این تجربه‌ها از ورای سیستم و دستگاه فرهنگی و اعتقادی جوامع خود می‌نگریستند. مداوا و علاج آنان نیز، برای آن که هم توان‌بخشی فردی و هم بازپذیری و حل شدن در جمع امکان‌پذیر شود، بایستی از همین منظر نگریسته شود.» سازمان متوجه شد که روش‌های شفابخشی سنتی و روانشناسی فردی غربی هیچ یک به تنهایی برای پاسخ‌گویی به نیازهای کودکان یا این جوامع کفایت نمی‌کند.

گروه «بازسازی امید» نخست به پژوهشی پرداخت تا جوامعی را که با مشکلات پذیرش سربازان خردسال بازآمده از جنگ روبرو هستند بهتر بشناسد و از نیروها و منابع اجتماعی این جوامع شناخت دقیق‌تری پیدا کند. روانشناسان «بازسازی امید» با تشخیص این مطلب که هنگام احتیاج به کمک، نخستین مرجع مردم درمانگران و شفابخشان سنتی‌شان هستند، به جلب حمایت رهبران محلی برای برقرار کردن ارتباط با شفابخشان پرداختند.

روانشناسان، نقش موثری را که شفابخشی سنتی در آشتی و بازپذیری کودکان در بین این جوامع ایفا می‌کند آزمودند و به خانواده ها مراجعه کردند تا از نیازهای کودکان اطلاع حاصل کنند. در آغاز کار، خانواده‌ها از ترس آن که دیگر بار فرزندان‌شان را از آن‌ها جدا کنند و ببرند، از اعتماد به بیگانگان اکراه داشتند. روانشناسان به رؤسای محلی نیز مراجعه کردند و پی‌آمدهای ضربه روحی را شرح دادند، و از آنان پرسیدند که آیا چنین نشانه‌های خاصی را در بین کودکان باز آمده از جنگ می‌بینند و آیا قادر به حل و رفع این مشکلات هستند؟ آن گاه که رؤسای محلی تشخیص دادند که این مشکلات همچنان باقی هستند و ادامه دارند، روانشناسان همکاری دوشادوش با شفابخشان سنتی را پیشنهاد کردند.

رؤسای محلی برای تشویق همکاری، روانشناسان را در ملاقات با شفابخشان سنتی همراهی کردند. روانشناسان و شفابخشان سنتی پی‌بردند که روش‌هایشان می‌تواند مکمل هم باشد. برای ایجاد اعتماد در بین مردم محلی، گروه «بازسازی امید» همچنین به همکاری با آن‌ها نیاز داشت تا اولویت‌های مادی را معین کنند و کمک‌های مادی به دست آورند و در نهایت جماعت را با منابعی مانند مسکن، آموزش و وسایل کشت و کار پیوند دهند.

حاصل کار برای شفابخشی و درمانگری، رویکردی یکپارچه بود که طی آن شفابخشان و روانشناسان رابطه‌ای همکاریانه برقرار ساختند و کودکان را برای کسب بهترین نتیجه ممکن به یکدیگر رجوع می‌دادند.

در این باره، به بخش ابزارهای عملی(Tools for Action) این تارنما: www.newtactics.org مراجعه و در باره‌ی آن بیشتر بخوانید.

سربازان خردسال پیشین، جوامع را با مسایل پیچیده‌ای رو برو می‌سازند که متأسفانه منحصر به موزامبیک نیست. این تاکتیک ممکن است در جوامعی که در کار سر و سامان دادن به بازماندگان جنگ هستند، کاربرد داشته باشد. جوامعی که در آن رؤسا و درمانگران سنتی قادرند نقش موثری ایفا کنند و در آنها، قربانی تجاوز و متجاوز نیازمند تا با هم زندگی کنند. یک گروه برای مداوا و درمان، باید بر این فرض و انگاشت غلبه کند که مرتکبان خشونت و بدرفتاری شیاطینی هستند که نمی‌توانند در هیچ شکل مثبت یا هدفمندی به جامعه بازگردانده شوند. منابع کم و اندک مادی، کاریست این تاکتیک را مشکل می‌سازد، به ویژه چنانچه اهالی آن جامعه احساس کنند

برای ملاقات با هر درمانگری، خاتون اول جماعت ما را همیشه همراهی می‌کرد.

او راه‌گشای ما به خانه‌ی درمانگران بود. در شرح میل و اشتیاق ما برای کمک، نخست او سخن می‌گفت. او می‌گفت: «این‌ها پزشک هستند و برای کمک به این جا آمده‌اند. من آن‌ها را برای این پیش شما آورده‌ام، چون فکر می‌کنم این‌ها می‌خواهند چیزی به ما عرضه کنند.» سپس درمانگران به ما گفتند که برای

» «

حلقه‌های آشتی‌دهنده: درگیر ساختن اجتماع در تعیین محکومیت متجاوزان و کمک در بازگرداندن آنان به زندگی عادی.

تاکتیک

این بعید می‌نماید که قربانیان و خلافکاران فرصت هم‌نشینی با هم را بیابند و از یک جنایت آن گونه سخن بگویند که به جوامع این امکان را بدهد تا هم در درمان و هم در جلوگیری از تخلفات آتی کمک کنند. در ایالات متحده و کانادا، بار دیگر سنتی را که طی قرن‌ها کارساز بوده برای رسیدگی به مسایل دادجویی معاصر اقتباس کرده‌اند.

«حلقه‌های آشتی‌دهنده» از حلقه‌ی آیین و تشریفات و ساختارِ سنتی برای ایجاد فضایی احترام برانگیز استفاده می‌کنند که در آن تمام اعضای علاقمند گروه — همچون قربانی تجاوز، هواداران او، تجاوزگر، حامیان او، قاضی، دادستان، وکلای مدافع، پلیس و کارکنان دادگاه — می‌توانند با کوششی مشترک برای فهم جرمی که واقع شده، و شناختن آن چه برای درمان و تسلا‌ی همه طرف‌های درگیر لازم است و پیش‌گیری از پیشامدهای آتی، بی‌پرده سخن بگویند. این حلقه‌ها بر اساس سنت حلقه‌های گفت‌وشنود معمول در میان مردمان بومی آمریکای شمالی تشکیل می‌شود که در آن شئی که «قطعه‌ی سخنگو» نامیده می‌شود، در محفل دست به دست می‌شود و گفت‌وگو را نظم و سازمان می‌دهد.

«حلقه‌های آشتی‌دهنده» فرایندی است که زیر نظر اهالی محل و با حمایت و همکاری نظام دادرسی کیفری شکل می‌گیرد. طرز کار این حلقه‌ها به طور معمول چند مرحله‌ای است که شامل این اجزاست: درخواست رسیدگی خلاف‌کار در حلقه‌ی آشتی دهنده، تشکیل یک حلقه‌ی درمانی برای قربانی، تشکیل یک حلقه‌ی درمانی برای خلاف‌کار، حلقه‌ی تعیین محکومیت در جهت ایجاد توافق درباره ی عناصر موافقتنامه، صدور حکم محکومیت و حلقه‌های پیگیری به منظور نظارت بر پیشرفت و بهبود خلاف‌کار. برنامه‌ی صدور حکم محکومیت ممکن است مستلزم قبول تعهداتی از طرف جامعه مورد نظر، اعضای خانواده و همچنین خود خلاف‌کار باشد.

در مدت تجمع‌های حلقه‌ای، شرکت‌کنندگان دایره‌وار گرداگرد هم می‌نشینند بی‌آنکه میزی یا مبلمان دیگری در کار باشد. کار حلقه‌ها توسط «حلقه‌داران / keepers» که غالباً از اعضای تعلیم یافته‌ی همان جامعه مورد نظر هستند، گردانده می‌شود که وظیفه دارند فضایی احترام‌آمیز و امیدبخش بیافرینند که هر شرکت‌کننده‌ای در آن احساس عزت و احترام و دلگرمی نماید. شرکت‌کنندگان فقط وقتی می‌توانند صحبت کنند که «قطعه‌ی سخنگو» را در اختیار دارند که در جهت گردش عقربه‌ی ساعت در حلقه دست به دست می‌شود تا فرصت صحبت به هر شرکت کننده‌ای داده شود. از آنجا که «قطعه‌ی سخنگو» تعیین می‌کند که چه شخصی باید صحبت کند و چه اشخاصی باید گوش بدهند، این شی، نقش حلقه‌دار را کاهش داده و از قطع صحبت جلوگیری می‌کند. این قطعه در عین حال امکان و فضایی برای طرح عقاید شرکت‌کنندگانی که مشارکت در جریان گفت‌وگوهای متعارف برای‌شان مشکل است ایجاد می‌کند. هر شرکت‌کننده‌ای تشویق می‌شود که مطالبی برای فهم بهتر مشکل به گفت‌وگوها بیافزاید و چاره‌هایی برای حل مشکل پیشنهاد کند.

جریان کار دادرسی ممکن است مستلزم حلقه‌های جداگانه برای قربانی و خلاف‌کار باشد، که طی آن، شرکت‌کنندگان یک برنامه ی اجرایی برای رسیدگی به مسایلی که در طول دادرسی مطرح شده، معین می‌کنند. حلقه ممکن است با توافق، محکومیت خلاف‌کار را مشخص کند و همچنین امکان دارد از اعضا آن جامعه و مقامات دادگستری بخواهد تا تعهدات مشروطی را تصریح و قید کنند. پس از جریان کار حلقه، تماس و بررسی‌های منظم برای ارزیابی از پیشرفت کار به عمل می‌آید و با تغییر شرایط توافق‌ها تعدیل می‌شود.

«حلقه‌های آشتی‌دهنده» راه و رویه‌ای است که در آن مردم با دیدگاه‌های بسیار متفاوت می‌توانند گردهم آیند و ضمن ایجاد فضایی که حضور و شان هر شرکت‌کننده‌ای را محترم می‌دارد، صحبت‌هایی را درباره اختلاف و درد و خشم‌شان که طرح آن به طور عادی مشکل است داشته باشند. علاوه بر حمایت از قربانیان و کمک به خلافکاران برای تغییر مشی زندگی‌شان «حلقه‌های آشتی‌دهنده» را همچنین می‌توان برای طراحی برنامه‌های حل اختلاف خانواده‌های بحران زده، رفع ستیزه و برخورد در مدرسه‌ها و در محل کار و پیوند زدن و پر کردن شکاف میان فرهنگ‌ها و نسل‌ها به‌کار گرفت.

کاربرد روش «حلقه‌ها» برای همه خلاف‌کاران مناسب نیست. رابطه‌ی خلاف‌کار با جامعه‌ی خود، صمیمیت و ذات کوشش‌های خلاف‌کار در به‌سودایی، ازخودگذشتگی قربانیان و میزان تعهدپذیری حامیان خلاف‌کار در این که این مسئله برای دادرسی از راه «حلقه‌های آشتی‌دهنده» مناسب باشد، تعیین

کننده‌است. از آن جایی که جوامع از نظر سلامتی و ظرفیت‌شان برای رویارویی سازنده با اختلافات و برخوردها با یکدیگر متفاوت‌اند، نظام دادرسی رسمی برای حمایت از قربانی و خلاف‌کار(هردو) در برابر عکس‌العمل‌های نادرست جماعت و یا عدم توازن قوای طرفین در جریان صدور حکم در محاکمه شرکت می‌جوید.

— کی پرائس، *حلقه‌آموز، ایالات متحده*

— لوکرسیا وامبا،

گروه «بازسازی امید»، موزامبیک

تاکتیک‌های نوین در

تاکتیک‌های بازسازانه

حقوق بشر

تواناسازی افراد و جوامع

تاکتیک

شرح دادن داستان و سرگذشت خود بر روی اینترنت: ایجاد یک پایگاه بر روی اینترنت برای سربازان سابق خردسال به منظور بازگویی سرگذشت‌هاشان و فراگیری مهارت‌های جدید.

سربازان سابق خردسال در یک کارگاه آموزشی در یک مرکز درمانی در ایالت کالیفرنیا، آمریکا.

تکنولوژی‌های جدید برای آگاهی‌رسانی درباره تجاوزات به حقوق بشر فرصت‌ها و امکانات وسیعی فراهم می‌کند.

«پروژه‌ی سرباز خردسال شبکه‌ی چاره‌یابی و آموزش بین‌المللی» Child Soldier Project of the International Education and Resouce Network در سیرالئون تارنمایی ایجاد کرده است که در آن سربازان سابق خردسال می‌توانند سرگذشت‌های خود را با دیگران در میان بگذارند. این تارنما: **ww.newtactics.org** در برگیرنده مقاله‌ها، شعرها، کارها هنری و صدای سربازان سابق خردسال است و تریبونی نیز برای بحث و گفت‌وگوی مستقیم آنلاین فراهم آورده است.

«پروژه‌ی سرباز خردسال شبکه‌ی چاره‌یابی و آموزش بین‌المللی» در سیرالئون به بازدید از مدارس و بیمارستان‌ها و اردوگاه‌ها می رود، اطلاعیه‌های رادیویی پخش می‌کند و به چاپ مقاله در روزنامه‌ها دست می‌زند تا سربازان سابق خردسال را از وجود این پروژه مطلع سازد. شرکت‌کنندگان در این پروژه در ضمن خواندن و نوشتن می‌آموزند و مقدمات کار با نرم افزار وُرد و مهارت‌های دیگر برای کار با رایانه را فرا می‌گیرند. آن‌ها همچنین از مشاورت پرستاران و روانشناسان داوطلب درباره‌ی ضربه‌های روانی عاطفی برخوردار می‌شوند.

بعد از فراگرفتن کار با کامپیوتر، شرکت‌کنندگان برای در میان گذاشتن افکار و تجربه‌های خود تارنمای شبکه را به‌کار می‌برند. مردم بسیاری در سراسر دنیا با دیدن نمایشگاه‌های بسیار از نقل و حکایت، طراحی و صدا در این تارنما، به پشتیبانی و همبستگی برانگیخته شده‌اند. در این تارنمای اینترنتی تریبون آزاد و دوسویه‌ای به شرکت‌کنندگان امکان می‌دهد تا با دیگر سربازان سابق خردسال و سایرین به بحث و گفت‌وگو بپردازند. شرکت‌کنندگان اعتماد به نفس پیدا کرده و مهارت‌هایی پیدا می‌کنند که به دست آوردن جایگاهی را در جامعه برای‌شان آسان‌تر می‌کند. تا این تاریخ، ۲۰۰ سرباز سابق خردسال در این پروژه شرکت کرده‌اند.

این تاکتیک، برای کمک به گروه‌های پراکنده قربانیان در جهت مبادله سرگذشت‌های‌شان و برقراری پیوند و ارتباط با یکدیگر از اینترنت استفاده می‌کند که ضمناً می‌تواند در موارد دیگری نیز که قربانیان تجاوز پراکنده‌اند یا اقلیت‌هایی که آماج تعرض قرار گرفته‌اند (برای مثال معلولین، یا دگرباشان جنسی) و نمی‌توانند به راحتی در مورد تجربه‌های‌شان در جوامع خود حرف بزنند، به‌کار آید.

این تاکتیک بدون شک نیاز به زیربنای فنی مناسب دارد اما با اجرای موفقیت‌آمیز آن در سیرالئون، از تهی دست‌ترین کشورهای جهان که در اثر جنگ ویران شده است، «پروژه‌ی سرباز خردسال شبکه‌ی چاره‌یابی و آموزش بین‌المللی» ثابت کرده است که می‌توان بر این سد و مانع چیره شد.

کودکی که در اردوگاه تابستانی تابستانه در ایالت کالیفرنیا، آمریکا، در حال بازی با یک توپ فوتبال است.

» «

کودکان، که شماری از آنان در زمینه‌های گوناگون هنری صاحب استعداداند، قادرند که استعدادهای خود را بار دیگر کشف کنند، چیزی که باعث می شود بپذیرند و باور بیاورند که می‌توانند زندگی خود را بهبود بخشند. ترانه‌ها، آثار هنری و موسیقی‌شان هم‌چنین عکس‌العمل‌های موافق بیشماری که از هم‌سالان خودشان دریافت می‌کنند وسیله‌ای برای اجتماعی عادلانه‌تر و تغییر مثبت می‌شود.

سربازان سابق خردسال در یک کارگاه آموزشی در یک مرکز درمانی در ایالت کالیفرنیا، آمریکا.

— آندرو پنسن گرین، سربازان خردسال،

سیرالئون

امیدبخشی به کودکان: سازمان دادن اردوگاه‌های تابستانی، تسکینی موقت برای دور شدن کودکان از خشونت.

کودکان سابق خردسال در یک کارگاه آموزشی در یک مرکز درمانی در ایالت کالیفرنیا، آمریکا.

در کناره‌ی باختری رود اردن، یک گروه با فراهم آوردن امکان تماس میان کودکان در محیطی آرام، به مسئله آسیب‌های روانی در میان کودکان در منطقه‌ی تحت اشغال می‌پردازد.

« مرکز درمان و توان‌بخشی قربانیان شکنجه» (تی. آر. سی./TRC) در رام‌الله، در کناره‌ی باختری، یک اردوگاه تابستانی رایگان برای توان‌بخشی به کودکان صدمه دیده روحی و عاطفی سازمان داده است. اردوگاه به کودکان در مساعدت به یکدیگر و مبارزه با شوک روحی و ترس‌شان با ارایه فعالیت‌های تفریحی، هنری و توان‌بخشی یاری می‌رساند.

ارتش اسرائیل کناره باختری را از ۱۹۶۷ اشغال کرده و خشونت بی‌وقفه در ناحیه از نظر روانی تمام جمعیت فلسطینی را تحت تأثیر قرار داده و مولد فرهنگی شده است که خشونت بر آن غلبه دارد. بیشتر کودکانی که تحت وضعیتی ظالمانه و آکنده از اضطراب، در کناره باختری زاده شده‌اند شاهد فجایع فراوان بوده‌اند.

«تی. آر. سی.» اردوگاه تابستانی را برای رفع برخی از مصایبی که این کودکان دیده‌اند و ساختن فضایی برای معالجات توان‌بخشانه آنان تأسیس کرده است. «تی. آر. سی.» اردوگاه‌ها را در دهکده‌های نزدیک، در اردوگاه‌های پناهندگان و در میان مُراجعان خود ترویج می‌کند. بیشتر کودکانی که انتخاب شده‌اند (حدود ۶۰-۷۰) در معرض ضربه‌های عاطفی و روانی سخت قرار داشته‌اند، بسیاری از آنان شاهد مرگ یا شکنجه‌ی اعضا خانواده‌ی خود بوده‌اند، و از اضطراب و افسردگی و حس تنهایی رنج می‌برند.

اردوگاه تابستانی هر روز چهار تا پنج ساعت به مدت سه تا چهار هفته دایر است. وسایل رفت و آمد به اردوگاه پیش‌بینی شده و اغلب اردوگاه در محلی نزدیک به محل زندگی کودکان برپا می‌شود. کودکان شرکت کننده بر حسب سطح یا نوع آسیب دیدگی روانی گروه‌بندی می‌شوند. هر کودک همچنین به یک روانکاو، یک روانپزشک و یک مددکار اجتماعی دسترسی دارد. اولین و آخرین سه روز اقامت در اردوگاه به برنامه‌هایی از قبیل نقاشی و طراحی، امور هنری و ورزش اختصاص داده می‌شود. توجه در روزهای دیگر به کارهای گروهی از قبیل تحرکات پر جنب و جوش گروهی، مشاوره و راهنمایی، مداوا و تسکین از راه بازی و کارهای هنری معطوف است. به منظور ارزیابی تأثیر اردوگاه بر هر کودک، گزارش‌های پزشکی و رفتاری نیز تهیه می‌شود.

بر پایه‌ی فرم‌های تکمیل شده توسط پدر و مادرها و مشاوران، بسیاری از کودکان با علایم تشویش کمتر و نیز رفتار همراه با خشونت کمتر و شکوفایی بیشتر اردوگاه را پشت سر می‌گذارند و در جامعه خود بهتر جای می‌گیرند. در مدت اجرای برنامه های نقاشی از کودکان خواسته می‌شود تا محیط زندگی و یا امیدهای‌شان وآرزوهای‌شان را برای آینده نقش بزنند. بیشتر اوقات، اولین نقاشی ها تصویرهای سیاه و یا تیره رنگ‌است. نقاشی‌های نهایی به هرحال تفاوتی در گرایش‌ها و امید نسبت به آینده را نشان می‌دهد.

اردوگاه‌ها به کودکان فرصتی می‌دهند تا از خشونت زندگی روزمره خود بیرون بیابند و شیوه‌های متفاوتی را در سلوک با مشکل روانی خود، بی‌آنکه خود نیز به خشونت متوسل شوند کشف کنند. اردوگاه‌ها برای کودکان در ضمن فضای رهایی است، مأوایی تا همزمان با بهره‌مندی از خدمات توان‌بخشانه با کمک بازی و هنر امکان بیان و نشان دادن خود را نیز بیابند.

تاکتیک

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

تواناسازی افراد و جوامع

www.newtactics.org

۹۶

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

تواناسازی افراد و جوامع

۹۷

www.newtactics.org

مالکیت محلی تاریخ: مستندکردن شهادت شفاهی در جهت خلق تاریخ کتبی برای کمک به مردم دور افتاده در جوامع به منظور درک عمق کامل مصایبی که کشورشان از جنایات جنگی متحمل شده است.

به طور سنتی تاریخ را کسانی که قدرت را در کف دارند می‌نویسند. قربانیان تجاوز و خشونت، چه جمعیت‌های تهیدست و چه غیرنظامیان گرفتار در گرماگرم جنگی داخلی، به‌ندرت حتی پس از پایان گرفتن تجاوزات، حق سخن گفتن یافته اند. گروهی در گواتمالا جماعت‌های پرت‌افتاده و بی‌خانمان شده از جنگ را وارد جریان نگارش تاریخ آن جنگ کرده‌اند. حاصل واقعی کار، گزارشی بود کتبی اما تهیه‌ی گزارش آغازگر جریانی برای آشتی در سطح محلی شد و امکان سخن گفتن به مردمی را داد که در غیر آن‌صورت خاموش باقی می‌ماندند.

به عنوان بخشی از پروژه‌ی «بهبودی از خاطره‌ی تاریخی» (Recovery of Historical Memory) یا «آر. ای. ایم . ایچ . آی.» (REMHI) چندین حوزه اسقف‌نشین‌کلیسای کاتولیک در گواتمالا برای جمع‌آوری شهادت قربانیان خشونت‌ورزی‌های حکومت پیروان خویش را بسیج کردند. این گواهی‌ها در گزارشی گردآوری و تدوین شد و سپس برای افراد و گروه‌های آسیب دیده باز پس فرستاده شد و در اختیارشان قرار گرفت.

در طی جنگ داخلی ۳۶ ساله گواتمالا، به ویژه به دست نیروهای امنیتی حکومت، نزدیک ۲۰۰ هزار نفر کشته یا ناپدید شده یا در اثر سایر تجاوزات به حقوق بشر، صدمه خورده‌اند. پروژه‌ی «آر. ای. ایم. ایچ. آی.» در ۱۹۹۴ یک سال پیش از پیمان صلح سال ۱۹۹۵ به‌عنوان ابتکار عملی از جانب اداره‌ی حقوق بشر اسقف اعظم گواتمالا، تحت رهبری اسقف اعظم خوان جراردی آغاز شد. با این که طرح ایجاد یک کمیسیون حقیقت‌یاب قبلا در پیمان صلحی پیش‌بینی شده بود، چنین کمیسיוنی تشکیل نشد و کلیسا احساس کرد که چنین کمیسיוنی، به علت تفرقه و نفاق شدید و میزان بالای خشونت و تجاوزی که جماعت تحمل کرده بود، در برآوردن انتظارات ناتوان خواهد بود.

از این رو «آر. ای. ایم. ایچ. آی.» (یا برنامه‌ی بهبودی از خاطره تاریخی) بر آن شد تا با به‌کارگیری سازمان و تشکیلات کلیسا و شبکه‌ی گسترده مردمی وابسته به آن، فضایی برای گفت‌وگو در باب تجاوز و خشونت بگشاید و راه را برای کار یک کمیسیون حقیقت‌یاب بعدی هموار سازد. کلیسا به وسیله پوستر و اعلامیه و اطلاعیه‌های رادیویی، پروژه را به اطلاع همگان رساند. هر حوزه اسقف نشین شرکت‌کننده دو نفر را به‌عنوان «میانجی» انتخاب کرد. رویکرد «آر. ای. ایم. ایچ. آی.» با سایر کوشش‌های آشتی‌دهنده‌اش از نظر بسیج توده‌ای تفاوت داشت، به ویژه از جهت به‌کارگیری قربانیان تجاوز و خشونت که غالبا به عنوان میانجی و پیش برندگان آشتی به‌کارگرفته شدند. نزدیک به ۸۰۰ میانجی در سرتاسر کشور شهادت و روایت ۵۰۰۰ تا ۷۰۰۰ مردمی را که یا مورد تجاوز و شکنجه قرار گرفته بودند و یا یکی از اعضای خانواده خود را از دست داده بودند گردآوری و تجزیه و تحلیل کردند. از آنجا که تجاوز و خشونت هنوز ادامه داشت گردآوری این شهادت‌ها با خطر بسیار برای کلیسا و پیروان آن همراه بود.

تحلیل شهادت‌ها نشان داد که نیروهای امنیتی حکومت مسئول بیشتر تجاوزات به حقوق بشر در طی جنگ بودند. یک گزارش نهایی با نام «گواتمالا: دو باره هرگز» در چهار جلد در ۲۴ آوریل ۱۹۹۸ منتشرشد و در اختیار عموم قرار گرفت. دو روز بعد از انتشار این گزارش به طور دلخراشی، اسقف اعظم خوان جراردی به قتل رسید، بعدها شماری از پرسنل ارتش به خاطر قتل او محاکمه و محکوم شدند.

علیرغم مرگ اسقف اعظم، بسیاری از همان میانجی‌ها کار پروژه را ادامه دادند. آن‌ها نتایج کار پروژه را به گروه‌های شرکت‌کننده در این کار ارایه کردند و کوشیدند تا تجربه و خاطره‌ی فرد و این گروه‌ها در بافتار و متن تاریخ ملی جایی در خور بیابد. هرگاه ترجمه ی گزارش به زبان‌های محلی میسر می‌شود، نسخه‌هایی از روایت همه‌پسند گزارش به شرکت‌کنندگان داده می‌شود تا با صدای بل‌سند در بحث و گفت‌وگوهای گروهی خوانده شود. از گزارش می‌آموزند که در آن چه بر آنان گذشته است مقصر نبوده‌اند و این که بر بسیاری دیگر در سراسر کشور نیز همین گونه گذشته است. میانجی‌ها همچنین به جوامع در کوشش‌های آشتی‌جویانه‌شان یاری رساندند و در ایجاد و ساختن فرهنگ صلح و خشونت‌پرهیزی در منازعات یاری رساندند و آن را ترویج کردند. این جریان با کار و مراسم نیش قبرها و خارج ساختن اجساد و دفن مجدد اجساد قربانیان که در جریان بهبود و التیام روانی در فرهنگ مایان (سرخپوستان قوم مایا) نقشی اساسی دارد، همراه شد.

آر. ای. ایم. ایچ. آی.

آر. ای. ایم. ایچ. آی.

«آر. ای. ام. ایچ. آی.» همچنین با حمایت از شهود و شرکت دادن سازمان‌های محلی و شهادت دادن آن‌ها به کارهای کمیسیون حقیقت‌یاب گواتمالا (کمیسیون روشنی‌بخشی تاریخی) یاری داده است.

تاکتیک «آر. ای. ام. ایچ. آی.» می‌تواند در تسهیل و کمک به کار کمیسیون‌های حقیقت‌یاب در کشورهای دیگر، همچنین در موقعیت‌هایی که هیچ نوع کمیسیون حقیقت‌یابی وجود ندارد و یا در جاهایی که بیشتر آسیب‌دیدگان از تجاوز به حقوق بشر نمی‌توانند در دادرسی‌هایی مثل این کمیسیون‌ها و یا دیگر دعاوی حقوقی شرکت کنند، به کار آید.

در گواتمالا این تاکتیک بیشتر به‌خاطر وجود ساختار نهادینه و گسترده‌ی کلیسای کاتولیک مؤثر واقع شد. بدون وجود شبکه‌ای قابل اعتماد و از پیش موجود بسیار مشکل است که بتوان سرگذشت و شهادت‌های خصوصی را در چنین سطح و اندازه وسیعی گردآوری کرد. پشتوانه‌ی مادی نیز ضرورت دارد؛ در گواتمالا منابع مالی محدود بود و کار در میان تک تک اسقف‌نشین‌ها تقسیم شده بود.

این تاکتیک می‌تواند خطراتی هم داشته باشد. بسیاری از متجاوزان به حقوق بشر هنوز در ارتش و دولت در مقام و موضع قدرت هستند، و ارتش و شبه نظامیان با تهدید و حتی قتل کسانی که با این پروژه در رابطه بودند واکنش نشان داده‌اند.

چگونه ممکن است تا مردم در جوامع محلی در جریان آشتی‌سازی فعالانـه

درگیر شوند؟

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

تاکتیک‌های بازسازانه

تواناسازی افراد و جوامع

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

تاکتیک‌های بازسازانه

تواناسازی افراد و جوامع

حقوق بشر	تاکتیک‌های بازسازانه
<p>درخواست غرامت</p>	

درخواست غرامت

آنگاه که خطایی بزرگ صورت پذیرفته باشد، آیا هرگز ممکن است خسارت وارد آمده بر قربانیان را منصفانه یا به

درستی جبران کرد؟ آیا کیفر متجاوزان می‌تواند زخم‌های قربانیان را التیام بخشد و یا از تجاوز آتی جلوگیری کند؟ آیا دادگاه‌ها

می‌توانند به درست کردن یک اشتباه کمکی کنند؟ آیا می‌توان برای جبران تجاوزها به قدر کافی پول داد؟ این‌ها پرسش‌های مشکلی

هستند؛ پرسش‌هایی که جامعه‌ی بین‌المللی پیوسته می‌کوشد به آن‌ها پاسخ دهد. تاکتیک‌های این بخش تماماً می‌کوشند تا پس از

وقوع تجاوز به حقوق بشر، چه از راه کیفر دادن به متجاوزان چه از طریق پرداخت غرامت به قربانیان تجاوز و یا با درهم کوبیدن

ساختارهای فرهنگی و نهادینه‌ای که به متجاوزان مصونیت می‌بخشد، به گونه‌ای عدالت را تحقق بخشند.

دعاوی قانونی علیه متجاوزان جدی به حقوق بشر، مانند کسانی که مرتکب جنایات جنگی یا جنایت علیه بشریت شده‌اند، ممکن است

بسیار دشوار باشند. این دعاوی نیازمند آنست که مجموعه‌ای از عوامل به شکلی کاملاً منظم در کنار هم قرار گیرند. ساختارهای

حقوقی ملی و بین‌المللی و نیز معاهده‌ها و قوانین مناسب می‌بایستی وجود داشته باشند؛ باید گواه و مدرک داشت؛ باید راهی وجود

داشته باشد که متهم را توقیف کرد و او را (زن یا مرد) شخصا به محضر دادگاه آورد؛ غالباً می‌باید که معاهده‌ها و سازوکارهایی برای

استرداد متهم وجود داشته باشد. وقتی که چنین دعوایی پیش آید که در واقع رخدادهایی نامعمول و به راستی استثنایی‌اند، از آن‌ها در

موارد بسیاری همچون: در زمینه ارزش قراردادهای بین‌المللی، معاهده‌ها و ساختارهای قانونی و نیز درباره نقش جامعه‌ی بین‌المللی در

جلوگیری و جبران خسونت‌ورزی‌ها می‌توان آموخت.

بیشتر وقت‌ها این‌گونه دعاوی، دادگاهی برای مجازات یک فرد خاص متجاوز به حقوق بشر نیست بلکه بیشتر به خاطر فرستادن این

پیام است که تجاوز و خسونت‌ورزی تحمل نخواهد شد و اینکه جامعه‌ی ما جامعه‌ای است که قانون وعدالت بر آن حکم می‌راند. اقدامات

علیه بی‌عدالتی ممکن است کاملاً بیرون از ساختارهای قانونی صورت پذیرد. مردم رویه‌های ابتکاری بسیاری برای برملا کردن تجاوزات

و حساب پس کشیدن از مرتکبان تجاوزات یافته‌اند.

یک کار بی‌سابقه و بدعتگذارانه در عدالت بین‌المللی: به کاربردن قوانین بین‌المللی درباره دیکتاتورها به هنگام سفرهای خارجی‌شان.

دستگیری و استرداد آگوستو پینوشه دیکتاتور سابق شیلی یکی از خارق‌العاده‌ترین و مهمترین دعای حقوقی است. این رویداد پیشینه‌ای فراهم آورد که می‌توان در آینده درباره سران کنونی یا سابق کشورها در تنفیذ عدالت بین‌المللی به‌کار بست.

دولت‌های اسپانیا و بریتانیا هر دو با استناد به قوانین بین‌المللی و ملی آگوستو پینوشه، دیکتاتور اهل شیلی را به خاطر تجاوز به حقوق بشر در طی حکومت‌اش، سزاوار محاکمه شناختند.

در طی سال‌های نخستین حکومت دیکتاتوری پینوشه (۱۹۷۳–۱۹۹۰)، فعالان حقوق بشر به جمع آوری سند و مدرک درباره ی بازداشت غیرقانونی، کوچ اجباری، قتل، شکنجه و سربه نیست کردن مردم به دست نیروهای پینوشه پرداختند. بعد از اعاده ی دموکراسی در شیلی، یک کمیسیون رسمی حقیقت‌یاب اسناد و اطلاعات مشروحی را در خصوص حدود ۳۰۰۰ مورد تجاوز به حقوق بشر تنظیم کرد. پینوشه، به هرحال نمی‌توانست در شیلی به دادگاه کشیده شود چرا که پیش از ترک مسند برای خود و بیشتر هم‌دستان‌اش بر طبق قانون اساسی قرار مصونیت از تعقیب به تصویب رسانده بود.

وکلای مردمی که حقوق انسانی آنان توسط دولت پینوشه مورد تجاوز قرار گرفته بود، با توسل به یک تمهید حقوقی به نام «آکسیون پُپولار» یا «اقامه‌ی دادرسی مردمی» که مطابق با آن شهروندان اسپانیایی اجازه دارند در شرایط خاصی اقامه ی دادرسی جنایی خصوصی بکنند، توانستند به وکالت از مردم (شاکیان) در اسپانیا پرونده‌ی شکایات جنایی را به ثبت برسانند و به دادگاه ببرند. دادگاه‌های اسپانیا به استناد به وجود قانونی عام (قانونی که محاکمه در دادگاه‌های اسپانیا را در موارد شکنجه، نسل کشی، و سایر جنایات علیه بشریت، هرجا که روی داده باشد و هر ملیتی که متجاوزان و قربانیان‌شان داشته باشند، مجاز می‌شمرد)، قرار تعقیب برای وی صادر کردند.

با صدور حکم دادگاهی در اسپانیا، پینوشه که از بریتانیا دیدار می‌کرد توسط مقامات این کشور در لندن بازداشت شد. پینوشه و مدافعان او در مقابله با این حکم چنین استدلال کردند که وی در مقام رهبر سابق کشور شیلی از بازداشت و استرداد مصون است. مجلس اعیان بریتانیا به هرحال دوبار این استدلال را رد کرد و حکم داد که نخست،گرچه رهبر سابق کشور در مورد اعمالی که به عنوان رییس دولت در دوره‌ی انجام وظایف‌اش کرده از مصونیت برخوردار است، اما شکنجه و جنایات علیه حقوق بشر «انجام وظیفه» نیست. درثانی، از زمانی‌که بریتانیا و شیلی بر میثاق سازمان ملل در منع شکنجه و سایر اعمال و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا موهن صحه گذارده‌اند، پینوشه نمی‌تواند در مورد اتهامات مربوط به شکنجه مدعی بر خورداری از مصونیت باشد.

سرانجام به علل پزشکی پینوشه را به شیلی بازگرداندند و در نتیجه محاکمه او در اسپانیا صورت نپذیرفت. دیوان‌عالی شیلی مصونیت پارلمانی را که او برای خود به تصویب رسانده بود لغو کرد و مصصم به محاکمه او شد؛ اما بعداً به هر حال، او را به علت کهولت بسیار از محاکمه شدن معاف داشت.

حکم و نظر مجلس اعیان بریتانیا بدعت مهمی شد در نشان دادن این امر به جهان که رهبر یک کشور از هیچ مصونیتی در مقابل تعقیب و پیگرد قانونی در برابر اتهامات مرتبط با شکنجه برخوردار نیست و این که چنین جنایاتی را می‌توان در هرکجای دنیا بر پایه ی صلاحیت قانونی عام تحت پیگرد قرار داد و دادگاه‌های ملی می‌توانند همه کشورها را ملتزم کنند تا بر اساس قوانین بین‌المللی بر تعهدات خود گردن نهند.

توجه بین‌المللی هم‌چنین توازن سیاسی در شیلی را دگرگون کرد و دیگر نمی‌تواند با اتکا به قوانین ملی که حامی متجاوزان به حقوق بشر بوده است، از جمله پینوشه از محاکمه‌ی آن‌ها برای اعمالی که مرتکب شده‌اند جلوگیری کند. از همه مهم‌تر، بازداشت طولانی مدت پینوشه در لندن، ترسی را که او در دل مردم شیلی ایجاد کرده بود کاهش داد؛ مردمی که پیمودن راه‌هایی تازه برای حرکت به پیش را آغاز کرده‌اند.

حقوق بشر	تاکتیک‌های بازسازانه
<p>درخواست غرامت</p>	

تاکتیک

مسئولیت‌خواهی از شرکت‌های چندملیتی: به‌کار بردن قوانین ملی برای به محاکمه کشیدن کسانی که در کشورهای دیگر مر تکب جنایت علیه بشریت می‌شوند.

لوگو ACTA

گروهی در ایالات متحده یک قانون قدیمی دولت فدرال را مورد استفاده قرار می‌دهد تا قربانیان تجاوز به حقوق بشر در کشورهای دیگر اجازه داشته باشند علیه شرکت‌هایی که در تجاوزهمدستی داشته‌اند اعلام جرم کنند.

«صندوق بین‌المللی حقوق کار» یا «آی. ال. آر. ِ اِف / I_LRF» «قانون ادعای خسارت آسیب و زیان برای اتباع بیگانه (Alien Tort Claims Act)» یا «آی. تی. سی. ای. / ACTA» را برای اعلام جرم علیه مشارکت شرکت‌های چندملیتی در تجاوز به حقوق بشر به‌کار می‌برد. «آی. تی. سی. ای.» که برای رسیدگی و جلوگیری از دزدی دریایی در ۱۷۸۹ در نظر گرفته شده بود، یک قانون فدرال ایالات متحده است که اجازه می‌دهد شهروندهای کشورهای دیگر علیه شهروندان و شرکت‌های ایالات متحده در تخطی از قوانین بین‌الملل اعلام جرم کنند. در حالی که استفاده از تاکتیک‌های حقوقی برای جبران خسارت در مورد حقوق بشر سابقه‌ی طولانی دارد، کاربرد قوانین ملی برای خلاف‌کاری‌هایی که در خارج از کشور صورت می‌پذیرد امکان جدیدی به قربانیان تجاوز به حقوق بشر می‌بخشد. این رهیافت هم‌چنین با تأکیدی که بر خلاف‌کاری‌های شرکت‌های چندملیتی می‌ورزد، منحصر به فرد است.

بسیاری از اتباع کشورهای خارجی از این امکان محروم‌اند که در کشور خود دست به اعلام جرم بزنند. برای مثال اولین دعوی حقوقی صندوق بین‌المللی حقوق کار با استفاده «قانون ادعای خسارت آسیب و زیان برای اتباع بیگانه»، به دادگاه کشاندن شرکت انرژی «یونوکال» (Unocal) بود که از طرف پناهندگان برمه‌ای در خصوص استفاده این شرکت از نیروی کار اجباری در خط لوله نفت برمه مطرح شد. اگر پناهندگان در برمه شکایت کرده بودند احتمال داشت با زندان، شکنجه و یا مرگ روبرو شوند، چرا که دادن اطلاعات درباره‌ی کار دولت به بیگانگان خلاف قانون است. به هرحال «قانون ادعای خسارت آسیب و زیان برای اتباع بیگانه» اجازه داد تا اتباع خارجی این پرونده را به ایالات متحده ببرند. برای آن که پرونده‌ای پذیرفته شود می‌بایست دلیل و مدرک دایر بر مشارکت آگاهانه شرکت در این تخطی وجود داشته باشد. صندوق بین‌المللی حقوق کار برای اثبات این مطلب مشغول فعالیت است.

علاوه بر پرونده علیه شرکت «یونوکال»، صندوق بین‌المللی حقوق کار پرونده‌هایی علیه شرکت‌های «کوکاکولا»، «اکسون- مُوبایل»، «درومُند» (Drummond) و «دِل مُنت» (Del Monte) به جریان انداخته است. هیچکدام از این دعاوی هنوز به نتیجه نرسیده است. «قانون ادعای خسارت آسیب و زیان برای اتباع بیگانه» اخیراً با این هدف که دایره‌ی شمول این قانون را محدود شود مورد بررسی اداره‌ی دادستانی کل ایالات متحده قرار گرفته است.

سازوکارهای جاری در قوانین حقوق بشر بین‌المللی خاصه علیه شرکت‌های فراملتی کارایی ندارند. این تاکتیک قوانین ملی موجود را به منظور گسترش امکانات برای جبران خسارت قربانیان در مورد تجاوزات بسیار هولناک به حقوق بشر به کار می‌برد.

هم‌چنین به شرکت‌های فراملتی گوشزد می‌کند که در مورد تجاوزات به حقوق بشر که با استفاده از دغل‌کاری‌های تجارَتی مرتکب می‌شوند، مسئول و پاسخگو خواهند بود، در عین حال، این تاکتیک، بر آگاهی عموم مردم می‌افزاید.

«قانون ادعای خسارت آسیب و زیان برای اتباع بیگانه» و یا قوانین مشابه آن می‌تواند از سوی قربانیانی مورد استفاده قرار گیرد که در کشورهاشان خشونت و بدرفتاری در جریان است و یا کشورهایی که هیچ‌گونه امکان دادخواهی حقوقی در دسترس نیست. به هرحال، خود این قانون با تعبیری محدود تنها برای تجاوزات بسیار هولناک به حقوق بشر — نسل‌کشی، جنایت‌های جنگی، جنایت علیه بشریت، برده‌داری، کشتارهای فراقضایی، شکنجه و بازداشت‌های غیرقانونی کاربرد دارد.

لوگو ACTA

آزمایش تجاوزات: آزمون تبعیض

لوگو ACTA

هنگامی که تجاوزات در نهان صورت می‌گیرد، یا اعضای جامعه آن را می‌پذیرند، برای قربانیان اثبات وقوع یک تجاوز به حقوق بشر می‌تواند کار مشکلی باشد. گروهی در مجارستان برای فراهم آوردن شواهد و مدارک تبعیض، روشی آزمایشی به‌کار می‌برند تا بتوانند از جانب قربانیان، پرونده‌ای را قانونا به جریان بیاندازند.

«اداره‌ی دفاع قانونی از اقلیت‌های ملی و قومی» (NEKI) یا «ان. کی. ای. آی.» به تبعیت از رویه‌ای که در ایالات متحده توسط سازمان‌ها در مورد تبعیض مسکن به کار برده می‌شد روشی آزمونی را به کار می‌برد تا در مواردی که اتهام تبعیض وجود دارد به دلیل و مدرک دست یابد. دادگاهی در مجارستان برای اولین بار این آزمون را در مورد پرونده‌ای در سال ۲۰۰۰ به عنوان یک تکنیک معتبر پذیرفت.

«رُما» (Roma)ها در چندین کشور اروپایی از گروه‌های اقلیت قومی هستند. آن‌ها به دفعات هدف تهاجماتی قرار گرفته‌اند که ریشه‌های نفرت قومی دارد و اغلب به‌خاطر افزایش جرم و جنایت و بیکاری در مجارستان مقصر دانسته شده‌اند. انواع تبعیضاتی که قوم «رُما» امروز با آن روبروست شامل ناتوانی در یافتن شغل، تهیه مسکن و بهره‌مند شدن از تسهیلات خدمات عمومی است. از آنجا که امر تبعیض با ظرافت و زیرکی اعمال می‌شود، مدرک و دلیل آشکاری بر اعمال تبعیض به ندرت به دست می‌آید.

«اداره دفاع قانونی از اقلیت‌های ملی و قومی» این آزمون را برای اثبات وجود تبعیض به کار برده و مدرک مستقیم و زنده به دست می‌آورد. گروه، افرادی را بعد از شناسایی و آموزش به عنوان فرد سنجش‌گر بیرون می‌فرستد تا کار و عمل کسانی را که مدعی هستند با تبعیض روبرو شده‌اند تکرار کنند. هر شخص سنجش‌گر می‌بایست ناظری قابل اطمینان و بی‌طرف باشد و مشخصات‌اش، زن یا مرد، با فردی که مورد تبعیض قرار گرفته تا حد ممکن یکسان باشد. در انتخاب این سنجش‌گران این اداره در ضمن ارزیابی می‌کند که هر فردی بتواند خود شاهد موثقی در طی رسیدگی‌های دادگاهی باشد. از آنجا که رسیدگی‌های قانونی ممکن است چندین سال ادامه داشته باشد، سنجش‌گران هم‌چنین باید برای حفظ ارتباط درازمدت خود با برنامه آمادگی داشته باشند. اعضای ستادی «ان. کی . ای. آی.» بعد از دریافت یک شکایت به ارزیابی آن پرداخته و چنانچه تصمیم به تعقیب قضیه بگیرند، سنجش‌گران را به محل تبعیض می‌فرستند. برای مثال اگر شکایت در مورد استخدام باشد، مورد ایجاب می‌کند که یک فرد از نژاد «رُما» و یک غیر«رُما»-یی با مشخصات و قابلیت‌های مشابه که تنها عدم تشابه‌شان از نظر قومی باشد اعزام دارند. آن‌ها با فاصله‌ی زمانی اندکی در همان روز برای تقاضای کار اعزام می‌شوند و برای آن که کار مقایسه روشن‌تر باشد هر دو سنجش‌گر به شکلی که قابل مقایسه باشد عمل می‌کنند.

سنجش‌گران بعد از انجام کار سنجش بلافاصله فرم‌های مربوط به مأموریت خود را با ذکر جزئیات پرسش‌هایی که از آن‌ها کرده‌اند، طرز رفتاری که با آن‌ها شده، شیوه‌ای که کار و شغل را برای آن‌ها توصیف کرده‌اند برای مثال حقوق و مزایای شغل، تکمیل می‌کنند. سپس هماهنگ‌کننده‌ی سنجش (سازمان یا وکیل مدافع) این که آیا رفتار متمایزی صورت پذیرفته یا خیر را بررسی می‌کنند. از این اطلاعات غالباً به منظور حمایت از قربانی تبعیض در دعاوی حقوقی استفاده می‌شود.

تا سال ۲۰۰۲ «ان. کی. ای. آی.» تاکتیک سنجش را پانزده بار به کار برده بود. در سه مورد امکان تکمیل کار سنجش نبود. از دوازده مورد دیگر، در پنج مورد دلیلی بر تبعیض سیستماتیک به دست نیامد. در هفت مورد باقیمانده اما علایم و قراین به طورمتقاعد کننده‌ای حاکی از تبعیض و برای توجیه و تشکیل پرونده حقوقی کافی بود.

در این باره، به بخش ابرازهای عملی(Tools for Action) این تارنما: www.newtactics.org مراجعه و در باره‌ی آن بیشتر بخوانید.

این تاکتیک که از کار سازمان‌های ایالات متحده اقتباس شده است، یکی از تاکتیک‌های کاملاً انعطاف‌پذیر است و سایر گروه ها در منطقه به روش «ان. کی. ای. آی.» برای فراگرفتن و تکرار آن‌ها متوسل شده‌اند تا در موضوعات حقوق بشر از قبیل حقوق معلولان از آن‌ها استفاده کنند. این سنجش هم‌چنین می‌تواند برای نظارت در مورد شیوه‌ی عمل استخدام در شماری از نهادها از جمله ادارات پلیس و شرکت‌های تجارَتی به‌کار رود.

تاکتیک

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

تاکتیک‌های بازسازانه

درخواست غرامت

www.newtactics.org

۱۰۲

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

تاکتیک‌های بازسازانه

درخواست غرامت

www.newtactics.org

۱۰۳

تاکتیک	گرامت‌خواهی : متقاعد ساختن دولت در پرداخت غرامت به قربانیان خشونت و بدرفتاری پلیس، ارتش و پرسنل نیروهای مسلح.
---------------	--

در هند، کمیسیون ملی حقوق بشر شکایات مربوط به نقض حقوق بشر را بررسی کرده و توصیه می‌کند تا دولت‌های محلی به قربانیان غرامت بپردازند.

کمیسیون ملی حقوق بشر در هند در مورد شکایات تایید شده از بدرفتاری پلیس با اعلام درخواست پرداخت غرامت مالی از سوی دولت محلی به قربانیان و نیز کیفر دادن خلاف‌کاران پاسخ می‌دهد.

این کمیسیون که تاسیس آن بخشی از قانون حمایت از حقوق بشر (۱۹۹۳) است، صاحب این قدرت است که در مورد نقض حقوق بشر توسط کارکنان دولت، شامل معاونت در جرم، اهمال در جلوگیری از تجاوزات، تحقیق و جبران خسارات وارده را توصیه کند. بیشترین شکایاتی که کمیسیون دریافت می‌کند علیه پلیس است، گرچه کمیسیون درباره پرداخت غرامت به قربانیان بدرفتاری و خشونت ارتش و پرسنل نیروهای مسلح نیز توصیه‌هایی کرده است.

شکایات از بدرفتاری و خشونت از سوی فعالان و منابع رسانه‌ای و نیز از قربانیان و یا بستگان آنان دریافت می‌شود. شکایات معمول عبارتند از خشونت جسمی، اذیت و آزار افراد یا خانواده‌ها، اهمال در به‌کاربستن مقررات مربوط به رفتار با زنان، مسامحه در ایام بازداشت، بازداشت غیرقانونی و شکنجه. کمیسیون همچنین شکایاتی در زمینه کار کودکان، بیگاری و تجاوز به حقوق اعضای ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه مثل کودکان، زنان، معلولین، بعضی از کاست‌ها و قبیله‌ها، پناهندگان، اقلیت‌ها و دیگران دریافت می‌کند.

کمیسیون بعد از دریافت یک شکایت، خواستار بررسی و ارایه گزارشی ازسوی نهادهای دولتی می‌شود یا ماموران بخش تحقیقات خود را برای بررسی موضوع گسیل می‌دارد. چنانچه شکایت حقیقت داشته باشد، کمیسیون رسماً به دولت محلی که تجاوز در آنجا صورت پذیرفته گزارش می‌کند. گزارش شامل توصیه‌هایی برای پرداخت غرامت مالی به قربانیان و اقدام به تنبیه انضباطی مرتکبان تجاوز است. دولت محلی در اخذ غرامت از مأموری که مرتکب تجاوز شده، مختار است.

این «کمیسیون»، جزییات دعای مهم را در ماهانه‌ی خبری خود به نام «حقوق بشر» و در گزارش‌های سالانه‌اش منتشر می‌کند. رسانه‌ها نیز دعای مهم را منعکس می‌سازند.

جبران خسارات، چنانچه درخور باشند به قربانیان و خانواده‌های‌شان کمک می‌کند تا زندگی خود را بازسازی کنند؛ علاوه براین باید مواظب بود تا این تاکتیک باعث بی‌اعتنایی به اصلاحات و بهسازی‌های دیگر نشود.

ایجاد و تشکیل چنین کمیسיוنی مستلزم حمایت جدی

مقامات دولتی و نیز دسترسی به گروه یا جمعیت و یا بسیج‌های اطلاعاتی برای حصول اطمینان از آگاهی قربانیان و خانواده‌های آنان برای توسل به این نهاد بدون واهمه از اقدامات تلافی‌جویانه است.

بسیج علیه بخشودگی و مصونیت: بالا بردن هشیاری عمومی در مورد بخشودگی و مصونیت از راه همه‌پرسی یا تلاش برای تهیه دادخواست‌های جمعی.

بسیج علیه بخشودگی

گاهی از اوقات ابزار دولتی و قانونی موجود است اما مردم از وجود آن‌ها بی‌خبرند و یا نمی‌دانند چگونه از آن‌ها استفاده کنند. برای جلوگیری از تضمین مصونیت خلاف‌کاران در ارتش اروگوئه از پیگرد قانونی، گروهی در اروگوئه تلاش عمومی جالب توجهی را سازمان دادند.

بسیج علیه بخشودگی

با استفاده از یکی از شروط پیش‌بینی شده در قانون اساسی که قبلا هرگز به آن استناد نشده بود، «کمیسیون ملی برای همه‌پرسی» یا «سی. ان. آر.» (CNR) یک همه‌پرسی‌ای در اروگوئه سازمان داد تا مردم درباره یکی از مصوبات کنگره دایر بر مصونیت بخشیدن به ناقضان حقوق بشر که در استخدام ارتش بودند رأی بدهند. برای تنظیم درخواستنامه‌ای برای ارایه به دولت به منظور برگزاری یک همه‌پرسی، این کمیسیون نیازمند آن بود که در فاصله یک سال پس از تصویب مصوبه‌ی مصونیت، امضا ۲۵ درصد از حایزان شرایط رأی‌دهی را جمع‌آوری کند.

جمع‌آوری امضا یک چهارم از جمعیت حایز شرایط رأی دهی کشور، مستلزم سازمانی گسترده و درگیر کردن داوطلبان بیشماری بود، که بیشترشان از جنبش‌های زنان آمدند. سازمان دادن به شرکت‌کنندگان چالشی مهم بود. برای مثال سازمان‌دهندگان برای یک بسیج ملی یک‌روزه جهت جمع‌آوری امضا، می‌بایست کار ۹۰۰۰ داوطلب جمع‌آوری امضا معروف به «بریگادیستاس» (brigadistas) را هماهنگ می‌کردند. در این کار کلان، آن‌ها از رایانه و برنامه‌ی برگ گستران (Spreadsheets) در آن برای جدول بندی امضاها استفاده کردند.

پس از جمع‌آوری امضاها و تسلیم آن به دولت، کمیسیون ملی برای همه پرسی در مقابل کمیته‌ی تجدیدنظر در انتخابات به دفاع از اعتبار قانونی آن پرداخت. در طی عملیات جمع‌آوری امضا و تسلیم آن به دولت، کمیسیون توده‌ی مردم پشتیبان را برای مبارزه با مخالفان قدرتمند در دولت و رسانه‌ها سازمان داد و به پخش اعلامیه و نصب پرچم و نشان و پوستر و برگزاری جشنواره‌های موسیقی و مسابقات موتورسواری پرداخت.

با اینکه همه پرسی با اختلاف کمی شکست خورد، فعالیت کمیسیون ابزار تازه‌ای برای شکل دادن به دموکراسی در اوروگوئه به وجود آورد. داوطلبان جمع‌آوری امضا در طول بسیج همه‌پرسی از هر سه شهروند پاراگوئه با یک نفر شخصا ملاقات کردند و از آن وقت تا به حال هشت همه‌پرسی مردمی دیگر صورت پذیرفته‌است. «بریگادیست»‌ها و رهبران آنان در کمیسیون ملی برای همه‌پرسی به ایفای نقش در مسایل سیاسی ادامه داده‌اند.

کمیسیون به هدف غایی خود در لغو قانون اعطای مصونیت نرسید اما توانست جامعه‌ی مدنی اوروگوئه را به شکل بی‌سابقه‌ای بسیج کند و مصونیت را به مسئله‌یی ملی مبدل نماید. دیدارهای بریگادیست‌ها مردم بیشماری را مستقیماً از قانون با خبر کرد و بسیاری دیگر از طریق پوشش رسانه‌ها از این مسئله آگاهی یافتند.

ماده‌ی قانونی پیش‌بینی شده‌ای که کمتر به‌کار گرفته شده مثل مورد نیرومند همه‌پرسی در اوروگوئه، در هر کشوری قابل دسترسی نیست. با این‌حال در جهت هشیاری عمومی و گوشزد به دولت درباره‌ی ناخرسندی عمومی از سیاست‌های دولتی، می توان به جمع‌آوری امضا، به عنوان یک تمهید هم‌چنان ادامه داد.

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر	تاکتیک‌های بازسازانه	تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر
	درخواست غرامت	

تاکتیک

قبول مسئولیت در مورد گذشته: بسیج منابع عمومی برای یک گروه در حاشیه از نظر اجتماعی.

شناسایی و، چنانچه میسر باشد، مجازات خلاف‌کاران تنها بخشی از معادله است. برای جبران بדרفتاری‌ها و نقض حقوق بشر، گروه‌هایی اغلب در پی مداوا و معالجه، اخذ غرامت مالی یا پس گرفتن ملک مصادره شده برای قربانیان‌اند. برای موفقیت، این گروه‌ها، اغلب دولت روز را مجبور می‌کنند که سهم خود در خلاف‌کاری راقبول و تأیید کند، و مسئولیت جبران زیان قربانیان را بپذیرد و به معالجه و درمان قربانیان یاری برساند.

بنیاد «آی. سی.‌ای. آر.» (ICAR) در رومانی دولت را مجبور ساخت تا، به دو کار دست بزند: نخست، ایجاد تاسیسات فیزیکی و مراکزی برای درمان شکنجه‌شدگان، دوم تأمین حق معالجه‌ی رایگان و پوشش بیمه و خدمات تخصصی مورد نیاز بازماندگان شکنجه.

تاکتیک «آی. سی.‌ای. آر.» بخشی از یک استراتژی است که به منظور متقاعد ساختن دولت برای پذیرش مسئولیت در مورد گذشته‌ی ملت و برای بهسازی آینده به کار می‌رود. بسیاری از شکنجه‌گران رومانی در دوره‌ی کمونیستی بدون مجازات فرار کردند و برخی مصدر مشاغل مهمی در جامعه شدند. قربانیان با جامعه‌ای رویارو هستند که نیروهای مهمی در آن فراموش کردن گذشته و نیز قربانیان آن را، بر آموختن از گذشته به منظور ایجاد تعهد مدنی عمیق‌تری برای دموکراسی و حقوق بشر ترجیح می‌دهند.

«آی. سی.‌ای. آر.» در مرحله نخست کوشید تا با کار با کانون زندانیان سیاسی سابق رومانی اعتماد قربانیان را به‌دست آورد و سپس نیازهای برآورده نشده‌ی گروه را مانند دسترسی به مراقبت پزشکی و پشتیبانی مالی و حقوقی شناسایی کند. در برآوردن این نیازها، «آی. سی.‌ای. آر.» کارمندان دولت، کادر پزشکی و مقامات رسمی شهر و شهرداری و مؤسسات دولتی از قبیل وزارت بهداشتی را به منظور میسر ساختن خدمات حرفه‌ای مورد توجه قرار داد. «آی. سی.‌ای. آر.» با سایر سازمان‌های کوچک غیردولتی، رسانه ها و «شورای بین‌المللی توان‌بخشی قربانیان شکنجه یا «آی. آر. سی. تی.» (IRCT) کشور دانمارک نیز هم‌پیمان شد.

ده سال به‌درازا کشید، اما سرانجام «آی. آر. سی. تی.» دولت را متقاعد ساخت تا به مسئولیت خود در مورد کسانی که در نظام پیشین اذیت و آزار دیده بودند اذعان آورد.

در این باره، به بخش ابزارهای عملی(Tools for Action) این تارنما: www.newtactics.org مراجعه و در باره‌ی آن بیشتر بخوانید.

پیروزی «آی. آر. سی. تی.» به سختی به دست آمد و به میزان زیادی به وضعیت سیاسی دوران انتقالی رومانی در آن زمان بستگی داشت. «آی. آر. سی. تی.» موقعیت را فهمید و از روابط خود در بهره‌گیری از این گشایش سیاسی، سود جست. قوانین جدید و جامعه‌ای که به تازگی به آزادی دست یافته همچنین به قربانیان اجازه می‌دهد تا خود را بدون ترس از تلافی، سازمان دهند. تاکتیک «آی. آر. سی. تی.» با منظوری دوگانه، در خدمت جبران خسارات وارده بر قربانیان و پایان دادن به مصونیت دولت از مجازات، به کار بسته شد.

افشای چهره تجاوزکاران: افشاگری عمومی درباره‌ی متجاوزان از طریق تظاهرات هدفمند.

تاکتیک

وقتی مصونیت خلافکاران، چه از طریق قانون چه در واقعیت در شکلی نیمه‌رسمی، پذیرفته شده باشد، آنان ممکن است به شیوه ای کمابیش ناشناخته، گاهی در میان همان مجموعه انسانی و در کنار قربانیان‌شان، به زندگی خود ادامه بدهند. گروهی در آرژانتین بر آن شدند که حتی اگر خلاف‌کاران را نتوان از طریق دادگاه مورد تعقیب قرار داد، آنان را می‌بایستی شناساند و یا از چهره‌ی آنان در انظار عمومی «نقاب برگرفت».

بنیاد «کودکانِ برای شناسایی و دادخواهی علیه فراموشی و سکوت» یا «اچ. آی. جی.‌اُ.اس.» (H.I.J.O.S) در مقابل خانه های اشخاصی که به‌عنوان متجاوزان به حقوق بشر شناسایی شده‌اند به تظاهراتی هدف‌مند دست می‌زنند. این تظاهرات که «اِسکِرَچِس» (escraches) یا «نقاب برگیری» نامیده می‌شود، خلافکاران را به طور علنی می‌شناساند و این امکان را فراهم می‌کند تا مردم ایشان را از نظر اخلاقی محکوم‌کنند.

«اچ. آی. جی.‌اُ.اس.» که بیشتر اعضای آن فرزندان ناپدیدشدگان هستند، کارشان را با شناسایی فردی که در طی حکومت دولت نظامی آرژانتین (۱۹۷۶–۱۹۸۳) سرکوبگری کرده است، آغاز می‌کند. سپس کارهای مقدماتی نقاب‌برداری آغاز می‌شود. با اتحادیه های کارگری محلی، کتابخانه‌ها و سایر سازمان‌های اجتماعی که در همسایگی محل زندگی خلاف‌کار فعالیت دارند، گفت‌وگو می‌کنند. به توزیع اعلامیه و سخنرانی‌های غیر رسمی در همسایگی و مدارس می‌پردازند. غرض از کارهای مقدماتی نقاب‌برداری، درگیر کردن جمعیت محل است که مشارکت‌شان در موفقیت این تاکتیک مهم می‌باشد. در روز نقاب‌برداری، اعتراض‌کنندگان در میدان یا مکان عمومی دیگری که معمولاً در نزدیکی خانه خلاف‌کار است، گرد می‌آیند و با سخنرانی‌ها به محکوم کردن آن شخص و شرح جرم‌های آن مرد یا آن زن می‌پردازند. به دیوارها اطلاعاتیه‌های حاوی عکس، نام، محل سکونت، شماره تلفن و شرح‌حال او را می‌چسبانند. امکان دارد کارهای متنوع دیگری نیز چنانچه مفید باشد، انجام شود. یکی از انواع کارهای نقاب‌برداری، تظاهرات نقاب‌برداری متحرک است که به بیش از یک خلاف‌کار، که غالباً در یک محل و در همسایگی هم هستند، می‌پردازد.

«اچ. آی. جی.‌اُ.اس.» برای کمک به حل مشکلاتی که ممکن است با پلیس و یا تظاهرکنندگان مخالف پیش بیاید نمایندگان حقوقی دارد، اما کلید رسیدن به هدف بدون هیچ برخوردی، درگیر ساختن هرچه بیشتر مردم در تظاهرات است.

بعد از پایان گرفتن برنامه نقاب‌برداری، کلید کارایی و موفقیت تاکتیک در دست همسایگان خلاف‌کار است. گاهی نتیجه حیرت‌آور است. مواردی دیده شده که مغازه‌هایی بسته می‌شود یا میخانه‌ها به محض ورود یک خلاف‌کار از مشتری خالی می شود. بعضی از خلاف‌کارهایی که شناسانده شده‌اند مجبور شده‌اند خانه‌هاشان را به علت عدم پذیرش اجتماعی ترک کنند.

به رغم این حقیقت که قوانین عفو و بخشودگی پیگرد بعضی از خلاف‌کاران را مشکل ساخته است، «اچ. آی. جی.‌اُ. اس.» «نظام‌های سیاسی و حقوقی را نادیده گرفته و با به کار بردن طنز، تئاتر و نمایش و سایر تظاهرات خلاقه نوعی طرد و منزوی سازی اجتماعی را تشویق می‌کند.

این تاکتیک از پاره‌ای مخاطرات جدی خالی نیست. مردمی که این تاکتیک را بر می‌گزینند باید اطمینان حاصل کنند که در مورد اشخاص مورد نظر اشتباه نکنند و اینکه تظاهرات برای هدف و منظور سیاسی دیگری به‌راه نیافتاده باشند. سازمان‌دهندگان تظاهرات وسیع درباره موضوع‌های عاطفی باید سازوکارهایی در اختیار داشته باشند تا از تبدیل آن به اغتشاش و خشونت جلوگیری شود. در وضعیت هایی این قبیل **چگونه می‌توانید تمامی قدرت یک جامعه را در جهت حرکت‌ها ممکن است مردمی را که خواستار این گونه مزاحمت ها در محله و محکوم ساختن یک تجاوز یا یک متجاوز به کار ببرید؟** همسایگی خود نیستند، به مخالفت با اعتراض‌کنندگان برانگیزد.

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر تاکتیک‌های بازسازانه

درخواست غرامت

www.newtactics.org

۱۰۶

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

تاکتیک‌های بازسازانه

درخواست غرامت

www.newtactics.org

۱۰۷

بازسازی یک محله: نقشه‌بردازی تاریخچه سرگذشت‌های شخصی و بسیج کردن یادها و خاطرات به منظور مطالبه جایگاه تاریخی خود و بازپس‌گیری زمین‌های از دست داده.

بازسازی یک محله در نیویورک، ۱۹۶۶. در تصویر، یک ساختمان قدیمی در حال بازسازی است.

نظام‌های سرکوب‌گر اغلب مردم را از خانه‌های خود رانده‌اند، اهالی یک محل را کوچانده‌اند و ملک و زمین آنان را مصادره کرده اند. قدرت‌های استعماری و همچنین جوامع تازه شکل‌گرفته نیز زمین‌های متعلق به اهالی بومی را تصاحب کرده‌اند. بازگردانی این املاک به صاحبان سابق آن چالشی بزرگ به شمار می‌آید و مستلزم آن است که حدود زمین‌ها و املاک غصب شده به درستی مشخص و مرزیابی شود. نهاد «موزه‌ی ناحیه‌ی ششم» (District Six Museum) در آفریقای جنوبی به‌شیوه‌ای ابتکاری به این چالش دست یازدیده است.

نهاد «موزه‌ی ناحیه‌ی ششم» در آفریقای جنوبی در رهبری ادعاهای رسمی مالکیت بر زمین پیشقدم شد و سرانجام به بازپس‌گیری زمین‌ها و اعاده احترام و حیثیت از دست رفته مردم در رژیم آپارتید موفق شد. این نهاد هم‌چنان محلی و فضایی برای مردم در جمع‌آوری و انتشار و تبادل خاطرات ناحیه‌شان است و نیز فعالانه در ترویج گفت‌وگوهای اجتماعی در شهرهای مهرآمیز آفریقای جنوبی می‌کوشد.

در سال ۱۹۶۶، در پی تصویب «قانون مناطق گروهی» (Group Areas Act)، ناحیه ششم «کیپ تاون»، که از نظر نژادی یکدست نبود با خاک یکسان شد. این اقدام به منظور هموار کردن راه ساختن محله‌ی تازه «فقط برای سفیدپوستان» که ساختمان آن هرگز به مرحله اجرا نرسید، انجام شد. تنها ساختمان‌هایی که تخریب نشد نمازخانه‌ها و عبادت‌گاه‌ها بودند.

گروهی از ساکنان سابق به عنوان قسمتی از برنامه بسیج برای دفاع از زمین و ملک و اعاده احترام و حیثیت مردم، نمایشگاهی با یک نقشه بزرگ از ناحیه سابق‌شان در قسمت مرکزی نمایشگاه بر پا کردند. کف سالن یک کلیسای وابسته به فرقه مَندیسْت را با نقشه تفصیلی ناحیه‌ی سابق خود که با خاک یکسان شده بود پوشاندند و از همسایگان خود خواستند تا خانه‌ها، خیابان‌ها، مغازه‌ها و فضاهای عمومی جمع‌ی خودشان را بر روی نقشه مشخص کنند و جای دهند.

این پروژه‌ی نقشه‌کشی از روی خاطرات پایه و اساس ادعاهای بازپس‌گیری زمین‌ها شد. این موزه یکی از دادگاه‌های بررسی کننده موضوع زمین را که مردم در آنجا می‌توانستند به طور رسمی باز ستانی زمینی را که به خود یا خانواده آن‌ها تعلق داشته طلب کنند، سازمان داد و میزبانی کرد. به‌گفته یکی از آنان هنگامی که دادگاه ادعای آنان را پذیرفت، ساکنان سابق که روی صندلی‌ها نشسته بودند، برخاستند و درست روی نقشه محله سابق خود نشستند، «زمین‌مان برگشت، خانه‌های‌مان برگشت، حیثیت‌مان برگشت.» از آن زمان به بعد، موزه نمایشگاه‌هایی در وصف محله‌های کوچک‌تری که با استناد به قانون مناطق گروهی تخریب شده بودند از جمله «کیرشتنبوخ» (Kirstenboch) و «توو ریورز» (Two Rivers) در جهت آگاهی عمومی و پشتیبانی از دعوی‌های حل نشده برپا داشته است.

نهاد «موزه‌ی ناحیه‌ی ششم» می‌کوشد تا روند پایداری برای التیام بخشیدن‌های افراد و آشتی‌جویی فراهم آورد و همچنین فرهنگ دموکراتیک و حقوق بشر ماندگاری را در ناحیه ترویج کند. برنامه‌های این نهاد خاطره اخراج‌های اجباری گذشته را زنده نگهداشته و آن را به نسل‌های جدید منتقل می‌کند. توجه به خاطره‌ی جمع‌ی گذشته نیز به نوبه خود موجب تقویت کوشش برای جلوگیری از تبعیض، جایجاکردن و سایر سوءاستفاده‌های از دموکراسی می‌شود.

در سال‌های آینده، رفته رفته ساکنان سابق «ناحیه‌ی ششم» برای بازپس‌گیری زمین‌ها و بازسازی خانه‌هاشان به ناحیه باز خواهند گشت. «ائتلاف بین‌المللی مکان‌های تاریخی وجدان» (The International Coalition of Historical Sites of Conscience) که نهاد «موزه‌ی ناحیه‌ی ششم» عضو آن است می‌تواند برای متوجه ساختن دیگران و حق‌طلبی در مسایل حقوق بشر امروز، راه های خلاقانه‌ای برای استفاده از تاریخ و مکان‌های که آن تاریخ زیسته شده است، پیشنهاد کند.

موج در آبگیر

جبران خسارت.

جبران خسارت، حتی مدت‌ها پس از تجاوز به حقوق دیگران میسر است. بومیان در ایالات متحده ده‌ها سال است کوشیده اند تا زمین‌های اجدادی خود را از طریق دادگاه و مراجع حقوقی بازپس گیرند. گروهی به نام «پروژه‌ی بازستانی زمین‌های سفید»، در ایالت مینه سؤتا بر آن شدند تا زمین‌ها و میراث قبیله‌ی «آئی شی‌نآب» (Anishinaabe) را از راه دیگری بازپس گیرند: از راه خرید آن. وینا لادوک (Winona LaDuke) از اعضای همین گروه درباره‌ی اندیشه‌ی استراتژیکی، انعطاف‌پذیری تاکتیکی و جلب متحدان این چنین می‌گوید:

«وقتی برای بازستانی زمین‌های خود شروع به کار کردیم، اول از همه به تمام سازوکارهای قانونی متوسل شدیم. به دادگاه‌ها رفتیم اما دادگاه‌ها علیه ما رأی دادند. به کنگره رفتیم اما از کنگره نتیجه‌ی بدی گرفتیم. من در سازمان ملل گواهی دادم. تمام این سازوکارها را آزمودیم و بعد بر آن شدیم که باید راه مناسب‌تری برای بازپس گرفتن زمین‌های خود بیابیم.

یک شرکت زمین به راه انداختیم. ما از کسانی که مایل به فروش هستند، زمین می‌خریم و مردم نیز شروع به بخشش زمین به ما کردند. درحال حاضر ما ۱۷۰۰ هکتار زمین داریم. انواع مختلفی از ذرت‌های قدیمی را کشت می‌کنیم، کمی هم تمشک و توت فرنگی. هم‌چنین تشکیلات بزرگی برای استخراج و تهیه شیره آفرا به کار انداخته‌ایم.

من به کارم به عنوان امری که به وسیله‌ی نمونه‌ها سازمان‌دهی می‌شود می‌اندیشم. ۲۵ سال است که من در کار سازمان‌دهی هستم و آموخته‌ام که ما نه فقط باید با آنچه نادرست است مبارزه کنیم، بلکه باید آنچه را درست‌است نیز نشان دهیم. مردم به آنچه نادرست است عادت کرده‌اند. حتی در میان جامعه‌ی بومیان آمریکا، عادت کرده‌ایم که با ما چونان شهروند درجه دوم رفتار شود. به این فکر عادت کرده‌ایم که نمی‌توانیم زمین‌هامان را پس بگیریم، نمی‌توانیم اقتصاد خود اداره کنیم.

این طرز فکر را داریم خرد خرد تغییر می‌دهیم و زمین‌مان را پس می‌گیریم. فرض کنید جایی یک قبرستان بومیان آمریکایی افتاده و کسی گاوهای خود را از روی آن عبور می‌دهد. شما می‌روید و با این مزرعه‌دار گفت‌وگو می‌کنید و فکر می‌کنید ببینید چگونه می‌شود دور آن قبرستان حصار و پرچینی ساخت. این کار ساده و کوچکی است و نه کلان و پیچیده. سنگ‌ریزه‌هایی است که در آبگیر موج‌های بزرگی راه می‌اندازند. «

زمین‌ها

ضمن این‌که با مسایل کوچک کلنچار می‌روید باید حواس‌تان متوجه مسایل بزرگ‌تر هم باشد. باید خودتان را با آنچه از نظر سیاسی پیش می‌آید وفق دهید. و، گاهی، برای برآوردن نیاز جامعه‌ی خود ممکن است مجبور باشید دست اتحاد به مردمی دهید که هرگز به فکرتان هم خطور نمی‌کرد که روزی با آن‌ها همکاری کنید.

کسانی از میان خود ما که در زمینه‌ی حقوق بومیان در ایالات متحده کار می‌کنند، سالیان درازی است که به این کار مشغول هستند. ما تجربه‌ی بسیاری در تحلیل سیاست ملی داریم و از جنبه‌ی استراتژیک نه تنها با سایر بومیان بلکه با فعالان محیط زیست و ارایه‌کنندگان امکانات درمانی نیز متحد شده‌ایم. همین حالا، در حال ایجاد اتحادی حول و حوش مسایل مربوط به مواد خوراکی طبیعی و پاک‌آورد هستیم. از تجربه‌ای که کسب کرده‌ایم خوشنودیم اما این به آن معنی نیست که داریم پیروز می‌شویم. فقط می‌شود گفت که از وضعیت خود به درستی آگاه هستیم.

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر	تاکتیک‌های بازسازانه
	درخواست غرامت

پدید آوردن فرهنگ و برپایی نهادهای حقوق بشر پدیده‌ای است که هر جامعه‌ای حقوق بشر را بر پایه‌ی واقعیت‌های نهفته در سنت‌ها، فرهنگ و اقتصاد خود تعریف می‌کند. اما هر جامعه‌ای، ارزش‌هایش هرچه باشد، به عرصه‌ی مشترکی نیازمند است که در آن افراد، نهادهای دولتی، نهادهای غیردولتی، جمعیت‌ها و گروه‌های گوناگون بتوانند گردهم آیند که مسئولیت و سهم خود را برای تامین رفاه جمعی بر عهده گیرند و برای شرایط و رفتارهای پذیرفتنی، قواعد و قوانینی وضع نمایند.

می‌توانیم این عرصه را جامعه‌ی مدنی یا قلمرو عمومی بنامیم. اینجا جای است که ما فرصت داریم فرهنگ‌ها و نهادهایی را بر پا کنیم که به حقوق بشر احترام گذاشته شود. در پاره‌ای از کشورها و بیش از همه در غرب، این عرصه‌ی مشترک نیرومند است، اما حتی در اینجا یعنی غرب هم، حقوق بشر کاملاً از تجاوز ایمن نیست. در سایر نقاط دنیا این عرصه وجود دارد اما هنوز بخش پایدار و اصلی زندگی روزمره مردم نیست. در بعضی از جوامع که عرصه‌ی عمومی در آن بسیار ضعیف است، تابع مقررات شدید دولتی می‌شوند؛ دولت افراد را [در این جوامع] زیر فشار می‌گذارد و آنان نیز به جای درگیر شدن، خود را کنار می‌کشند و سر در لاک زندگی خصوصی خود را ادامه می‌دهند. بدون جامعه‌ی مدنی، بدون این سپهر عمومی، فعالیت‌های شهروندی ناممکن می‌شود و حقوق بشر به امری دل‌خواهانه و دیمی مبدل می‌گردد.

اما همانطور که در این فصل خواهید دید، [امروزه] مردمان بیشتر و بیشتر در کار گسترش و حراست از حقوق بشر در سطح محلی، ملی و بین‌المللی درگیر می‌شوند. آنان تاکتیک‌های تازه‌ای را برای نیرومندتر ساختن عرصه‌ی عمومی و ایجاد فرهنگ‌های قدرتمند حقوق بشر به‌کار می‌برند. پاره‌ای از آنان از کارها و جاهای کوچک چون مدرسه‌هاشان یا مراکز دولتی دهکده‌هاشان شروع می‌کنند، یا فقط تنها به کار بر روی یک مسئله می‌پردازند. اما وقتی به هدف‌های نه چندان بزرگ خود می‌رسند، آن وقت جسارت و روحیه‌ی لازم را برای دست زدن به کارهای مهم‌تر و بهتری پیدا می‌کنند. اینجاست که تاکتیک‌های نوین می‌تواند نقش سرنوشت‌سازی بازی کند و مردم را با ابزاری مجهز کند که برای برداشتن آن گام اساسی و اصلی، نیازمند آنند.

- مراد بلگه

دبیر، اجلاس شهروندان هلسینکی،

استانبول، ترکیه

مدافعان حقوق بشر در کسوت‌های گوناگون ظاهر می‌شوند. چه آنان که برای رفع گرسنگی می‌کوشند، برای پاک‌کردن محیط زیست یا پاکسازی فضای آلوده دنیای سیاست، چه آنان که کارشان را بر بهکرد وضعیت کودکان، زنان و یا اقلیت‌ها متمرکز کرده اند، وجه مشترک‌شان این است که همگی برای ساختن دنیایی کار می‌کنند که در آن تمام انسان‌ها باکرامت و ایمنی زندگی نمایند.

موافقتنامه‌ها، میثاق‌ها و پیمان‌های بین‌المللی که در طی دهه‌های پیش امضا شده است قدم مثبتی‌است، اما به تنهایی کافی نیستند. افراد و جوامع نیاز دارند تا حقوقی را که در این پیمان‌ها تدوین شده است - حقوقی همچون حق تساوی در برابر قانون، حق آزادی فعالیت و حق عدم شکنجه - را به درستی درک و فهم کنند و بدانند که چگونه می‌توانند آن‌ها را طلب نمایند.

تاکتیک‌های دیگر در این کتاب راهنما بر تجاوزات و تعدیاتی که هم اکنون در حال رخ دادن هستند و یا بزودی واقع خواهند شد و یا ناظر بر جبران و التیام‌بخشی به آسیب‌هایی هستند که قبلاً بر کسانی وارد آمده، متمرکزند. تاکتیک‌های این بخش کتاب بیشترشان رویکردهایی دراز مدت‌اند، تاکتیک‌هایی که فرهنگ و رعایت حقوق بشر را تقویت می‌کنند و این کار را با درگیرکردن تعداد بیشتری از مردم و گروه‌های جدید در امور مرتبط با حقوق بشر به انجام می‌رسانند؛ که نه تنها به آنچه ما قادر به دست آوردن آن هستیم می‌افزایند بلکه به جنبش نیز مشروعیت بیشتری می‌بخشند. این تاکتیک‌ها این کار را با گردهم آوردن مردمی درخور و مناسب به دورهم به انجام می‌رساند: مردمی که به صورت متحد، قادر به انجام کار بیشتری از مجموع کاری هستند که به شکل فردی می‌توانستند بکنند. این تاکتیک‌ها این مهم را با آموزش دادن مهارت‌های مورد نیاز مردم برای انجام بهتر کارشان عملی می‌سازند. و سرانجام، این کار را با ایجاد آگاهی گسترده نسبت به وجود این حقوق و تجاوزاتی که به آن می‌شود و متقاعد ساختن مردم به شناسایی تجاوز و قبول ناپذیرفتنی بودن آن در جهان متمدن امروز صورت می‌دهند.

پاره‌ای از این تاکتیک‌ها به یک مسئله‌ی خاص می‌پردازند یا یک حق مشخص را مورد توجه قرار می‌دهند، اما بسیاری از آن‌ها هدف وسیع‌تری دارند: تدوین و تنظیم اصول، نهادها، اتحادها، و ایجاد آگاهی و هنجارهایی که حمایت از حقوق بشر را میسر می‌سازد.

تاکتیک‌ها در این فصل به چهار بخش تقسیم شده‌اند:

۱- تاکتیک‌های ایجاد گروه‌های هوادار و مخاطبان بیشتر برای دفاع از حقوق بشر.

۲- تاکتیک‌های مبتنی بر همکاری که برای توسعه‌ی مشارکت‌های جدید و موثر به کار گرفته می‌شوند.

۳- تاکتیک‌های ظرفیت‌سازی که نهادها و سیستم‌های آموزشی برای ترویج حقوق بشر ایجاد می‌کنند.

۴- تاکتیک‌های آگاهاننده که درباره‌ی حقوق بشر و فهم بهتر آن آموزش می‌دهند.

پدید آوردن حوزه‌های

هواداران ومخاطبان

پیام‌هایِ حقوق بشر اغلب مردمی را مخاطب قرار می‌دهد که با این مسایل از پیش آشنایی دارند، مردمی که

پیش از این علاقه و پشتیبانی خود را از مسایلی از این دست ابراز کرده‌اند. پیدا کردن مردمانی تازه و درگیر

ساختن و به میدان آوردن آنان در کار حقوق بشر، امکانات بالقوه و ظرفیت جنبش را برای اقدام و عمل موثرتر افزایش می‌بخشد. نیروی

تازه، اندیشه‌های نو، منابع جدید و ارتباط‌های تازه را به میدان می‌آورند. هرچه گروه‌های هوادار در یک امر خاصی از تنوع بیشتری

برخوردار باشند، توانایی در قابل قبول کردن تغییرات بیشتر شده و کار تجاوزگران در دفاع از اعمال‌شان مشکل‌تر خواهد شد. آروشن

است که[مجموعه‌ی متنوعی از مخاطبان و هواداران، جنبش حقوق بشر بسیار محکم‌تر و تزلزل ناپذیرتری را شکل می‌دهند.

تاکتیک‌ها در این بخش همگی مخاطبان و هواداران تازه‌ای برای مسایل حقوق بشر فراهم می‌آورند. آن‌ها به افراد و گروه‌هایی — برای

مثال، جوانان یا نمایندگان محلی مجلس — یا به کسانی که در محل از اقتدار ویژه‌ای بهره‌مندند، مثل رهبران مذهبی، که نفوذ فراوانی

بر دیگران و در بسیج کردن آنان دارند، دسترسی پیدا می‌کنند که هرگز بخت شرکت و درگیر شدن در این گونه مسایل را نداشته‌اند.

جوانان علیه فاشیسم و نژادپرستی: استفاده از فرهنگ مردمی برای درگیر کردن جوانان در کار گزارشگری برای حقوق‌بشر

تاکتیک

گروه‌های بحث، جلسات بحث آزاد، و کارگاه‌های آموزشی از ابزار معمول برای بالا بردن آگاهی درباره‌ی یک مسئله خاص و درگیر ساختن مردم تازه است، اما این تاکتیک‌ها شاید به اندازه کافی برای جلب برخی از گروه‌های انسانی مورد نظر — از جمله جوانان — نیروی کافی نداشته باشد. در لهستان یک سازمان با دو روش مؤثر یعنی: موسیقی و ورزش، برای دسترسی پیدا کردن و جلب توجه ی جوانان دست به اقدام زده است.

«نیژدی ویپسیژ» (Nigdy Wiecej) یا «دوباره هرگز»، با به کار گرفتن فرهنگ پاپ شبکه‌ای از جوانان ضدنژادپرستی در لهستان را سازمان داده است. این گروه در کنسرت‌های راک و مسابقات فوتبال با شمار بسیاری از جوانان ارتباط برقرار می‌کنند و آنان را در مورد این مشکل آگاه می‌سازند. سپس، گروه بعضی از آنان را برای عضویت و پیوستن به شبکه‌ای از گزارشگران به کار می‌گیرد که فعالیت‌های نوفاشیست‌ها و گروه‌های نژادپرست را در شهرهای خود زیر نظر بگیرند و گزارش دهند.

سازمان «دوباره هرگز» به عنوان بخشی از کارزار موسیقی راک خود یا نام «موسیقی علیه نژادپرستی»، کنسرت‌هایی برگزار می‌کند و به تولید و انتشار صفحات موسیقی تلفیقی از گروه‌های مشهور راک لهستانی و خارجی می‌پردازد. سازمان «دوباره هرگز» در کنسرت‌ها و در داخل قاب‌های «سی‌دی»هایشان، شنوندگان را در مورد جدی بودن خطر نژادپرستی در لهستان آموزش داده و آن‌ها را دعوت می‌کند تا به کسوت عاملان موثر تغییرات اجتماعی در آیند.

پیش از آنکه سازمان «دوباره هرگز» کارزار خود زیر عنوان «نژادگرایی را از استادبوم‌ها با لگد بیرون کنیم» آغاز کند، استادبوم های فوتبال لهستان کمابیش کاملاً در تسلط خرده فرهنگ ترس از بیگانه بود. گروه، به عنوان بخشی از برنامه خود این کارها را انجام داده است: یک مجله‌ی ضد نژادپرستی با نام «استادیون» (Stadion) را برای طرفداران فوتبال منتشر می‌سازد، یک «سی‌دی» تهیه و توزیع کرده است و مسابقات غیرحرفه‌ای فوتبال سازمان داده و با تهیه پرچم و اطلاعیه که در جریان مسابقات توزیع می‌شود، حضور خود را به آگاهی دیگر گروه‌های ضدنژادپرستی محلی می‌رساند.

به کمک این برنامه‌ها که جوانان را مد نظر دارد، «نیژدی ویپسیژ» شبکه‌ای از ۱۵۰ گزارشگر داوطلب فراهم آورده است که از ایشان خواسته شده ماهانه گزارشی از فعالیت‌های نژادگرایانه و بیگانه هراسی در ناحیه خودشان بدهند. سازمان «دوباره هرگز» این رویدادها را در گزارش ماهانه خود منتشر می‌سازد و به پخش آن در مطبوعات لهستانی و بین‌المللی می‌پردازد. این شبکه و کارهای انتشاراتی آن به بالا بردن آگاهی نسبت به مسئله‌ی نژادپرستی در میان بخش گسترده‌تری از جامعه‌ی لهستان کمک می‌کند که گستره ی آن از جمعیت جوانان علاقه‌مند به فوتبال و موسیقی راک بسی فراتر می‌رود.

در این باره، به بخش ابرازهای عملی(Tools for Action) این تارنما: www.newtactics.org مراجعه و در باره‌ی آن بیشتر بخوانید.

سازمان «دوباره هرگز» فرهنگ پاپ را برای درگیر ساختن جوانان، مخاطبان و هوادارانی اگر چه موافق ولی اغلب بر کنار از دخالت، در کار حقوق بشر به‌کار می‌برد، اما این کار با برگزاری کنسرت‌ها و مسابقات ورزشی تمام نمی‌شود. وقتی که مردم از خود علاقه و تعهدپذیری داوطلبانه در کار نشان دادند، سازمان به آن‌ها اطمینان می‌دهد که می‌توانند بیشتر در این کار درگیر شوند. از این تاکتیک می‌توان برای پیروز شدن بر بی‌انگیزگی عمومی در موقعیت‌های گوناگون سود جست و آن را با شرایط منطبق ساخت، اما خود موضوع نیز به خودی خود مهم است: باید موضوعی باشد که جوانان آن را به خود مربوط بدانند، چیزی که بالقوه بر زندگی آن‌ها تأثیر گذار باشد.

« »

وجود مشکلات اجتماعی از قبیل نژادپرستی و بیگانه‌هراسی غالباً از سوی مقامات رسمی و رسانه‌های اصلی در لهستان همچنان که در دیگر کشورهای اروپای مرکزی و شرقی انکار می‌شود.

— رافال پانکوسکی، «نیژدی ویپسیژ»، لهستان

محلی کردن موضوع حقوق بشر: اجرای پیمان‌های بین‌المللی در سطح محلی برای اثر گذاری بر سیاست‌های دولتی و بالا بردن استانداردهای حقوق بشر.

پانزدهمین نشست کمیته بین‌المللی حقوق بشر در ژانویه ۲۰۰۸ در جنیوا، سوئیس.

قانونگذاران محلی پشتیبانان قدرتمند بالقوه‌ای هستند که به ندرت درگیر مبارزات حقوق بشر می‌شوند. در پاره‌ای از کشورها مقامات محلی عادت ندارند به کار خود از نقطه نظر حقوق بشر بیاندیشند، کار روز به روز آنان متمرکز بر تصمیم‌گیری‌هایی محلی و صدور مجوز، و بودجه‌هاست.

«موسسه‌ی زنان برای رهبری و توسعه حقوق بشر (The Women’s Institute for Leadership and Development)» یا «وایلد» (WILD) برای کمک به مقامات در درک نقشی که می‌توانند برای شکل دادن به سیاست‌های حافظ حقوق بشر بازی کنند، با دولت‌های محلی کار می‌کند. «موسسه زنان برای رهبری و توسعه» هم‌چنین جوامع محلی و موکلان و هوادارانی را که این مقامات در مقابل آنان جوابگو هستند، درگیر می‌سازد.

«وایلد» به منظور دفاع از حقوق بشر در سطح محلی از «کنوانسیون سازمان ملل برای پایان‌دادن به تبعیض علیه زنان(CEDAW)» سود جسته است. در سال ۱۹۹۶، موسسه فعالیت خود را با مبارزه‌ای آغاز کرد تا شهر سانفرانسیسکو اولین شهری در ایالات متحده باشد که برای‌ترویج اصول کنوانسیون سازمان ملل جهت پایان دادن به تبعیض علیه زنان، به تصویب این قانون دست بزند. برای گفت‌وگو از استانداردهای حقوق بشر در رابطه با تبعیض و ایجاد وضعیتی که حاصل کار را در سطح محلی بتوان اندازه گیری کرد، موسسه، با مقامات دولتی، شهروندان شناخته شده و گروه‌های مدافعی که کارشان بر تجاوزات خانوادگی، فقر و مسایل پزشکی و درمانی متمرکز است، کار کرده‌است.

موسسه، یک جلسه‌ی رسیدگی و دادرسی عمومی سازمان داد که در آن اعضای جامعه‌ی مورد نظر تشویق شدند تا شهادت شخصی‌شان در ارتباط با حقوق زنان و دختران و تعهدشان را برای اجرای اصول کنوانسیون (پایان دادن به تبعیض علیه زنان) سازمان ملل به ثبت برسانند. از طریق این جلسه‌ی رسیدگی، گروه امیدوار بود تا به شهروندان و مقامات رسمی شهر در این فرایند نقشی رهبری ببخشد و به آنان کمک کند نسبت به رعایت اصول کنوانسیون در تمام شهر احساس مسئولیت شخصی بنمایند.

در پاییز سال ۱۹۹۷، شهادت نامه‌های ارتباط کارهای «کنوانسیون سازمان ملل برای پایان‌دادن به تبعیض علیه زنان» یا زندگی زنان محلی طی یک جلسه‌ی رسیدگی و دادرسی همگانی به مقامات رسمی دولت عرضه شد. در ماه آوریل ۱۹۹۸، فرمانداری شهر، با صدور حکمی درخواست کرد تا ادارات شهر در بودجه، سیاست‌های استخدامی و ارایه خدمات در زمینه جنسیت و حقوق بشر از بازنگری کنند و برای کمک به اجرای حکم توسط ادارات شهر اعتبار مورد نیاز را تخصیص داد. حکم در سال ۲۰۰۳ وارد مرحله‌ای تازه شد.

در اجرای حکم، فرمانداری شهر سانفرانسیسکو ادارات دولتی امور شهری، آزادی مشروط نوجوانان و بزرگسالان، و محیط زیست، همچنین شورای مسکن و کمیسیون هنرها را مورد بررسی قرار داد. و در پی آن ادارات دولتی برخی تغییرات را در کارشان شامل این موارد: ایجاد مشاغل غیر سنتی برای زنان در فرمانداری و افزودن بر تعداد چراغ‌های خیابانی در محله‌های ناامن به عمل آوردند.

موسسه در حال حاضر دامنه نفوذ خود را گسترش داده وبه سازمان‌ها در شهرهای سرتاسر ایالات متحده در مورد شیوه کاربست اصول کنوانسیون سازمان ملل برای پایان دادن به تبعیض علیه زنان، هم چنین اصول «کنوانسیون حذف هرگونه تبعیض نژادی» (CERD–Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination) مشورت می‌دهد و آن‌ها را راهنمایی می‌کند.

مردمی که در جلسات داری شهادت داده‌اند بسا که هرگز تجارب‌شان را در چهارچوب حقوق بشر ارزیابی نکنند، همانگونه که مقامات محلی سان فرانسیسکو نیز ممکن است کار خود را در چهارچوب عمل به وظیفه خود در قبال موازین حقوق بشر تلقی نکنند. اما موسسه‌ی زنان «وایلد» برای حقوق بشر به‌آنان کمک کرد که کار و تجربه خود را در این چهارچوب بگذارند و آنان را وارد جنبش حقوق بشر کرد.

این تاکتیک می‌تواند ذره ذره به تغییر عادات فکری ملی کمک کند، و سرانجام به کار بست و نظارت بر اجرای موازین و استانداردهای حقوق بشر راه ببرد. گروه‌های دیگر، که در زمینه‌ی مسایل گوناگون و بیشماری مشغول به کار هستند، نیز ممکن است چنین تشخیص دهند که یافتن حامیان و ایجاد حوزه‌های موکلان و هواداران در سطح محلی می‌تواند به آن‌ها در ایجاد تغییرات مهم بیشتری چه در سطح محلی و چه در سطحی کلی‌تر یاری دهد.

مبارزه با بدنامی اجتماعی: درگیر ساختن رهبران مذهبی در شکل دادن به رفتار مردم باجمعیت‌های بدنام و مطرود.

در بسیاری از جوامع، رهبران مذهبی از شان و مقامی بسیار محترم و پر نفوذ برخوردارند؛ مردم برای رفتار و پذیرش موازین اخلاقی چشم به سرمشق و اشارت آنان دارند. اینجا، در تبت، راهبان و راهبه‌های بودایی با بدنامی بیماری ایدز با سرمشقی که از نحوه‌ی رفتار خود با مبتلایان به بیماری ایدز ارایه می‌دهند به رفتار مردم با این رنج کشیدگان شکل می‌بخشند که در غیر آن‌صورت چه بسا که کاملاً از جامعه طرد می‌شدند.

پروژه‌ی «سانگ‌ها متا» (Sangha Metta) راهبان، راهبگان و نوآموزان رهبانیت را برای یاری عملی و روحی مبتلایان به بیماری ایدز و مبارزه علیه افسانه‌ها و تصورات نادرست پیرامون این بیماری آموزش می‌دهد. این برنامه اکنون در تایلند، کامبوج، لایوس، برمه، ویتنام، چین و مغولستان وجود دارد و از حمایت یونیسف (صندوق مالی کمک به کودکان- سازمان ملل)، «اوس اِید» (AusAID)، «موسسه‌ی جامعه باز» و «پروژه‌ی برمه» برخوردار است. در حالی که بیماری ایدز در ناحیه‌ی آسیای پاسفیک (اقیانوس آرام) شیوع یافته، بی‌اطلاعی درباره‌ی شیوه سرایت بیماری ادامه دارد و موجب تبعیض در مورد مبتلاشدگان شده است.

پروژه‌ی «سانگ‌ها متا» با تمرکز بر تعلیمات اخلاقی و مذهبی بودایی در سال ۱۹۹۷ توسط راهبان در تایلند آغاز شد و منبعی الهام بخش، برای آموزش و یاری فنی بسیج بودایی پیرامون بیماری ایدز بوده است. «سانگ‌ها متا» سمینار و کارگاه‌های آموزشی برپا می‌کند و بازدید رهبران بودایی و دیگر ادیان را از تیمارخانه‌های مبتلایان به ایدز سازمان می‌دهد. در کارآموزی‌های سه تا پنج روزه، شرکت کنندگان درباره‌ی جلوگیری، آگاهی- بخشی، فنون مدیریت اجتماعی و ابزاری که مشوق مدارا و عطوفت با بیماران باشد تعلیم می‌گیرند و به اتفاق به ارزیابی مشکلات در اجتماع خود و گام‌های ممکن در مبارزه با آن‌ها می‌پردازند.

سپس رهبران بودایی شیوه‌ی رفتار با مبتلایان در خصوص مسئله خوردن غذا -برای مثال غذاهای پخته و درست شده توسط مبتلایان به بیماری ایدز- را به اعضای اجتماع خود می‌آموزانند. این اقدام نمادین ساده تأثیر بسزایی بر اعضای جوامع در مقابله و غلبه بر ترس‌شان از سرایت بیماری دارد. راهبان هم‌چنین مبتلایان را در انجام مکاشفه‌ی ژرفاندیش خاص خود راهنمایی می‌کنسند و برای عیادت به خانه آنان می‌روند، درباره‌ی بیماری به جوانان آموزش می‌دهند و از کودکانی که در نتیجه‌ی بیماری پدران و مادران شان یتیم شده‌اند مواظبت می‌کنند.

راهبان و راهبگانی که با «سانگ‌ها متا» کار می‌کنند با کمک به متقاعد ساختن اعضای جوامع خود و ارایه‌ی سرمشق، و آموزش به آن‌ها در مورد پذیرش و مدارا با گروهی از مردم که به طور سنتی طرد شده‌اند، به احترام و ارتقای حقوق بشر یاری می‌رسانند. در آسیا معبدها قلب معنوی روستاها هستند و روستاییان به راهبان و راهبه‌ها همچون آموزگاران مورد احترام، معتمدان و نمونه‌های پارسایی و زندگی پاک و منزه بودایی می‌نگرند. مردم عادت کرده‌اند به آن‌ها به عنوان نمونه و سرمشق کردار و رفتار خویش نگاه کنند. در آن جا بسیاری از مردم برای کسب راهنمایی در مورد چگونگی اعمال‌شان، خیلی آشکارتر از سایر ادیان و فرهنگ‌ها، به رهبران مذهبی خود متوسل می‌شوند. این رهبران قادرند افراد تازه‌ای را در کار ترویج حقوق بشر درگیر سازند. «سانگ‌ها متا» در حال حاضر موانع مذهبی را پشت سر گذاشته و به اداره کردن کارگاه‌های آموزشی و کارآمोختن به رهبران ادیان مسیحی، هندو و اسلام نیز پرداخته است.

من با راهبان در خصوص این که چه نقشی می‌توانند در ارتباط با بیماری ایدز به‌عهده بگیرند، صحبت کردم. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که بیماری ایدز صرفاً یک مسئله پزشکی نیست بلکه در ضمن یک مسئله اجتماعی-اقتصادی است.

راهبان، به‌عنوان رهبران سنتی و مذهبی، وظیفه‌شان را در تقویت جوامع خود و به عهده گرفتن نقشی فعال در مبارزه با بیماری ایدز می‌دیدند.

— لاورِی ماوند، «سانگ‌ها متا»، تایلند

جستجوی خانه به خانه برای یافتن یار و پشتیبان: بکار بستن کارزار اعلام اسامی نامزدان بر تر برای شناسایی متحدان بالقوه تازه حقوق بشر.

خشونت خانوادگی مسئله‌ای‌است که بر زندگی مردان، زنان و کودکان اثر می‌گذارد، با این حال اغلب مسئله‌ای فقط ویژه زنان تعلقی می‌شود. در افریقای جنوبی گروهی برای درگیر ساختن مردان برای محدود ساختن خشونت‌های خانوادگی تاکتیک ویژه ای به کار می‌برند.

«کارزار [معرفی] مرد برتر روز از پروژه‌ی **۵ از ۶** در افریقای جنوبی» از زنان می‌خواهد تا مردانی را که با زنان رفتاری مناسب و مثبت دارند معرفی کنند و سپس از این مردان دعوت می‌کند تا به کسوت مدافعان تازه حقوق زنان درآیند.

در افریقای جنوبی میزان خشونت علیه زنان از تمام کشورهای دیگر جهان که در شرایط جنگی نیستند بیشتر است. تحقیقات نشان می‌دهد که از هر شش مرد، یک نفر در زندگی خود زنی را مورد خشونت و بدرفتاری قرار داده است. «پروژه‌ی **۵ از ۶**»، پنج مرد دیگر را که با زنان خشونت نمی‌ورزند مورد توجه قرار می‌دهد. پروژه‌ی «کارزار [معرفی] مرد برتر روز «برای یافتن این مردان و درگیر ساختن آنان در مبارزه، به اجرا گذاشته شده است. داوطلبان خانه به خانه می‌روند و از زنان می‌خواهند تا اطلاعاتی در مورد مردان مثبت و شایسته‌ای که در این خانه‌ها زندگی می‌کنند، به پرسش‌گران بدهند. افزون بر ۵۰۰۰۰ پاسخ، همراه با معرفی‌هایی که از طریق پست فرستاده می‌شود، «بهترین» پدران، عموها، برادرها، پدربزرگ‌ها و دوستان مرد را در کشور شناسایی کرده‌اند. نام‌ها و توصیه‌نامه‌ها زینت بخش کلیساهای محلی شده است و آگاهی در زمینه این عملیات را گسترش داده و بر محبوبیت آن بین مردم می‌افزاید.

از نام‌های این فهرست، داوطلبانی به جلساتی درباره‌ی بحث در مورد «مشکلات جامعه‌ی محلی» دعوت می‌شوند و به این‌ترتیب مردانی از گروه‌های سنی، تجربه‌ها، طبقات اجتماعی و وضعیت‌های مالی مختلف درگیر کار می‌شوند. توجه جلسات به ترویج همکاری و یافتن راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز درباره‌ی مشکل خشونت و بد رفتاری علیه زنان معطوف است. کارگاه‌های آموزشی اضافی به مردان کمک می‌دهند رابطه قدرت بین جنسیت‌ها را درک کنند و احترام به خود را بیاموزند و راه‌های مثبتی برای حل و فصل وضعیت‌های مشکل خانوادگی بیابند. بسیاری از شرکت‌کنندگان متوجه تغییر و تحولی شگرف در سطح آگاهی خود درباره ی خشونت خانوادگی و توانایی‌شان برای درگیرساختن مردان دیگر درباره این موضوع شده‌اند. برای بسیاری، این اولین بار است که درباره‌ی این موضوعات زبان به سخن گشوده‌اند و نتیجه آن بسیار مؤثر بوده‌است.

با تشخیص و تجلیل از نقش سرمشق‌دهنده مردان محلی، «پروژه‌ی ***۵ از ۶***» قادر است با نمونه‌های چنین مردانی در سرتاسر جامعه ارتباط برقرار کند و آنان را در بحث و یافتن راه‌حل پایان خشونت‌های خانوادگی درگیر ساخته و متوجه‌شان سازد که این مسئله بخشی بنیادی از دیگر مشکلاتی ست که در جامعه‌شان با آن روبرو هستند.

این کارزار معرفی به شناسایی متحدان بالقوه کمک می‌کند: کسانی که به موضوعی خاص اهمیت می‌دهند اما فعالانه درگیر آن نمی‌شوند. آنان درگیر مسئله نیستند چرا که می‌بینند گرفتار آن نیستند و یا صرفا به این دلیل که هرگز امکان این کار را نداشته‌اند و یا شاید به این دلیل که جامعه به طور سنتی آنان را از این موضوع به دور نگهداشته‌است.

پس‌از آنکه «پروژه ***۵ از ۶***» این یاران و پشتیبانان غیرفعال را شناسایی کرد، به **چه کسانی پشتیبانان غیرفعال شما هستند؟ چه** فعال‌سازی شماری از آنان مساعدت می‌کند و به این ترتیب تاثیرات آن گسترش می‌یابد. به این یاران فعال جدید، ابزار و اطلاعات لازم داده می‌شود، و آن‌ها با مردان دیگر صحبت می‌کنند، و متحدان بیشتری برای دفاع از حقوق زنان فراهم می‌آورند.

ساختن شبکه‌ها از راه پیام نوشتاری کوتاه تلفنی: **استفاده از «پیام نوشتاری» تلفنی به منظور ایجاد پشتیبانی و هواداری از فعالیت‌های حقوق بشر.**

از فن‌آوری‌های نو می‌توان در ایجاد آگاهی درباره حقوق بشر و در کار آوردن شمار زیادی از مردم، به ویژه جوانان، در کارزارهای مبارزاتی حقوق بشر سود جست.

«سازمان عفو بین‌الملل هلند»، تکنولوژی پیام‌نویسی تلفنی را برای جلب اعضای جدید – به ویژه جوانان – به سازمان و آگاهی رسانی در مورد بسیج‌های مبارزاتی‌اش علیه شکنجه به کار می‌برد و مردم را ترغیب می‌کند به درخواست‌هایش مبنی بر نشان دادن واکنش سریع و دست زدن به اقدامات عاجل پاسخ دهند. بیش از ۵۰۰ عضو تازه در نتیجه استفاده از تمهید پیام‌های نوشتاری کوتاه تلفنی به سازمان پیوسته‌اند؛ و بیش از ۵۰۰۰، به درخواست‌های فوری [برای رسیدگی به موارد نقض حقوق بشر] از طریق پیام‌نویسی‌های کوتاه تلفنی واکنش نشان داده‌اند.

این تاکتیک در سال ۲۰۰۱ در چهارچوب کارزار تبلیغ سازمان عفو بین‌المللی علیه شکنجه بسط داده شد. بخش هلندی عفو بین‌الملل هنگامی که به اقدامی فوری برای حمایت از کسی که در معرض شکنجه قرار داشت نیاز بود، یک پیام تلفنی به تلفن همراه هزاران شرکت‌کننده در این کارزار می‌فرستاد. این شرکت‌کنندگان که برای مشارکت داوطلبانه و رایگان در پیام نویسی کوتاه تلفنی شبکه ی کارزار متعهد بودند، به این درخواست پاسخ داده و در عرض چند ساعت، عفو بین‌الملل هزاران «امضا» از معترضان علیه موردی و یا مورد تهدید به شکنجه‌ای جمع‌آوری می‌کرد. سپس سازمان به وسیله فاکس یا پست الکترونیکی این اعتراض‌ها را برای مقامات مسئول ارسال می‌داشت.

عفو بین‌المللی-هلند تکنیک انجام این کار را به وسیله‌ی یک مرد تونسی که هم موضوع چنین مواردی بوده و هم از یک چنین اقدام فوری از سوی این سازمان استفاده کرده بود، و در یکی از پربیننده‌ترین برنامه‌های شنبه شب تلویزیون با دسترسی به ۲/۵ میلیون نفر بیننده، تشریح کرد. در این برنامه، تماشاگران دریافتند که یک اقدام فوری، فقط در ۱۶۰ حرف خلاصه شده‌است. در جواب به پیام شماره‌ی «۴۷۷۷»، مردم فقط لازم بود با یک «آری» پاسخ بدهند. یک دقیقه بعد، شرکت‌کنندگان، پیام کوتاه نوشتاری دیگری دریافت می‌کردند حاوی تشکر از آنان و اعلام تعداد افرادی که تا آن لحظه به اعتراض پیوسته بودند، و مدتی بعد، کوتاه نوشته‌ی دیگری برای اطلاع از نتیجه کارزار از قبیل آزاد شدن آن فرد از بازداشت.

با این که عفو بین‌المللی به ندرت مدعی نقش مستقیم خود در مورد بهبود وضعیت کسانی می‌شود که در قضیه اقدام‌های فوری شرح آن رفت، تقریبا در یک سوم از موارد نتایج موفقیت‌آمیز بوده است: حکم‌های اعدام تخفیف داده شده است، مردم «ناپدیدشده» دوباه پیدا شده‌اند و محل زندان و بازداشت دستگیرشدگان اعلام گردیده‌است. از این رو امکان شکنجه کاهش یافته و احتمال رسیدگی های درمانی به زندانیانی که سخت بیمار هستند، بیشتر شده است. افزون بر این، این کارزار بسیاری از جوانان را متقاعد ساخته است – چه بسا هزاران نفر را – که به شبکه‌ی اقدام فوری عفو بین‌الملل بپیوندند.

تمام کارزارهای سازمان عفو بین‌الملل معطوف به پاسخی متمرکز به نقطه‌ای در جهان است که کسی به کمک و حمایت محتاج باشد، این امر با استفاده از اقدامی ساده انجام می‌پذیرد که در آن جمعیت پر شماری بتوانند در آن مشارکت کنند و از طریق آن احساس کنند که وجودشان می‌تواند چیزی را تغییری دهد. کارزار هم‌چنین به مردم آموزش می‌دهد و بر آگاهی جمعی وعمومی درباره ی تجاوزات به حقوق بشر از قبیل شکنجه می‌افزاید. کارزار پیام نویسی تلفنی ضمن اینکه همزمان اثرات آموزشی عفو بین‌الملل را در میان مخاطبان و پشتیبانان تازه گسترش می‌بخشد، و نیز موجب دریافت پاسخی سریع‌تر در کمک رسانی به قربانی شده است.

کارزار پیام نویسی کوتاه تلفنی به شکلی اعضای جوان‌تری را به سوی عفو بین‌الملل جلب کرده است که دیگر امکانات و فعالیت‌های راه دور قادر به انجام آن نبوده‌اند. جوانان پرشمارترین و بیشترین استفاده‌کنندگان از تلفن‌های همراه هستند و عفو بین‌الملل می‌خواهد به جوانان دسترسی پیدا کند. با کاربست ابزاری محبوب در فرهنگ جوانان، عفو بین‌الملل فعالان جوان تازه‌ای را به سوی خود جلب کرده است که بر قدرت کارزارهای خود در آینده‌ای دراز مدت خواهد افزود.

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر	پدید آوردن فرهنگ و برپایی نهادهای حقوق بشر
تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر	پدید آوردن حوزه‌های هواداران و مخاطبان

دگرگون ساختن نیروی پلیس: آموزش دادن به ماموران پلیس درباره‌ی نقش آنان در دفاع از حقوق بشر.

یک گروه برزیلی برای ترغیب مأموران پلیس برای تغییر رابطه‌ی خود با جوامعی که در آن‌ها به کار اشتغال دارند، رویکرد آموزشی جامعی را به کار می‌برد.

«مرکز مشورت برنامه‌های آموزشی شهروندی» در برزیل یا «کاپیک/CAPEC» برای کمک به درک مأموران پلیس در زمینه‌ی نقش بسیار مهمی که می‌توانند در مقام مدافعان حقوق بشر به‌عهده بگیرند، به آن‌ها آموزش می‌دهد. کارآموزی که شامل دوره‌های بسیار مختلفی می‌شود، بر حقوق بشر تمامی شهروندان از جمله خود مأموران پلیس تأکید دارد. نقش پلیس به واسطه این فرایند، دگرگون می‌شود و به بهبود روابط پلیس با اجتماع و پذیرش تعهد مدنی بیشتری منجر می‌شود.

خشونت و شکنجه‌ی پلیس در برزیل امری شایع است. پرداخت حقوق ناچیز به مأموران پلیس این وضعیت را تشدید می‌کند و فساد و رشوه خواری عمومیت دارد. هدف «کاپیک» ایجاد «امنیت متقابل و دوسویه» است که طی آن کار و تلاش برای تامین امنیت عمومی به اتفاق اعضای جامعه طرح‌ریزی و سازمان داده می‌شود و در آن مسئولیت‌ها تقسیم شده و از این رهگذر، به برقراری نظم و امنیتی منجر می‌شود که به شکل موثری به نیازهای شهروندان پاسخ می‌دهد.

دوره‌های کارآموزی در سه مرحله دو روزه طی شش ماه انجام می‌پذیرد تا پیام آن افراد بیشتری دریافت کنند. «کاپیک» از ادارات پلیس می‌خواهد تا مأمورانی را به آن‌ها توصیه و معرفی کند که در بازگشت به سر کارشان، بتوانند تجارب دوره کارآموزی خود را در اختیار دیگران نیز بگذارند. اعضای جامعه‌ی مورد نظر و مأموران پلیس به اتفاق در دوره‌های آموزشی شرکت می‌کنند.

کارآموزی‌های این مرکز بر آن تأکید دارد تا به مأموران مجری قانون نشان دهد که نقش آنان در جامعه چه قدر مهم است و نحوه ی کار آن‌ها در زندگی افراد و جماعت‌ها تا چه حد تأثیر دارد. آنان همچنین درباره‌ی مزایای فراوان امنیت متقابل از جمله برقراری نظم و امنیتی موثرتر و وضعیتی ایمن‌تر برای ماموران پلیس نکته‌ها می‌آموزند.

مربیان از حکایت‌های زیاد، نمونه‌ها و مثال‌هایی که از تجارب دانشجویان بر گرفته‌اند استفاده می‌کنند و بیشتر بر آموزاندن تاکید می‌ورزند تا بر داوری در باب رفتارها. در چنین گفت‌وگویی، مأموران ضمن احساس قدردانی می‌آموزند که چگونه می‌توانند حقوق بشر را در جامعه‌ی خود بهبود بخشند.

کارآموزی‌های مرکز تا به حال در ۲۵ ایالت برزیل با شرکت بیش از ۳۰ هزار نفر شرکت کننده به اجرا در آمده که بیشترشان از ماموران پلیس شهری، پلیس نظامی، پلیس فدرال- پلیس راهنمایی و نگهبانان شهرداری‌ها بوده‌اند. مرکز تاکنون با پلیس فدرال، پلیس ایالتی و پلیس شهری همکاری کرده است.

این تاکتیک «مرکز مشورت برنامه‌های آموزشی شهروندی» جالب توجه است زیرا گروهی را درگیر می‌سازد که در خلافکاری و یا روا داشت آن مسئول بوده‌اند ولیکن موضوع مهم آن است که این تاکتیک آنان را به مدافعان حقوق بشر مبدل می‌سازد. این رهیافت نه تنها به ایجاد فرهنگ حقوق بشر نیرومندتری در برزیل یاری می‌رساند، بلکه با آفرینش فضایی مناسب سبب می‌شود که پلیس و اجتماع برای مسایلی که با آن روبرو می‌شوند به طور مشترک به جستجوی راه حل بپردازند و به طور مستقیم خلافکاری‌های جاری را کاهش می‌دهد.

این مقاله برگرفته از کتاب *تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر*، نوشتهٔ **پدید آوردن فرهنگ و برپایی نهادهای حقوق بشر**، انتشارات **پدید آوردن حوزه‌های هواداران و مخاطبان**، سال ۱۳۸۶ خورشیدی است.

در کنش متقابل با این گروه‌های اجتماعی، مأموران پلیس می‌توانند نقش مربیان و آموزشگران را به ویژه برای جوانان و کودکانی که کمتر قهرمان و سرمشق مثبتی دارند، بر عهده بگیرند. در محله‌ای از شهر ماکاپا (Macapá) ماجرای جالبی پیش آمده‌است. این محله به علت وجود دار و دسته‌های جوانی که به اذیت و آزار ساکنان محله می‌پرداختند خطرناک تلقی می‌شد. بعد از تأسیس نظام برقراری امنیت متقابل در این محله، یک سروان ارتشی به‌عنوان رییس پلیس ناحیه به کار گماشته شد. او رهبر مهمترین گروه این دار و دسته‌ها را شناسایی کرد و پیام‌هایی مبنی بر دعوت او به گفت‌وگو را برایش فرستاد. سرانجام نوجوان آمد و افسر پلیس

آغاز به ایجاد رابطه‌ای با وی در مقام بزرگسالی دلسوز و همچنین مربی و آموزگاری نمونه و سرمشق کرد. چه بسا که این پسر هرگز در گذشته سرمشق و مدل مشابهی در زندگی اش نداشته بود. امروز این نوجوان از متحدان پلیس است و با هدایت او بسیاری از نوجوان دیگر نیز به پلیس یاری می‌رسانند. محله آرام‌تر و امن‌تر شده است. این افسر پلیس به اهمیت شغل خود به عنوان آموزشگر و مروج آرامش و صلح پی‌برده بود و با نزدیک‌تر شدن بیشتر به اهالی محله‌ای که در آن کار می کرد موفق شد منشا اثری گردد.

— زُرا آلَییدا، مرکز مشورت برنامه‌های آموزشی شهروندی، برزیل

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

پدید آوردن فرهنگ و برپایی نهادهای حقوق بشر

پدید آوردن حوزه‌های هواداران و مخاطبان

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

پدید آوردن فرهنگ و برپایی نهادهای حقوق بشر

پدید آوردن حوزه‌های هواداران و مخاطبان

همیاری

پیوندهای تازه، به‌ویژه با همکارانی پیش‌بینی نشده، می‌تواند کوشش‌های مدافعان حقوق بشر را از راه‌هایی پیش‌بینی

ناپذیر تقویت کند. یک مخالف پیشین را به سمت خود جلب کنید، نه تنها متحد تازه‌ای به‌چنگ آورده‌اید بلکه یک نفر از معارضان و

مخالفان خود را نیز کمتر کرده‌اید. روابط قطع شده خود را دوباره برقرار سازید با این کار شما از احتمال درگیری و خشونت و بدرفتاری

می‌کاهید. با گروه‌های بیرون از بخش خود رابطه برقرار کنید، با این کار شما بر اعتبارهدفی که دارید می‌افزایید و مخاطبان جدیدی را

به سوی خود جلب می‌کنید. با فراتر رفتن از مرزهای بین‌المللی، شما اتحادی تواناتر و انعطاف‌پذیرتر ایجاد می‌کنید که قدرت و نفوذ

سیاسی بیشتری دارد.

همیاری استراتژیک مدافعان حقوق بشر را در ایفای نقش نمایندگی‌شان برای جامعه‌ای که در خدمت آن هستند آماده تر و تواناتر

می‌سازد. این کار می‌تواند در انتظار عمومی، در رسانه‌ها و در دولت به آنان مشروعیت بیشتری ببخشد. آنگاه که مدافعان حقوق بشر از

مجموعه‌ای نیرومند و متنوع از متحدان برخوردار باشند و دیگر در انزوا به کار نپردازند، تعرض به کاری که ایشان انجام می‌دهند بسیار

مشکل‌تر خواهد شد.

بر پا ساختن جبهه‌ای متحد: ایجاد ائتلافی از سازمان‌های حقوق بشر در یک کشور به منظور بیان یک صدا اعتراض علیه خشونت‌ها و بدرفتاری‌ها

گروه‌ها هنگامی که با هم کار کنند غالباً می‌توانند کارهای بیشتری برای بهبود وضعیت حقوق بشر در کشور انجام بدهند تا وقتی که به طور انفرادی دست به عمل می‌زنند. «هماهنگ‌کننده‌ی ملی حقوق بشر» در پرو اثبات کرده است که این مطلب حتی در مقیاسی گسترده امکان‌پذیر است.

«هماهنگ‌کننده‌ی ملی حقوق بشر» ائتلافی از ۶۳ گروه عمده‌ی حقوق بشر در پرو می‌باشد. این نهاد که در سال ۱۹۸۵ تاسیس شده به‌علت توانایی‌اش در متحد ساختن سازمان‌های عضو و تطبیق خود با تغییرات دایم محیط سیاسی هم چنان پا برجا مانده‌است. ترکیب درهم آمیخته آن از اعضای شهری و روستایی بر مشروعیت‌اش در سراسر کشور و در جامعه‌ی بین‌المللی افزوده‌است؛ ضمن این که مشارکت سازنده‌ی مقامات دولتی نیز در قدرتمندی آن به عنوان یکی از بازیگران عرصه‌ی سیاسی مساعدت کرده است.

به دنبال استقرار رژیم نظامی ژنرال فرانسیسکو مُرالس پرمودز و به راه افتادن گروه مسلح انقلابی «راه درخشان» (Sendero Luminoso)، گروه‌های حقوق بشر در برابر افزایش بیش از حد خشونت‌ها کار چندانی از دست‌شان بر نمی‌آمد. طی دو سال ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴، در خشونت‌های سیاسی، ۶۰ هزار پروبایی جان خود را از دست دادند. ایجاد فضایی مستقل از مذهب و سیاست، که گروه‌ها بتوانند در آن تشریک مساعی و همکاری کنند، امری حیاتی شده بود.

موفقیت و قدرت ائتلاف ناشی از عوامل چندی است از جمله:

۱- **اصول روشنی برای کارکرد داخلی:** ائتلاف از همان گردهمایی نخستین تصمیم گرفت که خود را در مخالفت با هرگونه تجاوزی متعهد بداند، از احزاب سیاسی و دولت مستقل بماند، به جامعه‌ای آزاد و دموکراتیک وفادار باشد و با مجازات اعدام مخالفت ورزد. سازمان‌هایی که به این اصول اعلام وفاداری ننمایند مجاز به شرکت در ائتلاف نخواهند بود.

۲- **تصمیم‌گیری مبتنی بر اتفاق‌نظر:** روش و فرآیند تصمیم‌گیری، احساس توافق مشترک و حس هم‌بستگی را می‌آفرینند. تمام گروه‌ها بایستی موافق باشند. با این که اندازه‌ی گروه‌های ائتلافی کاملاً با هم فرق دارد و از گوشه‌های مختلف کشور آمده‌اند، ولی آن‌ها هنگام تصمیم‌گیری، و تشکیل شورای ملی که به وسیله‌ی اعضا طی یک اجلاس عمومی انتخاب می‌شوند، هریک دارای یک رای برابر هستند.

۳- **نمایندگی کردن گروه:** روش درون سازمانی و توافق جمعی بر سر انتخاب نماینده‌ی یک سازمان، چه از نظر داخلی و چه از نظر خارجی، به این شخص و به سازمان مشروعیت می‌بخشد. برای مثال وقتی کسی از طرف سازمان‌های عضو برای شرکت در یک اجتماع بین‌المللی انتخاب می‌شود، شرکت این فرد نه به‌عنوان نماینده سازمانی خاص بلکه به عنوان نمایندگی از سوی «نهاده‌ی جمعی و هماهنگ ساز» است.

۴- **توافق بر سر اولویت کارهایی که به اتفاق انجام خواهد گرفت:** هر دو سال یک‌بار سازمان‌های عضو در اجلاسی ملی در مورد کارهایی که باید به عنوان اولویت‌های ائتلاف به‌آن‌ها بپردازند، گرد هم می‌آیند و اولویت‌ها را تعیین می‌کنند. کار آنان در مورد این اولویت‌ها توسط یک مدیر اجرایی، مقامی ثابت که اجرای تصمیمات شورای ملی و شورای عمومی را به‌عهده دارد، در سطح ملی و به طور گروهی دنبال می‌شود. مدیر اجرایی برای مدت دو سال انتخاب می‌شود و در مقام سخنگوی رسمی «ائتلاف» فعالیت می‌کند، جلسات را سازمان داده و تسهیلات لازم را فراهم می‌آورد و به بسیج اعضا می‌پردازد. «نهاد هماهنگ‌ساز جمعی» تنها به فعالیت‌هایی می‌پردازد که از امور سازمان‌های منفرد ائتلاف، متمایز است و در محدوده‌ی اولویت‌های مشترک جای می‌گیرد.

با هماهنگ کردن کوشش‌های خود، «نهاد هماهنگ ساز جمعی» به‌شکل مؤثر و کارایی مردم را در سطح ملی بسیج می‌کند، و اثر بسیار بیشتری از کوشش انفرادی سازمان‌ها یا یک ائتلاف موقت دارد. برای مثال، هنگامی که رئیس جمهوری سابق پرو، آلبرتو فوجیمُری تهدید کرد که از شرکت در نظام دادگاهی میان‌کشوری قاره آمریکا سر باز خواهد زد، در عرض یک هفته «نهاد هماهنگ ساز جمعی» مردم را در سراسر کشور بسیج کرد. تمام سازمان‌های عضو بیانیه‌ای را علیه پیشنهاد رییس جمهور امضا کردند و بیش از ۴۰۰ سازمان دیگر نیز بسیج شدند تا دست به عمل زنند. سپس هر سازمانی در بین اهالی محل خود به اقداماتی برای کسب پشتیبانی و درگیر ساختن مردم در اقدامات اعتراضی نسبت به وضعیت، دست زد. اگر موضع روشن، حیثیت و اعتبار و ساختار «نهاد هماهنگ ساز جمعی» در کار نمی‌بود، انجام چنین کاری امکان‌پذیر نمی‌شد. «نهاد هماهنگ ساز جمعی» در جوی آکنده از خشونت و نقض شدید حقوق بشر برپا شد و نشان داد که تحقق بخشیدن به تاکتیک ائتلاف‌سازی در وضعیت‌های نابسامان نیز میسر است. با این‌حال موفقیت واقعی این ائتلاف به بیش از نیاز به گردهم آمدن در مواقع بحرانی و سخت استوار است. هدف‌های روشن، چهارچوبی استوار و اصولی برای همیاری و همکاری و موضع‌گیری روشن علیه خشونت به سازمان مشروعیت بیشتری بخشیده است. این اصول همچنین حمایت‌های جامعه بین‌المللی را به دست آورده و کاری کرده که از موفقیت ائتلاف در دراز مدت اطمینان حاصل شود.

تاکتیک

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

پدید آوردن فرهنگ و برپایی نهادهای حقوق بشر

همیاری

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

پدید آوردن فرهنگ و برپایی نهادهای حقوق بشر

همیاری

گفت‌وگوی عمومی با نیروی پلیس: ایجاد فضایی برای تبادل نظر عمومی دراز مدت که در آن پلیس و شهروندان عادی بتوانند برای حل و فصل شکایات و اعتراضات‌شان در زمینهٔ حقوق بشر و دیگر موضوعاتی که بر مناسبات میان پلیس و جامعه اثر گذارند، با هم کار کنند.

رابطه‌ی میان نیروهای پلیس و مردم غیر نظامی یکی از نقاط برخورد در بسیاری از جوامع است. ارتباط ضعیف می‌تواند به خشونت و بدرفتاری یا به خطر افتادن امنیت عمومی منجر شود. گروهی در نیجریه، برای از میان برداشتن این شکاف راهی نو و ابتکاری یافته‌اند.

بنیاد «کلین» (CLEEN) یا «مرکز آموزش مجریان قانون در نیجریه» محافلی برای تبادل نظر عمومی سازمان می دهد، که شهروندان و پلیس می‌توانند در آن جا به بحث و مذاکره درباره نگرانی‌ها و شکایت‌های‌شان در مورد جرم‌ها و نحوه‌ی رفتار پلیس بپردازند.

جوامع محلی و نیروهای پلیس می‌توانند خود را در دور غیرسازنده‌ای از بی‌اعتمادی متقابل بیابند. اعضای جامعه، نگران بدرفتاری، خشونت و فساد پلیس‌اند. پلیس متقابلا می‌تواند جامعه را در جریان تحقیقاتی که صورت می‌دهد خصمانه و فاقد روحیه همکاری ببیند.

در نیجریه، ساختار متمرکز نیروی پلیس بر مشکل افزوده است: مجموعه‌ای از برنامه‌ها و خط‌مشی‌ها در سرتاسر کشور به کار بسته می‌شود و همین امر شکافی میان الویت‌های قانونی که پلیس مجری آن‌هاست و نیازهای متفاوت جماعات محلی ایجاد می‌کند.

«کلین» پر کردن این فاصله را با فرستادن نامه‌ای به دولت‌های محلی و پیشنهاد تشکیل مجلس بحث و تبادل نظر عمومی در بین مردم جامعه مورد نظر آغاز می‌کند. گروه چنانچه دولت‌های محلی پاسخ مثبت بدهند و همکاری و تعهد بخش پلیس محلی تضمین شود دنبال کار را می‌گیرد. آنگاه «کلین» هدایت کارگاهی مشارکتی را به عهده می‌گیرد که در آن پلیس و اعضای اجتماع مورد نظر دوره‌ی آموزشی نحوه‌ی حل و فصل اختلاف را می‌گذرانند و درباره‌ی پاسخ‌های پلیس به شکایات محلی و نحوه‌ی اجرای برنامه ی «کلین» در ناحیه، بحث می‌کنند. این کارگاه‌ها به هر گروهی امکان می‌دهد تا برنامه‌ها را برحسب نیازهای خود تنظیم کند. سپس دو نفر از اهالی به طور نیمه وقت به مدت دوسال برای تدارک و هماهنگی جلسات استخدام می‌شوند. بعد از گذشت دو سال، بر مردم محل است که خود برای استمرار این برنامه راهی پیدا کنند.

تاکتیک «کلین» برای مأموران پلیس و اعضای جامعه مورد نظر محیطی عاری از تهدید فراهم می‌آورد تا در آن نگرانی‌هاشان را باهم در میان بگذارند و موانع مهمی را که بوروکراسی برسر راه‌شان می‌نهد از میان بر دارند. هر دو طرف در روابطی بالقوه برخوردآمیز این امکان را می‌یابند تا به یکدیگر به صورتی انسانی‌تر بنگرند: یعنی کسی که با او می‌شود همکاری کرد تا مخالفت. با مرور زمان، این فرآیند می‌تواند دور ناسازنده‌ی بی‌اعتمادی را بشکند و نهاد تازه‌ای بنیاد کند که در آن پلیس نقش خود را در خدمت به شهروندان بپذیرد و شهروندان به یاری پلیس در اجرای وظایف‌اش کمک کنند. این تاکتیک می‌تواند هم از خشونت پلیس و هم از میزان ارتکاب جرم مردم غیرنظامی بکاهد. این پروژه در حوزه‌ی اجرایی چهارده دولت محلی که از شش منطقه‌ی جغرافیایی نیجریه برگزیده شده‌اند به اجرا در آمده است.

از آنجا که عدم اعتماد و سوتفاهم سبب بروز برخورد میان بسیاری از گروه‌هاست، این تاکتیک را می‌توان در میان دیگر گروه های درگیر، مانند گروه‌های قومی یا صاحبان کسب و کار و کشاورزان به‌کار بست. یک خطر بالقوه در این کار هیجانان و عصبیت های شدیدی‌است که پیرامون برخی از موضوعات حاد و پیچیده بوجود می‌آید. تسهیل‌گران می‌باید برای رویارویی با چنین وضعیت‌هایی آمادگی داشته باشند و در صورت لزوم برای زمانی نسبتا دراز آمادگی‌شان را برای حل و فصل مسئله حفظ نمایند. برگزاری تنها یک جلسه احتمالا تاثیر کمتری از رویکرد دراز مدتی که «کلین» به کار گرفته است دارد.

متحدان خود را بشناسیم: شناسایی متحدان به منظور برقرار ساختن گفت‌وگویی سازنده و حفظ روابط هم‌کارانه.

گاهی عدم اعتماد نه فقط میان سازمان‌های حقوق بشر و نهادهای بیرونی وجود دارد بلکه بین خود سازمان‌های حقوق بشر و در درون آن‌ها نیز دیده می‌شود. در «ناحیه‌ی دریاچه‌های بزرگ آفریقا» گروهی در طول مرزهای بین‌المللی و نیز در میان خطوط بدگمانی‌های متعصبانه و ریشه‌دار قومی و ایدئولوژیک موجود در این منطقه، می‌کوشند بر این موضوع به وسیله‌ی توجه به تشریک مساعی و زیر نظر گرفتن وضعیت حقوق بشر در این ناحیه و نیز پخش و انتشار سریع اطلاعات، غلبه کنند.

«اتحادیه‌ی حقوق بشر ناحیه‌ی دریاچه‌های بزرگ» یا «ال. دی. جی. ال.» (LDGL) به عنوان گروهی که دربرگیرنده‌ی ۲۷ سازمان عضو در بوروندی، جمهوری دموکراتیک کنگو و رواندا، ناحیه‌ای که آکنده از اختلاف و برخورد است، می‌کوشد تا همبستگی میان این سازمان‌ها را حفظ کند. «ناحیه دریاچه‌های بزرگ» مدت‌هاست که از بی‌اعتمادی و تنفر ایدئولوژیک و قومی– متحمل خشونت ها و مصایب فراوان شده است. پاره‌ای از سازمان‌ها در منطقه، حتی برخی از گروه‌های حقوق بشر، با اقدامات جانبدارانه‌شان در حمایت از این یا آن گروه قومی، خود بازتاب دهنده‌ی این چندگانگی‌ها و تفرقه‌ها هستند.

جریان گفت‌وگوی روشمند و سنجیده‌ی این اتحادیه به عنوان مبنایی برای رویکرد به کنش متقابل با مردمانی با گذشته ها و فرهنگ‌های متفاوت و نیز ایجاد گفت‌وگوی موفقیت آمیز و تبادل اطلاعات بین آن‌ها بر اصول «اوبونتو» (Ubuntu) یا همان انسانیت متکی است. وقتی میان اعضای اتحادیه اختلافی بروز می‌کند، رهبران می‌کوشند تا مسایل مهم مورد اختلاف را بفهمند و ریشه یابی کنند. سپس متحدان بالقوه را تعیین کرده و بهترین روش گفت‌وگویی را که متضمن حفظ روابط سازنده بین آن‌هاست پیدا می‌کنند. اتحادیه افرادی را برای شرکت در گفت‌وگوها بر می‌گزیند که در اعتماد سازی و ایجاد همکاری، توانایی داشته باشند. اتحادیه در هر کاری که می‌کند زبان و اقداماتی را برمی‌گزیند که بر اعتبار خود بیافزاید، تا از این راه به اعضای اتحاد اطمینان بخشد که مورد توجه و احترام‌اند و به خواست‌های آنان رسیدگی خواهد شد.

پیش از نزدیک شدن به هر موضوعی که از سوی سازمان‌های عضو به آن پرداخته می‌شود، به ویژه موضوعات پیچیده‌ی مورد مشاجره، اتحادیه نخست مسئله را و زمینه‌های احتمالی یا واقعی اختلاف را خوب شناسایی می‌کند و هدف مطلوب و همبستگی‌هایی را که برای حصول آن ضروری است روشن می‌سازد. اتحادیه همچنین می‌کوشد تا متحدان غیرفعال، مستعد یا فعال را شناسایی کند و در گفت‌وگوها شرکت‌شان دهد.

اصطکاک میان اعضای یک همبستگی طبیعی است، به ویژه، همبستگی و اتحادی که در ناحیه‌ای پر از درگیری و جدال کار می‌کنند. این قبیل اصطکاک‌ها بیش از آنکه تقصیر «مردمان بد» باشد، نیاز به روش‌های دقیق و حساس گفت‌وگو را به ما نشان می‌دهد. یکی از قسمت‌های مشکل کار اتحادیه جلب درک و تفاهم مشترک در خصوص فعالیت‌هایش در ناحیه است. هرگاه در یک نشست اتفاق نظر به دست نیاید، اتحادیه به منظور جلب تفاهم کسانی که دچار تردید هستند، نمایندگان مورد وثوقی را از سازمان‌های عضو نزد آنان می‌فرستد تا درک بهتری از ابعاد موضوع به دست آورند و حمایت‌شان را جلب کنند.

از طریق این فرآیند دایمی برقراری رابطه و حفظ روابط، اتحادیه موفق شده است شبکه‌ای نیرومند از سازمان‌های گوناگون در سراسر منطقه ایجاد کند و اعتمادشان را به دست آورد و نیز بر تجاوزات به حقوق بشر نظارت نماید و به پخش سریع اطلاعات بپردازد.

ایجاد سازوکارهایی جهت مشخص ساختن دقیق متحدان پیش از گردهم‌آوردن اعضا یا گروه‌ها به منظور بحث و گفت وگو درباره موضوع‌های مناقشه برانگیز، برای اجرای موفقیت‌آمیز تاکتیک‌ها امری حیاتی است. این تاکتیک در وضعیت‌های دیگری که گروه های حقوق بشر دچار اختلاف و پراکندگی‌اند و برای دسترسی به منابع محدود و جلب توجه با یکدیگر درکشمکش و رقابت‌اند، می‌تواند به کار گرفته شود. اتحادها همیشه سخت شکننده هستند و نیاز به بحث و گفت‌وگو و مراقبت دایمی دارند تا برپا و به صورتی موثر فعال باقی بمانند.

نظارت پیگیر و دراز مدت: بستن قرارداد با شرکت‌های چندملیتی برای نظارت بر شرایط کاری در کارخانه‌های سازنده محصولات‌شان.

«کاورکو» (Coverco) یا هیئت نظارت بر نحوه اجرای نظام‌نامه‌ی شرکت‌ها (The Commission for the Verification of Corporate Codes of Conduct) از شرکت‌های چند- ملیتی دعوت می‌کند تا نظام‌نامه‌ی کار شرکت را با نحوه ی اجرای آن درعمل در کارخانه‌های خارجی که مصنوعات آن‌ها را تولید می‌کنند، مقایسه کنند. هیئت برای رد هرگونه عذر و بهانه‌ای که این قبیل شرکت‌ها در مراعات نکردن حقوق بشر ممکن است داشته باشند، به جمع آوری و بررسی و انتشار مستقلانه اطلاعات می‌پردازد.

هیئت به نظارت مستقل درازمدت و پیگیرانه شرایط کاری در کارخانه‌های دوزندگی و صنایع کشاورزی صادراتی گواتمالا پرداخته و پیروی و تبعیت از ضوابط و استانداردهای پذیرفته بین‌المللی کار را بررسی می‌کند. این «هیئت»، در شهر گواتِمَلا، سازمان نظارت مستقلی است که در سال ۱۹۹۷ توسط اعضای گروه‌های جامعه مدنی شکل گرفته است. هیئت نه در مقام مشاور مدیریت‌ها و نه در موضع مدافع کارگران کار می‌کند. سازمان نخست رابطه‌ای با یک شرکت (مثلا شرکت لیز کلیبُرن(Liz Claiborne Inc) برقرار می‌سازد سپس از طریق مذاکره موافقت شرکت را کسب می‌کند که دست این نهاد نظارتی را در دسترسی کامل و بازدید نامنتظره از تأسیسات تولیدی‌که شرکت متعهد به پرداخت هزینه‌های خرید خدمات به آن‌هاست است، آزاد گذارد. سازمان به طور مستقل یافته‌های خود را بر روی تارنمای اختصاصی‌اش منتشر می‌سازد.

به‌جای بازدیدهای کوتاه‌مدت و گزارش‌های یک مرتبه‌ای، هیئت در کارخانه‌هایی که به نظارت می‌پردازد حضور مداومی به مدت شش ماه برقرار می‌سازد. هیئت می‌کوشد به جای گرفتن یک عکس لحظه‌ای، از روابط کاری در تأسیسات تولیدی فیلمی تهیه کند. ناظران کارآزموده چندین بار در ماه بدون اطلاع قبلی به بازدید کارخانه‌ها می‌روند. ناظران دفاتر کارخانه را بررسی می‌کنسند، از مدیریت می‌خواهند تا سیاست و روش رسمی خود را در مورد مسایلی که پیش می‌آید بیان کنند، «بازرسی‌های ادراکی و حسی» از تأسیسات تولیدی به عمل می‌آورند، با کارگران در ساعات کار و خارج از ساعات معمول کار ملاقات می‌کنند و خط تلفن مستقیم رایگانی برقرار می‌سازند تا کارکنان از امکان دسترسی مستمر به آن‌ها اطمینان یابند. مصاحبه‌ها به زبان اسپانیایی انجام می‌گیرد و کاملاً محرمانه می‌ماند. دسترسی کامل به تأسیسات تولیدی، پرونده‌های شخصی، مدیریت و کارگران از طرف شرکت چند- ملیتی تضمین شده است.

نظارت با یک «حسابرسی اجتماعی» شروع می‌شود که با یاری آن ناظران ماهیت روابط کاری در تأسیسات تولیدی را مشخص می‌کنند؛ برای مثال، کنترل این مطلب که آیا رویه‌ای رسمی جهت رسیدگی به شکایات وجود دارد و آیا کاری از آن بر می‌آید یا نه. شرایط کار همگی کاملاً ثبت می‌شود، از جمله وجود و نحوه کار با مواد شیمیایی صنعتی، دسترسی به دستشویی و توالت و تمیز نگهداری آن، مراقبت‌های پزشکی در محل و پیروی از سایر ضوابط و موازین بهداشتی و ایمنی.

ناظران سپس به بررسی دفاتر پرداخت حقوق و دستمزد، پرداخت سود کارکنان و پاداش‌های تولیدی و رعایت موازین و مقررات اضافه کاری می‌پردازند. آن‌ها به دقت به شکایات هر کارگری رسیدگی می‌کنند و حتما نظرات مدیریت را نیز در تمام گزارش‌ها می آورند و وضعیت‌هایی رانیز که در آن‌ها صحت مدعیات به اثبات نرسیده است یادداشت می‌کنند.

فعالیت‌های نظارتی و بازرسانه هیئت باعث شده است که شرکت‌ها از تولیدکنندگان‌شان بخواهند که به طور سیستماتیک متابعت خود را از حقوق کار نشان دهند. برای مثال، دختر خردسالی از کارگران یکی از کارخانه‌های تأمین‌کننده «لیز کلیبُرن»، شکایت کرد که مدیر کارخانه از قبول تقاضای او برای ترک زودتر محل کار جهت شرکت در کلاس‌های آموزشی، که مطابق قوانین کار محلی و نظامنامه‌ی کار شرکت «لیز کلیبُرن» مجاز دانسته می‌شود، سر باز زده است. با ثبت این تخطی توسط هیئت، شرکت «لیز کلیبُرن» از مدیریت محلی خواست تا همه‌ی مدیران از این قوانین متابعت کنند. این تصمیم هیئت را بر آن داشت تا پرونده ی همه کارگران خردسال کارخانه را بازنگری کند و از داشتن اجازه‌ی والدین و مطابقت با قانون محلی که به خردسالان اجازه کار بیش از ۳۵ ساعت در هفته نمی‌دهد، اطمینان حاصل کند.

هیئت در ارتباط با اجازه‌ی ورود به کارخانه‌های تأمین‌کننده و اکراه برخی از کارخانه‌ها در اجرای برنامه‌های اصلاحی مورد توافق با شرکت‌های چند-ملیتی، مشکلاتی را گزارش کرده است. برای مثال، مدیران یکی از کارخانه‌های تأمین کننده محصولات شرکت گپ (Gap) رای مدتی به ناظران اجازه نمی‌داد بدون اسکورت از تأسیسات تولیدی بازدید کنند و یا آزادانه با کارگران به گفت‌وگو بپردازند.

با اینکه نمی‌توان حاصل کار را کاملاً رضایت بخش دانست، به اجرا در نیامدن برنامه‌های اصلاحی در بعضی از کارخانه‌ها، به توییح یا اخراج مدیران منجر شده است. کارگرانی که برخلاف قانون اخراج شده بودند به سر کار برگشته‌اند و اضافه‌کاری بیش از حد کاهش داده شده و مواردی از پرداخت نادرست سود جبران گردیده است.

انواع مختلفی از نظارت در جهان معمول است از جمله روش‌های مبتنی بر برخورد و یا روش‌هایی همانند روش این هیئت، که مبتنی بر همکاری با شرکت‌ها است. هیئت با شرکت‌های بین‌المللی به جای رابطه‌ای تهاجمی و مخالفت‌آمیز، رابطه‌ای همکاریانه را به کار می‌گیرد. هیئت برای تأمین مالی این برنامه‌ی نظارت که در خارج و مستقلا به اجرا در می‌آید با آنان وارد گفت‌وگو می‌شود و سپس نظارت را با تمهیدهای جالبی از حد متعارف جلوتر می‌برد. هیئت جایگاه ایمنی است تا کارگران شاکی بتوانند بدون ترس از عکس‌العمل‌های تلافی‌جویانه به آن جا مراجعه کنند و مشکلات‌شان را مطرح کنند. و در نتیجه آن‌ها را تشویق می‌کند که برای بهبود شرایط کارشان خود دستی بالا کنند. هیئت همچنین دست به استخدام ناظران محلی می‌زند که به بنا بر قاعده در فهم شرایط محلی و برقراری تماس با کارگران نسبت به خارجیان افراد مناسب‌تری‌اند. برای آن که این تاکتیک مؤثر واقع شود برخورداری از پشتیبانی کارگران و نیز مدیریت اهمیت اساسی دارد. هنگامی‌که این تاکتیک موفق شود، همه‌ی بهره‌وران از آن در ایجاد یک فرهنگ توافق با هم همکاری کرده‌اند.

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

پدید آوردن فرهنگ و برپایی نهادهای حقوق بشر

همیاری

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

پدید آوردن فرهنگ و برپایی نهادهای حقوق بشر

همیاری

خود- حکومت‌گری که **مرزها را در می‌نوردد: بر پای‌ی نهادی فراملّی برای حمایت و ارتقا حقوق مردمان بومی**.

بعضی وقت‌ها متحدان بالقوه مشخص‌اند، اما راه‌های به‌هم گرد آوردن‌شان نامعلوم است. بومیان نژاده ساآمی (Saami) که در منطقه‌ی بسیار سرد پیرامونی قطب، در چهار کشور مختلف زندگی می‌کنند، نهادهای اداریی بوجود آورده‌اند که برای حمایت از سیاست های فرامرزی مرتبط با حقوق اقلیت قومی‌شان، به‌ویژه حق چراگاه که در زندگی روزمره آنان اثر مستقیم دارد، با یکدیگر همکاری کنند.

«شورای ساآمی»، در ۱۹۵۶ پایه گذاری شد، و از نیاز به نوعی برقراری رابطه‌ای قوی فراسوی مرزهای سیاسی که مردم ساآمی را در شمال اسکاندیناوی از هم جدا کرده، و ترغیب آنان به تعاون و همکاری و حفظ حقوق خود به‌عنوان مردم بومی منطقه، برخاسته است. این شورا در منطقه‌ای که قوم ساآمی بیش از ۱۰ هزار سال است که در آنجا زندگی می‌کنند، یعنی منطقه‌ای که در حال حاضر چهار کشور – نُروژ، سوئد، فنلاند و شبه‌جزیره‌ی کُلا (Kola Peninsula) روسیه – در آن قرار دارند از حقوق آنان حمایت ودفاع می‌کند.

اعضای شورای ساآمی به طور معمول با سازمان‌های ملی ساآمی در کشورهای خود سر و کار دارند. پانزده کرسی شورا به نسبت جمعیت ساآمی – که بیش از ۱۰۰ هزار نفر هستند – بین هر یک از چهار کشور تقسیم شده است. شورا از ایجاد پارلمان های ساآمی در کشورهای اسکاندیناوی قویاً پشتیبانی کرده است که در فنلاند در سال ۱۹۷۳ و در نروژ و سوئد به ترتیب درسال ۱۹۸۷ و ۱۹۹۳ تشکیل شده است. هر پارلمان نهاد سیاسی مستقلی است با انتخاباتی آزاد که با پارلمان‌های ملی در کشورهای ذیربط در خصوص مسایل مورد علاقه ساآمیان به مشورت می‌پردازد. با این که پارلمان‌های ساآمی خود قدرت قانون‌گذاری ندارند، قادرند پارلمان‌های ملی را به اقدام در این زمینه برانگیزند.

موفقیت «شورای ساآمی» را می‌توان به توانایی‌اش در سازمان دادن همزمان مردم در سطح محلی، ملی و بین‌المللی نسبت داد. از این راه، اعضا قادرند وحدت فرا-مرزی خود را در جهت کسب پشتیبانی‌ها و وارد آوردن فشار برای تغییرات محلی به‌کار گیرند ضمن این‌که همزمان به جلب کمک سازمان‌های کوچک محلی برای پشتیبانی از موضوعات فرا-مرزی ساآمی می‌پردازند. یکی از کارهایی که هم اینک در دست اقدام است تهیه و تنظیم لایحه کنوانسیون ساآمی شمالی است. در سال ۲۰۰۲ دولت‌ها و پارلمان‌های ساآمی نروژ، سوئد و فنلاند برای تشکیل گروه کارشناسی از ساآمیان و غیر ساآمیان برای تهیه پیش نویس لایحه‌ی کنوانسیون تا سال ۲۰۰۵ به توافق رسیدند. کنوانسیون با موضوعات اساسی حقوق خود-گردانی و حق زمین، همچنین محیط زیست، تشریک مساعی میان دولت ها و پارلمان‌های ساآمی و حفظ میراث فرهنگی سر و کار خواهد داشت. یکی از مسایل مهم مورد توجه حق فرامرزی چراگاهی برای گوزن‌داران است – که در گذران زندگی مردم ساآمی بالاترین نقش را دارد.

افزون بر این، «شورای ساآمی» در تأسیس «همایش پارلمانی» مربوط به مسایل بومیان در سازمان ملل موثر بود و نقش مهمی در ایجاد مقام گزارش‌گر ویژه‌ی حقوق بشر برای مردم بومی زیر نظر کمیسر عالی سازمان ملل برای حقوق بشر ایفا کرد.

به عنوان اقلیت در هر یک از کشورهای خود، نهادهای سیاسی از هم جدای ساآمی، قدرت کمتری برای شکل دادن به خط‌مشی های مرتبط به خود دارند. اما به اتفاق می‌توانند حامیان تواناتری برای حفظ حقوق خود باشند که این خود نمونه ای آشکار از ارزش همیاری و همکاری جمعی است. این امر همچنین حقوق بشر را در سطح محلی ترویج می‌کند و همزمان بر تصمیمات نهادهای ملی، ناحیه‌ای و بین‌المللی تأثیر می‌گذارد. همکاری‌های مشابه در موقعیت‌های دیگر، به خصوص آنجا که مسایل حقوق بشر و منافع گروهی از مرزهای ملی درمی‌گذرند، – مسایلی که هر روز بیشتر نیز می‌شوند–، می‌تواند موثر باشد.

سعی ما بر این است تا رابطه‌ی همکاریانه رضایت‌بخشی با دولت در کشورهای خودمان داشته باشیم،هرچندکه، در مورد حقوق خود سازش نمی‌کنیم. ما در گفت‌وگوی مداوم با دولت‌ها هستیم. ما همیشه می‌کوشیم در مورد مسایل از مسئولان دولت که می‌باید با آنان به مذاکره بنشینیم، بیشتر بدانیم و اطلاع داشته باشیم.

ماتیاس آهرن ، رئیس واحد حقوق بشر، شورای ساآمی

آموزش دادن به نسل بعدی: همکاری با دولت برای افزودن درس آموزش حقوق بشر به برنامه‌ی آموزشی مدارس دولتی

برای ایجاد فرهنگ حقوق بشر، مدارس می‌توانند محیط‌های مناسبی باشند. در آلبانی، گروهی در آماده ساختن شهروندان برای نظام دموکراسی در کشوری پسا-کمونیستی، با دولت همکاری کرده است.

«مرکز حقوق بشر آلبانی» یا «!ا. سی. اچ. آر.» (ACHR) برای گنجاندن آموزش حقوق بشر در برنامه‌ی آموزشی تمامی مدارس کشور با وزارت آموزش آلبانی همکاری کرد. این گروه با استفاده از دوره‌ی گذار پسا-کمونیستی با مقامات دولت دموکراتیک جدید مذاکره کرد تا دوره‌ی عمل دراز مدت و بلندپروازانه‌ای را به راه اندازد که طی آن می‌بایست شهروندان جوان آلبانیایی برای مشارکت کامل در نظامی دموکراتیک آمادگی پیدا کنند.

در سال ۱۹۹۱، آلبانی پس از ۴۵ سال حکومت سرکوب‌گر و انزواطلب یک دیکتاتوری کمونیستی، با دنیایی جدید آکنده از فرصت های دموکراتیک و نیز کوهی از مشکلات و مسایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به جا مانده از نظام پیشین و همچنین زیربنای سازمانی فاقد آمادگی برای مقابله با این مشکلات روبرو شد. برای بهره‌جویی هرچه بیشتر از دموکراسی نوین‌شان، آلبانیایی‌ها به یک نظامی آموزشی نیاز داشتند که شهروندان را برای اندیشه‌ی انتقادی و ترغیب به مشارکت سیاسی آماده سازد.

این «مرکز» برنامه مبسوطی برای گنجاندن آموزش حقوق بشر در مجموعه‌ی مواد درسی تمامی مدارس دولتی مهیا کرد. گروه از موقعیت استثنایی حاصل از دوره‌ی انتقالی پسا-کمونیستی سود جست تا تعهد کتبی وزارت آموزش و علوم آلبانی را برای ادغام برنامه‌های آموزشی حقوق بشر در مدارس به دست آورد.

پس از آن، «مرکز» پروژه‌های آزمایشی را آغاز کرد و جلسات مفصل و وسیع آموزشی برای هسته‌ای از آموزگاران برای انطباق دادن مواد آموزشی حقوق بشر در جهان با نیازهای مدارس آلبانی و تهیه کتاب‌های کار برای تمام سطوح تحصیلی، ترتیب داد. گروه هم چنین مدارس نمونه‌ای ایجاد کرد، که در آن آموزگاران و کارگزاران به آموزش دیگر آموزگاران، درباره حقوق بشر، تاریخ آن، سازوکارهای بین‌المللی‌اش، و روش شناسی‌ها و فعالیت‌های حقوق بشری در کلاس‌ها و بیرون از آن پرداختند.

تا پایان دهه‌ی (۱۹۹۱-۲۰۰۰)، «مرکز» مواد ویژه‌ی بسیاری از موضوعات درسی را برای تمام گروه‌های سنی فراهم آورده بود و هزاران آموزگار را در کاربست این مواد آموزش داده بود و در سراسر کشور ۴۲ مدرسه‌ی نمونه ایجاد کرده بود و در دانشسرای تربیت معلم، آموزش حقوق بشر را جزو مواد درسی گنجانیده بود.

«مرکز» دیدی بلندپروازانه برای آلبانی داشت و از فرصتی سیاسی برای تبدیل آن به واقعیت سود جست. دولت آلبانی در حال گذار و مشتاق نشان‌دادن سرسپردگی‌اش به حقوق بشر در جامعه‌ی جهانی بود. (آلبانی کنوانسیون حقوق کودک را در ۱۹۹۳ امضا کرد.) «مرکز» به دولت راهی نشان داد که تعهد خود را نشان داده و کمک کرد تا به تعهدات خود مطابق با کنوانسیون عمل نماید و از این راه همکاری‌اش را تضمین کرد. هم‌چنین با جلب پشتیبانی بین‌المللی و آوردن کارشناسان آموزشی به شتاب حرکت خود ادامه داد.

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

پدید آوردن فرهنگ و برپایی نهادهای حقوق بشر

همیاری

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

پدید آوردن فرهنگ و برپایی نهادهای حقوق بشر

همیاری

ظرفیت‌سازی

برای دست اندرکاران حقوق بشر منابع همیشه محدود است. ما همیشه می‌کوشیم که کار بیشتری را با امکانات

کمتر – با افراد کمتر، پول کمتر و در زمانی کمتر از آنچه فکر می‌کنیم واقعا به آن نیاز داریم، به انجام برسانیم. اما منبع مهمی وجود

دارد که حقیقتا تجدیدپذیر است و آن مهارت‌های ماست. آنگاه که ما بر مهارت‌های خود و همکاران‌مان می‌افزاییم، و حتی این مهارت‌ها

را برای تقسیم آن با افراد جدید به میان جامعه‌ی محل خود می‌بریم، می‌توانیم با افراد و پول و وقت کمتر، قدری بیشتر کار کنیم.

تاکتیک‌ها در این بخش ظرفیت‌ها را به دو روش اساسی پدید می‌آورد: به دست اندرکاران حقوق بشر مهارت‌هایی می‌بخشد تا کارشان را

بهتر و سریع‌تر انجام دهند، و به مردمی که به ظاهر در خارج از حوزه‌ی کار حقوق بشر هستند، مهارت‌هایی می‌بخشد که برای پیشبرد

حقوق بشر به آن نیاز دارند.

ارتقای حرفه‌ای‌گری، ارتقای حقوق بشر: تاسیس سازمانی حرفه‌ای که از ایجاد حرفه‌ای‌گری در میان پرسنل نیروهای انتظامی و مجریان قانون حمایت کند و آن را بیاموزاند.

در لیبریا، مقامات مجری قانون دریافتند که به بهبود امر احترام به حقوق بشر در میان صنف خود نیاز دارند.

«کانون ملی ماموران انتظامی ومجریان قانون لیبریا» (LINLEA) حرفه‌ای‌گری را در میان پرسنل مجری قانون ترویج می‌کند. این «کانون» این اندیشه را به پیش می‌برد که مجریان قانون، بر اساس نظامنامه‌ی اخلاقی مجریان قانون و آیین‌نامه‌های اخلاقی پلیس، می‌بایست سرآمد حافظان و مبشران حقوق بشر باشند. این مقررات به مجریان زنجار می‌دهد که به حقوق اساسی تمام مردم به منظور برخورداری از آزادی، برابری و عدالت احترام بگذارند. بدبختانه به علت نبود آموزش، بی‌انطباطی، رهبری ضعیف و یا دخالت‌های سیاسی، پرسنل مجری قانون اغلب به گونه‌ای غیرحرفه‌ای رفتار می‌کنند که به نقض حقوق بشر منجر می‌شود. «کانون» برای پاسخ گفتن به نیاز پرسنل پلیس به آموزش، حمایت، و یاری و نیز انجام این امور در چهارچوبی که این مجریان را راغب به پیوستن و مشارکت کند، تأسیس شد.

برای تأسیس «کانون»، مقامات مورد احترام مجری قانون از روسای نهادها و دفاتر دولتی و خصوصی مجری قانون برای شرکت و تأسیس یک کمیته‌ی سازمان‌دهنده دعوت به‌عمل آوردند. این کمیته مواد مورد توافق جمع را تهیه کرد و اعضا هیئت مدیره را منصوب نمود. وزیر دادگستری شخصا با شرکت در نخستین جلسه بر مشروعیت «کانون» افزود. «کانون» بعد از تأسیس، خدمات متنوعی را در اختیار اعضا نهاده است از جمله آموزش شیوه‌های کار و راه و رسم تحقیقات پلیسی، حقوق بشر، رهبری، همچنین سازوکارهایی برای تقویت و رعایت موازین و استانداردهای حرفه‌ای مثل نحوه‌ی رسیدگی به شکایات. علاوه بر این، حوزه فعالیت‌های «کانون» از شبکه‌ی مجریان قانون، فراتر رفته و با جوامع محلی و سازمان‌ها برای بهبود شرایط حقوق بشر در لیبریا همکاری می‌کند.

اعضا با پرداخت مبالغی به عنوان حق عضویت در سازمان سرمایه‌گذاری شخصی می‌کنند. «کانون» در حال حاضر به شبکه‌ای متشکل از پانصد عضو توسعه یافته است، که در واقع ۲۰ درصد نیروی پلیس و هم چنین اعضای بسیار دیگری از سایر موسسات مجری قانون را تشکیل می‌دهند. «مرکز تحقیقات و آموزش دادرسی کیفری» وابسته به «کانون» تاکنون به ۲۲۳ نفر از مقامات عالی‌رتبه‌ی مجری قانون در زمینه‌ی رهبری و حقوق بشر آموزش داده است. همچنین کارگاه آموزش آموزگاران و متخصصان برنامه‌های آموزشی دفاتر مجریان قانون و نیز کارگاهی برای تعیین سیاست‌ها و توسعه‌ی کار برنامه‌ریزان و مدیران حفظ نظم و امنیت عمومی برگزار کرده است.

«کانون» به منظور ایجاد رابطه بین مجریان قانون و جوامع محلی رویدادهای اجتماعی سالانه‌ای برگزار می‌کند که موجب تقویت پیوند میان اعضا و خانواده‌های آنان و هم‌اندیشی‌های عمومی می‌گردد. و نیز به طور مداوم به فراهم آوردن امکاناتی برای مجریان قانون مانند اهدای گواهینامه‌ی شرکت در کارگاه‌های آموزشی که در ترفیع آنان موثر واقع می‌شود؛ پشتیبانی از تقاضای آنان برای ترفیع درجه در سلسله مراتب اداری؛ یاری و پاره‌ای از حمایت‌ها در مقابله با مسایل حرفه‌ای از قبیل اخراج یا اتهامات نادرست؛ و پاره‌ای کمک‌ها در رویارویی با مشکلات شخصی همچون گرفتاری مالی به علت پیشامد مرگ یکی از اعضای خانواده اقدام می‌کند.

بسیاری از سازمان‌ها برنامه‌های آموزشی برای مقامات مجری قانون پیشنهاد کرده‌اند. رهیافت «کانون»، در مقام یک سازمان حرفه‌ای، مستلزم صرف وقت، پول و همت از جانب خود مأموران پلیس است. این شرایط انگیزه دیگری بر رفتار حرفه‌ای آنان می‌افزاید، رفتاری که احترام به حقوق بشر را نشان می‌دهد، که نه از بیرون بلکه از درون خود حرفه سرچشمه می‌گیرد. این انگیزه‌ها برای تواناسازی سازمانی جهت پشتیبانی از مأموران اجرای قانون مهم است، یعنی برای مجریانی که می‌خواهند رفتار خود را بهبود بخشند و نیز وسیله‌ای باشند برای تغییر رفتار کسانی که از هنجارهای حرفه‌ای تخطی می‌کنند. از آنجا که سازمان دهندگان «کانون» خود از مجریان قانون هستند، درک عمیقی از چالش‌هایی که مجریان قانون می‌باید با آن مقابله کنند و نیز از انواع پشتیبانی‌هایی که مورد نیاز آنها است، دارند.

تاکتیک

قابل دسترس کردن نظام قضایی در نواحی روستایی: آموزش رهبران محلی به عنوان میانجیگران و مراجع حقوق بشر.

در بسیاری از نواحی روستایی یا استانی دسترسی به نظام قضایی و امکانات حل و فصل دعاوی بسیار محدود است. گروهی در اوگاندا برای تغییر این وضعیت از راه آموزش دادن مردم محل برای کسب مهارت‌های لازم برای میانجی‌گری می‌کوشند.

«بنیاد پیشگام حقوق بشر» (FHRI) در اوگاندا رهبران محلی را برای کمک به اعضای جوامع محلی در خصوص شکایات قانونی‌شان به شیوه‌ای که بتوان از مشکلات و سرخوردگی‌های ناشی از نظام قضایی رسمی پرهیز کرد، آموزش می‌دهد. بنیاد به این رهبران می‌آموزاند چگونه این جوامع خود را با حقوقی که در قانون اساسی و نیز از نظر حقوق بشر دارند آشنا سازند و آموزش دهند. هم چنین به آن ها مهارت‌های شبه-حقوقی را در جهت تواناساختن آنان در امر میانجی‌گری، مشاوره و رایزنی آموزش می‌دهد تا شهروندان بتوانند در مقابل بدرفتاری‌ها و تجاوزات درخواست جبران خسارت کنند و از حقوق کامل بشری‌شان استفاده کنند.

بسیاری از مردم در روستاهای اوگاندا از حقوق کامل خود در قانون اساسی و از این که در صورت تجاوز به این حقوق چه کاری باید بکنند، بی‌خبرند. آن‌ها در ضمن به نظام دادرسی رسمی، که در شهر است، دسترسی ندارند؛ [چون این خدمات] هم گران است و هم به زبان و عملکردی که در آن به کار می‌رود ناآشنا و نامأنوس هستند.

«بنیاد پیشگام حقوق بشر» شرکت‌کنندگان را از میان کسانی بر می‌گزیند که مهارت‌های رهبری را از خود نشان داده‌اند. افرادی مانند آموزگاران، کسبه‌ی عمده، ریش سفیدان جامعه‌ی مورد نظر و یا کارکنان پزشکی. مواد درسی این برنامه‌ی آموزشی که یک هفته به طول می‌کشد، آموزش خط مشی‌های حقوقی، روش‌های بحث و مذاکره و شیوه‌های ایجاد شبکه‌های ارتباطی است. این برنامه هم‌چنین، شرکت‌کنندگان را با فنون و مهارت‌های مورد نیاز برای زیر نظر گرفتن، ثبت و گزارش تجاوزات به حقوق بشر آشنا می‌سازند. شماری از داوطلبان مسئول گروه‌های خاصی در جامعه‌ی خود از قبیل زنان، کودکان، سالخوردگان و دیگران می‌شوند.

پس از اتمام کار آموزش، داوطلبان خدمات شبه-حقوقی به صورتی متناسب با شرایط جوامع خود، مجالسی برای حل و فصل مسایل مورد اختلاف ترتیب می‌دهند. این کار چاره‌اندیشی‌ها و یافتن راه حل‌های جایگزین همچون مشورت‌خواهی، میانجی‌گری، رجوع به سازمان‌های موجود و نیز توصیه و راهنمایی کتبی را ترغیب می‌کند. بدین‌ترتیب مردم می‌توانند از چالش‌ها و هزینه‌های نظام قضایی رسمی خلاصی یابند.

بنیاد تا این زمان بیش از ۱۰۰۰ داوطلب خدمات شبه-حقوقی را آموزش داده و نیز کتاب راهنمای خدمات شبه-حقوقی را منتشر کرده‌است.

این تاکتیک دستیابی به عدالت را افزایش می‌دهد و با اینکه غالب اوقات، فراخوانی و دعوت به مراعات حقوق بشر از خارج می آید ولی در این مورد از درون خود جماعت، برای مراعات این حقوق، حامیان محلی می‌آفرینند. «بنیاد تونگ‌بایی تونگ‌پا‌و» (The Thongbai Thongpao Foundation) در تایلند نیز در روستاها آموزش حقوقی می‌دهد اما توجه آنان بیشتر متمرکز بر آموزش اعضای نیازمند به خدمات حقوقی است تا آموزش رهبران محلی که بتوانند این خدمات را به جماعت اهل محل عرضه کنند. رجوع کنید به صفحه ۴۵). کار و روش این «بنیاد» در موقعیت‌هایی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد که در آن دادخواهی حقوقی برای مردم امکان ندارد و رهبران جوامع محلی به پذیرش این نقش رغبت دارند.

موفقیت این تاکتیک منوط به حصول اطمینان از اعتبار و نفوذ اخلاقی واقعی رهبران برگزیده از خارج در بین جوامع محلی خود است و این که آن‌ها این تاکتیک را همراه با مهارت های تازه ی میانجی‌گری خود استفاده بکنند. در ضمن احتمال دارد که آموزش کوتاه مدت به پی‌گیری و پشتیبانی دراز مدت تکمیلی نیاز داشته باشد.

کمک کردن به مدافعان حقوق بشر برای اثر گذاری بیشتر: به کار گرفتن یک کارشناس اطلاعات و سیستم‌ها برای کمک به کارآمدی بیشتر فعالان حقوق بشر.

دست اندرکاران حقوق بشر غالباً می‌توانند از تاکتیک‌های تقویت کننده نهادهایی که مهارت‌های جدید، فنآوری، و سیستم‌های سازمانی نو عرضه می‌کنند استفاده کنند.

«مرکز حقوق بشر در دانشگاه سارایو» در بهبود دسترسی حامیان حقوق بشر به اطلاعات می‌کوشد. کارکنان عضو، به ایجاد یک سیستم قوی اطلاعاتی و یک پست ادرای برای یک متخصص اطلاعات کامپیوتری دست زده‌اند. استفاده از این سیستم و کارآزمودگی این متخصص برای دیگر کارکنان این امکان را فراهم آورده است تا بازده بهتر و بیشتری در مأموریت‌های اصلی برنامه‌ای خود داشته باشند.

تأسیس یک کتابخانه یا واحد اسناد و مدارک در داخل سازمان‌های حقوق بشر می‌تواند کار کارکنان عضو را برای پیگیری اطلاعات تسهیل، و نیز به کارکنان در اداره‌ی اسناد محرمانه، و ثبت زمانی تاریخچه فعالیت‌های سازمان و پیشرفت عملیات هر روزه کمک کند. عناصر کلیدی این تاکتیک عبارت‌اند از وجود یک کتابدار خبره یا متخصص اطلاعات رایانه‌ای، فضای واقعی سازمان یافته، نرم افزار مناسب و سایر تکنولوژی‌های اطلاعات.

کتابداران حقوق بشر مهارت‌های ویژه‌ای برای عرضه به یک سازمان حقوق بشر از جمله دانش تکنولوژیک و اطلاعات حقوق بشری و مستند سازی آن دارند. کار این کتابدار کسب و ارزشیابی مواد مرتبط با مأموریت اصلی سازمان، نظم‌بخشی به استفاده‌ی مؤثر از آن‌ها و پخش آن‌ها در سازمان است. این کار آخر مستلزم همکاری نزدیک با کارکنان به منظور انتخاب و تعیین اولویت اطلاعات است.

داشتن فضای کافی برای سازمان دادن به اسناد و مدارک و همکاری متقابل با کارکنان مهم است. یک مرکز اسناد دست‌کم یک فضای برای دفتر کتابدار می‌خواهد که شامل محلی برای لوازم کار او از جمله یک رایانه‌ی متصل به شبکه و واحدهای قفسه‌بندی و بایگانی است. مجموعه کتاب‌ها و منابع دیگر به مأموریت و وسعت سازمان بستگی دارد. به‌طور کلی هر سازمانی می‌بایست سعی کند اطلاعات لازم برای برنامه‌های کنونی و آینده‌ی خود را گرد آورد.

سرانجام، یک مرکز اسناد کارآمد می‌بایستی از نرم‌افزاری مناسب (برای کاتالگ کردن، طبقه‌بندی، فهرست‌بندی اعلام و نام‌ها و این قبیل مسایل) و از ارتباط با اینترنت که به کتابدار اجازه می‌دهد آزادانه به اطلاعات دسترسی داشته باشد برخوردار باشد.

در این باره، به بخش ابزارهای عملی(Tools for Action) این تارنما: www.newtactics.org مراجعه و در باره‌ی آن بیشتر بخوانید.

کار کتابداران حقوق بشر در «مرکز حقوق بشر سارایو» متمرکز بر نیازهای اطلاعاتی خود مدافعان حقوق بشر است، که به آنان اجازه می‌دهد با آزاد ساختن وقت و انرژی خود، کارآمدتر باشند. «مرکز» سازمانی است کاملاً بزرگ و به خوبی پایه‌گذاری شده است، اما امروزه، تقریباً تمامی فعالیت‌های حقوق بشری به دسترسی به موقع به اطلاعات موقت و کامل متکی است. هنگامی‌که یک سازمان منابع لازم را در اختیار دارد — حتی اگر کارمندی نیمه وقت یا یک داوطلب دلبسته به کار باشد — یک مرکز اطلاعات می‌تواند چنین دسترسی به هنگام- دقیق وکاملی را فراهم کند. خود کتابداران و متخصصان اطلاعات، چه بسا ممکن است نیاز به بکارگیری تاکتیک‌های متقاعد سازی داشته باشند تا سازمان و اعضای آن را به اهمیت این کار که در وهله نخست ممکن است نسبت به مأموریت اصلی سازمان کاری حاشیه‌ای به نظر برسد مجاب کنند.

من تاکتیک «مرکز حقوق بشر» را باز آفرینی کردم و از پیش می‌دانستم که مفید واقع خواهد شد. من چندین ساعت وقت را با کارمند اداری مسئول این کار صرف کرده‌ام. کتابخانه وضع آشفته‌ای داشت و او طی سه ماه کار به شیوه‌ای درست به آن سامان داد. کار بزرگی بود و این شخص تمام تابستان کار کرد. این کار خیلی به من کمک می‌کند.

– به آبدَرژی، «ان. ای. کی. آی.» «NIKI»، مجارستان

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

پدید آوردن فرهنگ و برپایی نهادهای حقوق بشر

ظرفیت‌سازی

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

پدید آوردن فرهنگ و برپایی نهادهای حقوق بشر

ظرفیت‌سازی

خبرپراکنی (پخش برنامه‌ی تلویزیونی) **حقوق بشر: آموزش بکارگیری فنآوری ویدئو به قربانیان حقوق بشر به منظور نمایاندن این تجاوزات**

دست اندرکاران حقوق بشر غالباً نیاز دارند تا پیام خود را به جامعه ی بزرگ‌تری برسانند. و در عصر تکنولوژی‌های پیشرفته، این امر

به شکل روزافزونی حکایت از نیاز به دسترسی به تکنولوژی ویدیویی و مهارت‌های لازم آن برای بکاربستن تکنیک‌های خبررسانی امروزمین دارد.

«بنیاد جعبه‌ی سیاه» (Black Box Foundation) که در مجارستان و رومانی مستقر است به کار آموزش‌دهی تولید برنامه های تلویزیونی به اقلیت رُما (از نژاد کولین) برای پخش در کانال‌های محلی به منظور بهبود رفتار و برخورد با آنان می‌پردازد. این «بنیاد» گروه‌های تولید ایجاد می‌کند، کار تولید ویدئو را به آنان آموزش می‌دهد، زمان پخش برنامه‌ها را قطعی می‌کند و می‌کوشد تا برنامه ها بین گروه‌ها مبادله شود.

از سال ۱۹۹۷ تا به‌حال «بنیاد جعبه‌ی سیاه» حدود ۱۵۰ رُمایی را در دوازده محل در مجارستان و رومانی برای مطلع ساختن بینندگان محلی در مورد مسایلی که مربوط به جوامع آنان می‌شود آموزش داده است.

«بنیاد» تقاضای درخواستنامه می‌کند و گروه‌های مختلط قومی پنج نفره تشکیل می‌دهد. کارکنان اداری عضو، در آغاز، به ایجاد روابط مبتی بر اعتماد میان خود، و میان اعضا گروه می‌پردازند و نقطه نظرهای فردی را مورد بحث قرار داده و موضوع‌های حساسی را که در برنامه مطرح خواهد شد مورد بررسی قرار می‌دهند. گروه‌ها، پس از آن مبنای تولید تلویزیونی را فرا گرفته و با کارشناسان مسایل اقلیت‌ها به مشورت می‌پردازند.

در طول سه روز پایانی کارآموزشی، گروه‌ها اولین فیلم‌های خود را تولید می‌کنند. «بنیاد» دوربین، نورافکن، میکرفون و سایر وسایل لازم را در اختیار آنان می‌گذارد. گروه‌ها برای تولید برنامه‌های ماهانه به ایستگاه‌های تلویزیونی محلی خودشان می‌روند و مستقلاً با اتکای به منابع خود کار می‌کنند و همزمان «بنیاد» برای تأمین وقت پخش ثابت برای این برنامه‌ها وارد مذاکره می‌شود. «بنیاد» به مدت شش ماه بعد از کارآموزشی بر کار گروه‌ها نظارت می‌کند و گروه‌ها فیلم‌های ویدیویی را که با هم می‌سازند با یکدیگر مبادله می‌کنند.

حاصل کار گروه‌های تولید متفاوت بوده است. شماری از گروه‌ها به طور مرتب به پخش برنامه‌های ثابت در تلویزیون‌های محلی ادامه می‌دهند، حال آنکه برخی گروه‌های دیگر مهارت‌ها و وسایل‌شان را برای ضبط فعالیت‌های سازمان‌های خود به کار می‌برند.

در نتیجه موفقیت این رهیافت، «بنیاد جعبه‌ی سیاه» مدرسه یک ساله‌ای برای دانشجویان رُمایی که می‌خواهند به کار حرفه ای در تلویزیون بپردازند، تأسیس کرده است.

برنامه‌ی «بنیاد جعبه‌ی سیاه» به تغییر نگاه و رفتار با اقلیت‌ها در ناحیه، و به کاهش تبعیض و پیشداوری کمک کرده است. در مجارستان و رومانی، اقلیت قومی رُما اغلب از اکثریت جدا هستند و بر مشکلات آنان سرپوش گذاشته می‌شود. این اقلیت به امکانات آموزشی و دیگر منابعی که اکثریت جمعیت از آن برخوردارند، دسترسی ندارد. برنامه‌ی آموزشی «بنیاد جعبه‌ی سیاه» نه تنها به شرکت‌کنندگان مهارت‌های مورد نیاز برای شرح حکایات‌شان را به عنوان «رما» می‌دهد بلکه به پخش این حکایت‌ها در رسانه‌ای که به احتمال اکثریت جمعیت بیننده‌ی آنند، یاری می‌رساند. این کار کمک می‌کند تا فرهنگی پدید آید که جمعیت‌های اکثریت و اقلیت برای ارتقای حقوق بشر با یکدیگر همکاری کنند.

مستندسازی شکنجه: به وجود آوردن شبکه‌ای از متخصصان حرفه‌ای برای مستندسازی شکنجه و حمایت از قربانیان تاکتیک

یک گروه کنیایی، پزشکان و وکلای دادگستری را با هم مرتبط می‌سازد تا تجاوزات به حقوق بشر را که توسط کارگزاران مجری قانون صورت گرفته است برملا سازد و آگاهی نسبت به استفاده از شکنجه را افزایش دهد.

«واحد مستقل پزشکی–حقوقی» یا «آی. ام. ال. یو.» (IMLU)، نهادی غیردولتی است که به ثبت رسیده و شبکه‌ای است از پزشکان و حقوقدانان که به قربانیان و خانواده‌های آنان عرضه خدمت می‌کند. این خدمات انجام کالبدشکافی مستقل در پی مرگ‌های مشکوک به دست کارگزاران مجری قانون، مستند ساختن موارد شکنجه احتمالی و کمک پزشکی و حقوقی به زندانیان و باز ماندگان و جان بدر بردگان از شکنجه را در بر می‌گیرد.

این «واحد» سازماندهی شبکه خود را نخست با تبلیغ برای شکل‌گیری کمیته‌های حرفه‌ای، به ویژه «کمیته‌ی مدافع حقوق بشر کانون پزشکی کنیا» و گروهی از حقوقدانان موافق با پایان دادن به شکنجه، آغاز کرد. پس از شکل‌گیری کمیته ها، «آی. ام. ال. یو.» کارگاه‌هایی دایمی به منظور تقویت ظرفیت و توانایی کارکنان پزشکی و وکلای مدافع در مواجهه با شکنجه بر پا ساخت. کارگاه‌ها در سراسر کشور برگزار شدند و به طرح سرخط‌هایی همچون تعریف حقوق بشر و برقرار ساختن رابطه با اداره‌ی کل زندان‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت و مقامات دولتی در خصوص قوانین و مقررات حقوق‌بشر و تجاوزات به آن مبادرت گردید.

این «واحد» به منظور دسترسی به قربانیان شکنجه و خانواده‌های آنان با هیأت‌های گوناگون مذهبی، وکلا، پزشکان در سراسر کنیا شبکه‌ای ارتباطی برقرارساخته است. مُراجعان متقاضی قادرند در مورد اعضای خانواده تقاضای کالبد شکافی کنند، نتایج حاصله به دقت بر اساس موازین پزشکی و حقوقی مستند می‌شود.

«آی. ام. ال. یو.» وقتی دلیلی آشکار بر شکنجه کشف می‌شود مراجعان را به دادخواهی ترغیب می‌کند. برای مراجعانی که برای استفاده از یاورِی‌های حقوقی توان مالی ندارند، این «واحد» ایشان را به شبکه‌ای از وکلا و نهادهای غیردولتی ارجاع می‌دهد که خدمات رایگان حقوقی عرضه می‌کنند. هدف «آی. ام. ال. یو.» از پی‌گیری دعایوی مورد توجه عمومی این است که چنین مواردی پیشینه‌ای خواهد شد علیه بکارگیری شکنجه و خود پیامی به شکنجه‌گران خواهد بود.

به علت کوشش‌های پی‌گیر «آی. ام. ال. یو.» در برملا ساختن شکنجه در کنیا، چندین قضیه به دادگاه برده شده و این کار توجه و نگرانی را درباره‌ی وضع سلامت و رفتار با زندانیان افزایش داده است. علاوه بر این، مقامات زندان اکنون درمورد بهبود شرایط زندان با کاستن از تنبیه بدنی یا شکنجه از خود توجه بیشتری نشان می‌دهند و از اواخر سال ۲۰۰۲ که دولت جدید قدرت را به دست گرفته‌است، تعداد زیادتری از مقامات دولتی به خاطر ارتقا بخشیدن به کوشش‌های حقوق بشری خود به کار با این «واحد» روی آورده‌اند.

با هماهنگ کردن شبکه‌ای حرفه‌ای و آموزش اعضا در مستند کردن شکنجه، «آی. ام. ال. یو.» آگاهی درباره‌ی شکنجه در کنیا را افزایش داده و به تبع آن فشار بر مقامات برای جلوگیری از آن نیز افزایش یافته است. شبکه هم چنین با بهره‌گیری از اشتیاق شماری از پزشکان و وکلای مدافع در جهت استفاده از مهارت‌های‌شان برای ارتقای حقوق بشر، حمایت از پایان دادن به شکنجه را در سراسر کشور تقویت می‌کند.

این کار به هرحال بدون چالش‌هایی نبوده‌است. تقاضای خدمات این «واحد» برای کمک به قربانیان غالباً از ظرفیت مالی آن فراتر می‌رود و قربانیان در روستاهای کنیا اغلب با عکس‌العمل کند شبکه وکلای مدافع روبرو می‌شوند که بیشترشان ساکن نایرُبی هستند. «آی. ام. ال. یو.» هم‌چنین با دخالت و تهدید پلیس در کوشش برای تهیه سند معاینات کالبدشکافی روبرو شده است. در چنین مواردی این «واحد» برای منعکس ساختن این موارد و صدور اطلاعیه‌ی مطبوعاتی در محکوم ساختن دخالت پلیس و اقدام قانونی علیه پلیس با دیگر سازمان‌های غیر دولتی پیوند برقرار کرده است.

تاکتیک
چشم و گوش حقوق بشر: توانمند کردن سازمان‌های غیردولتی در بکارگیری ویدیو برای دفاع از حقوق بشر

بنیاد «وِیتِنِس» (WITNESS) سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر را در اطراف و اکناف جهان برای منظور کردن ویدیو به عنوان ابزاری دفاعی در کارشان توانمند می‌کند. فیلم‌های ویدیویی «وِیتِنِس» و همیاران این نهاد که ریشه آن را در شهادت‌های شخصی و این اصل باید جست که یک تصویر کار هزار واژه را می‌کند، تا کنون در موارد بسیار :
به‌عنوان مدرک در دعاوی حقوقی؛
در اثبات اتهامات تجاوز به حقوق بشر؛
در تکمیل گزارش‌های کتبی به سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در رد روایت‌های رسمی از وضعیت حقوق بشر در یک کشور؛
در آموزش دهی و بسیج توده مردم؛
در فراهم آوری اطلاعات برای خبریراکنی‌های تازه؛
در ترویج حقوق بشر از طریق اینترنت ؛ و
در تهیه فیلم‌های مستند برای پخش در تلویزیون‌های جهان به‌کار رفته است.

بنیاد «وِیتِنِس»، که در سال ۱۹۹۲ درشهر نیویورک تاسیس شد، با بیش از ۱۵۰ گروه در ۵۰ کشور رابطه‌ی کاری مشترک در زمینه موضوعات گوناگون بر قرار کرده است از: «پاکسازی اجتماعی»کودکان خیابانی در آمریکای مرکزی و تجاوزات جنسی به زنان و دختران در هنگامه جنگ داخلی سیرالئون گرفته تا موضوع مغازه‌های دوزندگی در ایالات متحده و وضع اسفناک مردم آواره شده برمه.

«وِیتِنِس» همکارانی را برمی‌گزیند که به دنبال آندد تا کارایی دراز مدتی را برای استفاده‌ی مؤثر از ویدیو بنا کنند و نیز در پی فرصت‌های عملیاتی ویژه‌ای هستند که ویدیو در آنجا می‌تواند توازن میان موفقیت و شکست را بر هم زند. پس از آنکه رابطه همکاری بر قرار شد، «وِیتِنِس» ابزارهای ویدیویی و آموزش کار با ویدیو را برای گروه فراهم می‌آورد، سپس با ایجاد کارگاه‌های آموزش تکنیک کار با دوربین فیلمبرداری، آموزش استفاده از ویدیو در کار حقوق بشر، ارزشیابی منظم طول قطعه فیلم‌های ویدیویی، و کمک در کارهای فنی بعد از فیلمبرداری و اظهار نظر و عقیده برای تولید مستندهای قوی، کار را دنبال می‌کند.

«وِیتِنِس» و همیاران این سازمان سپس پیرامون فیلم‌هایی که، برداشته و جمع‌آوری شده است به تدارک برنامه های تبلیغاتی می‌پردازند. این عملیات شامل اجزای بسیاری از جمله نمایش تلویزیونی و پلاتفرم‌های پخش، همکاری با سایر سازمان‌ها و شبکه ها، نمایش‌های هدفمند برای تماشاگران مهم و برای بینندگان فردی است تا دست به کاری بزنند. این اهداف می‌تواند شامل کاربرد ویدیو به منظور اثرگذاری بر گروهی کوچکی از تصمیم‌گیرندگان مهم باشد و یا می‌تواند به قصد بسیج کردن توده وسیعی از جوانان بر گرد موضوعی خاص باشد. برداشت‌های اولیه و فیلم‌های گرفته شده در آرشیو «وِیتِنِس» نگهداری می‌شود و به عنوان منبع منحصر به فرد اطلاعات تصویری حقوق بشر در دسترس جامعه‌ی جهانی است.

«وِیتِنِس» آگاه است که برحسب موقعیت‌های محلی، مدافعان حقوق بشر با بکارگیری دوربین ممکن است یا از ایمنی بیشتر برخوردار شوند و یا برعکس، به خطر بیافتند. «وِیتِنِس» از تجربه‌ی کارکنان خود و همیاران‌اش برای کمک به دیگران در اتخاذ سیاست های مناسب و ایمنی بخش در موقعیت‌هایی که قرار دارند، استفاده می‌کند. هم چنین بر اهمیت اعتماد متقابل بین کسی که فیلمبرداری می‌کنند و شخصی که از او فیلمبرداری می‌شود تأکید می‌گذارد و خطرات و فواید گفت‌وگو در برابر دوربین را به صراحت توضیح می‌دهد.

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر

پدید آوردن فرهنگ و برپایی نهادهای حقوق بشر

ظرفیت‌سازی

مدرک تصویری می‌تواند تجاوزات را متوقف سازد

همیاران بنیاد «وِیتِنِس» شهادت‌ها و ویدیوهای مستدلی گردآوری و تولید کرده‌اند که به طرق مختلفی مورد استفاده قرار گرفته است. یکی از موارد استفاده‌ی استراتژیک و آگاهی‌بخش حمایت ویدیویی کار بنیاد «وِیتِنِس» همکاری با موسسه‌ی «حقوق بین‌الملل معلولین ذهنی» (MDRI) در مستندسازی اوضاع اسفبار حاکم در یک بیمارستان روانی پاراگوئه است.

خولیو و خورخه دو پسر نوجوان‌اند که همراه ۴۵۸ نفر دیگر، لخت و عریان در سلول‌های فاقد هر گونه وسیله ای بدون دسترسی به دستشویی در بیمارستان نگهداشته می‌شوند. سلول‌ها آکنده از بوی گند ادرار و مدفوع است و دیوارها پر از لکه‌های مدفوع که بر آن‌ها مالیده شده است. پسرها یک روز درمیان حدود چهار ساعت را در بیرون و در محوطه‌ای پر از زباله و شیشه‌ی شکسته می‌گذرانند.

در دسامبر سال ۲۰۰۳ موسسه‌ی «حقوق بین‌الملل معلولین ذهنی» دادخواستی فوری را تسلیم «کمیسئون حقوق بشر در قاره‌ی آمریکا» (IA-CHR) مستقر در «سازمان کشورهای آمریکایی» (OAS) کرد و خواست تا «کمیسسیون» به نمایندگی این دو پسر و سایر بیماران بیمارستان دست به مداخله بزند.

در همین راستا، موسسه‌ی «حقوق بین‌الملل معلولین ذهنی» فیلمی ویدیویی را که با همکاری بنیاد «وِیتِنِس» تدوین شده بود و از نظر ساختاری در انطباق با مواد مصرح چندین سند حقوق بین‌المللی بود که پاراگوئه به انجام آن‌ها متعهد شده بود، همراه با نامه‌ای حقوقی، ارائه کرد. ویدیو و نامه در چهارچوبی عرضه شد تا از نقطه نظر حقوق بشر استدلال شود که بیماران از لحاظ قانونی مستحق‌اند از حقوق آن‌ها در برخورداری از زندگی و رفتاری انسانی حمایت شود. با به کار بردن تصاویری که نشان می‌داد چگونه پاراگوئه در انجام تعهدات خود قصور ورزیده است، ویدیو به این موضوع چهره‌ای انسانی بخشید.

این عمل برای اولین بار «کمیسسیون حقوق بشر در قاره آمریکا» را به دست زدن به اقداماتی فوری در جهت حفاظت از زندگی و سلامت جسمی بیماران در موسسات روانپزشکی راهبری کرد، پیشینه‌ای که اکنون می‌تواند در سایر کشورهای منطقه به‌کار آید.

موسسه‌ی «حقوق بین‌الملل معلولین ذهنی» و بنیاد «وِیتِنِس» سپس موضوع را با گذاشتن ویدیو بر روی وب‌سایت ها و متعاقبا پخش تلویزیونی آن با همکاری شبکه‌ی تلویزیونی خبری سی.ان.ان. اسپانیولی زبان، به آگاهی همگان رساند. رئیس‌جمهوری و وزیر بهداشت پاراگوئه از بیمارستان بازدید کردند و در پی آن، رئیس بیمارستان از کار برکنار شد و کمیسیونی برای رسیدگی به موضوع تشکیل گردید.

با طرح وضعیت در سطحی وسیع، موسسه‌ی «حقوق بین‌الملل معلولین ذهنی» و «وِیتِنِس» توجه عموم را به شرایط بسیار بد بیمارستان‌های روانی دولتی جلب کردند و پشتیبانان بیشتری برای تغییر گردآوردند. مطبوعات نیز نقشی محوری در انعکاس رویدادها ایفا کردند و در به وجودآوردن تغییرات مهم یاری رساندند.

با وجود اینکه تا تاریخی که این کتاب به زیر چاپ می‌رود بخش خولیو و خورخه در آن بیمارستان همچنان در دست نوسازی است، اما آن‌ها دیگر در سلول‌های کوچک زندانی نیستند و اکنون به لباس و دوش و نیز به مراقبت ۲۴ ساعته ی پرستاران دسترسی دارند. وزارت بهداشت پاراگوئه، در جهت ترغیب ادغام اجتماعی معلولین ذهنی، با «سازمان پان آمریکایی بهداشت» (PAHO) کار می‌کند.

نتیجه‌ی همکاری میان بنیاد «وِیتِنِس» و موسسه‌ی «حقوق بین‌الملل معلولین ذهنی» تغییراتی در ساختار به وجود آورد، اما چالش پیشاروی این است که مدافعان حقوق بشر از انگیزه و تحرکی که پخش ویدیو ایجاد کرده است بهره برگیرند تا اطمینان حاصل شود معلولین ذهنی حمایت و خدمات مورد نیاز برای ادغام موفقیت‌آمیزشان در جامعه را به دست آورند.

هرچند که این مورد به شواهد تصویری محکمی از یک تخلف متکی بوده است، دانستن این مطلب مهم است که شرکا و همیاران بنیاد «وِیتِنِس» بدون اتکای به چنین تصاویر گرافیکی نیز به صورتی موفقیت‌آمیز از ویدیو برای کارهای خود استفاده کرده‌اند. برای نمونه، بسیاری، تنها با گردآوری شهادت‌ها و بیان داستان آنانی که مستقیماً بیشترین آسیب ها را دیده‌اند، ویدیوهای مؤثری تهیه کرده‌اند که در مبارزات حقوق بشر به همان اندازه می‌تواند اثر گذار باشد.

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

پدید آوردن فرهنگ و برپایی نهادهای حقوق بشر

ظرفیت‌سازی

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

پدید آوردن فرهنگ و برپایی نهادهای حقوق بشر

ظرفیت‌سازی

تاکتیک

آیا دولت به وعده‌های خود عمل می‌کند؟ ایجاد شبکه‌ای از ناظران داوطلب برای مجاب ساختن دولت‌های محلی و ملی به مراعات تعهدات بین‌المللی در حوزه حقوق بشر.

اسلوواکی

گروهی در اسلُواکی بر پای‌بندی دولت به رعایت تعهدات بین‌المللی‌اش در مورد حقوق بشر نظارت می‌کند و از هر آنچه که می‌یابد به کار بست برای مجاب ساختن دولت به رعایت وعده‌های‌اش استفاده می‌کند.

«مجمع مدافعان حقوق بشر» (LHRA) در اسلُواکی از میان اقلیت «رُما» شبکه‌ای از ناظران داوطلب به وجود آورده است تا از اجرای عهدنامه‌های بین‌المللی در سطح محلی اطمینان حاصل شود. اسلُواکی، برای عضویت در اتحادیه‌ی اروپا پاره‌ای از امور را به انجام رسانده است، برای مثال شماری از معاهده‌های مربوط به حقوق بشر را تصویب کرده است. این کشور از نظر انتقاداتی که از سابقه‌ی حقوق بشر در آن جا می‌شد آسیب‌پذیر بود. افزون بر این، قانون اساسی جمهوری اسلُواکی به معاهده‌های بین‌المللی که دولت امضا کرده و به تصویب مجلس رسیده باشد، در مقابل قوانین محلی، اولویت می‌دهد.

رهیافت نظارتی «مجمع مدافعان حقوق بشر» به پر کردن شکاف بین سیاست‌های ناقص حقوق بشر و قوانین و معاهداتی که برای جلوگیری و متوقف کردن تجاوز ایجاد شده است، کمک می‌کند. بحث در مورد این تجاوزات و قوانین و مقررات غالباً تنها در سطح بالای سیاسی و هم‌اندیشی‌های دیپلوماتیک صورت می‌پذیرد. این «مجمع»، برای نظارت بر اجرای موازین حقوق بشر، ناظران همکار خود را از میان جمعیت محروم از امتیازات شهروندی انتخاب می‌کند. ناظران، غالباً برای نخستین بار، با حقوق خود در قوانین ملی و بین‌المللی آشنا می‌شوند و سپس با این «مجمع» برای اجرای این قوانین — که در مراکز شهری دور امضا شده و موجودیت یافته — در مکان هایی چون شهرداری‌ها، پایگاه‌های پلیس، مدارس و در میان جامعه‌ی خود به همکاری می‌پردازند. از اطلاعاتی که از سوی ناظران محلی می‌رسد برای نشان دادن تاثیرات واقعی قوانین ملی و بین‌المللی در کشور استفاده می‌گردد.

ناظران رُمایی به صورت شفاهی آموزش داده می‌شوند. این «مجمع» آنان را در مورد اسناد مربوطه حقوق بشر و مقامات دولتی مسئول اجرای آن، آموزش می‌دهد، سپس جلسات مقدماتی با پلیس، شهرداران، رهبران جماعت محلی و دیگران ترتیب می‌دهد و از این راه بر مشروعیت و اعتبار کار ناظران می‌افزاید. شبکه به هشت ناحیه تقسیم شده است؛ هماهنگ‌کنندگان منطقه‌ای با مراکز «مجمع مدافعان حقوق بشر» برای استخدام و آموزش ناظران همکاری می‌کنند که شمارشان در کل حدود ۴۸ نفر می‌باشد.

بعد از اینکه ناظران برای کار آمادگی یافتند، برای آنان کارت شناسایی «مجمع» صادر می‌شود و به آنان معرفی‌نامه‌هایی برای ارایه به مقامات محلی داده می‌شود. در هنگامی که بدرفتاری و خشونتی رخ می‌دهد، ناظران برای جمع‌آوری اطلاعات از قربانیان و مقامات درگیر به سراغ گروه‌های محلی می‌روند. کار نظارت بر شماری از موضوعات متمرکز است از جمله استخدام، شرایط زندگی، آموزش، امور درمانی، مشارکت سیاسی، خشونت ناشی از نژادپرستی و دسترسی به تسهیلات و خدمات عمومی.

دفتر مرکزی «مجمع» کار تمام ناظران را در گزارش‌های منظم ملی گردآوری و تلفیق می‌کند و به انتشار نشریات ادواری خود نیز می‌پردازد. در نتیجه این تاکتیک نظارتی، یک رشته از تجاوزات به حقوق بشر در سطح محلی بر ملا شده و قربانیان بیشتری به مراجعه به ناظران و طرح شکایات خود پرداخته‌اند. دولت، به مرور، سیاست‌هایی را برای رسیدگی به تبعیض در آموزش، مسکن و استخدام به اجرا گذاشته است.

در این باره، به بخش ابرازهای عملی(Tools for Action) این تارنما: www.newtactics.org مراجعه و در باره‌ی آن بیشتر بخوانید.

تاکتیک «مجمع مدافعان حقوق بشر» ترکیب بی‌همتایی از اعمال فشار و تشویق است. ناظران رُمایی از حقوق خودآگاهی می‌یابند و بدین ترتیب برای دست زدن به عمل قدرت پیدا می‌کنند. اشتیاق اسلُواکی برای پیوستن به اتحادیه‌ی اروپا، دولت آن را در خصوص گزارش‌های نقض حقوق بشر حساس‌تر کرده است و از این رو فرصتی فراهم آمده‌است تا بر اثربخشی کار ناظران افزوده شود. این تاکتیک در ضمن فرصتی یگانه در جهت کاربست قوانین بین‌المللی در زندگی واقعی روزمره مردم است. این تاکتیک بر قدرت دخالت در امر نقض حقوق بشر در کشورهایی که معاهده‌های بین‌المللی حقوق بشر را امضا کرده‌اند، و برداشت و نگاه جامعه‌ی جهانی از کارنامه‌ی حقوق بشر خود علاقمند هستند افزوده است.

» «

تاکتیک‌های ما دولت اسلُواکی را معذب می‌کند و گاهی وقت‌ها اذیت و آزار مأموران دولت را تجربه کرده‌ایم. اما هدف ما — یعنی اطمینان یافتن از احترام به حقوق اساسی شهروندان — به تدریج به نتیجه رسیده‌است. و دولت به دوست ما مبدل شده و در پاره‌ای از اوقات در این مهم همیار ماست.

— گلوبوس ایگنآنوسی، «مجمع مدافعان حقوق بشر»، اسلُواکی

کودکان در مقام مدافعان حقوق خودشان: توانمند کردن کودکان به اطلاعات، مهارت‌ها و حمایت از آنان برای دفاع از حقوق خودشان

اسلوواکی

وقتی کودکان به مهارت‌ها و به اطلاعات مناسب مجهز شوند، می‌توانند به دفاع و حمایت از حقوق خود برخیزند.

در هند گروه «نگران برای کودکان کارگر «یا «سی. دبلیو. سی.»» (CWC) به کودکان در ایجاد ساختارهای رسمی مانند اتحادیه‌ها و تشکل‌های اداری برای دفاع از حقوق خودشان یاری می‌رساند. از طریق چنین اقدامی، «سی. دبلیو. سی.» مشارکت کودکان به ویژه کارگران خردسال و یا حاشیه‌ای را در تصمیم‌گیری و اداره‌ی کلیه‌ی اموری که به آنان مربوط می‌شود، تقویت می‌کند. گروه «سی. دبلیو. سی.» از سال ۱۹۸۰ با جدیت درگیر این کار است و در حال حاضر در پنج ناحیه کارناتاکا فعالیت می‌کند.

کوشش‌های این گروه برای قدرت بخشیدن به کودکان کارگر در آغاز به شکل‌گیری «بهیما سانگها» (Bhima Sangha)— اتحادیه‌ای که به وسیله و برای کارگران خردسال بر پا شده است انجامید. «بهیما سانگها» ۱۳ هزار عضو خردسال در منطقه‌ی کارناتاکا دارد و در کار قادرسازی کودکان برای ایفای نقشی تعیین کننده در تصمیم‌گیری و اداره‌ی کارها همیار کاری پراهمیت «سی. دبلیو. سی.» است. از زمان شکل‌گیری این اتحادیه در سال ۱۹۹۰، تا به امروز «بهیما سانگها» مدافع نیرومندی برای حفظ حقوق کودکان کارگر و نیز درگیر بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی والدین آنان و جماعت‌هاشان بوده است. در سطح ملی و منطقه‌ای، «بهیما سانگها» سایر کارگران خردسال را برای تشکیل اتحادیه‌های‌شان یاری می‌دهد و همچنین در شکل دادن به جنبش‌های ملی و بین‌المللی کارگران خردسال سهم بسزایی داشته است.

کودکان همچنین برای اینکه بتوانند در برنامه‌ها و سیاست‌هایی که بر وضع آن‌ها تأثیر می‌گذارد عامل موثری باشند، خواستار ایفای نقشی رسمی در اداره‌ی کارها شدند. این تقاضا به برپایی نهادی انجامیدکه بعدها «ماکالا پانچایات» (Makkala Panchayat) یا «دولت کودکان» نام گرفت که توسط کودکان در جامعه‌ی مورد نظر انتخاب می‌شود. کودکان خود سازمان و تشکیلات آن را طراحی و هدف و شیوه‌ی رهبری آن را معین کردند. از آن جا که کودکان می‌خواستند که موقعیتی رسمی در ارتباط با دولت محلی یا «پانچایات» داشته باشند، «سی. دبلیو. سی.» سازوکاری ابداع کرد که «ماکالا پانچایات» یا دولت کودکان به طور رسمی از طریق گروهی که ریاست آن با وزیر منطقه است در دولت محلی ادغام گردد. این گروه ویژه هم از بزرگسالان وهم از کودکان تشکیل می‌شود. برگزاری انتخابات «دولت کودکان» توسط تشکیلات اداری دولت رسمی صورت می‌گیرد و دبیر دولت بزرگسالان در مقام دبیر «دولت کودکان» هم عمل می‌کند.

«سی. دبلیو. سی.» به کودکان مهارت‌هایی را از قبیل تحقیق، تهیه و تنظیم اسناد و مدارک، ارتباط، مذاکره و دفاع می‌آموزاند. کودکان برای دفاع از مواضع و اصول خودشان از تاتر، نمایش عروسکی، ترانه، نشریات، روزنامه‌ی دیواری و ابزارهای صوتی و تصویری استفاده می‌کنند. آن‌ها اولویت‌های خود را بر زبان می‌آورند، برای مدعاهای خود دلیل و مدرک ارایه می‌کنند و برای تغییر وضعیت تبلیغ می‌کنند. کودکان برای حفظ رابطه‌ای خوب با دولت محلی، از وابستگی‌های سیاسی و یا هرگونه وابستگی دیگری دوری می‌گزینند اما فعالانه در مباحثات سیاسی شرکت می‌جویند.

کودکان از طریق مشارکت سازمان‌یافته در ساختارهای سیاسی و اداره‌ی امور محلی خودآگاه‌تر شده و حکومت را پاسخگو می‌سازند. مشارکت این کودکان در فضای سیاسی، سایر گروه‌های به حاشیه رانده شده از قبیل زنان و اقلیت‌های قومی را نیز برای تغییر وضعیت کنونی خود قادر می‌سازد و دموکراسی را توانمندتر می‌سازد.

امروز هزاران هزار کودک در اداره‌ی روستاهای خود شرکت دارند و بزرگسالان که به طور سنتی از زمینداران بزرگ و پدرسالار بودند اکنون مدافع حقوق کودکان شده‌اند. آنان اینک مشارکت فعال و برابری‌طلبانه‌ی کودکان را ارزشمند می‌بینند، چرا که دیده اند این وضعیت به سود همگان و مفید به حال تمامی جامعه است.^۱

سازمان‌های کودکان در پرداختن به موضوعات بسیاری در سطح محلی موثر بوده‌اند از جمله مشکلات آب و سوخت، مسکن، حقوق بازنشستگی سالمندان و معلولان، بهره‌کشی از کار کودکان، بدرفتاری‌های جسمی و ازدواج با کودکان. آنان همچنین به شکلی اساسی در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با کودکان در سطوح حکومتی، ملی و بین‌المللی یاری رسانده‌اند.

اسلوواکی

اساس کار «سی. دبلیو. سی.» توانا ساختن کودکان کارگر به نحوی ست که تا حد امکان خود آن‌ها در خط اول دفاع از خود قرار گیرند و در تصمیماتی که به آنان مربوط می‌شود، آگاهانه مشارکت داشته باشند. «سی. دبلیو. سی.» نشان داده است که شرایط رنج‌آور زندگی و چالش‌هایی را که کودکان با آن روبرو هستند می‌توان از راه آموزش، تواناسازی آنان و با همیاری بزرگسالان تعدیل کرد. این گروه برای تحقق راه‌حل‌های عملی، جامع، پایدار و مناسب در هماهنگی با دولت‌ها و جوامع محلی و خود کارگران کودک کار می‌کند. حاصل کار، کیفیت بهتر زندگی برای تمامی اعضای جامعه مورد نظر است که با ورود خود کودکان به میدان عمل امکان پذیر می‌شود.

تاکتیک‌های نوین در

پدید آوردن فرهنگ و برپایی نهادهای حقوق بشر

ظرفیت‌سازی

ایجاد آگاهی

آگاه‌سازی مردم (تمام مردم) یک جامعه، درباره‌ی حقوق بشر، نخستین گام در راه ساختن جامعه‌ای است که

این حقوق را پاس می‌دارد و حرمت می‌نهد. وقتی که مردمی به حقوق خود آگاه نیستند، اعمال خلافکارانه دولت، طبقه‌ی حاکمه یا هر

قدرت دیگری بسا که پذیرفته و تحمل شود، یا به‌سادگی نادیده گرفته شود. تاکتیک‌های این بخش، هم درباره‌ی مفهوم گسترده تر

حقوق بشر، و هم در موارد مشخص‌تر چگونگی به کارگیری این حقوق در موارد فردی و یا در مورد جوامع محلی آگاهی‌ساز است.

چالشی که در بسیاری از وضعیت‌های توصیف شده با آن روبرو هستیم این است که به مردم نشان داده شود مسایل حقوق بشر تا چه

حد به زندگی خود آنان مربوط است. ممکن است به ذهن مردم جوامع دورافتاده خطور نکند که صاحب حقوقی هستند. ممکن است

چیزی درباره‌ی معاهده‌های بین‌المللی یا قوانین ملی ندانند، یا فکر نکنند که مشمول این قوانین‌اند. و یا برعکس، مردم کشور های

پیشرفته ممکن است بر این باور باشند که واژه‌های مربوط به «حقوق بشر» و مفاهیمی که آن‌ها را تداعی می‌کنند تنها اختصاص به

ملت‌های بسیار دور افتاده و بی‌نوا دارد.

آموزش حقوق در نواحی روستایی: آموزش دادن به مردم در نواحی روستایی درباره حقوق‌شان و مرتبط ساختن آنان با حقوقدانان برای دفاع از آن حقوق.

تانکتیک

در جوامعی که از نظر جغرافیایی، و یا فرهنگی یا بنا بر رسم و سنت در انزوا به سر می‌برند، نبود آگاهی ممکن است بزرگترین سدی باشد که مردم را از برخورداری کامل از حقوق خود محروم کند. گروهی در تایلند — برای حصول اطمینان از آگاه شدن مردم نسبت به حقوق خود، و در خواست برای رعایت این حقوق، آموزش گروه‌های محلی را — از راه نمایش‌های کوتاه فکاهی و برگزاری سمینارها — با امکان دسترسی به نظام حقوقی تلفیق می‌کند.

«بنیاد تُنگبایی تُنگبایُ» یا «تی. تی. اف.» (The Thongbai Thongpao Foundation-TFT) در تایلند به ساکنان روستاها خدمات رایگان حقوقی همراه با آموزش حقوق اساسی بشر و قوانینی، که بر زندگی آنان اثر می‌گذارد، می‌دهد. با این که تایلند در دهه‌ی ۱۹۹۰ از توسعه‌ی اقتصادی سریعی برخوردار شد اما بیشتر استانداردهای که نمایانگر افزایش سطح زندگی بود، حاکی از تمرکز این رشد در نواحی شهری بزرگ بود. جمعیت‌های روستایی از نظر اقتصادی عقب مانده‌اند و از حقوقی که قوانین مدرن تایلند برای آنان تضمین کرده است، آگاهی ناچیزی دارند. این وضعیت آنان را در مقابل استثمار و بهره‌کشی مقامات فاسد دولتی و رباخواران آسیب‌پذیر کرده است. دوره‌های آموزش حقوقی بنیاد «تی. تی. اف.» آموزگاران، دانش‌آموزان، رهبران محلی، روستایان تهی د ست و زنان را پوشش می‌دهد. به‌طور معمول، در پی درخواست روستانشینانی که با مقامات محلی درگیری پیدا کرده‌اند، «بنیاد» با گروهی از وکیلان داوطلب در پایان هفته کارگاه‌های آموزشی برگزار می‌کند. طی دو روز کامل آموزشی، شرکت‌کنندگان درباره قانون اساسی، حقوق بشر، ازدواج، وام و رهن، قانون کار و سایر مسایل حقوقی که مورد توجه آن‌هاست آموزش می‌بینند. طرح دعاوی در دادگاه به صورت نمایشی در این کارگاه‌ها، مکمل سخنرانی‌های آموزشی و بحث و گفت‌وگوهاست.

برای شرکت‌کنندگان، بعداز اتمام دوره، کارت شناسایی عکسدار با نام و امضای وکیل شخصی‌شان صادر می‌شود. در پشت هر کارت، حقوق متهمان: حق سکوت، دادیاری حقوقی، اطلاع از اتهامات وارده علیه آنان و حق نهادن وثیقه ذکر شده است. پس از این برنامه ی آموزشی، برای حصول اطمینان از رعایت موازین حقوق بشر و کمک به برگزاری دوره‌های آموزشی، یک کمیته محلی پنج تا هفت نفره خدمات شبه حقوقی در روستا تشکیل می‌شود.

به‌جای مفاهیم تجربیدی و دور از ذهن، بنیاد «تی. تی. اف.» به روستانشینان، اطلاعات و مهارت‌های عملی می‌آموزاند، تا بتوانند حقوق خود را طلب کنند. به قدرت کارت شناسایی حرفه‌ای، که به هر شخص داده می‌شود، نباید کم بها داد: دانستن این امر که در صورت بد رفتاری و خشونت، شما کسی را دارید که می‌توانید به او مراجعه کنید، نه تنها از نظر روانی نیرو بخش است، بلکه می تواند، پیشاپیش و در وهله‌ی نخست کسی را که قصد تجاوز به حقوق شما را دارد از این کار منصرف کند.

این تاکتیک در نواحی روستایی و دورافتاده سراسر دنیا، هرجا که مردم از حقوق خود ناآگاهند و یا احساس می‌کنند که قادر نیستند به نظام قضایی دسترسی یابند، می‌تواند سودمند باشد. این تاکتیک همچنین دست زدن به اقدام حقوقی را به عنوان یکی از امکانات دادخواهی قربانیان در صورت رخداد

تجاوز ارایه می‌دهد. تاکتیک مشابهی در

اوگاندا در نواحی دورافتاده به مردم در

مورد حقوق‌شان آموزش می‌دهد و راه‌های

دستیابی به میانجی‌گری را ایجاد می‌کند.

(بنگرید به صفحه ۱۳۶ متن).

تأثر سکوت را می‌شکند: به کارگیری نمایش به منظور شکستن سکوت پیرامون موضوعات حساس حقوق بشر و ارایه ی آموزش حقوق قانونی

گروهی در سِنگال، درباره‌ی حقوق قانونی بخشی از جامعه، که نه از نظر جغرافیایی، بلکه از نظر معیارهای فرهنگی در انزوا به سر می‌برند، اطلاعات فراهم می‌کند و در اختیارشان می‌گذارد.

شبکه‌ی «ابتکار آفریقایی برای توسعه‌ی یکپارچه» یا «رادِی» (RADI) به زنان، در مورد تجاوز و خشونت‌های خانگی، منابع و امکانات قانونی حامی حقوق آنان از راه نمایش‌های کوتاه و گفت‌وگوهای غیررسمی شبه-حقوقی آموزش می‌دهد. این «شبکه» با به‌کار گیری نمایش، قصد آن دارد تا سکوتی را که پیرامون تجاوز و خشونت خانگی در سِنگال وجود دارد بشکند.

در سِنگال، تجاوز خانگی، به ویژه نوع جنسی آن، از محرمات است و جزو ناگفتنی‌هاست و به ندرت به مقامات گزارش می‌شود. در کشوری که نود و پنج در صد از مردم آن مسلمانند به تکالیف اسلامی خود عمل می‌کنند، و بسیاری بر این باورند که قوانین شرع برخی از خشونت‌ها را مجاز می‌شمارد، شبکه‌ی «رادِی» به رویه‌ای کارا نیاز داشت تا آگاهی در زمینه‌ی قوانین مصوب جدید را گسترش دهد. از آنجا که بی‌سوادِی امر رایجی است و تئاتر در آنجا دوباره رونقی چشمگیر یافته بود، شبکه‌ی «رادِی» برای افزایش توانایی اش در جهت دسترسی به مخاطبان بیشتر و بالا بردن سطح آگاهی نسبت به خشونت خانگی و آشنا کردن مردم با امکاناتی که در اختیارشان است تأثر را به عنوان وسیله کار خود برگزید.

شبکه‌ی «رادِی» از بازیگران مشهور دعوت می‌کند و آنان به نوبه‌ی خود از میان تماشاچیان زنانی را انتخاب می‌کنند تا در بداهه‌سازی‌های کوتاه ۱۰ دقیقه‌ای برای نشان دادن صحنه‌هایی از خشونت‌های خانگی به آن‌ها بپیوندند. رفتارهای بی‌اختیار زنان و تماشاگران در حین این نمایش‌ها، آشنایی‌شان با چنین وضعیت‌هایی را آشکار می‌سازد. آنان نمایش‌های کوتاه را بدون هیچ راه‌حلی به پایان می‌رسانند تا مددکاران شبه‌حقوقی بتوانند با بحث و گفت‌وگویی درباره‌ی راه‌حل‌ها و انتخاب‌های ممکن برای مقابله با موضوع خشونت و تجاوز خانگی آسان‌تر عمل کنند. مددکاران شبه-حقوقی، در ضمن می‌کوشند منابع حقوقی موجود و مجازات‌های کیفری و مدنی تجاوز و خشونت را بشناسانند.

این «شبکه» در تاکتیک خود از دو منبع مهم فرهنگی سود می‌جوید. یکی نمایش که در سِنگال روش آموزشی پذیرفته و کاملاً قابل درکی است. دیگر اینکه، برنامه‌ها در کنار «بِت‌تیز» (mbottayes) یا «گردهمایی خودمانی سنتی زنان» سازمان داده می‌شود که عموماً مشارکت و حضور تعداد زیادی را در گفت‌وگوهای گروهی تضمین می‌کند. این «شبکه» گزارش داده است که بیشتر شرکت‌کنندگان در جلسات نمایش و گفت‌وگو نه تنها درباره‌ی حقوق خودشان آگاهی بیشتری یافته‌اند بلکه این اطلاعات را به اعضای خانواده و دوستان خود نیز منتقل کرده‌اند.

بسیاری از گروه‌ها نمایش و تأثر را برای ترویج حقوق بشر به کار برده‌اند، اما شبکه «رادِی» قانون و نمایش را به شیوه‌ای بی‌مانند ترکیب کرده است. موفقیت این «شبکه» در دسترسی به تماشاگران تا حدی مدیون استفاده از ساختار اجتماعی موجود «بِت تِیز» است. جنبه نمایشی کار انگیزه‌ی بیشتری برای مشارکت فراهم می‌آورد — زیرا سرگرم‌کننده است — افزون برآن پوششی حفاظتی برای

سنت‌های فرهنگی جامعه‌ی شما که در برابر طرح بعضی از مسایل حقوق بشر
موانعی ایجاد می‌کنند، کدامند؟ کدام سنت‌های فرهنگی را برای چیرگی بر این
موانع و شکستن سکوت می‌توان به کار گرفت؟

شمار زنانی که قدم پیش می‌گذارند و موارد تجاوز را خبر می‌دهند رو به افزایش است و به همین منوال شمار زنانی که متارکه کرده‌اند و یا درخواست جدایی می‌کنند.

» «

 	
<p>— معاون دادستان عمومی، سِنگال</p>	
 	

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر	پدید آوردن فرهنگ و برپایی نهادهای حقوق بشر
تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر	ایجاد آگاهی

احیا سنت: به کارگیری هنر برای پیوند زدن حقوق بشر به فرهنگ و سنن محلی

تاکتیک

حقوق بشر ممکن است که مانند چیزی به نظر آید که از بالا و از بیرون تحمیل شده است. یک نهاد منطقه‌ایِ حقوق بشر جهان عرب با نشان دادن این که خود موضوع حقوق بشر پیش از این، بخشی از فرهنگ خود این منطقه بوده است، حقوق بشر را تقویت می‌کند.

«مرکز مطالعات حقوق بشر قاهره» یا به عربی «مرکز القاهرهٔ لدراسات حقوق الإنسان» (CIHRS) در مصر از هنر و ادبیات برای نشان دادن این نکته استفاده می‌کند که در فرهنگ‌های عربی حقوق بشر از گذشته‌های دور مورد ستایش بوده است وهم اکنون نیز هست. با وجود اینکه بسیاری از کشورهای عرب از اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر حمایت می‌نمایند، امروزه برخی از آنان اعلامیه‌ی حقوق بشر و حمایت از آن را مفاهیمی عموماً و بیشتر غربی تلقی می‌کنند.

این «مرکز» با استفاده از فولکلور، ادبیات و سینما روش‌های گوناگونی را برای نشان دادن ریشه‌های حقوق بشر در جوامع عربی اسلامی به کار می‌برد. برای مثال، از هنرمندان برای جلسات ماهانه‌ی نمایش فیلم دعوت می‌شود و سخنرانان مدعو درباره‌ی فیلم‌ها بر پایه ی مفاهیم حقوق بشر بحث و گفت‌وگو می‌کنند. کارگردان فیلم و منتقدان اغلب در هنگام نمایش فیلم‌ها حضور دارند. این باشگاه سینمایی برای حقوق بشر، یکی از نخستین تجربه‌های از این دست در جهان عرب است.

افزون بر این، این مرکز حقوق بشری به نشر یک سلسله کتابچه با عنوان «*حقوق بشر در هنر و ادبیات*» پرداخته است که در آن‌ها نقش هنر و ادبیات را در اشاعه‌ی حقوق بشر برجسته می‌سازد؛ این مرکز تاکنون ده کتابچه از این مجموعه را منتشر کرده است. همیشه هنرمندان ترغیب شده‌اند تا به شیوه‌ای متعهدانه کار و تجربه‌ی خود را در ارتباط با ارزش‌های مثبت حقوق بشر عرضه کنند.

«مرکز مطالعات حقوق بشر قاهره» از طریق باشگاه سینمایی و کتابچه‌ها، شبکه‌ای از هنرمندان علاقمند به ترویج حقوق بشر به وجود آورده است و آنان را به تولید برنامه‌هایی که حقوق بشر را در جامعه‌ی معاصر ارتقا می‌بخشد، ترغیب می‌کند. برای نشان دادن این که رویکردهای هنری در نوع خود می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند، این مرکز مطالعاتی گاهی عنوان یا موضوعی ویژه را انتخاب می‌کند و سپس با اعضای شبکه‌ی خود که می‌توانند با موفقیت عنوان یا موضوع را از طریق رسانه‌های هنری گوناگون مطرح سازند، ارتباط بر قرار می‌کند.

از طریق تمام این روش‌ها، «مرکز مطالعات حقوق بشر قاهره» به آگاهی بیشتر در مورد نوع ارتباط و بستگی فرهنگی حقوق بشر در مصر و دنیای عرب یاری رسانده است.

این «مرکز» با استفاده از فیلم، هنر و ادبیات به مردم در سراسر منطقه کمک می‌کند تا اصول حقوق بشر را از آن خود بدانند و ادعاهایی که حقوق بشر را موضوعی خارجی قلمداد می‌کند، رد کند و نیز حمایت گسترده و همه جانبه از یک جنبش حقوق بشر را پی ریزی و ممکن می‌سازد.

این رویکرد دراز مدت است و بعید است که باعث دگرگونی سریعی در جامعه شود و بیشتر خوشایند مردمی است که پیش از این به سوی هنرها کشیده شده‌اند. اما اگر نمونه‌های فرهنگی ریشه‌دارتری انتخاب شود — نمونه‌هایی که بیشتر مردم با آن‌ها مستقیماً سر و کار دارند، از قبیل حماسه‌های ملی و داستان‌های کودکان — می‌توانند به بخش بزرگتری از جمعیت دسترسی یابند.

سنن فرهنگی محلی، اسطوره‌ها، و متون را نیز، از آنجا که نمونه‌های به سادگی فهم شدنی اصول حقوق بشرند، می‌توان به عنوان ابزار آموزشی به‌کار بست. گروه «خواهری موسسه‌ای جهانی است» (Sisterhood Is Global Instituted-SIGI) یا «سی. آی. جی. آی.» که در حال حاضر در کانادا مستقر است، الگوی آموزشی غیررسمی‌بی را به کار می‌گیرد که به زنان مسلمان کمک می‌کند به راحتی مفاهیم جهانی حقوق بشر را در واژگان فرهنگ محلی خود باز یابند. «سی. آی. جی. آی.» سلسله کتاب‌های مبنایی فراهم آورده است که می‌توان در هرجا که زنان گرد هم می‌آیند، چه گردهم‌آیی اجتماعی باشد چه خصوصی، از آن‌ها استفاده کرد. این کتاب های راهنما، بحث و گفت‌وگو درباره‌ی مفاهیم حقوق بشر را با واژگانی که با زندگی روزمره زنان مرتبط است، تشویق می‌کند.

تاکتیک

تاکتیک

هر فرهنگی ارزش‌های عدالت، و منزلت، آزادی و برابری را می‌ستاید. هنر و ادبیات به ایجاد فرهنگ حقوق بشر کمک می‌کنند. ما برای آگاهانیدن مردم از حقوق بشر، نه تنها به عقل، بلکه به قلب مردم نزدیک می‌شویم.

تاکتیک

— بهالدین حسن، مرکز مطالعات حقوق بشر قاهره، مصر

تاکتیک

تاکتیک

تاکتیک

تاکتیک

تاکتیک

تاکتیک

تاکتیک

تاکتیک

راه تازه‌ای در فهم عدالت اجتماعی: آموزش دادن به سازمان‌ها برای منظور کردن، فعالیت‌های عدالت جویانه ی اجتماعی‌شان در چهارچوب موازین حقوق بشر، و در نتیجه فراهم آوردن ابزارهایی تازه و مجهز کردن مدافعان حقوق بشر به آن ابزار برای برپایی اتحادهای نوین.

در سال ۱۹۷۷، در نظرسنجی که مرکز «نیچر» به انجام رساند، ۹۰ درصد آمریکاییان از وجود اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر بی‌خبر بودند.

از آن‌جا که در کشورهای توسعه‌یافته بسیاری از مردم به واژه و موضوع «حقوق بشر» صرفاً همچون موضوعی مربوط به کشورهای در حال توسعه نگاه می‌کنند، چه بسا که مفاهیم و آرمان‌های حقوق بشر مفاهیمی پرت و بیگانه به نظر آیند. چنین نگرشی می‌تواند به آسوده خیالی زیانباری بیانجامد، نگرش و مِئشی که گروهی در ایالات متحده دست به کار مبارزه با آن هستند.

«مرکز ملی آموزش حقوق بشر» یا «نیچر» (NCHRE) در ایالات متحده سازمان‌ها را در پرداختن به مسایل عدالت اجتماعی در قالب موازین حقوق بشر آموزش می‌دهد. با این که سازمان‌های بسیاری در ایالات متحده برای عدالت اجتماعی می‌کوشند، کم‌اند آنهایی که به کار خود از دیدگاه حقوق بشری بیندیشند.

در سال ۱۹۷۷، در نظرسنجی که مرکز «نیچر» به انجام رساند، ۹۰ درصد آمریکاییان از وجود اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر بی‌خبر بودند. در مقابله با این بی‌اطلاعی و ناآگاهی در ایالات متحده، این «مرکز» برای سازمان‌های عدالت اجتماعی مردمی، یک برنامه ی درسی آموزش حقوق بشر تهیه دیده و به اجرا در آورده است.

«مرکز ملی آموزش حقوق بشر» هم‌چنین به برگزاری کنفرانس‌ها، گردهمایی‌ها و برنامه‌های محلی پرداخته و بیش از نیم میلیون نسخه از اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را توزیع کرده است.

در دوره‌های آموزشی خود، مرکز «نیچر» بر طبیعت فراگیر حقوق بشر با نشان دادن این مطلب که هر کسی می‌تواند متجاوز یا قربانی تجاوز باشد، تأکید می‌کند. این «مرکز» همچنین راه‌های پاسداری از حقوق بشر را، به ویژه از طریق آموزش جنبه‌های حقوقی و فنی حقوق بشر آموزش می‌دهد. آموزگاران سپس با شرکت‌کنندگان در ایجاد برنامه‌های عملیاتی حقوق بشر برای به کارگیری آن در اجتماعات خود کار می‌کنند.

شرکت‌کنندگان در دوره‌های آموزشی، ایده‌ها و مهارت‌های کسب شده در کارگاه‌ها را به سازمان‌های خود باز می‌برند و به این‌ترتیب، به شیوه‌ای تصاعدی بر دامنه اثر بخشی کار این «مرکز» می‌افزایند. «مرکز ملی آموزش حقوق بشر» از هنگام تأسیس تا به‌حال بیش از ۱۶۰۰۰ تن از مدافعان عدالت اجتماعی را در زمینه‌ی حقوق بشر آموزش داده است. شماری از گروه‌هایی که این «مرکز» به آن ها آموزش داده است در چهارچوب حقوق بشر دگرگونی‌های مثبتی در اجتماعات خود ایجاد کرده‌اند. برای مثال، «اتئلاف شهروندان جورجیا علیه گرسنگی»، استدلال‌هایی بر مبنای حقوق بشر را به کار گرفت تا قانون‌گذاران ایالتی را به تصویب افزایش حداقل دستمزدها، که سی سال تمام ثابت مانده بود بر انگیزد.

«مرکز ملی آموزش حقوق بشر» با رفتاری نافذ هم در دولت و هم در کل جامعه رو یاروست که نمی‌خواهد مناسبت و ربط اصول حقوق بشر در ایالات متحده را بپذیرد و این که چنین مسایلی زیر عنوان حقوق بشر اصلا در ایالات متحده وجود دارند. این «مرکز» برای گروه‌هایی که هم اکنون دست اندر کار مبارزه با مشکلاتی نظیر گرسنگی، فقر و فلاکت و بی‌خانمانی‌اند، تاکتیکی تازه فراهم می‌آورد. هنگامی این گروه‌ها کارشان را در چهارچوب جدید آغاز کنند، چه بسا متحدان تازه‌ای بیابند و مردمان تازه ای را به کار خویش علاقمند سازند و به سوی خود جلب کنند.

« »

در ایالات متحده مشکلات حل نشده‌ای از قبیل نبود امکانات درمانی، اصلاحات رفاهی و تبعیض نژادی وجود دارد. قانون اساسی در این موارد به قدر کافی از شهروندان حمایت نمی‌کند. تنها گزینه ما توسل به چهارچوب جهانی حقوق بشر است که این مسایل را به سطح پایسته خودمطرح می‌سازد، و ماهیت گفتمان و سیاست را در این کشور تغییر می‌دهد.

— لُرِ تا راس،

«مرکز ملی آموزش حقوق بشر»، ایالات متحده آمریکا

رساندن پیام از طریق نقشه‌کشی: نقشه‌کشی دیداری برای ایجاد آگاهی عمومی و فشار آوردن برای تغییر سیاست.

نقشه‌کشی دیداری در سواحل لبنان به‌خوبی از نقشه‌برداری استفاده کرد. این اداره برای آموزش دادن مردم درباره مسئله زباله‌های سمّی صنعتی و فشار آوردن به دولت برای در پیش گرفتن سیاست‌هایی به منظور

چاره‌اندیشی، از تخلفات در حوزه محیط زیست در سواحل نقشه‌برداری کرد.
فرقی نمی‌کند که شما به چه مخاطبانی می‌خواهید دسترسی پیدا کنید. به هر حال، نمایش تصویری موردی که می‌خواهید در میان بگذارید، دستمایه توانمندی برای این کار است.

«دفتر صلح سبز لبنان» برای نشان دادن خطرات محیط زیستی در سواحل لبنان به‌خوبی از نقشه‌برداری استفاده کرد. این اداره برای آموزش دادن مردم درباره مسئله زباله‌های سمّی صنعتی و فشار آوردن به دولت برای در پیش گرفتن سیاست‌هایی به منظور چاره‌اندیشی، از تخلفات در حوزه محیط زیست در سواحل نقشه‌برداری کرد.

این گروه، هر هفته با سفر از یک جایگاه به جایگاه دیگر در یک قایق بادی و با متمرکز کردن کوشش‌های خود بر روی نواحی ساحلی پرجمعیت و بهره‌برداری شده، توجه‌ی عمومی بسیاری را در مورد وضعیت محیط زیستی سواحل برانگیخت. گروه با استفاده از نرم‌افزار «جی. آی. اس.» (GIS)، یا سیستم اطلاعاتی جغرافیایی، برای تهیه‌ی نقشه از نتایج آزمایش، حادثرین مسایل محیط زیستی را در هر جایگاه مشخص کرد. مردم در تلویزیون، روزنامه، بر روی تارنمای گروه، حتی در امتداد اسکله‌های ساحلی، هر‌جا که نتایج آزمایش ها اعلام می‌شد، پیشرفت کار قایق «صلح سبز» را دنبال می‌کردند. پیشرفت هفتگی کار قایق توجه بسیار و حتی دلپره برانگیخته بود. همه کنجکاو بودند که گروه در جایگاه بعدی چه خواهد یافت. با پایان گرفتن این پیکار، نقشه خود نموداری تصویری از مناطق مسموم و وسعت و میزان مسایل زیست‌بومی در سراسر ساحل بود.

«صلح سبز» چندین تاکتیک دیگر را با پروژه‌ی نقشه‌برداری همراه کرد. اعضای گروه به فهماندن مسئله به سیاستمداران، مؤسسات دولتی، ساکنان و صاحبان کسب و کار در طول ساحل پرداختند. یک عضو ستادی گروه مأمور شد تا رسانه‌ها را باخبر و علاقه مند نگهدارد و از پوشش به‌هنگام رسانه‌ها در جهت حفظ علاقه و توجه‌ی عموم به اخبار فعالیت‌های آنان، اطمینان حاصل نماید. گروه با تکه برنامه‌های رادیویی، ورقه‌های اطلاعاتی، پوستره‌های عظیم متحرک و یک تکه برنامه نقاشی متحرک تلویزیونی که آثار مواد سمی را در درازمدت تصویر می‌کرد، به جلب توجه عموم پرداخت.

آگاهی عمومی بر اثر این پیکار به تصویب قانون شماره‌ی ۴۴۴ در لبنان یاری کرد که یک قانون محیط زیستی می‌باشد که حق دسترسی به اطلاعات را نیز در بر دارد.

« دفتر صلح سبز لبنان» اطلاعات خشک و فنی را به تصویری پرجاذبه بدل کرد که واقعیت‌ها را برای عامه مردم در همان حال که توجه آنان را به کار خود جلب می‌کرد قابل فهم می‌کرد و آنان را به اقدام در جهت چاره کردن مسئله به حرکت در می‌آورد. مسئله ی تخلفات زیست‌بومی بسیار از نظرها پنهان مانده است. از این رو، مردمی که از آن‌ها آسیب می‌بینند هیچ از آن خبر ندارند. « دفتر صلح سبز» با فاش کردن آن‌ها خیل هواداران تازه‌ای را پدید آورد تا بر ضد آن دست به کار شوند. آنچه این موفقیت یعنی بالا رفتن آگاهی مردم و گذراندن قانون جدید را ممکن کرد، رفتن به سراغ مردم و پوشش رسانه‌ای برای چشمگیر کردن فعالیت‌های نقشه‌برداری، به همراه کوشش برای فهماندن ضرورت تغییر سیاست‌ها در این جهت، بود.

نقشه‌برداری با سیستم «جی. آی.اس.» برای نشان دادن دیگر مسایل حقوق بشر و مبارزه با آن‌ها مانند قاچاق سکس نیز به کارگرفته می‌شود. هم‌چنین می‌توان از آن برای نشان دادن موارد شکنجه در قرارگاه‌های پلیس، برای نشان دادن دامنه‌ی فقر با شرح میانگین درآمد خانوار در یک ناحیه، میزان دسترسی (یا دسترسی نداشتن) به خدمات حیاتی، با نشان دادن محل چاه‌های آب، بیمارستان ها یا مدارس، استفاده کرد. با آگاهی از دامنه‌ی مسئله بهتر می‌توان

چاره‌جویی کرد.

تاکتیک

تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر	پدید آوردن فرهنگ و برپایی نهادهای حقوق بشر
تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر	پیشبرد هدف استفاده کرد.
تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر	پدید آوردن فرهنگ و برپایی نهادهای حقوق بشر
تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر	ایجاد آگاهی

تاکتیک

درک این نکته که چگونه به این جا رسیده‌ایم و به کجا داریم می‌رویم: **بهره‌گیری از نیروی احساسی نهفته در یک مکان تاریخی و سرگذشت‌های شخصی برای بالا بردن آگاهی در مورد مسایل کنونی حقوق بشر.**

موزه تنمنت

داستان‌ها و سرگذشت‌های می‌توانند مسایل به ظاهر خشک و دوردست از نظر حقوق بشر را زنده کنند. «موزه تنمنت» (The Tenement Museum)، در شهر نیویورک، برای به‌راه اندختن بحث و گفت‌وگو و آگاهی دادن درباره مسایل جاری «حقوق کار»، از این سرگذشت‌ها استفاده می‌کند.

این موزه با بازسازی یک آپارتمان و مغازه لباس‌دوزی سال ۱۸۹۷، نمایندگان بخش‌های در ستیز با یکدیگر صنعت لباس‌دوزی را گرد هم می‌آورد تا در مورد مسایل کار توان‌فرسا در کارگاه‌های امروزی بحث کنند، که چه‌ها باید کرد و هرکسی چه باید بکند.

«موزه تنمنت» آپارتمان‌های واحد شماره ۹۷ خیابان آرچارد را بازسازی می‌کند: جایی که بیش ازهفت هزار مهاجر از ۲۰ ملت مختلف بین سال‌های ۱۸۶۳ و ۱۹۳۵ در آن زندگی می‌کردند و داستان تلاش‌های آنان را برای زندگی در آمریکا حکایت می‌کند. در سال ۱۸۹۷، هریس و جنی لیواین، دو مهاجر از ناحیه‌ی پُلنسک (Plonsk- در لهستان امروز)، در آپارتمان خود یک کارگاه دوزندگی به راه انداختند. فضای کارگاه همان فضایی بود که عنوان «کارگاه عرق‌ریزان «اولین بار برای آن باب شد. امروزه بیش از ۴۰۰ کارگاه لباس‌دوزی در ایالات متحده وجود دارد که نزدیک به ۱۵ هزار کارگر مهاجر را به کار می‌گیرند. وزارت کار ایالات متحده سه چهارم آن‌ها را در ردیف «کارگاه عرق‌ریزان» طبقه‌بندی کرده‌است. اما بحث و گفت‌وگو درباره‌ی این که «کارگاهِ عرق‌ریزان» چیست و در مورد خشونت‌ورزی با نیروی کار چه باید کرد و مسئول آن کیست، به شدت جریان دارد.

این «موزه» خانه‌ی خانواده‌ی لیواین را به مرکزی بدل کرده است که اهلِ صنعت لباس‌دوزی می‌توانند در آن به تبادل نظر برای حل مسایل بپردازند. برای اولین گردهمایی در سال ۲۰۰۲، موزه ترکیبی غریب از شرکت‌کنندگان گوناگون را دعوت کرد، ازجمله نمایندگان سازمان «دیده‌بان حقوق بشر» «یونایت‌ا!» (UNITE) یا اتحادیه کارگران لباس‌دوز، تولیدکنندگان مارک‌های «لوایز» (Levi’s) و «ایلین فیشر» (Eileen Fisher)، «انجمن کارخانه‌های لباس‌دوزی ناحیه‌ی «کینگ» و بسیاری دیگر. این رهبران بخش‌های صنعت لباس، که اغلب در تضاد با یکدیگر به نظر می‌آیند، جمع‌آمده در محفلی خودمانی، به داستان این خانواده‌ی مهاجر گوش سپردند که چگونه می‌خوابیدند و چه می‌خوردند و بچه‌ها را می‌پروراندند و در فضایی به کوچکی صد متر مربع صدها لباس بیرون می‌دادند.

به دنبال این گردهم‌آیی، گروه نشستی یک روزه از این سران تشکیل داد تا، با نظر به گذشته صنعت لباس‌دوزی، چشم‌اندازهای نو برای آن بجویند، و در همین نشست برای پیش‌گیری از پیدایش شرایط «کارگاه عرق‌ریزان» در آینده، ایده‌های تازه‌ای داده شد. از اولین گردهمایی در سال ۲۰۰۲ تا به‌حال، این موزه میزبان گفت‌وگوهایی این چنینی با چندین گروه صنعت تولید لباس بوده‌است.

در این باره، به بخش ابرازهای عملی (Tools for Action) این تارنما: www.newtactics.org مراجعه و در باره‌ی آن بیشتر بخوانید.

وجود یک میانجی توانا و برپایی گفت‌وگویی با دقت، برای کشاندن مردم از واکنش‌های شخصی به سوی مسایل مدنی بزرگتر بسیار حیاتی‌است، تا از این رهگذر بتوانند عقاید مخالف را بشنوند و درک کنند؛ و فرصت پیدا کنند تا هم در نشست‌های گروهی کوچک و هم در میدان‌های بزرگِ بحث، تبادل نظر کنند.

موزه تنمنت

موزه تنمنت

موزه تنمنت

موزه تنمنت

این‌ها مردمی بودند که جای دیگر با هم نمی‌نشستند، اما پذیرفتند که در موزه دیدار و گفت‌وگو کنند. می‌بایست تأکید می‌کردیم که گذشته را از نظرگاه‌های بسیار می‌توان تفسیر کرد و برای ایجاد تبادل نظر پرسش‌هایی به میان می‌آوردیم تا این که صرفاً یک داستان تنها را روایت می‌کردیم. در کل، شرکت‌کنندگان به ما گفتند که گرد هم آمدن در یک موزه تاریخی برایشان

» «

موزه تنمنت، ایالات متحده آمریکا، بخش پایینی شرقی«موزه تنمنت»، ایالات متحده آمریکا

موزه تنمنت، ایالات متحده آمریکا، بخش پایینی شرقی«موزه تنمنت»، ایالات متحده آمریکا

موزه تنمنت، ایالات متحده آمریکا، بخش پایینی شرقی«موزه تنمنت»، ایالات متحده آمریکا

— لیز بیوسینکو

بخش پایینی شرقی«موزه تنمنت»، ایالات متحده آمریکا

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

پدید آوردن فرهنگ و برپایی نهادهای حقوق بشر

ایجاد آگاهی

پدید آوردن فرهنگ و برپایی نهادهای حقوق بشر

ایجاد آگاهی

www.newtactics.org

۱۴۴

۱۴۵

www.newtactics.org

ابزارها و منابع

افراد و سازمان‌هایی که در این کتاب شرح آن رفت، بر اساس موقعیت‌های منحصر به فرد خود، و با آگاهی به توانایی‌ها و مخاطره‌های ویژه‌ی خود، تاکتیک‌هایی در پیش گرفته‌اند و این تاکتیک‌ها را همچون بخشی از استراتژی‌های بزرگ‌تر برای رسیدن به هدف‌های کاملاً مشخص، به کار بسته‌اند. ممکن است بعضی از این تاکتیک‌ها — یا بعضی از جنبه‌هایشان — برای کار شما مفید واقع شود، اما مهم آن است که نخست به سنجش وضعیت خود بپردازید: یعنی به زمینه خود، هدف‌ها، منابع و متحدان خود.

بخش حاضر از این کتاب راهنما شامل ابزارهایی ست که امیدواریم در این کار به شما کمک کند.

پرورش استراتژی‌ها و تاکتیک‌های خلاق

این بخش را برای شناسایی اهداف و مخاطبان خود و به منظور رایزنی گروهی برای استراتژی‌ها و تاکتیک‌های ممکن به کار ببرید. همچنین، این بخش را برای پی‌ریزی یک گفت‌وگو با دیگر همکارانتان در سازمان خود یا سازمان دادن به افکارتان به کار ببرید.

در میان گذاشتن تاکتیک خود با دیگران: یک نمونه برای ارایه‌ی تاکتیک

از این نمونه‌ی چگونگی ارایه، برای آموزش تاکتیک‌هایی که به خوبی به کار شما آمده است به دیگران استفاده کنید. یک بخش اساسی «طرح تاکتیک‌های جدید حقوق بشر» ایجاد شبکه‌ای است از دست اندرکاران که تاکتیک‌های خود را با دیگران در میان می‌گذارند. ما امیدواریم که این کتاب الهام‌بخش شما در انجام چنین کاری بشود.

سازگار کردن تاکتیک‌ها

برای آن که بدانید یک تاکتیک، یا جنبه‌ای از یک تاکتیک، هدف‌های شما را پیش خواهد برد یا نه، از پرسش‌های این بخش استفاده کنید. به‌خاطر داشته باشید که هر تاکتیکی برای هر موقعیتی مناسب نیست.

خویشتن‌پایی: مراقبت کردن از ارزشمندترین منبع خود

در برآورد دارایی‌ها و بدهی‌های خود، ارزشمندترین منابع خود را از یاد مبرید: خودتان و همکاران‌تان. این برگه ی کاری را برای اندیشیدن در مورد شیوه‌های مراقبت از خود و دیگران به کار بندید.

استراتژی بدون تاکتیک، کندترین راه رسیدن به پیروزی است. تاکتیک بدون استراتژی، سروصدایی بیش از شکست بیش نیست.

– **سون تسو**

توسعه دادن به راهبردها و

تاکتیک‌های خلاق

گفته سون تسو، که بیش از ۲۰۰۰ سال پیش نوشته شده، به ما گوشزد می‌کند که برنامه‌ریزی بی‌عمل بیهوده و عمل بدون برنامه‌ریزی نابود کننده است. از سه حوزه‌ی تحلیل سون تسو، که در روزگار بسیار قدیم آن‌ها را از هم بازشناخته است، می‌توانیم بسیار بیاموزیم و پایه‌های موفقیت را بر آن اساس پی بریزیم.

خود را بشناس

اسیر تبلیغات خود نشو. می‌باید نسبت به توانایی‌ها، ضعف‌ها، امکانات و پشتوانه‌های خود واقع‌بین بود. داشتن درک روشنی از ظرفیت‌ها و محدودیت‌های متحدان خود نیز به‌همان اندازه مهم است.

حریف خود را بشناس

اسیر تبلیغات حریف هم نباید شد. برای در اختیار داشتن سرعت و ابتکار عمل که می‌تواند برای پیش بردن موضوع حقوق بشری شما مساعد و حتی اساسی باشد، آگاهی از توانایی‌ها، ضعف‌ها، امکانات و ظرفیت‌های حریف نیز به همان اندازه مهم است سون تسو توجه خاص به شناخت – و بر هم زدن – استراتژی حریف را اندرز می‌دهد.

شناختِ میدان

میدان، آن زمینی است که در آن با حریف روبه‌رو می‌شوید. میدان هم چنین زمان یا مکان، شرایط حقوقی، اجتماعی و فرهنگی یا محیطی عمل شما را در بر دارد.

هنگامی که اطلاعاتی که برای تحلیل این پهنه‌ها نیاز دارید گردآورده‌اید ، شما آماده‌اید تا استراتژی خود بپروید. استراتژی جمع آوری تصمیم‌های بسیار در راستای رسیده به یک هدف است، که می‌تواند شاملِ این موارد باشد:

اهداف اصلی و مخاطبان در خور آن

هواداران و منابع

چه تاکتیک‌هایی را به کار باید بست و چه زمانی

تاکتیک عمل مشخص و معینی‌ست برای اثرگذاری بر یک موقعیت. نکته مهم آن است که تاکتیک‌های شما می‌باید بخشی از یک استراتژی بزرگتر و در خدمت آن باشد.

آغاز کار

برخی نکته‌های اساسی که در آغاز کار به خاطر باید داشت:

همکاری با دیگران

هرگاه که ممکن باشد، بکوشید تا گروهی را از مردم با دیدگاه‌های متفاوت و از خاستگاه‌ها و تجربه‌های زیستی گوناگون گردهم آورید. این کار نه تنها خزانه‌ی ایده‌ها را در گروه شما غنی‌تر می‌سازد، بلکه همچنین اجازه می‌دهد که مردم و گروه‌های بیشتری ایده‌های خود را با هم تبادل کنند و از عقاید دیگران بیاموزند.

پیش از آغاز بحث در مورد پارهای اصول پایه‌ای توافق کنید. این اصول ممکن است شامل این موارد باشد:

همه محترم‌اند.

هر بار تنها یک نفر سخن می‌گوید.

اگر دو نفر بخواهند سخن بگویند، فرصت را باید به کسی داد که تاکنون چیزی نگفته است.

از طرح همه ایده‌ها استقبال می‌شود و قابل ارایه هستند.

اظهارات توهین‌آمیز پذیرفتنی نیست و باید به شکلی محترمانه اما قاطع با آن برخورد شود.

ارزیابی ایده‌ها باید به صورت مثبت و سازنده باشد.

همچنین شما باید موافق باشید که اگر کسی بخواهد جلسه را یکسره تحت کنترل خود بگیرد، باید به شکلی که برای گروه پذیرفتنی باشد، در جلسه مداخله کنید.

رایزنی و تبادل آرای آزادانه

هر چقدر که ممکن باشد ایده‌ها را از مغزها بیرون بکشید. تک – تک افراد را تشویق کنید که ایده‌هاشان را عرضه کنند و هیچ کدام را از جهت آن که اجرای آن مشکل است یا بسیار ساده یا بسیار عجیب است، رد نکنید. به‌هرحال، تمام ایده‌ها، بدون استثنا، باید خشونت‌پرهبز باشد. خشونت‌پرهبیزی اصل اساسی مشروعیت و اعتبار است.

ایده‌ها را همچنان که که مطرح می‌شوند، فهرست کنید. شماری برای بحث بیشتر برگزیده می‌شوند و شماری نمی‌شوند، اما هیچکدام را دور نیاید انداخت. ایده‌ای چه بسا در نگاه اول عجیب یا بی‌خردانه به نظر آید و در نگاه دوم مایه حیرت شود. شما سپس به تنظیم تحلیلی عمیق‌تر نیازمند خواهید بود، اما هدف در آغاز تولید هر چه بیشتر ایده‌هاست.

ثبتِ روندِ کار

ایده‌ها را بر ورقه‌های بزرگِ کاغذ یا روی تخته سیاه بنویسید تا همه بتوانند روندِ پیشرفت کار را دنبال کنند. ثبت روند کار یک حافظه‌ی جمعی از این تجربه می‌سازد و امکان بازگشت به آن‌ها را در وقتی دیگر یا در میان گذاشتن‌شان را با دیگران، فراهم می‌آورد. با این همه، مخاطره نگه‌داشت اسناد نوشتاری از روند کار را هم در کار خود ارزیابی کنید.

گام یکم: شناختِ مسئله

چه مشکلی وجود دارد که باید به آن پرداخته شود؟

برای این که بتوانید جزء به جزء مشکل را بررسی کنید، برخی عناصر اصلی آن مشکل را فهرست کنید. شاید بخواهید قسمت های کوچک‌تر مسئله را به طور فردی بررسی و مسئله بزرگ‌تر را گام به گام حل کنید.

آیا مسئله به یک رفتار، نهاد، سیاست، قانون یا شخص خاص مربوط می‌شود؟

مسئله را در یک جمله کوتاه بیان کنید.

گام دوم: مخاطبان خود را شناسایی کنید

مخاطب شما شخص، محل یا چیزی‌است که می‌خواهید در آن اثر بگذارید.

چه کسی یا چه چیزی مسئول مشکلی است که شناسایی کرده‌اید؟

عوامل اصلی دست اندرکار در ایجاد و یا ادامه‌ی وجود مشکل چه کسانی هستند؟

آیا سیاست‌ها، قوانین یا اعمالی سبب ادامه مشکل می‌شود؟

آیا نهادهایی هستند که مسئول رویارویی با مسئله‌اند؟ و اگر هستند چرا درمانده‌اند؟

یکی– دو عامل اصلی یا مخاطبانی را که گروه شما مایل است بر آن‌ها اثر بگذارد، معین کنید.

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

ابزارها و منابع

توسعه دادن به راهبردها و تاکتیک‌های خلاق

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

ابزارها و منابع

توسعه دادن به راهبردها و تاکتیک‌های خلاق

گام سوم: هدف خود را شناسایی کنید
می‌خواهید چه اثری بر روی مشکل بگذارید؟
نتیجه دلخواه کوشش خود را به کوتاهی شرح دهید. به این نکته بپردازید که، اگر قدرت آن را می‌داشتید که همه چیز اچنان که مورد نظر شماست واقعیت پذیرد، چه حاصل می‌شد؟ هیچ نگران بلندپروازی بیش از اندازه خود نباشید. این از فایده‌های کار گروهی‌ست که معمولاً در آن خوش‌بینان و بدبینان و واقع‌بینان یکدیگر را توازن می‌بخشند.
چگونه عوامل اصلی یا مخاطبان می‌توانند شما را در رسیدن به هدفی که بیان کرده‌اید، یاری کنند؟
توجه: این هدف ممکن است با مأموریت سازمان شما تفاوت داشته باشد، اما خوب است که آن مأموریت را در نظر داشته باشید تا مطمئن باشید که استراتژی‌ها و تاکتیک‌هایی که برگزیده‌اید با آن سازگار هستند.
گام چهارم: متحدان و مخالفان خود را شناسایی کنید
هدف و مخاطبان خود را به خاطر داشته باشید.
متحدان بالفعل و بالقوه شما—افراد، سازمان‌ها، نهادها — در کشور شما یا در جهان کدامند؟ چرا مایلند یا ممکن است تمایل داشته باشند که از کار و کوشش شما پشتیبانی کنند؟
مخالفان بالفعل و بالقوه شما کدامند؟ چرا با کار و کوشش شما مخالفند یا ممکن است کار و کوشش شما را در تضاد با منافع خود بشمارند؟
متحدان و مخالفان غیرفعال شما کدامند؟ بیشتر مردم در این رده‌ها جای می‌گیرند.
هنگامی که تاکتیک‌های خود را انتخاب می‌کنید، یافتن راه‌های نفوذ در این گروه‌ها، تأمل مهمی خواهد بود.
گام پنجم: منابع خود را شناسایی کنید
منبع می‌تواند هر آن چیزی باشد که شما را در رسیدن به هدف خود یاری می‌دهد.
هم‌اکنون چه منابع مسلّمی در محل موجود است. به اشخاص، سازمان‌های دیگر، شبکه‌ها، شرایط مالی و اجتماعی، سیاسی یا حقوقی بیاندیشید.
شما یا متحدان‌تان چه ارتباطی با عاملان اصلی مسئول در برخورد با مشکلی که پیشاپیش شناسایی کرده‌اید، دارید و دارند؟ این‌ها نیز از منابع به شمار می‌آید.
ببینید چگونه از خود مراقبت می‌کنید یا قصد دارید بکنید. (نگاه کنید به: مراقب از ارزشمندترین منابع خود، صفحه ۱۶۴)
گام ششم: استراتژی خود را شناسایی کنید
تعیین و تعریف استراتژی شما مستلزم اتخاذ شمار بسیاری از تصمیم‌گیری‌هاست. با کامل کردن گام‌های بالا، اطلاعات ارزشمندی برای تصمیم‌گیری‌های استراتژیک گرد آورده‌اید.
با در نظر داشتن گام‌های پیشین، گروه شما در چه حوزه‌هایی توان اثرگذاری دارد؟
با توجه به هدف خود، فهرست کوتاهی از این حوزه‌ها تهیه کنید.
چه گام‌هایی باید برداشت تا اثرگذاری شما بر مخاطبان‌تان به بالاترین حد برسد؟
آیا این گام‌ها را به ترتیب خاصی باید برداشت؟ آیا آن‌ها باید هم‌زمان صورت پذیرند یا هماهنگ با کار و کوشش‌های دیگر؟ آیا منابع لازم را در اختیار دارید؟
مسیر کارهای خود و این امر را که این اقدامات چگونه می‌توانند شما را به هدف‌تان نزدیک‌تر کنند، به بحث بگذارید. به خاطر داشته باشید که استراتژی‌تان ممکن است شما را به سطح دیگری از اقدامات برساند تا این که به فوریت به خود هدف. اطمینان یابید که مسیر این اقدامات در جهت هدف کلی شما باشد نه این که شما را به جهتی کاملاً متفاوت بکشاند.
گام هفتم: تاکتیک‌های خود را شناسایی کنید

اکنون زمان آن است که تصمیم بگیرید برای به کار بستن راهبردی که در پیش گرفته‌اید، چه تاکتیک‌هایی را باید به کار بندید. در گزینش تاکتیک‌ها هم توانایی‌های خود را در نظر داشته باشید هم اولویت‌های خود را. وقتی برای بررسی عاملان اصلی، هواداران، متحدان و مخالفان، هم چنین توانایی‌ها، ضعف‌ها و منابع خود و مخالفان‌تان در نظر بگیرید.

از تاکتیک‌هایی که می‌شناسید یا در اختیار دارید، فهرست بردارید.

چه تاکتیک‌هایی می‌توانند متحدان غیرفعال شما را تشویق کنند که متحدانی فعال شوند؟

چه تاکتیک‌هایی می‌توانند مخالفان غیرفعال شما را غیرفعال نگه دارند و حتی آنان را تشویق کنند که به متحدان بدل شوند؟

چه تاکتیک‌های می‌توانند جلوی مخالفت‌ها را بگیرند یا آن‌ها را کاهش دهند؟

آیا گروه شما به تنهایی می‌تواند این کار را انجام دهد یا به همکاری دیگر گروه‌ها نیاز هست؟

هر بار یک تاکتیک برای بحث بیشتری که مناسب با استراتژی و هدف شما باشد انتخاب کنید.

هر تاکتیکی برای آن که به مرحله اجرا برسد چه بسا نیازمند بحث عمیق‌تر و برداشتن چند گام و حتی اتخاذ تاکتیک‌های دیگر باشد.

گام هشتم: ارزیابی یک تاکتیک

استدلال کنید‌که چرا این تاکتیک را برگزیده‌اید و، با توجه به موقعیتی در آن هستید، چرا این تاکتیک بیشترین توان بالقوه را برای هدایت شما به سوی هدف‌تان دارد.

چگونه می‌توان این تاکتیک را به کار برد تا بیشترین اثر را بر شرایط شما داشته باشد؟

آیا این تاکتیک از منابع شما بیشترین بهره را می‌برد؟

از کجا می‌توان منابع دیگر فراهم کرد؟ با چه کسان دیگری می‌توانید کار کنید؟ برای قانع کردن دیگران به همکاری با شما یا بذل منابع به چه تاکتیک‌هایی نیاز خواهید داشت؟

برای آن که بتوانید تاکتیکی را که برگزیده‌اید بهتر به کار بندید، به چه تاکتیک‌های دیگری نیاز دارید؟ آیا مخاطب نخستینی هست که پیش از رویارویی با مخاطب نهایی باید با آن رویارو شوید (برای مثال، به دست آوردن متحدانی در یک مؤسسه، پیش از آن که برای تغییر دادن یک سیاست به مدیر مؤسسه نزدیک شوید)؟

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

ابزارها و منابع

توسعه دادن به راهبردها و تاکتیک‌های خلاق

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

ابزارها و منابع

توسعه دادن به راهبردها و تاکتیک‌های خلاق

گام نهم: تطبیق دادن تاکتیک‌های این کتاب راهنما باهم
برای نکات بیشتر در باب تطبیق تاکتیک‌ها به بخش «سازگار کردن تاکتیک‌ها» رجوع کنید.
چند مثال از تاکتیک‌هایی را که دوست دارید در مورد آن‌ها کندوکاو کنید، برگزینید.
میان آن تاکتیک‌های نمونه و شرایط شما چه شباهت‌هایی هست؟ تفاوت‌ها کدامند؟ از تجربه سازمان‌های دیگر چه درس‌هایی می‌توانید فرا گیرید؟
چه منابع بیشتری در اختیار دارید که آن تاکتیک نمونه در این کتاب راهنما نداشت؟ برای مؤثرتر کردن تاکتیک این منابع را چگونه می‌توان به کار بست؟
با چه موانع دیگری روبرو هستید؟
منطبق ساختن تاکتیک با شرایط شما چگونه می‌تواند باشد؟
به چه اطلاعات دیگری نیاز هست و چه کسی می‌تواند آن را به دست آورد؟
این روند همچون وسیله‌ای برای تولید ایده‌های نو در جهت رسیدن به اهداف‌تان می‌تواند به کار آید، و نیز زمینه‌ی آموزشی مناسبی برای سازمان شما فراهم خواهد کرد که به شما امکان خواهد داد مهارت‌های بیشتری در تحلیل وضعیت پیدا کنید. با این مهارت ها برنامه‌ریزی شما و ارزیابی شما از استراتژی و تاکتیک‌ها به واقعیت نزدیک‌تر خواهد شد.

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

ابزارها و منابع

توسعه دادن به راهبردها و تاکتیک‌های خلاق

سازگار کردن تاکتیک‌ها

تاکتیک‌هایی که در این کتاب راهنما توصیف شده است، به منظور دادن ایده‌هایی به شماست تا بتوانید

به شیوه‌های تازه برای انجام کارتان بیاندیشید. هم‌چنین امیدواریم در آن تاکتیک‌هایی را بیابید که با وضعیت شما جور باشند.

منظور ما از جور بودن تاکتیک‌ها آن است که می‌توان آن‌ها را در مفاهیم و کشورهای دیگری به جز آن جاهایی که از آن‌ها برآمده‌اند، به کار برد. این معمولا به آن معنی نیست که یک تاکتیک را، خواه برگرفته از این کتاب یا از جای دیگر، درست همان گونه به کار بندید که در اصل به کار رفته است. باید موقعیت و منابع خود را بسنجید و خطرهایی را که در کار است ارزیابی کنید. چه‌بسا ضروری باشد که یک تاکتیک را با تاکتیک دیگر ترکیب کنید، و یا جزیی یا جنبه‌ای از یک تاکتیک را برای شرایط خود قابل استفاده بیابید و نه تمام آن را.

طرح پرسش‌های زیر برای سنجش و سازگار کردن تاکتیک‌های تازه به وضعیت خود شما کمک خواهند کرد.

آیا این تاکتیک برای موضوع و شرایط من مناسب است؟

با چه کسی می‌توانم در این باب رایزنی کنم؟

با چه گروه‌های دیگری می‌باید آن را در میان بگذارم؟

آیا هرگز تاکتیکی مانند این دیده‌ام یا به کار بسته‌ام؟

آیا موفق بود؟

چرا موفق بود؟ چرا نبود؟

این تاکتیک چگونه می‌تواند مرا در رسیدن به هدف‌هایم کمک کند؟

آیا تأثیر مطلوب را بر مخاطب من خواهد گذاشت؟

آیا تاکنون چنین تاکتیکی در مورد چنین مخاطبی به کار رفته است؟

به چه منابعی نیاز خواهیم داشت؟

هم‌اکنون چه منابعی در اختیار دارم؟

منابعی را که ندارم چگونه می‌توانیم فراهم کنیم؟

برای کسب آگاهی بیشتر درباره‌ی این تاکتیک با چه کسی می‌توانم صحبت کنم؟

برای به کار بردن این تاکتیک به چه متحدانی نیاز خواهیم داشت؟

چگونه می‌توانم چنین اتحادهایی را بسازم؟

آن‌ها که با مورد و موضوع من مخالفند نسبت به این تاکتیک چه واکنشی نشان خواهند داد؟

این تاکتیک برای من یا سازمان‌ام چه مخاطراتی در بر خواهد داشت؟

آیا آمادگی آن را دارم که این مایه از مخاطره را که با این تاکتیک همراه است، از سر بگذرانم؟

چگونه می‌توانم میزان مخاطره‌ای را که کاربرد این تاکتیک ممکن است در بر داشته باشد، کاهش دهم؟

آیا می‌توانم قسمتی از این تاکتیک را به کار ببرم؟

آیا می‌توانم آن را با تاکتیک‌های دیگر ترکیب کنم؟

برنامه پشتیبان و جایگزین من چیست؟

اگر این تاکتیک آن گونه که انتظار می‌رود جواب نداد، چه باید بکنم؟

تاکتیک‌های نوین در

حقوق بشر

ابزارها و منابع

سازگار کردن تاکتیک‌ها

حقوق بشر	ابزارها و منابع
-----------------	------------------------

در میان گذاشتن تاکتیک خود با دیگران: نمونه‌ای برای ارابه‌ی تاکتیک

در میان گذاشتن تاکتیک خود

با دیگران: نمونه‌ای برای ارابه‌ی تاکتیک

میان گذارید. در میان گذاشتن نوآوری‌های تاکتیکی هم به سود کسانی‌ست که تاکتیک‌ها را پرورانده‌اند (از طریق پایه‌گذاری هدایت آن‌ها و ارابه‌مهارت‌ها) و هم کسانی که آن‌ها را آموزش می‌دهند.

یک طرح مقدماتی ارابه و معرفی تاکتیک شما در ۴۰ دقیقه، در پی می‌آید. این طرح مقدماتی را به کار بندید تا شما را در گزینش اطلاعاتی یاری دهد که مخاطبان شما را در فهم و کاربست تاکتیک‌تان بیش از همه کمک می‌کند.

در یک دقیقه

تاکتیک خود را بیان کنید.

برنامه‌ی کارآموزی را با شرح کوتاهی از تاکتیک خود آغاز کنید. به خاطر داشته باشید که نخست بر تاکتیک متمرکز باشید نه بر مسئله یا بر زمینه کار (در آینده برای شرح آن وقت خواهد بود). تعریف تاکتیک را در صفحه‌ی ۲۱ بازخوانی کنید، همچنین فصل «نیاز به تاکتیک‌های جدید» را (در صفحه‌ی ۱۲) بخوانید تا مطمئن شوید که در این باب همه چی برای شما روشن است.

هم‌چنین بکوشید که به یک شیوه‌ی جالب به مخاطبان‌تان حالی کنید که چرا این تاکتیک بی‌همتا، مهم یا موفق است، به رویه جالبی بیانیشید. داستان کوتاهی بگویید. پرسشی را طرح کنید که توجه مخاطبان شما را جلب کند.

در ۵ دقیقه

زمینه کار را شرح دهید.

هدف شما این است که مخاطبان‌تان درک کنند چرا این تاکتیک ویژه برای این شرایط به کار رفته است، آن‌ها را به منظور درک چنین امری از طریق شیوه‌های زیر یاری کنید:

برخی مسایل اجتماعی کنونی یا گذشته را شرح دهید که نیازمند پاسخگویی هستند، به ویژه مسایلی را که به دیگران کمک می‌کند تا تاکتیک شما را بفهمند.

جریانی را شرح دهید که شما را به سروسامان دادن به این پاسخ رسانده است.

در کل بگویید که نتیجه دلخواه از به کارگیری این تاکتیک، یعنی اهداف و خواسته‌های شما، چیست.

به طور خلاصه شرح دهید که چه راهبردی در پیش گرفته شده است و تاکتیک چگونه با آن همخوان است.

نیازی نیست که وقت زیادی صرف هر کدام از این زمینه‌های پرسش کنید، اما از پرداختن به اختصار به هر زمینه‌ای غفلت نکنید.

پروژه‌ی «تاکتیک‌های جدید» هم در مورد فراگیری تاکتیک‌های تازه است هم

آموزش آن‌ها. ما می‌خواهیم که شما از راه این کتاب نه تنها درباره ی تاکتیک‌های کار خود بیاندیشید، بلکه تاکتیک‌های خود را با دیگران نیز در

در ۲۰ دقیقه

چگونگی کارکرد تاکتیک را شرح دهید.

هسته‌ی اصلی ارابه کار شما همین است. شما به مخاطبان خود اطلاعات کلیدی‌ای را می‌دهید که برای به کارگیری تاکتیک شما در شرایط خودشان به آن نیاز دارند.

از شیوه‌ی به کارگیری و انجام تاکتیک خود شرحی مرحله به مرحله بدهید. توصیه می‌کنیم که تنها از یک مورد خاص و مشخص برای مثال زدن استفاده کنید. همکاری را تصور کنید که می‌خواهد تاکتیک شما را در کشوری دیگر به کار بندد. ایشان چه باید بدانند؟ از کجا باید آغاز کنند؟ چند نفر درگیر کار هستند؟ به چه پشتیبانی، به چه منابعی نیاز دارند؟

به خاطر داشته باشید که کار را گام به گام باید پیش ببرید!

در ۷ دقیقه

مروری بر پروراندن تاکتیک.

درباره‌ی مخاطبان خود صحبت کنید. تاکتیک شما قصد نفوذ در چه رفتار، نهاد، سیاست یا فردی را داشت؟ به خاطر داشته باشید که هم مخاطبان اصلی می‌توانند در میان باشند هم مخاطبان در دایره‌ای وسیع‌تر یا مخاطبان غایی شما.

خروجی و برآمد واقعی را شرح دهید: مردم درگیر در تاکتیک از برآمد و حاصل کار چه برداشتی دارند؟ بگویید که چه گفته‌اند و چه برداشت و نظرانی داشته‌اند.

در ۷ دقیقه

شرح دهید که از تجربه خود چه‌ها آموخته‌اید و این تاکتیک را چگونه می‌توان در موارد دیگری به کار بست.

شرح دهید که از به کارگیری این تاکتیک چه‌ها آموخته‌اید: چه چیزهایی جواب داد؟ چه کارهای دیگری می‌شد کرد؟ چه سفارش‌هایی برای دیگران دارید؟

بر اساس تجربه شما، پیش از به کار بستن تاکتیک چه عواملی را باید در نظر گرفت؟ محدودیت‌های آن چیست؟

اگر خبر دارید که این تاکتیک را به گونه دیگری هم به کار بسته‌اند، چگونگی و چرایی آن را به کوتاهی برای مردم شرح دهید.

حقوق بشر	ابزارها و منابع
-----------------	------------------------

در میان گذاشتن تاکتیک خود با دیگران: نمونه‌ای برای ارابه‌ی تاکتیک

حقوق بشر	ابزارها و منابع
خوبستن‌پایی: مراقبت کردن از ارزشمندترین منبع خود	

خوبستن‌پایی: مراقبت

کردن از ارزشمندترین منبع خود

برای امر دشوار پیشبرد حقوق بشر و پاسداری از آن، چه بسا ناگزیر به انجام ساعت ها کار در شرایط خطرناک باشید. ممکن است با منظره‌ها و صدهایی روبه رو شوید و داستان‌هایی بشنوید که تاب آوردن‌شان بسیار سخت است. کاری که می‌کنید می‌تواند برای شما وحشت‌زا یا پر از فشار روانی باشد، خواه خود شاهد آن باشید یا از دیگران بشنوید.

با فشار روانی یا استرس هر کسی به شیوه‌ای کلنجار می‌رود. یکی سخت‌تر کار می‌کند و خانواده و دوستان را کمتر می‌بیند، یا فکر می‌کند که دیگر بس است و شغل و مقام داوطلبانه‌اش را تغییر می‌دهد. یکی بیشتر سیگار می‌کشد و بی‌حساب مشروبات الکلی می‌نوشد. دیگرانی هم هستند که تجربه‌های مثبت را نادیده می‌گیرند و فکر می‌کنند با رنجی که دیگران می‌برند جای خوشی نیست.

برای نگهداشت نیرو و سرزندگی خود در جهت پای‌بندی به انجام این کار باید فشار روانی یا استرس غیرسالم خود را کنترل کنید. (البته توجه کنید که همه‌ی فشارهای روانی بد نیستند. برخی فشارهای روانی به راستی ما را در جهت بهتر کارکردن تحت فشار قرار می‌دهند.)

الفبای خوبستن‌پایی

الفبای خوبستن‌پایی هشیاری، تعادل، و ارتباط است(ساکویتن و پرلْمَن، ۱۹۹۶).

هشیاری

نخست باید بتوانید نشانه‌های فشار روانی غیرسالم و پیامدهای وحشت‌زدگی (خواه از راه تجربه‌ی مستقیم یا غیرمستقیم) را بشناسید. برای انجام این کار هشیار باید بود.

از مسایل مربوط به بدن خود هشیار باشید: آیا زیاد بیمار می‌شوید؟ احساس بی‌قراری می‌کنید؟ زود خشمگین یا سرخورده می‌شوید؟

در مورد روابط خود هشیار باشید: آیا برای کسانی که آن‌ها را دوست می‌دارید، وقت می‌گذارید؟ و می‌گذارید آن‌ها نیز با شما وقت بگذارند؟

در مورد دگرگونی حال خود هشیار باشید: آیا از سرگرمی‌ها و فعالیت‌هایی که به شما آرامش می‌دادند یا امکانی برای ارتباط شما با خانواده و دوستان و وقت گذراندن با آن‌ها بود، دیگر لذت نمی‌برید؟ آیا اعتقاد شما در خصوص ایمانی که داشته‌اید یا درباره‌ی مردمان دیگر تغییر کرده‌است؟ آیا به دنیا به‌گونه دیگری می‌نگرید؟

تعادل

میان انواع فعالیت‌ها توازن برقرار کنید، از جمله میان کار، زندگی شخصی و خانوادگی، استراحت و تفریح.

با داشتن فرصت استراحت و آرامش، بازده شما بیشتر خواهد شد. آنچه به شما کمک می‌کند و برای شما مایه‌آسودگی‌ست، چه بسا یکسره با آنچه به اعضای خانواده شما و همکارانتان یاری می‌کند و به آن‌ها آسایش می‌بخشد، متفاوت باشد. این مهم است که شیوه‌های رسیدن به آسایش برای شما، به تندرستی و رفاه شما و روابطی که برای شما مهم است، زبانی نرساند. آگاهی از این که چه وقتی دارید تعادل خود را در زندگی از دست می‌دهید، به شما فرصتی می‌دهد که تغییر کنید.

رابطه

با همکاران، دوستان، خانواده و اجتماع خود، پیوند و روابط حمایتی بنا کنید.

تمام کوششی که برای ساختن یک اجتماع بهتر می‌کنید، معنی چندانی نخواهد داشت اگر تجربه‌ی ایجاد روابط سالم و مثبتی در طی راه به سوی این مکان بهتر، نداشته باشید. یک بار دیگر بگوییم که، آگاه بودن از آن زمانی که دارید ارتباطتان را با مردمی که برای شما اهمیت دارند از دست می‌دهید، به شما فرصت می‌دهد که بیاندیشید و به زندگانی خود تعادل بیشتری ببخشید.

بحث درباره‌ی خوبستن‌پایی

بحث و گفت‌وگو درباره روش‌های فردی و جمعی کلنجار رفتن با فشارهای روانی برخاسته از کار در حوزه‌ی امور حقوق بشر، برای سازمان شما بسیار سودمند خواهد بود.

از هر یک از پرسش‌های زیر استفاده کنید تا بحث دو نفره، بحث در گروه‌های کوچک یا میان تمامی اعضای سازمان به راه بیافتد.

بگویید که چرا دوست دارید کار حقوق بشری بکنید. بگویید که چرا وقت گران‌بها، نیرو و منابع خود را در این راه می‌گذارید.

موضوعی را مطرح و با دیگران در میان بگذارید که از آن لذت می‌برید و هیچ ربطی به کار شما ندارد. آیا برای چنین چیزی هیچ وقت می‌گذارید؟

تجربه‌ای را با دیگران در میان بگذارید که سبب شده تا نگاه شما به خودتان، به خانواده‌تان، به جامعه‌تان، به کشورتان، یا هر چیز دیگر دگرگون شود.

به دیگران بگویید که وقتی تاب و صبرتان را از دست می‌دهید، خسته می‌شوید، کلافه می‌شوید یا خشمگین می‌شوید، چه حالی در خود می‌بینید. چگونه می‌کوشید که با این حال‌ها و وضعیت‌ها رویارو شوید؟ آیا این امر دیگران را هم درگیر می‌سازد؟ آنچه در این خصوص انجام می‌دهید وضع را بهتر می‌کند یا بدتر؟

با دیگران در میان بگذارید که با بالا رفتن فشار روانی چه وضعی در گروه پیش می‌آید و برای رویارویی با آن، همه با هم چه می‌کنید؟

از آن هنگامی سخن به میان آورید که احساس کرده‌اید در کاری که انجام می‌دهید خانواده به یاری شما برخاسته یا برنخاسته است. آن‌ها چه کرده‌اند که کار را بر شما دشوارتر یا آسان‌تر کرده است؟

با دیگران از آن هنگامی سخن بگویید که احساس کرده‌اید در کاری که می‌کنید، یکی از همکاران به یاری شما برخاسته یا برنخاسته است. آن‌ها چه کرده که کار را بر شما آسان‌تر یا دشوارتر کرده است؟

با دیگران در میان بگذارید که، به عنوان یک همکار یا به عنوان یک سازمان، چگونه می‌توانید یکدیگر را یاری کنید که کشیدن بار کار کردن برای مردمی که حقوق‌شان پایمال شده یا شاهد پایمال شدن‌اش هستید، آسان‌تر شود.

حال که الفبای برخورد با فشار روانی را تجربه کرده‌اید، سرانجام، بگویید که کدام کار است که به شیوه‌ای متفاوت انجام خواهید داد.

اکنون آماده‌اید که برای حفظ و نگهداری آگاهی و کوشایی خودتان به منظور خوبستن‌پایی، گامی بردارید. اکنون آگاهید که همکاران‌تان چه کار می‌کنند تا به خود کمک کنند. برای نیرومندتر کردن این کوشش‌ها و گام‌های مثبت، وقت بگذارید. برنامه ی منظمی برای ادامه‌ی بحث درباره‌ی اهمیت حفظ و نگهداری از گران‌بهاترین منبع‌مان — یعنی از خودمان! داشته باشیم.

حقوق بشر	ابزارها و منابع
خوبستن‌پایی: مراقبت کردن از ارزشمندترین منبع خود	

منابع بیشتر

بهترین منبع برای اطلاعات عملی و دانستن معمولاً کسان دیگرند، که با مشکلات درگیر شده و برای چیره شدن بر آن‌ها راهی یافته‌اند. منابع این بخش همگی به دست کسانی آفریده شده که خواسته‌اند دیگران را از تجربه‌های خود بهره‌مند کنند.

بخش منابع متمرکز بر تاکتیک «کتاب‌ها، مقاله‌ها، سایت‌های اینترنتی»، و «لوح‌های فشرده» را شامل می‌شود که به تاکتیک‌های خاص مطرح شده در این کتاب مربوط می‌گردد. به جز چند استثنا، بیشتر این منابع را سازمان‌هایی به انجام رسانده و فراهم کرده‌اند که سرچشمه‌ی خلق آن تاکتیک‌ها بوده‌اند. به خاطر داشته باشید که هر تاکتیکی در هر وضعیتی کارساز نیست؛ این منابع سرآغاز کار شما در سازگار کردن تاکتیک‌ها برای به کار بردن‌شان در مبارزه‌ی خاص خودتان به شمار می‌آید، و نه کتاب راهنما یا دستور عمل.

در بخش «اندیشه‌ی تاکتیکی و راهبردی» نوشته‌های تاریخی و نظری‌ای را گنجانده‌ایم که همچنین خود رهنمودهای عملی برای ساخت و پرداخت استراتژی‌ها و اجرای تاکتیک‌ها هستند. بیشتر این منابع حاصل کار دست‌اندرکارانی است که سال‌ها، بلکه دهه‌ها، در کار حقوق بشر بوده‌اند؛ اینان همگی بر پایه‌ی خزان‌های ژرف از تجربه‌ی درباره‌ی ارزش و اهمیت اندیشه‌ی تاکتیکی و استراتژیک سخن گفته‌اند.

این فهرست هرگز فراگیر نیست، زیرا مواد و منابع در این باره بی‌شمارند. بنابراین، می‌توانید منبعی را برای جای دادن در تارنمای ما (www.newtactics.org) که پیوسته آن را به روز می‌کنیم، پیشنهاد کنید. به این نشانی الکترونیکی newtactics@cvt.org به ما ایمیل بزنید و در سطر اشاره به موضوع (subject line) بنویسید "resource suggestion" و یا فرم‌های موجود در تارنمای ما: www.newtactics.org را به کار برید.

طرح تاکتیک‌های نوین در حقوق بشر

The New Tactics in Human Rights Project — www.newtactics.org

Tactical Notebook Series [online]. Minneapolis: Center for Victims of Torture [Updated March 2004: cited March 2004]. Available from World Wide Web: (<http://www.newtactics.org/main.php/ToolsforAction/TacticalNotebooks>)

یک مجموعه راهنمای بیستگانه همراه با صفحه راهنما در تشریح چگونگی اجرای تاکتیک‌های خاص، و این که چه عواملی در کاربردشان مؤثر بوده و چه درگیری‌هایی در طی کار پیش آمده‌است.

Tactic Database [online]. Minneapolis: Center for Victims of Torture [Updated March 2004: cited March 2004]. Available from World Wide Web:

(<http://database.newtactics.org/NewTactics/Default.aspx>)

یک منبع اطلاعاتی قابل جست‌وجو (و رو به‌افزایش!) درباره بیش از ۱۰۰ تاکتیک نوآورانه از سراسر دنیا.

منابع متمرکز بر تاکتیک

تاکتیک‌های پیش‌گیرانه

تاکتیک‌های حفاظت جسمی

Physical Protection Tactics

Mahony, Liam and Luis Enrique Eguren. Unarmed Bodyguards: International Accompaniment for the Protection of Human Rights. Bloomfield, Conn.: Kumarian Press, 1997

بازگویی درس‌های حاصل از ده سال به کارگیری ابزارهای نو در حراست حقوق بشر، در جایی که داوطلبان بین‌المللی غیرمسلح خود حضوری همراه کسانی می‌روند که در تهدید تجاوزند.

Peace Brigades International Publications [online]. London: Peace Brigades International [updated November 2001: cited March 2004]. Available from World Wide Web: (<http://www.peacebrigades.org/publications.html>)

کتاب، ویدیو و پژوهش‌هایی در باب همراهی حمایتی و غیرخشونت‌آمیز. به (زبان‌های) انگلیسی، فرانسه، و اسپانیایی.

در میان گذاشتن اطلاعات مهم حیاتی

Sharing Critical Information

Community Relations Council [online]. Belfast: Tibus [updated 2003: cited March 2004]. Available from World Wide Web: (http://www.community-relations.org.uk/about_the_council/CRC_publications/)

فهرستی از انتشاراتی که می‌توان آن‌ها از نشانی الکترونیکی بالا برگرفت و یا آن را درخواست کرد، شامل «اقدام ضدِ هراساندن» (Action Against Intimidation) — «راهنمانامه‌ی اطلاعات و رهنمود» (Information and Advice Manual)، «فرقه‌ستیزی در بخش‌های داوطلبانه و مربوط به جامعه‌های کوچک» (Anti-sectarianism in Voluntary and Community Sectors)، «رهیافت‌هایی به کار در باب روابط جوامع کوچک»

(Approaches to Community Relations Work)

Hall, Michael, ed. It's Good to Talk; The experiences of the Springfield Mobile Phone Network. Pamphlet. Newtownabbey: Island Publications, 2003.

در شرح آن که کوشندگان حقوق بشر در جوامع، با ارتباط از راه یک شبکه‌ی تلفن همراه، توانستند از خشونت‌ورزی‌ها بکاهند.

از میان برداشتن فرصت‌های خشونت‌ورزی

Removing Opportunities for Abuse

Nevitte, Neil and Santiago A. Canton. »The Rise of Election Monitoring: The Role of Domestic Observers.» Journal of Democracy. (1997): 47–61.

شرح حال و سوابق خلاصه‌ی شماری از سازمان‌های پیگیری انتخابات‌های محلی (در ۱۲ کشور جنوب آسیا و جنوب آمریکا گرفته تا «کرانه باختری» [در فلسطین] و اروپای شرقی).

Stoddard, Michael. NDI Handbook: How Domestic Organizations Monitor Elections: An A to Z Guide. Washington, DC: National Democratic Institute for International Affairs, 1995.

راهنمایی مشروح برای به راه انداختن و اجرای یک برنامه به منظور نظارت بر انتخابات محلی.

Traditional Ecological Knowledge * Prior Art Database [online]. Washington, DC: Science & Human Rights Program, American Association for the Advancement of Science [Updated October 2003: cited March 2004]. Available from World Wide Web: (<http://ip.aaas.org/tekindex.nsf>)

نمایه‌ی قابل دسترس اسناد عمومی اینترنتی درباره‌ی گیاه‌شناسی بومی و کاربرد آن‌ها.

تاکتیک‌های دخالت‌گرانه

تاکتیک‌های مقاومت

Resistance Tactics

O'Rourke, Dara and Gregg P. Macey. »Community Environmental Policing: Assessing New Strategies of Public Participation in Environmental Regulation» [online]. Journal of Policy Analysis and Management. (2003): 383–414. Available from World Wide Web: (http://www.bucketbrigade.net/downloads/community_environmental_policing.pdf)

گزارش ارزیابی مشارکت عمومی در نظارتی محیط زیستی و مقررات «بریگادهای سطل»، شامل مراحل اجرا، تأثیر، و تجربه‌اندوزی‌ها.

Selected Writings on MKSS and Right to Information Campaign in India. [CD-ROM] Rajasthan: Mazdoor Kisaan Shakti Sangathan, 2003.

شرح شیوه‌های مبارزه و عمل‌سازنده برای تغییر زندگی روستاییان تهنی‌دست.

«Tips and Tools for Organizing Resolutions in Defense of the Bill of Rights.» Bill of Rights Defense Committee [online]. Northampton, Mass.: BORDC. ca. 2002 [updated 2004: cited March 2004]. Available from World Wide Web: Available from World Wide Web: (<http://www.bordc.org/Tools.htm>)

ابزارهایی که صدها جامعه‌ی کوچک در ایالات متحده برای اعتراض به فرسایش حقوق بشر به کار می‌برند.

تاکتیک‌های شلوغ‌کاری آفرینی

Disruption Tactics

Treatment Action Campaign [online]. Muizenberg: TAC [updated March 16 2004: cited March 2004]. Available from World Wide Web: (<http://www.tac.org.za/>)

کتابخانه‌ی اینترنتی در مورد اسناد مربوط به بیماری ایدز، شرکت‌های داروسازی و قانون حق انحصاری (کپی رایت).

تاکتیک‌های باوراندن و مجاب‌سازی

Persuasion Tactics

Coetzee, Erika and Shirley Robinson. Measuring the Impact of Public Spending. Cape Town: Idasa, 2000.

چهارچوبی برای اندیشیدن درباره‌ی روش‌های سنجش میزان تأثیر هزینه‌های عمومی، شامل ابزارهایی برای یک استراتژی نظارتی. نشانی اینترنتی: www.idasa.org.za.

The International Budget Project [online]. Washington, DC: The Center on Budget and Policy Priorities [cited March 2004]. Available from World Wide Web: (<http://www.internationalbudget.org/resources/howto/index.htm>)

مجموعه‌ای از منابع توصیه شده اینترنتی در تحلیل تطبیقی بودجه‌ی کاربردی، شامل توصیه‌های کاربرد آن.

تاکتیک‌های انگیزشی

Incentive Tactics

Liubicic, Robert. »Corporate Codes of Conduct and Product Labeling Schemes: The Limits and Possibilities of Promoting International Labor Rights Through Private Initiatives.» Law and Policy in International Business 30 (1998): 111–158.

ابتکارات خصوصی صاحبان مشاغل آزاد را برای بهبود حقوق کارگر (به ویژه مقررات رفتاری و طرح و تدبیرهای رده بندی) بررسی می‌کند. برای مؤثرتر کردن مقررات رفتاری و طرح‌های رده‌بندی، این مقاله استاندارد کردن و نظام‌های مؤثر نظارت را توصیه می‌کند.

The Proxy Resolutions Book. New York: Interfaith Center on Corporate Responsibility, 2004.

متن‌های کامل تصمیم‌های سهامدارانی که از نظر اجتماعی مسئول هستند، ارایه شده برای همایش سالانه‌ی شرکت در سال ۲۰۰۴. شامل بهداشت و درمان، امور مالی، حقوق و دستمزد ناهماهنگ، گرمایش جهانی، غذا و آب، میلیتاریسم، حقوق بشر و استانداردهای فروشندگی. قابل دسترس در: www.iccr.org.

تاکتیک‌های بازسازی

RESTORATIVE TACTICS

به یاد آوردن خشونت‌ورزی‌ها

Remembering Abuses

Bloomfield, David, Teresa Barnes and Luc Huyse, eds. Reconciliation After Violent Conflict: A Handbook [online]. Stockholm, Sweden: International Institute for Democracy and Electoral Assistance (International IDEA), 2003 [cited April 2004]. Available from World Wide Web: (http://www.idea.int/conflict/reconciliation/reconciliation_full.pdf)

این منبع طراحی شده برای اطلاع‌رسانی به شهروندان و رهبران و یاری دادن به آنان و مجهز کردن شان در وضعیت پس از خشونت‌ورزی. این کتاب راهنمای عمل‌سندی است برای مراحل آشتی دادن، و استراتژی‌های رابطه‌سازی و نیز ساختارهای همزیستی را مستند می‌سازد.

Hayner, Priscilla B. »The Contribution of Truth Commissions.» An End to Torture: Strategies for its Eradication. London and New York: Zed Books, 1995.

بررسی‌ای از کمیسیون‌های حقیقت‌یاب و میزان تأثیرگذاری و محدودیت‌هاشان از جهت گزارش نقض حقوق بشر (به‌ویژه شکنجه) در گذشته و پیش‌گیری از آن در آینده.

Hayner, Priscilla B. Unspeakable Truths: Confronting State Terror and Atrocities. New York: Routledge, 2002.

کار بیست کمیسیون عمده حقیقت‌یاب را در گرداگرد جهان می‌سنجد، با توجه خاص به آفریقای جنوبی، اِسالوادور، آرژانتین، شیلی و گواتمالا.

International Center for Transitional Justice [online]. New York: International Center for Transitional Justice [cited March 2004]. Available from World Wide Web: (<http://www.ictj.org/>)

این منبع کشورهایی را یاری می‌کند که گریبان مسئولان فجایع جمعی و تجاوز به حقوق بشر را می‌گیرند. استراتژی آن شامل پنج عنصر اصلی است: پیگرد تبهکاران، تهیه اسناد و مدارک خشونت‌ورزی با ابزار غیر قضایی مثل کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، اصلاح نهادهای بدکنش، تاوان‌دهی به قربانیان و فراهم کردن زمینه آشتی.

Kritz, Neil J., ed. Transitional Justice: How Emerging Democracies Reckon with Former Regimes. Washington, DC: United States Institute of Peace, 1995.

کاری پردازنده و جامع در سه جلد. جلد اول شامل ملاحظات کلی، جلد دوم بررسی مطالعات کشوری، و جلد سوم به قوانین، احکام، و گزارش‌ها می‌پردازد.

Otras Voces de la Historia. [CD-ROM] Buenos Aires: Memoria Abierta, 2002.

گردآوری سند برای تروریسم دولتی در آرژانتین، بین سال‌های ۱۹۷۶ و ۱۹۸۳.

The Truth Commission Project [online]. Cambridge, MA: The Truth Commission Project [cited March 2004]. Available from World Wide Web: (<http://www.truthcommission.org/>)

بررسی گسترده درباره پنج تا از موفق‌ترین کمیسیون‌های حقیقت‌یاب در ۲۵ سال گذشته: در آرژانتین، شیلی، اِسالوادور، آفریقای جنوبی و گواتمالا.

تواناسازی افراد و جمعیت‌ها

Strengthening Individuals and Communities

Pranis, Kay, Barry Stuart and Mark Wedge. Peacemaking Circles. St. Paul: Living Justice Press, 2003.

این منبع تجربه‌هایی را عرضه می‌کند که به کار بسیاری از اعضای جمعیت‌های پیش‌تاز و کارشناسان حقوق جنایی در اطراف دنیا می‌آید که در پی یافتن پاسخی درمانگرتر و سازنده‌تر در مورد جنایت‌اند.

Jaranson, James M and Michael K. Popkin, eds. Caring for Victims of Torture. Washington, DC: American Psychiatric Press, Inc, 1998.

رایزنی جمعی کارشناسان بین‌المللی در باب درمان قربانیان شکنجه‌ی دولتی — که همگی متشکل از پزشکان و پیشگامان برجسته در زمینه فشار روانی وحشت‌زدگی هستند.

جبران خواهی

Seeking Redress

International Labor Rights Fund. International Labor Rights Fund [online]. Mar. 2003. Available from World Wide Web: (<http://www.laborrights.org/>)

گزارش، مقاله، و کتاب درباره‌ی حقوق کارگر، به منظور فروش و پیداه کردن از اینترنت، شامل:

The Alien Tort Clams Act--- A Vital Tool for Preventing Corporations from Violating Fundamental Human Rights, by Terry Collingsworth.

اندیشه تاکتیکی و استراتژیک

تاریخ و نظریه

History and Theory

Ackerman, Peter and Christopher Kruegler. Strategic Nonviolent Conflict: The Dynamics of People Power in the Twentieth Century. Westport: Praeger Publishers, 1994.

ارزیابی نظری و تاریخی اهمیت استراتژی برای موفقیت جنبش‌های مقاومت غیرخشونت‌آمیز.

Ackerman, Peter and Jack Duval. A Force More Powerful: A Century of Nonviolent Conflict. New York: St. Martin's Press, 2000.

بررسی این که جنبش‌های مردمی برای براندازی دیکتاتورها و بستن راه هجوم نظامی و تأمین حقوق بشر چگونه از حربه ی غیرخشونت‌آمیز استفاده کرده‌اند. جک دووال Jack Duval همراه با آن فیلمی با همین نام (قدرتی نیرومندتر: قرن مبارزه ی غیرخشونت‌آمیز) کارگردانی کرده‌است.

Johnson, Douglas A. and Kate Kelsch. »Tactical Innovations for Human Rights.» Effective Strategies for Protecting Human Rights, David R. Barnhizer, ed. Dartmouth Pub Co., 2002.

کاوشی است در باب اهمیت اندیشه‌ی تاکتیکی در کار حقوق بشر، شامل هشت بررسی موردی کوتاه درباره‌ی تاکتیک‌های مؤثر.

Keck, Margaret E. and Kathryn Sikkink. Activists Beyond Borders. New York: Cornell University Press, 1998.

بررسی شبکه‌های فعالانی که به هم می‌پیوندند و در طول مرزهای ملی، سازمان‌های بین‌المللی یا سیاست‌های برخی از دولت‌ها را نشانه می‌گیرند.

Risse, Thomas, Stephen C. Ropp and Kathryn Sikkink. The Power of Human Rights: International Norms and Domestic Change. New York: Cambridge University Press, 1999.

تأثیر هنجارهای بین‌المللی را بر رفتار دولت‌های ملی در بسیاری از مناطق دنیا ارزیابی می‌کند.

Sharp, Gene. From Dictatorship to Democracy: A Conceptual Framework for Liberation. Boston: Albert Einstein Institution, 1993.

متمرکز است بر این مسئله عام که چگونه یک دیکتاتوری را می‌توان از میان برداشت و از برپا شدن دیکتاتوری جدید به جای آن جلوگیری کرد.

Sharp, Gene. There are Realistic Alternatives [online]. Boston, MA: The Albert Einstein Institution, 2003 [cited March 2004]. Available from World Wide Web: (<http://65.109.42.80/organizations/org/TARA.pdf>)

درآمدی کوتاه به مبارزه‌ی غیرخشونت‌آمیز و اندیشه‌ی استراتژیک.

راهنماهای عملی

Practical Guides

Alexander, Sylvia. Generating Local Resources: Case Histories and Methods for Supporting Human Rights Organizations In-Country. New York: Forefront Publications, 1996.

راهنمای استراتژی‌های شناسایی و بسیج منابع مالی محلی برای سازمان‌های حقوق بشر.

Alexander, Sylvia. A Handbook of Practical Strategies for Local Human Rights Groups. New York: Forefront Publications, 1999.

بعضی درباره‌ی استراتژی‌های به کار رفته برای چیرگی بر چالش‌های مختلف، از درگیری با تهدیدها و خشونت‌ورزی‌ها تا ساخت و پرداخت اتحادها و ایجاد پیوند با جامعه‌ی بین‌المللی، با آوردن مثال‌هایی از سراسر دنیا.

Violence Against Women in War Bibliography. VAwwNET. Violence Against Women in War [online]. March 2003. Available from World Wide Web: (<http://www1.jca.apc.org/vaww-net-japan/english/resources/bibliography.html>)

کتاب‌شناسی گزارش‌های مربوط به حقوق زنان، بردگی جنسی، و قانون بین‌المللی در این باره.

پدید آوردن فرهنگ و برپایی نهادهای حقوق بشر

هوادارسازی

Constituency-Building

Levi, Robin. »Local Implementation of the UN Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women (CEDAW).» WILD, 1999. Available from World Wide Web: (http://www.wildforhumanrights.org/local_implement%20_paper.html)

راهنمایی برای کسانی که می‌خواهند برای حذف هرگونه تبعیض علیه زنان در شهرهای خود قانونی به تصویب برسانند.

تاکتیک‌های همکاری

Collaboration Tactics

Stern, Katherine. Techniques of Independent Monitoring in Guatemala and El Salvador. New York: Lawyers Committee for Human Rights, 2002 [cited March 2004]. Available from World Wide Web: (<http://www.coverco.org/eng/media/Approved-Public-Report.pdf>)

گزارشی عملی و گام به گام از این که COVERCO و GMIES چگونه کار می‌کنند، با تمرکز بر شیوه‌ی کارآموزی به ناظران در مورد جزئیات عملی کار روزانه‌شان.

Youngers, Coletta A. and Susan C. Peacock. Peru's Coordinadora Nacional de Derechos Humanos: A Case Study of Coalition Building. Washington Office on Latin America, October 2002. Available from World Wide Web

بررسی تاریخ خشونت‌ورزی‌ها در پرو و موفقیت سازمان «کویردینآدرا coordinadora» در کارزارهای عملی و ائتلاف‌سازی، و نمایش کار و دستاوردهای سازمان در ۱۵ سال گذشته.

تاکتیک‌های ظرفیت‌سازی

Capacity-Building Tactics

Human Rights Institution-Building: A Handbook on Establishing and Sustaining Human Rights Organizations. New York: Forefront Publications, 1994.

راهنمای برای تاسیس رویه‌ها و ساختارهای منظم برای جلوگیری از مشکلات نهادی و مبارزه با آن‌ها.

Video for Change [online]. New York: WITNESS [cited March 2004]. Available from World Wide Web: (<http://www.witness.org>)

ویدیویی آموزشی برای پشتیبانان حقوق بشر، درباره‌ی شیوه‌ی کاربرد ویدیو و فنون ارتباطی برای پیشبرد هدف‌هاشان.

تاکتیک‌های آگاهی و تفاهم

Awareness and Understanding Tactics

Cairo Institute for Human Rights [online] [cited March 2004]. Available from World Wide Web

ناشر مواد آموزشی درباره‌ی حقوق بشر برای سازمان‌های حقوق بشر عرب.

An Economic Consideration of Child Labor [online]. U.S. Department of Labor Bureau of International Labor Affairs, 2000 [cited March 2004]. Available from World Wide Web: (<http://www.dol.gov/ILAB/media/reports/iclp/sweat6/overview.htm>)

این ششمین گزارش از مجموعه گزارش‌های «عرق ریزان و جان‌کندن کودکان» به بررسی بهره‌های اقتصادی حذف کار کودکان و افزایش ثبت نام ایشان در مدارس می‌پردازد.

Frankental, Peter and Frances House. Human Rights: Is It Any of Your Business? London: Amnesty International and The Prince of Wales Business Leaders Forum, 2001.

اطلاعات درباره‌ی مسایل حقوق بشر که در میان صاحبان مشاغل آزاد دیده می‌شود و بحثی درباره‌ی شیوه‌هایی که شرکت‌ها می‌توانند از بدگنشی‌ها جلوگیری کنند، برای مثال از راه فعالیت سهام‌داران، کاستن از پنهان‌کاری، یا مقررات دولتی بهتر.

The Human Rights and Business Project [online]. Copenhagen: Danish Institute for Human Rights [cited March 2004]. Available from World Wide Web: (<http://www.humanrightsbusiness.org/>)

بر پاکردن یک دفتر داد و ستد پایاپای اخبار و منابع مربوط به مسایل حقوق بشر و صاحبان مشاغل آزاد شامل «برآورد سازگاری با موضوع حقوق بشر / Human Rights Compliance Assessment (HRCA)» که با بیش از ۱۰۰۰ شاخص موارد را ارزیابی می‌کند.

Unleashing Entrepreneurship: Making Business Work for the Poor. Report to the Secretary-General of the United Nations, Commission on the Private Sector and Development.

توصیه‌هایی برای فعال کردن کسب و کارها برای پیشرفت رشد

Bobo, Kim, Jackie Kendall and Steve Max. Organizing for Social Change: A Manual for Activists in the 1990s. Santa Ana: Seven Locks Press, 1991.

کتاب راهنمایی برای سازماندهی اساسی فنون و روش‌ها برای بر پا کردن یک سازمان مستقیم.

Circle of Rights. Economic Social & Cultural Rights Activism: A Training Resource [online]. Minneapolis: Human Rights Resource Center, 2000 [cited March 2004]. Available from World Wide Web: (<http://www1.umn.edu/humanrts/edumat/IHRIP/circle/toc.htm>)

شرح جزء به جزیی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، همچنین به عنوان راهنمایی برای آموزشگران و کوشندگانی است به منظور رسیدن به استراتژی‌ها و تاکتیک‌هایی که هدف‌شان پیشبرد حقوق بشر و حمایت از آن از طریق سازمان‌های ملی و بین‌المللی است.

Johnson, Douglas A. »Confronting Corporate Power: Strategies and Phases of the Nestlé Boycott.» Research in Corporate Social Performance and Policy 8 (1986): 323-344.

شرح جزء به جزیی از استراتژی‌ها و تاکتیک‌های به کار رفته در مدت تحریم شرکت نستله Nestlé در پایان دهه ۱۹۷۰.

Kehler, Randall, Andrea Ayvazian and Ben Senturia. Thinking Strategically: A Primer on Long-Range Strategic Planning for Grassroots Peace and Justice Organizations. Amherst: Peace Development Fund.

راهنمایی برای برنامه‌ریزی استراتژیک که مراحل برنامه‌ریزی را مشخص می‌کند (معین کردن هدف‌ها، تعریف یک مأموریت و پروراندن استراتژی) هم‌چنین تعیین معیارهای جوابگویی، واگذاری مسئولیت‌ها، شناسایی تاکتیک‌ها و زمان‌بندی کار. این راهنما برای پیاده کردن رایگان در نشانی الکترونیکی زیر در دسترس است: newvisionsproject.org/ThiStrat.pdf.

McChesney, Allan. Promoting and Defending Economic, Social, and Cultural Rights: A Handbook [online]. Washington, DC: Association for the Advancement of Science, 2000 [cited March 2004]. Available from World Wide Web: (<http://shr.aaas.org/escr/handbook/>)

منبعی برای سازمان‌های غیردولتی و دیگر کوشندگان در جامعه‌ی مدنی که می‌خواهند جلوی دست‌اندازی‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را بگیرند و این حقوق را در رده‌ی ملی و بین‌المللی افزایش دهند.

Milne, Paul and Glen Schneider. The Effective Action Concept: A Value-Based Tool for Social Good and Personal Power. San Diego: Institute for Effective Action, 1992.

ابزار برنامه‌ریزی و مدیریت برای ایجاد دگرگونی آگاهانه چه در رده‌ی شخصی چه اجتماعی.

Sharp, Gene. 198 Methods of Nonviolent Action. Boston: 1973. Available from World Wide Web: (<http://www.peacemagazine.org/198.htm>)

فهرست ساده، مستقیم، و نیرومندی از شیوه‌های دستیابی به مخاطبان، تفهیم هدف خود و شروع کردن تغییر مورد نظر.

“Using the Internet Strategically.” The Association for Progressive Communications [Cited March 2004]. Available from World Wide Web: (<http://www.apc.org/english/capacity/strategy/index.shtml>)

نام و شرح سوابق سازمان‌های جامعه‌ی مدنی که از تکنولوژی و اینترنت برای پیشبرد حقوق بشر استفاده می‌کنند.

حقوق بشر برای صاحبان مشاغل آزاد

Human Rights for the Business Community

Business for Social Responsibility [online]. San Francisco: Business for Social Responsibility. [Cited March 2004]. Available from World Wide Web: (<http://www.bsc.org>)

مجموعه‌ای از ابزارها و رهنمودها برای کسب و کار مسئولانه، شامل توصیف تاکتیک‌های مرتبط با کسب و کار برای پیشبرد حقوق بشر.

By the Sweat & Toil of Children: Efforts to Eliminate Child Labor (volume V) [online]. U.S. Department of Labor Bureau of International Labor Affairs, 1998 [cited March 2004]. Available from World Wide Web: (<http://www.dol.gov/ILAB/media/reports/iclp/sweat5/overview.htm>)

یک مجموعه از گزارش‌های سالانه، زیر نظر کنگره (آمریکا) برای بررسی وضعیت کار کودکان در ۱۶ کشور و تحلیل رده و انواع کارهایی که برای کاهش استثمار کودکان می‌شود.

تاکتیک خود را با

دیگران در میان بگذارید

پروژه‌ی تاکتیک‌های نوین رویکردهای ابتکاری و نوآورانه را، بدین منظور که به پیشبرد حقوق بشر یاری رساند گرد آورده و ترویج می‌کند؛ و به چالش‌های مداومی که حقوق بشر در سراسر جهان با آن روبه‌روست، پایان بخشد. بسیاری از این نوآوری‌ها نشان داده‌اند که آن‌ها در پیشبرد حقوق بشر بسیار ارزشمنداند، بی‌آن که خارج از خاستگاه اصلی و کشوری که آن تاکتیک‌ها مال آن جاست به خوبی شناخته شده باشند. پروژه ی تاکتیک‌های جدید در حقوق بشر، به کار گیری و تقسیم هرچه بیشتر و گسترده‌تر این تاکتیک‌ها را ترغیب و ترویج می‌کند.

اگر شما درباره‌ی به کارگیری یک تاکتیک ابتکاری و نو چیزی می‌دانید - چه در بخش عمومی یا خصوصی و یا داوطلبانه، در هر نقطه جهان که باشند - لطفاً ما را مطلع کنید! تاکتیک‌های مناسب به پایگاه داده‌های قابل جستجوی ما بر روی اینترنت به نشانی: www.newtactics.org اضافه خواهد شد و یا در چاپ‌های جدید کتاب راهنمای حاضر منظور خواهد گردید.

خواهشمند این پرسش‌نامه را تکمیل کنید و با پست به این آدرس بفرستید:

The New Tactics in Human Rights Project

The Center for Victims of Torture

717 East River Road

Minneapolis MN 55455USA

یا آن را به این شماره فاکس کنید:

+1 6124362606

ATTN: New Tactics

یا این اطلاعات را به این نشانی ایمیل کنید:

newtactics@cvt.org

شما همچنین می‌توانید در نشانی زیر، این پرسشنامه را بر روی اینترنت و به صورت آنلاین پر کنید:

www.newtactics.org

اسم شما :

اطلاعات تماس با شما:

نام سازمان یا کسانی که این تاکتیک را به کار بسته‌اند:

اگر شما مستقیماً دست اندر کار به کارگیری این تاکتیک نبوده‌اید، ما از چه کسی می‌توانیم در این مورد بیشتر کسب اطلاع کنیم؟

تاکتیکی که شما مایلید آن را با دیگران تقسیم کنید چه تاکتیکی است؟

یک تاکتیک عمل مشخصی است که برای تأثیر گذاری بر یک شرایط معین به کار بسته می‌شود.

چه شرایط حقوق بشری وجود دارد که این تاکتیک آن را مدنظر قرار می‌دهد؟

گام‌هایی که برای اجرای این تاکتیک باید برداشته شوند کدام‌اند؟

چه چیزی در مورد این تاکتیک یگانه و استثنایی است؟

تأثیر تاکتیک چه بوده است؟ لطفاً نمونه‌ای را ذکر کنید.